صوره قرات

فهرست قسمهای حکمت عملی و نظری محمد شیرازی

کتاب قرائت

حکمت بر دو قسمست عملی و نظری

نظر ... الاهی ...

19034

21199

در عهد شاه سلیمان صفوی

تحفهٔ شاهی در قرائت

هو الغنی الحمید

بسم الله الرحمن الرحیم

ای ذات تو بی خلاف وشک فرد وقدیم : بی نام تو کی بره رود
دین قویم : بعث رسل وکتب بود حجت تام : بر ذات تو شاهد است
قرآن عظیم : حمد وسپاسی که رائحه فائحه عطر آمیزش
مشام روان حمد گویان بارگاه کبریای احدیت را معطر
گرداند وشکر بی قیاسی که فاتحه نامیه عنبر بیزش مقتضای
آیت وانی هدایت ولئن شکرتم لازیدنکم خلص شاکران
درگاه صمدیت را بوصول درجات مراد وبحصول مراتب
هدایت وارشاد رساند سزای خالق وحکیمی است که بحکمت

بالغه

ابجد هوز حطی کلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ

بالغه قرآن مجید وفرقان حمید را بفحوای کلام بلاغت نظام
انه لقرآن مجید لا یاتیه الباطل من بین یدیه ولا من
خلفه تنزیل من حکیم حمید بر سایر کتب آسمانی مفضل وجمیع
امور واحکام ولوازم ومهام انام را بایضاح صحیح واسلوب
صریح در نهایت فصاحت وبلاغت مرتب ومفصل فرمود
پادشاهی که لوای بهجت افزای طریقه مرضیه قراءت آیات
بینات فرقانی وآیین بلاغت تزیین تلاوت کلمات مبینات
قرآنی را بهمت والا نهمت قاریان عظام ومجودان اولی الالباب
احترام بین الانام برافراشت وترتیل تلاوت وفهم رموز قراءت
بجهة تصحیح عبادت عابدان وشب زنده داران من جمیع
الوجوه لازم وجایز ومقتضی نموده باهمال ومساهله خلق
موقوف نگذاشت فحمدا له ثم حمدا له والوف صلوات طیبات

نافع قالون — ابن کثیر بزی قنبل — ابو عمرو دوری سوسی — ابن عامر هشام — ابن ذکوان عاصم — بکر شعبه حفص — خلف خلاد — ابو الحارث دوری — یعقوب رویس روح

حروفات

ضظطعلا
ضظطدذث ضو اض
ضا
ضي

لهور لهات قاسمر عکشي عکلدي مهر شجري

کتاب قرائت

کتاب قرائت

حکمت بر دو قسمست عملی و نظری

هر دو هر یک بر سه قسمست

تا زبرِ حلاوت شیرین دنا از سیاه است مدینه

نطر بو سه الاهی تبعی هر باور

وصنوف تسلیمات صافیات نثار روضه منوره افضل
افاضل بنی آدم مرکز دایره قدم شهسوار شب اسری فارس
مضمار لی مع الله ذکا ء عرصه آسمان جلالت بدر عالی
قدر فلک رسالت صاحب معجزات ظاهره و مظهر حجج و بینات
متظاهره اعنی محمد المصطفی و بر آل امجاد و اولاد و احفاد
وی سیما عالم علم لدنی قلم لوح سلونی صدر نشین مسند
خلافت و جلالت تمکین صفه امامت رافع الویه
هدایت سرحلقه اولیا سردفتر اصفیا در خور مدح
لافتی لایق نعت هل اتی اسد الله الغالب امیر المؤمنین
علی بن ابی طالب باد اما بعد بر رای عالم آرای ارباب
فطانت و اصحاب ذکا و بصیرت مخفی نماناد که به براهین
صحیحه و ادله صریحه واضح و مبرهن گشته که بهترین

عبادات بدنیه نماز است و نماز بدون تصحیح قراءت و فهم
مخارج حروف درست نیست لهذا درین علم شریف علمای
قراءت کتب و رسائل بسیار مدون و مطالب و مهمات
این علم را مدلل و مبرهن نموده اند شکر الله تعالی مساعیهم
و اعلی فی العلیین مراتبهم و چون این فقیر حقیر
و پیر کثیر التقصیر الملتجی الی حرم وصی رسول الباری ابن ابراهیم
مصطفی القاری در عنفوان شباب میل تام و رغبت ما لا
کلام در تعلیم این علم شریف داشت سعی و کوشش بسیار
نمود چنانچه در حرمین شریفین و سایر اماکن بر استادان
کامل و مجودان واصل کرات و مرات قرآن مجید را خوانده
و از ایشان شنیده و اجازه ها گرفته و لا ینقطع درس گفته
و بر اکثر کتب و رسائل موضوعه درین فن از متقدمین

و متاخرین اطلاع حاصل نموده بتوفیق ملک منان بهره از ین
علم شریف نصیب این پیر ضعیف گردید بتاریخ ماه رمضان
المبارک سنه ۱۰۸۱ هجری در ایام مجاورت روضه مقدسه منوره
غرویه بخاطر فاتر رسید که تاسی بقول اکرام ما سلف نموده
کتابی درین فن شریف تالیف و بنام نامی و اسم سامی
اعلیحضرت گردون رفعت قمر بهجت خورشید طلعت
مریخ صولت دارا درایت سکندر کفایت فریدون
فراست سلیمان حشمت نواب مستطاب فلکجناب
سپهر رکاب پادشاه عالم پناه انجم سپاه خورشید
کلاه زیبنده اورنگ عدالت و گیتی ستانی فروزنده
قنادیل جهان گیری و جهانبانی مسند نشین سریر
سکندری و سلیمانی رواج بخش تاج و نگین فریدونی

و کیخسروی نهال برومند چمن نبوت و سعادت ثمره شجره
گلشن ولایت و امامت گوهر بحر عدل و احسان مروج
مذهب اثنا عشری رفیع البنیان السلطان الاعظم و
الخاقان الامجد الاکرم ظل الله فی العالم السلطان بن
السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان
الموفق بتوفیقات الملک المستعان بحر الفیض و سحاب
الامتنان شاه سلیمان صفوی بهادر خان خلد الله ملکه و سلطانه
و افاض علی العالمین عدله و بره و احسانه مزین و
مشرف گرداند بناء علی ذلک این کتاب را تالیف و بتحفه
شاهی موسوم نمود چون ابتداء تالیف در روضه مقدسه
مرتضویه و اختتام در روضه منوره حسینیه واقع
و ختامه مسک گردید تبرکا و تیمنا بر پنج باب مرتب

کرد انید امید که خاص و عام از شیعیان و محبان وصی
سید الانام ازین کتاب منتفع کشته ثواب این بروزکار
فرخنده آثار رعایند و راجع کردد بحق محمد و آله الطاهرین
المکرمین المعصومین **باب اوّل** در بیان واجبات
قراءت و آن مشتمل بر پنج فصل است **فصل اوّل** در بیان
مخارج حروف و لوازم ان **بدانکه** از جمله واجبات آنست
که مخارج حروف را بدانند و پیش از دانستن مخارج معرفت
اقسام دندانها از جمله لوازم است و آن بر چهار قسم است
اوّل ثنایا که جمع ثنیه است و آن چهار دندان است دو
از پیش رو و از بالا و دو از پایین **دوم** رباعیات که جمع
رباعیه است و آن نیز چهار دندان است دو از حنک
اعلا و دو از حنک اسفل از چهار جانب ثنایا **سیم**

ابناب

انیاب که جمع ناب است که آنرا دندان نیش کویند و آن
هم چهار دندان است دو از کام بالا و دو از کام پایین
از چهار پهلوی رباعیات **چهارم** اضراس که جمع ضرس است
و آن بر سه قسم است **اوّل** ضواحک که جمع ضاحک است
و ان دندانیست که در وقت خنده نمایان میکردد از آن
جهت ضواحک کفته اند و ان چهار دندان است دو از
بالا و دو از پایین از چهار جانب انیاب **دوم** طواحن
که جمع طاحن است که آنرا دندان آسیا کویند چون
غذا بآن نرم میشود از ان جهت طواحن کفته اند
و آن دوازده دندان است شش از بالا و شش از پایین
از چهار جانب ضواحک از هر جانب سه **سیم** نواجذ
بذال معجمه که جمع ناجذ است و آنرا دندان عقل کویند

ء ه ع ح غ خ ق ک ج ش ی ض ل ن ر ط د ت

قریب به بیست سالکی تا سی سالکی بیرون میاید و آن چهار
دندان است دو از حنک اعلا و دو از حنک اسفل از چهار
پهلوی طواحن و چون فارغ شد از اقسام دندانها
که از جمله لوازم است شروع میشود در بیان مخارج
که از جمله واجبات است **بدانکه** مخارج جمع مخرج است
و مخرج مکانی را کویند که حروف از ان تولد کنند و حروف
هجا بقول صحیح بیست و نه است و مخارج بمذهب اصح
هفده است **اوّل** ابتداء حلق است از جانب قصبه شش
و آن مخرج همزه و ها است **دوم** وسط حلق است و آن
مخرج عین و حاء مهملتین است **سیم** آخر حلق است
و آن مخرج غین و خاء معجمتین است و این شش حرف را
حلقی کویند **چهارم** اوّل بیخ زبان است با انچه محاذی اوست

از حنک

ظ ذ ث ص س ز ف ب م و ا و ی ن م

از حنک اعلا و آن مخرج قاف است **پنجم** نیز بیخ زبان است بعد
از مخرج قاف باندک فاصله با انچه برابر اوست از کام بالا
و آن مخرج کاف است **ششم** میان زبان است با انچه برابر
اوست از کام بالا و آن مخرج جیم و شین نقطه دار و یاء
غیر مدیست **هفتم** اوّل کناره زبان است که آنرا حافه کویند
از جانب راست یا چپ با انچه برابر او است از دندانهای
اضراس و آن مخرج ضاد است **هشتم** آخر کناره زبان است
با انچه برابر اوست از بیخ دندانهای بالا و آن مخرج لام است
نهم سر زبان است نزدیک بمخرج لام با انچه برابر
اوست از بیخ دندانهای بالا و آن مخرج نون است **دهم**
سر زبان است بعد از مخرج نون باندک فاصله با انچه
محاذی اوست از بیخ دندانهای بالا و ان مخرج راء

۳ و این حروف را شجری کویند صح

۲ و این حرف را ضرسی کویند صح

و این حروف را لثوی گویند جهت آنکه نزدیک لثه است

بی نقطه است نهم سر زبان ست با بیخ دندانهای ثنایاء علیا وآن مخرج طا و دال مهملتین و تاء مثناة فوقانی ست

دهم سر زبان است با سر دو دندان پیش بالا وان مخرج ظا و ذال معجمتین و ثاء مثلثه است

و این حروف را لثوی گویند

یازدهم نیز سر زبان است با سر دو دندانهای ثنایای سفلی وآن مخرج صاد و سین مهملتین و زاء معجمه است

و این حروف را اسلی گویند

دوازدهم سر دو دندان پیش بالاست با شکم لب پایین وآن مخرج فا است سیزدهم میان دو لب ست وآن مخرج با و میم و واو غیر مدی است اما با از تری لب خیزد یعنی درون لب و میم از خشکی لب یعنی بیرون لب و در واو لب نیک بهم نیاید و این چهار حرف را شفوی گویند

چهاردهم هوای فضای دهن ست وان مخرج الف و واو

مد

مدی و یای مدی ست پانزدهم خیشوم ست یعنی سوراخ بینی که غنه از وی بیرون آید وآن مخرج نون و میم است در حال اخفاء با غنه یا ادغام با غنه و مراد از غنه آوازیست که در دماغ بپیچد شود بدانکه آداب و طریقه در امتحان دانستن مخرج آنست که آن حرف را ساکن کنند و همزه مفتوحه در اول وی در آورند و باو تکلم کنند تا در مخرج خود قرار گیرد مثل اَبْ و اَتْ و اَثْ و علی هذا القیاس الا حروف مد که امتحان در ایشان ممکن نیست زیرا که ایشان را مخرج معین نیست

فصل دوم

در بیان مد و سبب مد بدانکه مد متصل از جمله واجبات ست اما مناسب آنست که درین فصل ذکر شود و اشاره بهر یک از متصل و منفصل در محل خود ذکر کرده خواهد

و مد منفصل از جمله جائزات مستحسنات است

شد تا از یکدیگر ممتاز کردند بدانکه حروف مد سه است الف ساکن ما قبل مفتوح و واو ساکن ما قبل مضموم و یای ساکن ما قبل مکسور مثال هر سه اُوذِینَا و سبب مد دو است همزه و سکون و مد بر دو نوع ست طبیعی و غیر طبیعی و مد طبیعی عبارت از امتدادیست که حاصل شود از ذات حروف مد بقدر تلفظ بایشان بدون سببی مثل قَالَ وَقَالُوا وَقِیلَ و این نوع مد را علماء قراءت یک الف مد تقدیر کرده اند و این یک الف مد را مد طبیعی و اصلی و ذاتی گفته اند و مد غیر طبیعی عبارت ست از زیادتی این امتداد و آن زیاده را مد فرعی و عرضی و غیر اصلی گفته اند و قصر عبارت ست از ترک این امتداد و ابقاء مد طبیعی و زیاده امتداد در الابد است

ازسبی

از سببی و سبب لفظی باشد یا معنوی و سبب لفظی دو چیز است همزه و سکون اما سبب مد هرگاه همزه باشد خالی از آن نیست که مقدم خواهد بود بر حرف مد یا مؤخر و اگر مقدم باشد مثل اٰمَنَ وَاُوتِیَ وَاِیمَانًا مد او مخصوص است بقراءت نافع بروایت ورش و اگر مؤخر باشد خالی از آن نیست که مجتمع اند هر دو در یک کلمه یا متفرق پس اگر حرف مد و سبب هر دو در یک کلمه جمع شده باشند مثل جَاءَ وَسُوءَ وَجِیءَ آنرا مد متصل واجب گویند و اگر حرف مد در کلمه باشد و سبب در کلمه دیگر مثل بِمَا اُنْزِلَ وَقَالُوا اٰمَنَّا وَفِی اَنْفُسِهِمْ آنرا مد منفصل سنت و جایز خوانند و بعضی از قراء درین مد قصر نموده اند اما عاصم را در مد متصل و منفصل چهار الف

مد است پس نزد عاصم هردو مد فی تفاوت است وگاه هست
که حرف مد از اشباع حرکت بهم میرسد مثل لَهُ وَبِهِ
که از اشباع ضمه واو حاصل شود واز اشباع کسره یا پس
اگر بعد از ایشان همزه باشد مثل وَمَا نُنَزِّلُهُ اِلَّا بِقَدَرٍ
وَبِهِ اَنْ وَاَجَا مد باید کرد واین نوع مد را مد اشباع
وسنت گفته اند واز جمله مستحسنات شمرده اند واگر
بجای حرف مد حرف لین باشد وآن واو ساکن ما قبل مفتوح
ویای ساکن ما قبل مفتوح است مثل خَوْفَ وَخَيْرٍ پس اگر
بعد از ایشان همزه باشد متصل در یک کلمه مثل سَوْءٍ
وَشَيْءٍ در حالت وصل بغیر از قصر نباشد الا ورش
که راوی نافع است که او در حالت وصل طول وتوسط
کند ودر حالت وقف طول وتوسط وقصر است از برای

همه

همه قرا واگر بعد از ایشان ساکن باشد لازم خواهد بود یا
عارض وبر هر تقدیر مدغم خواهد بود یا مظهر اما لازم
مشدد دو لفظ است در قراءت ابن کثیر هٰاتَيْنِّ وَ
اَرِنَا اللَّذَيْنِّ از برای وی طول وتوسط باشد ولازم
غیر مشدد حرف عین است در دو موضع در فاتحه سوره مریم
واول سوره شوری جمیع قرا در آن طول وتوسط باشد
واما ساکن عارض مشدد اللَّيْلَ لِبَاسًا وَكَيْفَ فَعَلْنَا
در قراءت ابو عمرو هر سه وجه طول وتوسط وقصر
از برای وی جایز باشد وساکن عارض غیر مشدد
مثل الْمَيْتَ وَالْحُسْنَيَيْنِ وَالطَّوْلِ وَالْخَوْفِ در حالت وقف
باسکان یا باشمام در آنچه اشمام جایز باشد همان سه وجه
طول وتوسط وقصر در وی جایز است واین نوع مد پیش

بعضی از قرا از جمله مستحسنات است واما سبب مد هرگاه
سکون باشد لازم خواهد بود یا عارض وبر هر تقدیر مد
غم خواهد بود یا مظهر مثال سکون لازم مدغم مثل
دَآبَّةٍ وَلَا الضَّآلِّينَ وَاَتُحَآجُّونِّي وَتَأْمُرُونِّي
واین نوع مد را مد سکون لازم مدغم ومد عدل نیز
گفته اند ومثال سکون لازم مظهر مانند آلْآنَ در دو
موضع در سوره یونس ع وسکون لازم مدغم ومظهر
هردو در حروف مقطعه نیز می باشند وحروف مقطعه
حروفی اند که در ابتداء سور مکتوب اند وآن چهارده حرف اند
وانچه مد در ایشان لازم است مشروط بسه شرط است
اول انکه بنای هجای ایشان در حال تلفظ بسه حرف
باشد دوم حرف وسط حرف مد باشد سیم حرف ثالث

ساکن

ساکن باشد پس در الف الٓمٓ مد نباشد زیرا که حرف
وسط حرف مد نیست ودر عین که در اول سوره مریم
وشوری است خلاف کرده اند زیرا که حرف وسط حرف
مد نیست بلکه حرف لین است وانچه مد در ایشان
باشد مجتمع اند در ترکیب قَنَصَ كُعَسَل وانچه مد در ایشان
نباشد مذکورند در کلمات رَهْ يَطْحَ مثال سکون
لازم مدغم مثل لام الم والمص والمر وسین طسم دوگانه
وبروایت بکر نون یس در واو والقرآن ونون ن در
واو والقلم مثال سکون لازم مظهر مانند میم الم والمص
والمر وص المص وکهیعص وسوره ص وبروایت
حفص نون یس ونون ن وباقی حروف
مقطعه همه مظهرند واحتیاج به بیان نیست

زیراکه هریك دراول سوره مکتوبند ومد حروف مقطعه
خواه مدغم وخواه مظهر ازجمله واجبات اند بلکه قرا
تاکید ومبالغه درمد ایشان زیاده کرده اند مثال
سکون عارض مدغم مثل قَالَ لَهُمْ وَالرَّحِيمِ مَلِكِ درقراءت
ابي عمرو مثال سکون عارض مظهر مانند اُولُوا الاَلْبَابِ
وَيُوقِنُونَ وَنَسْتَعِينُ ودرسبب سکون هرچه لازم باشد
همه قرا متفق اند درمد آن بطریق اشباع وکسی را دران
خلاف نیست وانچه عارض باشد طول وتوسط وقصر
دران جایز باشد وازجهت اعتبار بعارض طول وعدم
اعتبار آن قصر ورعایت جانبین توسط واین سه
وجه کاهي باشد که وقف باسکان یا باشمام کرده
باشند درانچه اشمام رود واکر روم کنند بغیر از قصر

نباشد

نباشد زیراکه روم انداختن چهارد انك حرکت است
وباقی داشتن دو دانك چون بعضی از حرکت باقیست
حکم وصل دارد ازان است که دراو بغیر از قصر نیست واسکان
در حرکات ثلث جایز است واشمام درضمه مي باشد وبس
وروم درکسره وضمه هردو مي باشد پس درمثل کلمه نَسْتَعِينُ
درحالت وقف هفت وجه محتمل است طول وتوسط وقصر
بااسکان وطول وتوسط وقصر بااشمام وقصر باروم
ودرمثل مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ چهار وجه طول وتوسط وقصر
بااسکان وقصر باروم ودرمثل يُؤْمِنُونَ سه وجه طول
وتوسط وقصر بااسکان ومراد ازطول مد تمام است
که بنا برقراءت عاصم چهار الف باشد وتوسط دوالف
وقصر یك الف وتقدیر چهار الف کردن خالی از اشکال

نیست بعضی کفته اند سماعی است ازاستاد کامل مشافهه
باید شنید وبعضی کفته اند بعقد انکشتان معلوم مي
توان کرد مثلا براي هرالف یك انکشت عقد کنند نه بسیار
ازروي آهستکی ونه بسیار ازروی سرعت بلکه حد و
سط را اختیار کنند وعلی هذا القیاس وبعضی ازاستادان
کفته اند هرجا مدی باشد که طول وتوسط وقصر دران
جایز باشد درطول سه الف ودرتوسط دوالف ودرقصر
یك الف تقدیر کنند والله اعلم وکفته اند درهرمدي
که طول وتوسط وقصر جایز است ودران کلمه حرف مد
باشد مثل نَسْتَعِينُ طول اولی است ازتوسط وتوسط
اولی است ازقصر واکر بجاي حرف مد حرف لین باشد
مثل شَيْءٍ قصر اولی است ازتوسط وتوسط اولی است ازطول

واما

واما سبب مد هرکاه معنوی باشد وآن قصد مبالغه است
درنفی وآن ازبراي حمزه باشد مثل مد کردن درکلمه
وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ وَمَا كَانَ اللهُ لِيُعَذِّبَهُمْ
وَلَا يَظْلِمُونَ وَلَا رَيْبَ ومانند اینها هرجا نفی باشد
جهت مبالغه درنفی مد کنند وازین جمله است مد تعظیم
درکلمه طیبه توحید مثل لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَلَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ
وَلَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ که قاصرات مد منفصل جهة تعظیم
وقصد مبالغه درنفی شریك ازذات مقدس حضرت
باري تعالی اینجا مد میکنند که قصد سبب معنویست نه سبب
لفظی که آن همزه ایست منفصل که بعد ازحرف مد واقع شده
زیراکه سبب لفظی ملحوظ ایشان نیست بلکه سبب معنوی
مقصود ایشان است وآن قصد مبالغه درنفی

شریان است از حضرت باری تعالی و همه قرا درین مد متفق اند
بدانکه هرگاه سبب مد از صفت خود متغیر شود خواه همزه
وخواه سکون مد و قصر جایز باشد بنا بر اعتبار ناکردن
بعارض و اعتبار آن پس اگر میم الم اول سوره آل عمران را
وصل کنند بلفظ الله که بعد از وست در مد میم همه قرا
طول و قصر کنند بنا بر عدم اعتبار بعارض و اعتبار آن
وکلمه وَاِنْ جَاءَ اَمْرُنَا بحذف همزه اولی درین حال قصر
اولی باشد که اثر سبب باقی نیست و اگر اثر سبب باقی باشد
مثل هٰؤُلَاءِ اِنْ كُنْتُم بابدال همزه اولی بیا در قراءت
بزی و قالون درین حال مد اولی باشد فایده بدانکه
در قرآن عظیم و فرقان کریم شش موضع است که همزه
استفهام با الف لام تعریف جمع شده و همزه الف لام

تعریفرا

تعریف را بدل کرده اند بالف و آن کلمه آلذَّكَرَيْنِ است
در دو موضع در سوره انعام وَآلْآنَ در دو موضع
در سوره یونس وَآللّٰهُ در دو موضع یکی در سوره
یونس و دیگری در سوره نمل و در این مواضع باتفاق
همه قرا مد واجب و لازم باشد جهت رفع التقاء
ساکنین و این را مد تفرقه و منقلب و مبدل گفته اند
تفرقه جهت آن گویند که این مد تفرقه کرده میان
همزه خبری و استفهامی زیرا که در همزه استفهام مد
میباشد نه در خبری و منقلب و مبدل جهت آن
گویند که همزه خبری منقلب و مبدل بالف شده و جمیع قرا
متفق اند در مد و تسهیل آن و مراد از تسهیل اینجا
همزه ثانی را کالالف ادا کردن است و تسهیل در لغت

نفی تسهیل

آسان کردانیدن است و در اصطلاح قرا همزه ثانی را
میان همزه و الف خواندن است هرگاه همزه اول مفتوح
باشد فصل سیم در بیان اعوذ بالله گفتن
و بسم الله خواندن و اگرچه ذکر اعوذ بالله درین باب
مناسب نبود زیرا که از جمله مستحسنات است اما چون
مقدم بر تلاوت است و بعضی از قرا بر وجوب آن
رفته اند بنا بر آن درین فصل ذکر شد بدانکه استعاذه
کردن را در اول تلاوت علما سنت میدانند و اکثری از قرا
نیز بر آنند که اعوذ بالله گفتن در اول قراءت از جمله
مستحسنات است و بعضی گفته اند که از واجبات است
و متمسک شده اند بآیه کریمه که در سوره نحل واقع است
فَاِذَا قَرَأْتَ الْقُرْاٰنَ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيم

وزین

وزین القرا و فخر القدما الواصل الی جوار رحمة الله الملك
الباری مولانا عماد الدین علی الشریف القاری که یکی از
اکابر دین مبین و علما و قراء کلام رب العالمین است
در بعضی از تصانیف خود ذکر کرده که استعاذه را
بعضی از واجبات شمرده اند اما آنچه این فقیر حقیر
از استاد قدسی ذات ملکی صفات الواصل الی جوار
رحمة الله الملك هُوَ اَمَاتَ وَاَحْيَى دایم در مقام صدق
7 و رضا اعنی حاجی محمد رضا حافظ حرم محترم علی بن موسی
الرضا علیه افضل التحیه و الثناء شنیده فرمودند
که اولی و مفتی به آنست که از مستحسنات است و صیغه
وی بمذهب اصح اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيم است
و زیاده برین جایز داشته اند و آن در کتاب ارشادا

القاری که تالیف این داعیست منکور است اما آنچه فقیر
از استاد خود و علماء قراءت شنیده آنست که باعوذ
بالله من الشیطان الرجیم اکتفا کنند که در سوره مبارکه
نحل همین واقع شده و گفته اند اگر در حضور قاری مستمعی
باشد سنت است که بلند گوید و اگر مستمعی نباشد یا در نماز
باشد آهسته بخواند و وقف بر آن و وصل بما بعد آن
از قرآن خواه بسم الله و خواه غیر بسم الله جایز است
و بعضی گفته اند که از آداب ادب دور است که اسم
شیطان ملعون الرجیم را با اسم رحمن الرحیم وصل کنند
بدان اسعدك الله تعالی فی الدارین که بسم الله الرحمن الرحیم
خواندن در اول هر سوره از سور قرآنی از جمله لوازم است
بنا بر قراءت عاصم و جمعی که با او متفق اند که ایشان اصحاب

بسم الله

بسم الله گویند مثل قالون و کسائی و ابن کثیر الا سوره
براءت که هیچ یک از قرا خواه در اول و خواه در وسط بسم الله
گفتن را جایز نداشته اند بلکه تاکید و مبالغه در ترک
آن نموده اند زیرا که بسم الله از برای امان است و در براءت
امان نیست چنانکه حضرت ملك جبار جل و عز اسمه میفرماید
که فاقتلوا المشرکین حیث وجدتموهم و نیز میفرماید که و
قاتلوا المشرکین کافة پس اگر ابتدا با آیه یا خمسی یا عشری
یا حزبی یا نصفی یا جزوی از سوره قرآنی کند مختار است
که بسم الله گوید یا ترك کند و در اجزاء سوره براءت ترك
اولی است و خلاف است میان قرا در اول هر سوره ابتدا
به بسم الله کردن و ترك آن نمودن و عاصم و قالون و ابن
کثیر و کسائی که اصحاب بسم الله اند ایشان ترك بسم الله

در اول سوره جایز نمیدانند بلکه پیش ایشان ابتدا
به بسم الله در اول هر سوره از سوره قرآنی از جمله لوازم است
و باقی قرا ترك کرده اند و هرگاه خواهند بسم الله را وصل
کنند بسوره چهار صورت محتمل است اول وصل طرفین
دوم قطع طرفین سیم قطع اولی و وصل ثانی چهارم وصل
اولی و قطع ثانی و وجه ثالث اولی وجوه است و وجه رابع
نزد قرا قبیح و ناپسندیده است فایده علماء قراءت گفته اند
که نه سوره است که بسم الله الرحمن الرحیم را با ایشان وصل
نباید کرد اول سوره محمد صلی الله علیه و آله دوم لا اقسم
بهذا البلد سیم عبس و تولی چهارم ویل للمطففین پنجم لا اقسم
بیوم القیمة ششم لم یکن هفتم الهیکم هشتم ویل لکل همزة نهم
تبت یدا فصل چهارم در بیان اختلافات قرا و سبعه

درفاتحه

درفاتحه و اخلاص بدانکه سوره فاتحه هفت آیه است
بی خلاف و در تعیین آیه خلاف کرده اند جمعی بسم الله
الرحمن الرحیم را یك آیه گفته اند و صراط الذین انعمت علیهم
غیر المغضوب علیهم و لا الضالین این مجموع را یك آیه
دانسته اند و بعضی بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب
العالمین این مجموع را یك آیه شمرده اند و صراط الذین
انعمت علیهم را یك آیه گفته اند و این سوره مکی است
و جماعتی بر آنند که مکی و مدنی است و دو نوبت نازل شده
و این سوره را فاتحه الکتاب و ام القرآن و سبع المثانی
و سورة الحمد گفته اند و این سوره صد و بیست و چهار
حرف است با بسم الله و مجموع بیغمران صد و بیست و چهار
هزار اند هر که این سوره بخواند حضرت واهب العطایا

ثواب صد و بیست و چهار هزار پیغمبر باو کرامت کند اللهمّ
ارزقنا تلاوته فی آناء اللیل و اطراف النهار و احشرنا
مع محمّد و آله الابرار بحقّ محمّد و آله الاطهار و چون
بدون سوره فاتحه الکتاب نماز صحیح نیست بنا بر آن واجب
و لازم است بر قاری که این سوره را بتجوید و ترتیل بخواند
تا نماز صحیح باشد یعنی باید که هر حرفی را از مخرج مقرره
خود اخراج کند و رعایت تشدید و اعراب آن نماید و بعضی
صفات آن قدر واجب است که حروف از یکدیگر ممتاز کردن
و همه واجب را بجا آرد و رعایت نظم قرآن کند و بعضی
از استادان گفته اند که بر قاری لازم است که در حال
تلاوت هر کلمه را که بوصل باید خواند مثل قُلِ اللّهُمَّ وَ رَسُولُ الله
بوصل خواند و هر کلمه را که بوصل نباید خواند حروف آن کلمه
در آن

در آن کلمه تمام کند بعد از آن شروع بکلمه دیگر کند یعنی چنان نخواند
که حرف آخر کلمه سابق را جزو اوّل کلمه لاحق سازد مثل یُوقَ
شُحَّ نَفْسِهِ را قَشُحَّ خواند و لَومَةَ لائِمٍ را تَلائِمٍ گوید و مَوَدَّةً
بَيْنَكُمْ را تَبَيْنَكُمْ قراءت کند و امثال اینها و باین نوع تلاوت
کردن قبیح و مذموم است و تردید با آن است که قرآن
از نظم بیرون رود چنانکه جمعی از قرّا بر آنند که باین طریق
تلاوت کنند هفت موضع است در سوره حمد که شباهت
باسم شیطان بهم میرسانند اوّل دُلِلِ دوم هِرَبِّ سیم كَيَوْ
چهارم كَنَعْ پنجم كَنَسْ ششم تَعَلْ هفتم بَعَلْ غرض از این کلمات
مذکوره آنست که دال را از آخر کلمه الحمد قطع نکند و باول
کلمه لله وصل نکند که دُلِلْ شود و ها را از لله جدا نکند
و برب نچسبانند که هِرَبّ گردد و کاف را از مالک قطع نکند

و جزو اول یوم الدین نکردانند که کِیَوْ شود و کاف را از ایاک
جدا نکند و باول نعبد نچسبانند که کَنَعْ گردد و کاف را
از و ایاک قطع نکند و به نستعین وصل نکند که کَنَسْ
شود و تا را از انعمت جدا نسازد و به علیهم داخل نکند
که تَعَلْ گردد و با را از غیر المغضوب قطع نکند و به علیهم
وصل نکند که بَعَلْ شود و بعضی از استادان گفته اند
که هرگاه کلمات مذکوره را اگر چنان خواند که دُلِلْ و هِرَبْ
شود شباهت باسم شیطان بهم میرسانند با اینکه
اسم شیطان در حمد نیست پس این تاکید و مبالغه از بابت
از جانب قرّا که چون صحت نماز بخواندن فاتحه الکتاب است
کمال احتیاط در تلاوت و قراءت آن بجا آرد چنانکه
حرف ساکن را متحرک و متحرک را ساکن و مشدد را مخفف
و مخفف را

و مخفف را مشدد نکردانند تا باعث افساد نماز نشود و در بعضی
از کتب قراءت مکتوب بود که در حمد پنجاه و یک موضع است
باید که احتیاط کند تا نماز صحیح باشد ذکر آن باعث
تطویل میشد امّا آنچه اهم و لابد است این داعی آن مواضع را
درین مختصر ذکر کند اوّل بای بسم الله را از مخرج خود که میان
هر دو لب است یعنی از تری لب که داخل لب است اخراج کند
و اگر از خشکی لب که بیرون لب است ادا کند گاه باشد که مشتبه
شود بمیم و بسم الله مسم الله گوید و نیز مشتبه بپا شود
چنانکه فارسی زبانان پدر و پسر گویند و بسم الله بسم الله
خواند و در سین رعایت صفیر کند تا بکمال از مخرج ادا
شود و لفظ جلاله که ما قبل او مکسور است ترقیق
بجا آرد و ملاحظه نماید که در راء مشدد تکریر

نشود و حرف سابق را بحرف مشدد بزنند تا تشدید بفعل
آید و ضمه دال الحمد را اشباع نکنند که واو تولید کند و همچنین
کسرهٔ ها را نیز اشباع نکنند که یای بهم رسد و کاف مالك را
فشار ندهد چنانکه صوت زیادتی بهم رسد که از مخرج
بگردد و همزه را در هر دو موضع بیای ایاك بزنند تا شدت
بفعل آید و فتحه کاف ایاك و ایاك اشباع نکنند که الف
تولید کند و در کلمه نستعین رعایت صفت صفیر در سین
و همس در تا و استفال در هر دو بجا آرد تا سین بصاد و تا
بطا مبدل نگردد و در کلمه الصراط و صراط در هر دو موضع
رعایت صفت استعلا و اطباق نماید تا صاد بسین و طا
بتا مبدل نشود و نون انعمت را اظهار کنند و در ضاد
که درین سوره در دو موضع واقع است صفت استعلا

واطباق بجا آرد و در صفت استطاله نیز مبالغه تمام نماید
تا از مخرج ظا اخراج نشود و صفیر نکنند تا مشتبه بزا نگردد
بدانکه عاصم و کسائی مالك باثبات الف خوانده اند که اسم
فاعل باشد و باقی قرا بحذف الف ملك میخوانند که صفت مشبهه
باشد و ابو عمرو ادغام کرده میم الرحیم را در میم مالك و [illegible]
در مد سه الف و دو الف و یک الف و باقی قرا باظهار خوانده اند
و حمزه همزه لفظ ایاك و ایاك را در وقف بتحقیق و تسهیل
کالیا خوانده و باقی قرا در وقف و وصل بتحقیق میخوانند و
و حمزه نیز در حال وصل مثل باقی قرا بتحقیق روایت میکنند
و قنبل که راوی ابن کثیر است لفظ الصراط و صراط را بسین
خوانده و باقی قرا غیر حمزه بصاد خالص میخوانند و خلف
که راوی حمزه است کلمه الصراط و صراط را باشمام خوانده

یعنی خلط کرده صاد را بزا چنانکه نه صاد صریح باشد و نه
زای صریح و خلاد که راوی دیگر وی است الصراط را اشمام
کرده و صراط را بصاد خالص خوانده و حمزه علیهم را در هر دو
موضع بضم ها خوانده وقفاً و وصلاً و باقی قرا بکسر ها میخوانند
و ابن کثیر بی خلاف و قالون بخلاف عنه بضم میم علیهم
در هر دو موضع میخوانند و اشباع نیز میکنند چنانکه واو
از ضمه میم تولید کند و باقی قرا باسکان میم خوانده اند بدانکه
اسعدك الله تعالی فی الدارین که سورهٔ اخلاص مکیست
و بعضی بر آنند که مدنیست و نوزده کلمه است و شصت و
شش حرفست و این سوره نزد مکی و عراقی چهار آیه است
و نزد مکی و شامی پنج آیه است زیرا که ایشان لم یلد را
یک آیه میدانند و مدنی و عراقی لم یلد و لم یولد این

مجموع را یك آیه دانسته اند و تجوید این سوره بنوعی است
که در سوره حمد گفته شد پس باید هر حرفی را از مخرج خود با
صفات مقرره اخراج کند و چنان تلاوت کند که ساکن
متحرك و متحرك را ساکن نگرداند و لفظ احد که در اول
سوره واقع است اگر وصل کند باسم جلاله در آن هنگام
نون تنوین را کسره باید داد و بترقیق باید خواند و اگر در کلمه
احد وقف کند و ابتدا بلفظ جلاله نماید در این حال بتفخیم
باید نمود و حرف دال که در آخر الفاظ این سوره مکتوب است
قلقله کند و اگر بر آن کلمه وقف کند قلقله زیاده باید کرد
و نون لم یکن را در لام له ادغام بی غنه از برای جمیع قراء
بجای باید آورد و حفص که راوی عاصم است کفواً بضم
فا و فتح واو و همزه خوانده و بکر که راوی دیگر عاصم است و

جمعی از قرا کُفُواً بضم فا و فتح همزه بجای واو میخوانند و حمزه
کُفْواً بسکون فا و فتح همزه منونا خوانده در حالت وصل
و در حالت وقف نقل میکند حرکت همزه را بفا و حذف همزه
میکند که کفا باشد و نیز در وقف بدل میکند همزه را بواو
مفتوحه که بعد از وی الف باشد بدل از تنوین و
بسکون فا که کُفْواً باشد و خلف که راوی حمزه است بسکون
فا و همزه منونه خوانده وقفا و وصلا و باقی قرا بضم فا و
همزه منونه میخوانند فصل پنجم در بیان
هاء کنایه بدانکه هاء کنایه هر ها نیست که ضمیر مفرد
مغایب مذکر باشد مثل بِهِ وَلَهُ وَفِيهِ وَعَلَيْهِ وَنَصَرُوهُ
وَفَعَلُوهُ وَاجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ و بباید دانست که انچه
معتبر است نزد قرا حال تلفظ است زیرا که بسیار چنین هست

در قرآن

کُفُوًا کُفُاً
کُفْأً
کُفًا کُفُوًا

در قرآن که در خط هست در تلفظ در نمی آید مثل الف انا و الف
بعد از واو جمع مانند قالوا و واو اولئک و اولات و بسیار
چنین هست که در خط نیست و در تلفظ در میآید مثل واو
داود و یلوون و تلوون و یستوون و ورِی که این الفاظ
بدو واو خوانده میشوند و در کتابت بیک واو مکتوب اند
و هاء کنایه نیز ازین قبیل است که او را بیک حرف می نویسند و در حال
صله در تلفظ از ضمه واوی و از کسره یائی حاصل میشود که در
صورت کتابت مکتوب نیست پس هر گاه ماقبل و مابعد وی
هر دو متحرک باشد مثل وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ وَبِهِ كُلٌّ جمیع قرا متفق اند
در صله آن و اگر ماقبل و مابعد هر دو ساکن باشد مثل مِنْهُ
اسْمُهُ وَعَلَيْهِ اللهَ هیچ کس صله نکنند و اگر ماقبل متحرک و ما
بعد ساکن باشد مثل بِهِ اللهَ وَوَجْهُ اللهِ نیز هیچکس صله

و اگر ماقبل ساکن و ما بعد متحرک باشد مثل فِيهِ سَوَاءٌ وَمِنْهُ وَفَضْلًا همچکس صله نکند مگر
نکنند الا ابن کثیر و حفص که راوی عاصم است موافقت
کرده بوی در لفظ فِيهِ مُهَانًا در سوره فرقان و بباید
دانست که بعضی از احکام مذکوره در بعضی از الفاظ مخصوصه
جاری نیست مثل يُؤَدِّهِ وَنُصْلِهِ و امثال اینها زیرا که بعضی
بحرکت ها وصله خوانده اند و جمعی بسکون ها و عدم صله
قراوت کرده اند بدانکه يَرْضَهُ لَكُمْ در سوره زمر در قرائت
عاصم بغیر صله خوانده میشود زیرا که اصل او يَرْضَاهُ لَكُمْ
بوده بجهت حرف شرط الف منقلب از یا افتاده و ترتیب
آیه مبارکه برین نهج است وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ
و هاء نَفْقَهُ در سوره هود هیچ یک از قرا صله نکرده اند
زیرا که از اصل کلمه است نه ضمیر و هاء لَمْ يَتَسَنَّهْ وَلَمْ
تَسَنَّهْ خواه بصیغه غیبت و خواه بصیغه خطاب

هرجا

هرجا واقع شود نیز هیچ کس صله نکنند زیرا که از اصل کلمه است
نه ضمیر مفرد مغایب مذکر و بباید دانست هاء سکت
که مذکور میشود اگر چه از اصل کلمه نیست اما آن هاء
همیشه ساکن است خواه در حال وقف و خواه در حال
وصل و حرکت دادن آن پیش قرا غلط و مذموم است
و هاء سکت بسیار است و شیخ جزری اکثر آنرا در کتاب
نشر مذکور ساخته و انچه درین کتاب مذکور میگردد هاء ساکن است
هفت موضع است اوّل لَمْ يَتَسَنَّهْ در سوره البقره
دوّم اقْتَدِهْ در سوره انعام سیم كِتَابِيَهْ اصلش کتابی بوده چهارم
حِسَابِيَهْ پنجم مَالِيَهْ ششم سُلْطَانِيَهْ هر چهار
در سوره الحاقه هفتم مَاهِيَهْ در سوره القارعه
~~فصل~~ باب ثانی اوّل باب در بیان مستحسنات قرات و این

باب دوم

صفات حروف

مبنی بر پنج فصل است **فصل اول** در بیان صفات
حروف **بدانکه** صفات حروف از جمله مستحسنات است
و علما گفته اند که از صفات اتفاق واجب است که حروف
از یکدیگر ممتاز کردند پس هر حرفی را با صفات مقرره
تکلم باید کرد تا بکماله از مخرج ادا شود و صفات مشهوره
ده اند هر پنج ضد پنج دیگر اند همس ضد جهر شدید
ضد رخوه استعلا ضد استفال اطباق ضد انفتاح
انزلاق ضد اصمات **همس** فرود داشتن آواز است
چون در محل تکلم با این حروف صوت ضعیفی بهم میرسد
و نفس بآن جاری میشود و بستگی بهم نمیرساند چنانکه
در ضعف منقطع میگردد ازان جهت مهموسه گفته اند
وآن ده حرف اند مجتمع در کلمات فحثه شخص سکت

دباقی

وباقی حروف همه صفت جهر دارند **جهر** آواز بلند را گویند
چون آواز در محل تکلم با این حروف بلند میشود و نفس بان
جاری نمیشود بلکه دران بلندی بستگی بهم میرسد و صوت
منقطع میگردد ازان جهت جهر نامیده اند وآن نوزده[19] حرف اند
مجتمع در ترکیب ظل قو ربض اذ غزا جند مطیع **شدیده**
سختی را گویند چون این حروف از مخرج خود بسختی ادا
میشوند ازان جهت شدیده نامیده اند وآن هشت
حرفند مجتمع در کلمات اجد قط بکت وباقی حروف
بعضی ازیشان صفت رخوه دارند و بعضی دیگر را مابین
شدیده و رخوه میگویند **رخوه** سستی را گویند چون این
حروف بسستی از مخرج ادا میشوند بنا بران رخوه گفته اند و
آن شانزده حرف اند که رخاوت محض اند مجتمع در ترکیب

وان لم نزع بو

خس شخص وهز فظ غاض ثذی و پنج دیگر را مابین شدیده
و رخوه شمرده اند مجتمع در ترکیب لم نزع یعنی نه همچنان
سخت میشوند که از شدیده باشند ونه چنان سست
سست میکردند که از رخوه باشند پس مابین شدیده و رخوه
باشند ~~وهمچنا~~ **استعلا** طلب بلندی کردن است
چون زبان در محل تکلم با این حروف میل بکام بالا میکند
ازان جهت مستعلیه نامیده اند وآن ~~حروف~~ هفت
حرف اند مجتمع در کلمات خص ضغط قظ وغیر این
هفت حرف همه صفت استفال دارند **استفال** طلب پستی کردن است
چون زبان در محل تلفظ با این حروف میل بکام پایین میکند
بنا بران مستفلیه گفته اند وآن بیست و دو حرف است
مجتمع در ترکیب شرف بحث کن زع ذی جال تدو نسه **اطباق**

طبق

سرحم

طبق کردن و پوشانیدن است چون زبان در محل تکلم با این
حروف مثل طبقی میشود و کام بالا را میپوشاند ازین جهت
مطبقه نامیده اند وآن چهار حرف اند مجتمع در ترکیب
صض طظ وغیر این چهار حرف همه صفت انفتاح
دارند **انفتاح** کشاده شدن است چون زبان در محل
تلفظ با این حروف از کام بالا کشاده میشود ازان سبب
منفتحه گفته اند وآن بیست و پنج حرف اند مجتمع در کلمات
تجد ابحر خش قزع غنم ذیل سوف کفه **انزلاق** طرفی و تیزی
هر چیزی را گویند چون این حروف سه طرف لسان و سه
از طرف شفتین اخراج میشوند و در مخرج خود خفیف اند
و بسبکی تمام ادا میشوند بنا بران منزلقه نامیده اند و
این شش حرف اند مجتمع در ترکیب فر من لب وباقی حروف

همه صفت اصمات دارند اصمات بمعنی ثقل ومنع است
چون این حروف ثقیل وگران از مخرج خود اخراج میشوند ازان
جهت مصمته گفته اند واهل لغت گفته اند که منع است
که صیغه رباعی مجرد وخماسی مجرد که همه حروفاو مصمته
باشند وهیچ یک از حروف مزلقه درو نباشند ازان است
که عَسْجَدُ وَعَسْطُوسُ را عجمی گفته اند وحروف مصمته بیست
وسه اند مجتمع در کلمات اَتَجِدُ خَصَّ فَاضِ سَطَّ شَظٍّ وَ
هَزٍّ كَحَثَّ غَزٍّ وصفاتی که ضدیت باصفات ما تقدم
ندارند شش اند اوّل صفیر دوم قلقله سیم تفشی چهارم
لین پنجم انحراف ششم استطاله صفیر هست کردن است
یعنی صوتی که مشابه صفیر کنجشک باشد از بیخ دندانها
ظاهر میشود ازان جهت صفیر گفته وحروف متصف

صوت طیور باشد چون در محل تلفظ باین
حروف صوتی که مشابه

بصفت

بصفت صفیر سه اند صاد وسین وزا قلقله جنبانیدن است
چون این حروف در حال سکون در مخرج خود می جنبد ازان
سبب قلقله نامیده اند وحروف متصف بصفت قلقله
تفشی
پنج است مجتمع در ترکیب قُطْبُ جَدٍ منتشر وپراکنده شدن است
چون این حروف در مخرج خود پهن ومنتشر میگردد ازان
جهت تفشی نامیده اند وآن خاصه شین است
وبس لین نرمی را گویند چون این دو حرف که متصف
بصفت لین اند بنرمی از مخرج اخراج میشوند بنا بران
لین گفته اند وآن واو ساکن ما قبل مفتوح ویای
ساکن ما قبل مفتوح است انحراف برگشتن است چون
زبان در محل تکلم باین دو حرف که متصف بصفت
انحراف اند از مخرج بر میگردد ومیل باندرون دهن

میکند وآن مخصوص لام ورا است وبعضی از استادان گفته اند
که سر زبان در محل تکلم این دو حرف کج میشود ومیل باندرون
دهن میکند ازان سبب منحرفه نامیده اند استطاله طلب
درازی کردن است چون در مخرج خود دراز میشود ازان جهت
مستطیله گفته اند وآن خاصه ضاد معجمه است وهرگاه
توضیح وبیان درین مکان زیاده ازین خواهند رجوع
کتاب ارشاد القاری
بکتاب ارشاد القاری کنند فصل دوم در بیان
فصل ۲
حروف مُفَخَّمَة ومُرَقَّقَة بدانکه حروف مُسْتَعْلِیَه همه مفخم اند
وترقیق هیچ یک روا نیست وانچه متصف بصفت اطباق
اند تفخیم زیاده باید کرد وحروفی که متصف بصفت اطباقند
اطباق در ایشان بجای باید آورد خصوصا صاد وطا
که اگر اطباق بجای نیاورند صاد بسین وطا بتا مشتبه

شود

شود وناچار است از ابقاء اطباق طا در مثل کلمه
اَحَطْتُ وَبَسَطْتَ وَفَرَّطْتُ وَفَرَّطْتُمْ وابقاء
صفت استعلا قاف در کلمه اَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ
مَهِينٍ در سورة والمرسلات وذهاب آن خلاف
کرده اند هر دو وجه معمول است وذهاب اعلی است
بدانکه حروف مستفلیه همه رقیق اند یعنی همه باریک اند
وهمه را باریک باید گفت وتفخیم هیچ یک را نشاید کرد
مگر لام لفظ جلاله که الله واللهم است هرگاه ما
قبل ایشان فتحه یا ضمه باشد مثل اِنَّ اللّٰهَ ورسو
لُ اللّٰهِ وَسُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ تفخیم باید کرد واگر ما قبل مکسور
باشد مثل بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَ قُلِ اللّٰهُمَّ ترقیق باید نمود
ومگر رای مفتوح یا مضموم مثل رَحْمَةٌ وَرُزِقُوا

یا راء ساکن ما قبل مفتوح یا مضموم خواه در اصل ساکن باشد
مثل الْمَرْءِ وَالْقُرْبیٰ یا در حال وقف ساکن کرده مثل
بِقَدَرٍ وَسُعُرٍ یا راء ساکن ما قبل ساکن ما قبل ما قبل
مفتوح یا مضموم مثل الْفَجْرِ وَالْعُسْرِ و درین صور مذکوره
تفخیم باید کرد و اگر را مکسوره باشد مثل رِزْقٍ یا را ساکن
باشد و ما قبل مکسور که کسره اصلی باشد مثل فِرْعَوْنَ
یا راء ساکن باشد و ما قبل را یای ساکن باشد اعم
از انکه ما قبل یا مفتوح باشد مثل خَيْرٍ یا مکسور باشد
مثل قَدِيرٍ درین چند حالت ترقیق باید نمود و مگر راء
ساکن ما قبل مکسوری که کسره غیر اصلی باشد مثل ارْجِعْ
وَارْجِعُوا یا کسره منفصل باشد مثل الَّذِي ارْتَضَىٰ وَيَا بُنَيَّ
ارْكَبْ مَعَنَا بنا بر روایتی که بکسر یا خوانده میشود یا راء ساکن

ما قبل

ماقبل مکسوری که کسره اصلی باشد اما بعد از رای واسطه
در کلمه که راست حرف استعلا باشد و آنچه از حروف استعلاء
سبعه در کلمه را که بکسره اصلی واقع شده سه حرف است صاد
و طا و قاف **صاد** در سه موضع **اول** إِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ
در سوره توبه **دوم** مِرْصَادًا لِلطَّاغِينَ در سوره عم **سیم**
وَلَبِالْمِرْصَادِ در سوره والفجر **وطا** درین موضع فِي قِرْطَاسٍ
در سوره انعام **وقاف** در دو موضع **اول** مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ در سوره
نور **دوم** وَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ در سوره شعرا و درین صور
مذکوره تفخیم باید نمود مگر در کلمه فِرْقٍ که اینجا خلاف
کرده اند بعضی تفخیم کرده اند بنا بر اصل قاعده که بعد از
را حرف استعلا واقع شده و بعضی ترقیق نموده اند زیرا
که را در میان دو کسره واقع شده و هر دو وجه نزد قرا

مستحسن و پسندیده است و بباید دانست که الف در تفخیم
و ترقیق تابع ما قبل خود است پس اگر الف بعد از یکی از حروف
استعلا واقع شده باشد مثل وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ
لَا الضَّالِّينَ تفخیم باید کرد و اگر بعد از یکی از حروف استفال
مکتوب باشد مانند مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ وَبِمَا أُنْزِلَ ترقیق
باید کرد و تفخیم و ترقیق در الف آنست که در حرف مستعلیه
و حروف مستفالیه که الف بعد از او واقع شده تفخیم و ترقیق
زیاده باید کرد و آن زیادتی از برای الف خواهد بود و
اگر الف بعد از راء مفتوحه مثل رَازِقٌ یا بعد از الف
لام جلاله بشرط مذکور مثل إِنَّ اللَّهَ وَرَسُولُ اللَّهِ واقع
شده باشد نیز تفخیم باید کرد و حروف مجهوره را جهر و
شدیده را شدت بجای باید آورد خصوصاً قاف که

اگر جهر

اگر جهر و شدت بجای نیاورند قاف غین شود و کاف را اگر
شدت نکنند کاف فارسی شود و حروف صفیر صفیر را
صفیر بجای باید آورد تا بکمال از مخرج خود اخراج شوند
و حروف قلقله را قلقله بجای باید آورد گاهی که ساکن
باشند و اگر سکون وقفی باشد قلقله بیشتر باید کرد مثل
يَقْتُلُونَ وَمِنْ بَاقٍ وَيَطْهُرْنَ وَالْأَسْبَاطِ وَرَبْوَةٍ
وَالْأَسْبَابُ وَالنَّجْدَيْنِ وَنَفَجٍ بَهِيجٍ وَيَدْخُلُونَ وَبِئْسَ
الْمِهَادُ و حروف انحراف چون صلاحیت تکرار دارند
خصوصاً راء گاهی که مشدد باشد مثل الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
ملاحظه تمام باید کرد که تکرار واقع نشود و تکرار لحن است
پس ناچار است احتراز از ان **فصل دوم** در بیان
ادغام **بدانکه** ادغام بر دو نوع است کبیر و صغیر ادغام

در ادغام

کبیر آن است که اول از مثلین یا متقاربین یا متجانسین
که متحرک باشد ساکن کرده اند و در ثانی ادغام کنند
مثلین مَا سَلَكَكُمْ و مَنَاسِكَكُمْ متقاربین نحو خَلَقَكُمْ
وَرَزَقَكُمْ متجانسین مانند الْمَسَاجِدُ تِلْكَ وَفِي
النُّفُوسِ زُوِّجَتْ و این در قراءت ابی عمرو است و عاصم
ازین جمله در دو کلمه ادغام کند اول در کلمه مَا مَكَّنِّي
در سوره کهف که اصل او مَا مَكَّنَنِي بوده نون اول را
ساکن کردند و در دوم ادغام کردند بیک نون مشدد
نوشته میشود دوم لَا تَأْمَنَّا در سوره یوسف و در لَا
تَأْمَنَّا اشمام لازم است و اشمام درین موضع بهم
آوردن لبهاست بعد از اسکان و بنا بر اشمام ادغام
لَا تَأْمَنَّا ناقص باشد و اصل این کلمه لَا تَأْمَنُنَا
بوده

بوده نون اول را ساکن کردند و در دوم ادغام کردند
و صورت کتابت بیک نون مشدد نوشته میشود
ادغام صغیر آنست که اول از مثلین یا متقاربین یا
متجانسین ساکن باشد و در دوم ادغام کنند و این
بر دو قسم است یکی متفق علیه و دیگری مختلف فیه
اما متفق علیه ادغام دو مثل است خواه در یک کلمه
باشد مانند يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَيُوَجِّهْهُ و خواه در دو
در دو کلمه مثل اِضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ و رَبِحَتْ تِجَا
رَتُهُمْ مگر آنکه اول حرف مد باشد که درین هنگام ادغام
نباید کرد زیرا که در حرف مد یک الف مد طبیعی لازم است
و ادغام و مد ضد هم اند مثل فِي يُوسُفَ وَقَالُوا وَهُمْ
اما اگر اول حرف لین باشد ادغام باید کرد مثل

عَصَوا وَكَانُوا و یاء لینی در قرآن عظیم و فرقان کریم
بیا نرسیده و ادغام متقارب آنست که دو حرف که مخرج
ایشان بیکدیگر نزدیک باشد بهم رسند مثل أَلَمْ نَخْلُقكُّمْ
در سوره والمرسلات لیکن در ابقاء صفت استعلای
قاف و ذهاب آن خلاف است هر دو وجه معمول است
و ذهاب اولی است و لام بل و هل و قل در لام و راء
مثل بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا وَبَلْ رَبُّكُمْ وَقُلْ لَهُمْ وَقُلْ رَبِّ و هَلْ
لَكُمْ و لفظ هل در قرآن مجید و فرقان حمید براء نرسیده
و ادغام متجانس آنست که دو حرف از یک مخرج باشند
بیکدیگر برسند از آن جمله ادغام ذال اذ است در ذال و
ظا مثل اِذْ ذَهَبَ وَاِذْ ظَلَمُوا و دال قد در دال و تا مانند
قَدْ دَخَلُوا و قَدْ تَبَيَّنَ و اگرچه در اکثر کتب قراءت
ذکر

ذکر دال قد شده اما مراد اعم است نه اخص تا آنکه
دال عَبَدْتُمْ و حَصَدْتُمْ و كِدْتَ و مانند اینها داخل
باشد و تاء تانیث ساکنه در تا و دال و طا مثل
كَانَتْ تَأْتِيهِمْ و أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا و قَالَتْ طَائِفَةٌ مثال
اول از امثله مذکوره مثال ادغام مثلین است بمناسبت
ذکر شد و تا در طا مثل اَحَطْتُ و بَسَطْتَ و فَرَّطْتُ
وَفَرَّطْتُمْ و ناچار است از ابقای اطباق و طا در امثله
مذکوره و الف لام تعریف در چهارده حرف ادغام شود
و آن الف لام را درین هنگام الف لام شمسی گویند
و آن چهارده حرف این است ت ث د ذ ر ز س
ش ص ض ط ظ ل ن مثل التَّائِبُونَ الثَّمَرَاتِ
الدُّنْيَا الذِّكْرَ الرَّسُولِ الزَّكَوٰةَ السَّلَامُ الشَّمْسِ

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الضَّالِّينَ الطَّارِقُ الظَّالِمِ
اللَّيْلِ النَّهَارِ والف لام تعریف نزد چهارده حرف اظهار
شود اگرچه در این مقام جای آن نیست امّا بنابر
مناسبت ذکر شد و این الف لام را درین وقت الف
لام قمری نامند وآن چهارده حرف این است
اب ج ح خ ع غ ف ق ك م و هـ ی مثل
الْإِنْسَانِ الْبَحْرِ الْجَنَّةَ الْحَسَنَةَ الْخُلْدِ الْعَلِيمِ
الْغَفَّارِ الْفُجَّارِ الْقَمَرَ الْكَبِيرِ الْمُؤْمِنِ الْوَالِدَاتُ الْهُدَى
الْيَقِينِ و آنچه مذکور شد از متفق علیه بود و
بعد ازین شروع میشود بمختلف فیه و آنچه عاصم
بهر دو روایت و بیک روایت ادغام نموده ذکر آن کرده
خواهد شد امّا مختلف فیه و آنچه عاصم بهر دو

مختلف

روایت

روایت ادغام کرده و آن نون ملفوظی طسم دو کا
نه است در میم و ثا را در ذال در کلمه یلهث ذلك
در سوره اعراف و با را در میم در لفظ ارْكَبْ مَعَنَا
در سوره هود و آنچه بیک روایت ادغام نموده که
آن روایت بکر است و آن نون یس است در واو
والقرآن و نون ن در واو والقلم در حال وصل و در
وقف باظهار میخوانند و ذال را در تا از باب اخذ
واتخاذ مثل اَخَذْتُم واتَّخَذْتُم و در باقی امثله مختلف
فیه عاصم بهر دو روایت باظهار خوانده و آن ذال اذا ست
نزد شش حرف تا و جیم و دال و زا و سین و صاد
مثل اِذْ تَبَرَّأَ وَاِذْ جَعَلَ وَاِذْ دَخَلُوا وَاِذْ زَيَّنَ وَاِذْ
سَمِعْتُمُوهُ وَاِذْ صَرَفْنَا و دال قد نزد هشت حرف جیم

وذال و زا و سین و شین و صاد و ضاد و ظا مثل وَلَقَدْ
جَعَلْنَا وَلَقَدْ ذَرَأْنَا وَلَقَدْ زَيَّنَّا وَقَدْ سَمِعَ اللّٰهُ وَقَدْ
شَغَفَهَا وَلَقَدْ صَرَّفْنَا وَلَقَدْ ضَلَّ وَلَقَدْ ظَلَمَكَ و تاء تانیث
ساکنه نزد شش حرف ثا و جیم و زا و سین و صاد و ظا
مثل كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَجَبَتْ جُنُوبُهَا وَخَبَتْ زِدْنَاهُمْ
وَاَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ وَحَصِرَتْ صُدُورُهُمْ وَكَانَتْ
ظَالِمَةً و لام هل نزد سه حرف تا و ثا و نون مثل
هَلْ تَنْقِمُونَ وَهَلْ ثُوِّبَ وَهَلْ نَدُلُّكُمْ و لام بل نزد هفت
حرف تا و ثا و زا و سین و ضاد و طا و ظا و نون مثل
بَلْ تُؤْثِرُونَ وَبَلْ زُيِّنَ وَبَلْ سَوَّلَتْ وَبَلْ ضَلُّوا وَبَلْ
طَبَعَ اللّٰهُ وَبَلْ ظَنَنْتُمْ وَبَلْ نَحْنُ و باء ساکنه نزد
فا و میم امّا نزد فا در پنج موضع اوّل اَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ

هل

دوم

بسم الله الرحمن الرحیم و به ثقتی
محمد رضا القاری [illegible]

نظم قاریان خوش الحان انچنین وضع کرده اند عیان آ اول نشانه نافع
ب ز قالون و ج ورش بیان د ابن کثیر و ه بزی ز بود قنبل فصیح زبان
ک ابن عامر است و هشام م اند نشان بن ذکوان ن بود عاصم خجسته سیر
ص بکر و ز حفص ع نشان ف بود حمزه و خلف خلاد است ق خلاد قاری قران
ح ابو عمرو ط بود دوری ی نشان دان ز سوسی ز دوان ر کسائی و س ابو الحارث
ت نشان دان ز دوری دوران ث ابو جعفر است از عشره
قراء عشره
خ ز عیسی و ذ مسلم دان ظ ز یعقوب و ش ز روح شمار غ ز [illegible] رویس بگو دان
ض ز خلف بود به یقین [illegible] [illegible]
بود این نام هر دو [illegible] [illegible] [illegible]
قراء [illegible]

بدانکه قراءت کوفیان اصح وافصح قراءتست واز میان آنها قراءت عاصم اصح وافصح است
که در عرب وعجم منقولست [illegible] شاگرد ابی عبد الرحمن سلمی بوده وابو عبد الله
شاگرد امیر المؤمنین علیه السلام است که از حضرت نقل کرده واز کوفیان دو قاری
دیگر که حمزه وکسایی اند که این هر دو شاگرد امام جعفر صادق علیه السلام اند چه کسایی
از حمزه فرا گرفته وحمزه از حضرت صادق وآنحضرت از پدران خود از امیر المؤمنین

والحضرت از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وتکورا حضرت برابو الاسود
وابو الاسود بقلم اورده وعلم تزکیه نفس وتصفیه باطن که علم تصوف باشد از الحضرت
والله اعلم اسامی قراء عشره وراویان ایشان

ا نافع ب قالون ج ورش د ابن کثیر ه بزی و قنبل ز ابوعمرو ح دوری ط
سوسی ی ابن عامر ک هشام ل ابن زکوان م عاصم ن بکر س حفص ع حمزه ف
خلف ض خلاد ق کسائی ر ابو الحارث ش دوری ت ابو جعفر ث ابن جماز خ
ابن وردان ذ یعقوب ظ رویس غ روح ش خلف و اسحق ی ادریس

اسامی قراء سبعه

از مکه نخست ابن کثیر است امام نافع ز مدینه ام عامر از شام از بصره ابو عمرو علادار دوام
عاصم چه علی و حمزه از کوفه تمام تنوین و نون ساکنه حکمش بران ای هوشیار
کز مهر حق زینت بود اندر کلام کردگار اظهار کن در حرف حلق ادغام کن در یرملون
مقلوب کن در حرف با در باقیه اخفا بیار

ابجد هوز حطی کلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ

حروف ... ابجد غبطلا

دوم وَاِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ سیم وَقَالَ اذْهَبْ فَمَنْ چهارم
فَاذْهَبْ فَاِنَّ لَكَ پنجم وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَاُولٰئِكَ و نزد
میم در دو موضع اول مثل يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ دوم وَا
رْكَبْ مَعَنَا عاصم در کلمه اخیر بهرد و روایت ادغام نموده
چنانکه ذکر شد وفاء ساکنه نزد با در کلمه نَخْسِفْ بِهِمْ
در سوره سبا و راء ساکنه نزد لام مثل وَاصْبِرْ لِحُكْمِ هرجا
واقع شود ولام یفعل مجزوم نزد ذال مثل مَنْ يَفْعَلْ
ذٰلِكَ هرجا باشد ودال ساکنه نزد ثا وآن در دو
موضع است در سوره آل عمران اول مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ
الدُّنْيَا دوم وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْاٰخِرَةِ وذال ساکنه نزد
تا مثل فَنَبَذْتُهَا در سوره طه وعذت در سوره
غافر ودخان وثاء ساکنه نزد تا وذال مثل لَبِثْتَ

وَلَبِثْتُمْ وَاُوْرِثْتُمُوهَا هرجا مذکور باشد وَيَلْهَثْ ذٰلِكَ
عاصم در لفظ اخیر بهرد و روایت ادغام نموده چنا
نکه گفته شد ودال ساکنه ملفوظ را نزد ذال در ابتداء
سوره مریم مثل كهيعص ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ فصل
چهارم در بیان احکام نون ساکن ونون تنوین
بدانکه نون ساکن نونی را گویند که متحرک نباشد مثل
مَنْ وَاَنْ وعَنْ ونون تنوین نونیست ساکن که
در لفظ از دو فتحه ودو ضمه ودو کسره حاصل میشود
مثل خَبِيرًا وَعَلِيمٌ وَقَدِيرٍ واین نون در حال وصل
حاصل میشود نه در حال وقف ودر آخر کلمه می باشد
نه در وسط ودر اسم می باشد نه در فعل وحرف
پس هرگاه نون ساکن ونون تنوین بحروف هجا

اظهار کن در حرف حلق ادغام در یرملون در با قلب اخفا بیار در یمون ادغام با غنه در لر ادغام بلا غنه

برسند محکوم بچهار حکم میکردند اظهار وادغام
وقلب واخفا اظهار ظاهر کردانیدن نون ساکن
وتنوین است نزد حروف حلق وحروف حلق شش است ا
ه ع ح غ خ نون ساکن در یک کلمه ودو کلمه وتنوین
در دو کلمه مثال ا يَنْاَوْنَ وَمَنْ اٰلِهٍ وَاِلٰهٌ اِلَّا اللّٰهُ
مثال ه مِنْهُمْ وَمَنْ هَاجَرَ وَجُرُفٍ هَارٍ مثال ع نَعْمَتَ
وَمِنْ عِلْمٍ وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ مثال ح وَانْحَرْ وَمَنْ حَادَّ اللّٰهَ
وَعَلِيمٌ حَكِيمٌ مثال غ فَسَيُنْغِضُونَ وَمِنْ غِلٍّ وَمَاءٍ
غَيْرِ اٰسِنٍ مثال خ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَمِنْ خَيْرٍ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ
واظهار نون ساکن وتنوین در این مقام جهت بعد
مخرج ایشان است نسبت بحروف حلق ادغام پنهان
کردن نون ساکن وتنوین است نزد حروف یرملون

وحروف یرملون شش است ی ر م ل و ن مثال
ی مَن یَقُولُ وَ لِقَومٍ یُؤمِنُونَ مثال ر مِن رَبِّکُم وَ
غَفُورٌ رَحِیمٌ مثال م مِن مَالٍ وَصِرَاطٍ مُستَقِیمٍ مثال ل مِن
لَدُنهُ وَهُدًی لِلمُتَّقِینَ مثال و مِن وَالٍ ... وَجَنَّاتٍ وَ
عُیُونٍ مثال ن مِن نَاصِرِینَ وَحِطَّةٌ نَغفِر لَکُم وادغام
نون ساکن وتنوین در این هنگام جهت قرب مخرج
ایشان است نسبت بحروف یرملون بنوعی که در می
غم فیه تشدید ظاهر شود ودر لام و را بی غنه و
در چهار دیگر با غنه وادغام بی غنه در لام و را جهت
شدت قرب مخرج نون است نسبت بلام و را باید نون
ساکن بنابر قاعده مذکوره هرگاه بواو ویا برسد
ادغام باید کرد اما چهار موضع است که اظهار

باید

باید نمود واو در دو موضع یکی صنوان ودیگری
قنوان ویا نیز در دو کلمه یکی الدنیا ودیگری بنیان
واظهار در این چهار موضع سبب آنست که اگر ادغام
کنند مشتبه بمضاعف میشود ووجه دیگر گفته اند
وآن آنست که ادغام نون ساکن نسبت بحروف
یرملون در جمیع مواضع در دو کلمه واقع شده الا
این چهار موضع که چون نون ساکن با واو ویا در یک
کلمه واقع شده اند اظهار باید کرد زیرا که اگر ادغام
کنند سه حرف علت در یک کلمه جمع شوند واجتماع
سه حرف علت در یک کلمه ثقیل است ازین جهت
درین چهار موضع اظهار کرده اند وادغام ننموده اند
قلب بدل کردن است مراد اینجا بدل کردن نون

ساکن ونون تنوین است بمیم نزد با وآن میم در لفظ
ظاهر میگردد ودر کتابت مکتوب نیست نون ساکن
در یک کلمه ودو کلمه ونون تنوین در دو کلمه چنانکه
مثال گفته میشود مثل انبئهم ومن بعد ومحیط بالکا
فرین و بدل کردن نون ساکن بمیم نزد با از برای
آن است که میم موافق نون است در غنه وشارک
باست در مخرج و بعضی از استادان گفته اند که چون
نون وبا در جوار یکدیگر واقع شده اند وبعد ایشان
نه بمرتبه ایست که اظهار شوند وقرب ایشان
نه بحدیست که ادغام کردند از آن است که بدل بمیم
کرده اند ودرین هنگام که نون بدل بمیم کردد اخفاء
باغنه باید نمود اخفا پوشانیدن است مقصد

اینجا

اینجا پوشانیدن نون ساکن ونون تنوین است نزد حروف
اخفا وحروف اخفا پانزده است ت ث ج د ذ ز س ش ص
ض ط ظ ف ق ک نون ساکن در یک کلمه ودو کلمه ونون
تنوین در دو کلمه چنانکه مثال گفته میشود مثال ت انتم
ومن تاب وجنات تجری مثال ث والانثی وان تثبتناک
ومن ظلمات ثلاث مثال ج ومن انجیناه ومن جاء فصبر
جمیل مثال د اندادا ومن دابة وکاسا دهاقا مثال ذ
لتنذر ومن ذریة وسیرا ذلک مثال ز انزل ومن
زکوة مبارکة زیتونة مثال س تنسون ومن سندس
وقولا سدیدا مثال ش انشاء ومن شاء وصبارا
شکورا مثال ص ینصرون ومن صلصال و
عملا صالحا مثال ض منضود ومن ضل وقوة

ضِعْفًا مثال ط اَنْطَقَنَا اللّٰهُ وَمِنْ طِيْنٍ وَحَيٰوةً
طَيِّبَةً مثال ظ يَنْظُرُوْنَ وَمِنْ ظَهِيْرٍ وَظِلًّا ظَلِيْلًا
مثال ف اَنْفُسَكُمْ مِنْ فَضْلٍ وَبُيُوْتًا فَارِهِيْنَ مثال ق
يَنْقَلِبُوْنَ وَمِنْ قَوْلٍ وَرِزْقًا قَالُوْا مثال ك مِنْكُمْ وَمَنْ
كَانَ وَرَسُوْلٌ كَرِيْمٌ و اخفاء نون ساکن و نون
تنوین نزد این حروف پانزده گانه بمقدار قرب و بعد
ایشان است نسبت بیکدیگر پس هرچه اقرب بود اخفی بود
و اخفا درین مقام جهت آن است که نون ساکن را با این
حروف نه چنان بعد مخرج است که اظهار شود و نه
چنان قرب مخرج است که ادغام کردد پس میان اظهار
و ادغام باشد و آن اخفا است و در حال اخفاء غنه
لازم باشد و هیچ یک از قراء ترك اخفاء نکرده اند و مثال

الفرا

الف را جهت آن ذکر نکرد که الف همیشه ساکن ما قبل مفتوح
میباشد پس هرگاه نون ساکن بمقارن او شود التقاء
ساکنین علی غیر حده لازم آید نکته گفته اند که هر حرف
منون را دو حرکت از برای آن گذاشته اند تا یکی نشانه
حرکت باشد و دیگری عوض نون ملفوظی و تنوین
رفع و جر در حال وقف ساقط میکردند و نصب در حال
وقف بدل بالف میشود بدانکه نون مشدد مثل اِنَّ اللّٰهَ
وَلِلْجَنَّةِ وَالنَّاسِ و میم مشدد مثل عَمَّ وَلَمَّا وَمِمَّا
هرجا واقع شوند غنه باید کرد بدانکه میم ساکن هرگاه بحرف
هجا رسد محکوم بسه حکم گردد اخفا و ادغام و اظهار
اخفا نزد با مثل عَلَيْكُمْ بِمَا كَانُوْا وَاَنْبَاَهُمْ بِاَسْمَائِهِمْ
ادغام نزد میم مثل هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوْسُفَ وَيَدْ

خُلُوْنَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ اظهار نزد باقی حروف اما نزد
واو و فا اظهر است مثل عَلٰى قُلُوْبِهِمْ وَعَلٰى سَمْعِهِمْ وَاٰبَاؤُهُمْ
فَهُمْ غَافِلُوْنَ وَاَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيْهَا خَالِدُوْنَ
فصل پنجم در بیان احکام وقف بدانکه وقف
در لغت ایستادن و بریدن است و در اینجا سه مقصد است
مقصد اول در بیان وجوه وقف بدانکه چون قاری را
ممکن نیست که قصه را بیک نفس تمام کند لابد اختیار
وقف باید نمود جهت استراحت نفس و حسن ابتدا
بما بعد آن و وقف منقسم بچهار قسم میگردد تام و کافی
و حسن و قبیح وقف تام آنست که کلمه موقوف علیه را
تعلق بما بعد نباشد نه از روی لفظ و نه از روی
معنی مثل وقف بر مٰلِكِ يَوْمِ الدِّيْنِ و ابتدا بِاِيَّاكَ

در وقف

نعبد

نَعْبُدُ و وقف بر اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ و ابتدا باِنَّ الَّذِيْنَ
كَفَرُوْا و تام از برای آن گویند که کلام تمام است و مخاطب را
انتظاری نیست و این وقف بیشتر در آخر آیات می باشد
پس در اینجا وقف توان کرد و ابتدا بما بعد آن توان نمود
و وقف کافی آنست که کلمه موقوف علیه را تعلق بما بعد
باشد از روی معنی نه از روی لفظ مثل وقف بر مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
يُنْفِقُوْنَ و ابتدا به وَالَّذِيْنَ يُؤْمِنُوْنَ و وقف بر مِنْ
قَبْلِكَ و ابتدا به وَبِالْاٰخِرَةِ و کافی از برای آن گویند که
وقف در وی خوب است و مخاطب را کافی است و ابتدا
بما بعد آن جایز است و وقف حسن آنست که کلمه موقوف
علیه تعلق بما بعد داشته باشد از روی لفظ و از روی
معنی مثل وقف بر اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ و ابتدا به رَبِّ الْعَالَمِيْنَ

حسن از جهت آن گویند که معنی مفهوم است در نفس
الامر و وقف بر وی حسن است امّا ابتدا بما بعد آن
بدون اعاده موقوف علیه حسن نیست مگر آنکه رؤس
آی باشد که در آن هنگام ابتدا بما بعد آن بدون اعاده
موقوف علیه جایز است و گفته اند بنا بر روایت که از
ام سلمه رضی الله عنها واقع شده که حضرت پیغمبر صلوات
الله علیه بر سر هر آیه وقف میکردند و بدون اعاده
موقوف علیه ابتدا بما بعد آن می نمودند پس در آیه
که وقف حسن باشد وقف می توان کرد و بدون
اعاده موقوف علیه ابتدا بما بعد آن می توان نمود
و وقف قبیح آنست که معنی مفهوم نباشد مثل وقف
بر بِسْمِ از بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ و وقف بر مَالِكِ از مَا

لبد

لِكِ يَوْمِ الدِّيْنِ و قبیح از جهت آن گویند که معنی مفهوم
نگردد و فایده از آن حاصل نشود و بر این قسم وقف
کردن جایز نیست مگر جهت انقطاع نفس و تبیین وجهی
از وجوه قرآنی در حال تعلیم و هرگاه باین نوع وقف کند
ابتدا بما بعد آن نتوان کرد بلکه اعاده موقوف علیه باید
نمود و در قرآن عظیم و فرقان کریم هیچ جا نیست که وقف
واجب باشد و هیچ موضع نیست که وقف حرام باشد
چنانکه در کتب این فن مسطور است و آنچه علما و
قراء گفته اند که بر فلان موضع وقف جایز نیست
مراد آن است که هرگاه وقف کنند و قصد اعاده موقوف
علیه ننمایند بر این وجه وقف کردن جایز نیست نه
آنکه مطلقا وقف نتوان کرد بلکه هرگاه اعاده موقوف

علیه کنند وقف توان نمود مقصد دوم در بیان
وقف بر آخر کلمه و کیفیت آن بدانکه وقف را در کلام
عرب وجوه متعدد هست امّا معمول نزد قرا سه
وجه است اسکان و اشمام و روم اسکان انداختن
حرکت آخر کلمه موقوف علیه است و این در حرکات ثلاث
جاریست طول و توسط و قصر در و جایز است اشمام
عبارت است از اشاره بضم شفتین بحرکت موقوف
علیه بعد از آنکه آنرا ساکن کرده باشند و این در حرکت
ضمه می باشد و پس طول و توسط و قصر نیز در او
جایز است پس فرق میان اسکان و اشمام بتحریک عضو
باشد زیرا که هرچه از طول و توسط و قصر که در وقف
با اسکان جایز است در وقف با اشمام نیز جایز است

روم عبارت

دوم عبارت است از نطق ببعضی از حرکت موقوف
علیه و آنچه استادان این فن قرار داده اند
انداختن چهار دانگ حرکت است و باقی داشتن
دو دانگ و چون بعضی از حرکت هست حکم وصل دارد
بغیر از قصر در او جایز نباشد و این مخصوص کسره
جر و ضم و رفع است پس در فتح و نصب نباشد و بعضی
که در فتحه مشدد جایز داشته اند اعتباری ندارد
این اقسام وقف که مذکور شد ابو عمرو مقرر
نموده و رمزی از برای آن قرار نداده مقصد
سیم در بیان آداب وقف شیخ سجاوندی و
رموزی که از برای آن تعیین نموده بدانکه قواعد
وقف نزد شیخ سجاوندی شش است لازم و مطلق

وجایز و مجوز لوجه و مرخص لضروره و قد قیل و رموزی
که جهت وقف تعیین نموده نیز شش است م ط ج ز ص ق
و اگر چه درین باب ذکر آن مناسب نبود زیرا که در باب
پنجم که در رموز سجاوندی مکتوب است بتفصیل و تطویل
ذکر آن خواهد شد اما چون این فصل در بیان وقف
مذکور است از روی اختصار ذکر آن میکند م علامت
وقف لازم است ط علامت وقف مطلق است ج رمز
وقف جایز است ز نشانه وقف مجوز لوجه است ص
نشانه وقف مرخص لضروره است ق علامت وقف
قد قیل است و بعضی از علماء قراءت دو حرف دیگر باین
شش رمز الحاق کرده اند یکی لا است و دیگری ک
لا رمز لا وقف است یعنی درین موضع وقف نباید کرد

ک علامت

ک علامت وقف کذلک است یعنی هر وقف که سابقاً
مذکور شد این موضع نیز حکم آن دارد فایده گفته اند که
قاری باید که اجتناب کند از وقف کردن میان عامل
و معمول و فعل و آنچه او عمل کرده است از فاعل و مفعول
و حال و ظرف و مصدر و میان شرط و جزا و میان
امر و جواب امر و میان مبتدا و خبر و میان صله و
موصول و میان صفت و موصوف و میان بدل و
مبدل منه و میان عطف و معطوف و میان مؤکِد
و مؤکَد و میان مضاف و مضاف الیه و میان مستثنی
و مستثنی منه و میان کانّ و انّ و اخوات ایشان
و اسمهای ایشان و میان قسم و جواب قسم و میان حرف
و مدخول آن نکته گفته اند فرق چه باشد میان کلمه

که لا نوشته باشند و میان کلمه که چیزی مکتوب نباشد
وجه گفته اند که در کلمه که لا مکتوب باشد بهیچ وجه
وقف نتوان کرد زیرا که لا در اکثر مواضع میان مبتدا
و خبر نوشته شده مثل وقف بر وَالَّذِينَ آوَوا وَنَصَرُوا
لا و ابتدا از اُولٰئِكَ و ایضا میان مستثنی و مستثنی
منه نوشته میشود مثل وقف بر فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ
اَجْمَعُونَ لا و ابتدا از کلمه اِلَّا اِبْلِيسَ علی هذا القیاس
و در کلمه که چیزی مکتوب نباشد در حال ضرورت
وقف توان کرد اما اعاده موقوف علیه باید نمود
و رؤس آیات ازین قاعده مستثنی است زیرا که بنابر
حدیثی که از ام سلمه رضی الله عنها منقول است
که حضرت پیغمبر صلوات الله علیه بر سر هر آیه وقف

میکرد نه

میکرد نه و بدون اعاده موقوف علیه ابتدا بما بعد آن می
نمودند پس بنابر حدیث بر سر آیات هر چند لا نوشته باشند
وقف توان کرد بدانکه شش رمز دیگر است که متاخرین جهت
وقف قرار داده اند و آن این است قف قلا صل صلی
س وقفه قف علامت قف فی هذا الموضع است و در
بعضی مصاحف قفه می نویسند و در آخر او تاء تانیث الحاق
میکنند هر دو بیک معنی است یعنی درین موضع وقف کن
قلا نشانه قیل لا وقف است یعنی درین موضع بعضی
بر وقف قایل اند و بعضی بر آنند که وقف نباید کرد صل
رمز قد توصل است یعنی الوصل اولی من الوقف است و در مقا
بل وقف واقع شده زیرا که وقف امر است وصل نیز امر است صلی
علامت الوقف اولی من الوصل است و اگر چه معنی صل و صلی

بیکدیگر نزدیک اند و هر دو بمعنی وصل کردن است اما
تاکید وصل در صل زیاده از وقف است و تاکید وقف
در صلی زیاده از وصل است و در بعضی از کتب معتبره قراءت
مکتوب است صل علامة الوصل اولی من الوقف و صلی علامت
الوقف اولی من الوصل س و وقف بالواو هر دو نشانه
سکته اند و بعضی علامت سکته را سین می نویسند و بعضی
علامت سکته را بغیر واو می نویسند و بعضی لفظ سکته را
بسین و کاف و تا و ها باین صورت سکته درست که
مینویسند و بعضی از علماء قراءت ٥ مدور را جهت علامت
آیه لاحق باین ٥ مدور معلوم کردد و اکر در آیه یکی از این
رموز سابق که مرقوم است و رموز لاحق که قف و قلا است
نوشته شده باشد آن آیه حکم آن رمز خواهد داشت

وگاه هست

وگاه هست که در یک موضع دو رمز مینویسند بدین وجه
ج صل ز صل ص صل ق صل ص لا و بر صلی نیز رمزی
اضافه میکنند ج صلی ز صلی ص صلی ق صلی بدانکه
شش رمز دیگر است که جمعی از علماء قراءت جهت بعضی
از فواید ضبط کرده اند و در مصاحف مینویسند ه
ے خب عب لب تب ه نشانه پنج آیه است
ے علامت ده آیه است پس هرگاه کوفی و بصری در عدد
پنج آیه و ده آیه متفق باشند همان ه ے مینویسند و
اگر اختلاف باشد میان ایشان جهت کوفی از برای
پنج آیه خب و از برای ده آیه عب مینویسند و جهت بصری
از برای پنج آیه خک و از برای ده آیه عک مینویسند و در
بعضی از کتب قراءت مسطور است که هرگاه میان کوفی

و بصری در عدد آیه خلاف باشد جهت کوفی از برای
پنج آیه خک و از برای ده آیه عک می نویسند و بهتر
آنست که جهت امتیاز میان ایشان خک و عک نویسند
لب و تب هر دو علامت ابتداء آیه اند پس هر موضع
که میان کوفی و بصری در آیه خلاف باشد علامت
کوفی لب نویسند و علامت بصری تب نویسند و گاه باشد
که علامت پنج آیه خ و خمس نویسند و علامت ده آیه ع و عشر
نویسند اما آنچه داب متاخرین است ه ے در متن قرآن
می نویسند و خ و خمس را ازین دو لفظ هر کدام خواهند یکی را
بر حاشیه قرآن می نویسند و ع و عشر ازین دو لفظ نیز
هر کدام اختیار کنند یکی را بر حواشی مصاحف مینویسند
و این وجه احسن است و در آیه مختلف فیه هر طایفه را

علامت

علامت علاحده هست علامت کوفی لب و علامت بصری تب
چنانکه مذکور شد و علامت شامی شل و علامت دمشقی
مشق و علامت حمصیان حم و علامت مکی مک و علامت
مدنی مد و در بعضی از کتب قراءت مذکور است که مراد از
حمصیان خالد بن سعدان و ابن شریح و سوده و ابو الحسن
و کثیر بن عبد الله و اسمعیل بن عباس است و مقصود از مدنی
الاول شیبة بن نصاح است و مدنی الاخیر ابو جعفر است
و مطلب از حجازیین نافع و ابن کثیر است زیرا که مکه و مدینه را
حجاز میگویند و مقصود از عراقیین ابو عمرو و حمزه و عاصم
و کسائی است زیرا که بصره و کوفه را عراق مینامند تتمه
بدانکه آنچه لازمه هر باب است در آن باب مکتوب است
و درین دو باب چون بیان حمد و سوره بقراءت سبعه

ذکر شده لازم شد که اسماء قراء سبعه و راویان ایشان
باسم و رمز صغیر و کبیر و متوسط بیان کند اسماء قرا
نافع مدنی ابن کثیر از مکه ابو عمرو از بصره ابن عامر از شام
پس عاصم و حمزه و کسائی کوفی اسماء راویان قالون و ورش
قنبل و بزی دوری و سوسی هشام و ابن زکوان
شعبه و حفص خلف خلاد ابو الحارث و دوری
و اما بیان استادان و شاگردان بر این وجه توضیح
می یابد نافع مدنی و شاگردان ورش مصری قالون
مدنی ابن کثیر مکی و شاگردان بزی مکی و قنبل مکی
ابو عمرو بصری و شاگردان دوری بغدادی و سوسی
ابن عامر شامی و شاگردان هشام دمشقی و ابن زکوان
دمشقی عاصم کوفی و شاگردان بکر کوفی و حفص کوفی
حمزه

حمزه کوفی و شاگردان خلف تمیمی و خلاد کوفی کسائی کوفی
و شاگردان ابو الحارث بغدادی و دوری و اسماء استادان
و شاگردان بترتیبیست که مذکور شد و هر دو راوی از ایشان
شاگردان یک استادند چنانکه از رمز صغیر نیز مفهوم
میگردد رمز صغیر ابج ا علامت نافع ب نشانه قالون ج
رمز ورش دهز د علامت ابن کثیر ه نشانه بزی ز
رمز قنبل حطی ح علامت ابو عمرو ط نشانه دوری ی
رمز سوسی کلمن ک علامت ابن عامر ل نشانه هشام
م رمز ابن زکوان نصع ن علامت عاصم ص نشانه شعبه
ع رمز حفص فضق ف علامت حمزه ض نشانه خلف
ق رمز خلاد رست ر علامت کسائی س نشانه ابو الحارث
ت رمز دوری رمز کبیر صحبه علامت شعبه

و حمزه و کسائی است صحاب نشانه حفص و حمزه و کسائی است
عم رمز نافع و ابن عامر است سما نشانه نافع و ابن کثیر
و ابو عمرو است حق نشانه ابن کثیر و ابو عمرو است نفر
علامت ابن کثیر و ابو عمرو و ابن عامر است حرمی نشانه
نافع و ابن کثیر است و لفظ حرمی بکسر حا و سکون را و کسر میم
و یاء مشدده مکتوب است و از برای آن این لفظ را
بهر دو استاد دادند که یکی از حرم مدینه و دیگری از حرم
مکه است حصن علامت نافع و عاصم و حمزه و کسائی است
و این هشت کلمه علامت اسمیست بواسطه آنکه حرف با اینها وفا
نمیکرد و این کلمات ثمانیه گاه باشد که مجرد مستعمل شوند
و گاه باشد که جمع شوند با رمز حرفی پس هرگاه جمع شوند ترتیب
شرط نیست گاهی کلمه مقدم میشود بر حرف و گاهی حرف مقدم
میشود

میشود بر کلمه رمز متوسط ث ثاء مثلثه علامت کوفیست و
کوفیان عاصم و حمزه و کسائی است خ خاء معجمه نشانه شش
قاریست بغیر از نافع ذ ذال معجمه علامت ابن عامر و عاصم
و حمزه و کسائی است ظا ظاء معجمه علامت ابن کثیر و عاصم و حمزه
و کسائی است غ غین معجمه نشانه ابو عمرو و عاصم و حمزه و کسائی است
ش شین معجمه علامت حمزه و کسائی است و بخاطر فاتر رسید
که اسماء قراء شاذه و راویان ایشانرا که مشهور بقراءت
عشره است نیز ذکر کند شاید دانستن اسماء ایشان بجهت فهمیدن
حواشی قرآنی که بقراءت عشره ساخته شده باشد در بعضی
اوقات ضرور شود و اسماء استادان و شاگردان و رمز اسماء
ایشان برین وجه است که مذکور میگردد استاد ابو جعفر المدنی
رمز او ث ثاء مثلثه است شاگردان ابن وردان رمز او

قراءت عشره

ابو جعفر
ث
خ د

ظ
یعقوب
غ ش
د
خلف
اسحق ادریس

خ خاء معجمه است ابن جماز رمز او ذ ذال معجمه است استاد
یعقوب البصری رمز او ظ ظاء معجمه است شاگردان رویس
رمز او غ غین معجمه است روح رمز او ش شین معجمه است
استاد خلف الکوفی رمز او واو است شاگردان یکی اسحق و دیگری
ادریس و از برای این دو راوی رمز معین قراء نداده اند
و هرگاه خواهند که روایت ایشان مذکور شود اسماء ایشان را
بخصوص بر حواشی مصاحف می نویسند و گاه هست واو که رمز
استاد است از برای این دو راوی نیز واو می نویسند اما
بهتر آنست که از برای استاد رمز واو نوشته شود و دو شاگرد
او را باسم بنویسند فایده بدانکه کلمات قرآن هفتاد و نه
و بعضی مبهم می نویسند
هزار و دویست و هفتاد و هفت کلمه است و جمله حروف
قرآن سیصد و بیست و شش هزار و صد و پانزده

حرف است

حرف است بیان عدد کلمات و حروف از برای آن کرد تا
تالیان و قاریان کلام ملک علام بدانند که چه ثواب
و اجر از برای ایشان مقرر است تا در خواندن کلام الله
تقصیر نکنند و مداومت بآن نمایند و از حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام منقول است که قاری قرآن چون بتلاوت
مشغول شود حضرت اکرم الاکرمین و ارحم الراحمین بعدد
هر حرفی از قرآن در زبان هر جنبی از اجناس مرغان بهشت
تا از برای خواننده قرآن استغفار کنند و آمرزش خواهند
تا روز قیامت خاتمه در بیان لحن بدانکه لحن در لغت
خطاء در قراءت است و در اصطلاح علماء این فن
لحن بر دو قسم است جلی و خفی لحن جلی آنست که در کلمات
قرآن یا در اعراب تغییری واقع شود و این همه کس را

معلوم گردد خواه قاری و خواه غیر قاری لحن خفی آنست که حرف
از مخرج خود بکمال ادا نشود یا خللی در صفات بهم رسد
یا مد زیاده و کم شود یا تخفیف در تشدید یا تکرار در را
بهم رسد و این همه کس را معلوم نگردد الا استاد کامل را یا کسی
که قرآن از استاد فرا گرفته باشد پس احتیاط تمام باید
کرد که در حال تلاوت لحنی واقع نشود تا در قراءت و
تلاوت ماجور باشد و مثاب والله الهادی الی الصواب

باب سیم

باب سیم در بیان اختلافات حفص

و بکر که راویان عاصم اند و کیفیت وقف و وصل ایشان
و آنرا در اصطلاح قراء فرش گویند و فرش در لغت گستردن
و پهن کردن است چون کلماتی که در میان دو راوی
اختلاف شده سوره بسوره منتشر و واضح میگردد

ازین

ازین جهت فرش گفته اند و فقیر جمیع قواعد دو راوی را
انشاء الله بوضوح تمام مذکور میگرداند بدان ایدک الله
تعالی فی الدارین که الحال در اکثر بلاد قرآن را بقراءت عاصم
می نویسند و بروایت حفص تلاوت مینمایند اگر چه بکر پیش
شاگردی عاصم اختیار نموده و حفص بعد از آن اما چون
روایت حفص در قراءت و تلاوت سبکتر و آسانتر است
بنا بر آن درین زمان در اکثر بلاد قرآنرا بسیاهی بروایت
حفص کتابت میکنند و بروایت حفص تلاوت مینمایند
و روایت بکر را بسرخی نشان میگذارند بر تقدیر هر روایتی را
که بسیاهی نویسند دیگری را بسرخی علامت باید گذاشت چون
بکر شاگرد اول عاصم است اولی نسبت آن است که هرگاه
روایتین را باهم جمع کنند روایت بکر را مقدم دارند

از استادان بفقیر نیز چنین رسیده اگرچه رخصت تقدیم
و تاخیر روایت هر یک بدیگری داده اند و این وجه مفتی
به همه قراست و قاری مرحض است در تقدیم و تاخیر
روایتین و هیچ کس منع این معنی نکرده اند و بر هر تقدیر
هر کدام از روایتین را که بسیاهی نویسند روایت بکر را بسرخی
علامت باید گذاشت امّا درین زمان بیشتر مصاحف را
بروایت حفص بسیاهی مینویسند و روایت بکر را بسرخی
نشان میگذارند و فقیر نیز این طریقه را اختیار کرده
شروع دران مینماید ان شاء الله تعالی که توفیق یافته
از اول قرآن تا اخر قرآن سوره بسوره بیان بشود ؛ سورة فاتحه
سورة فاتحة الکتاب میان حفص و بکر خلافی نیست ؛
سورة البقرة ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ حفص باظهار ذال خوانده و بکر بادغام
ذال

ذال در تا میخواند هُزُوًا حفص بفتح واو منونا قراءت کرده
و بکر بفتح همزه منونا روایت می نماید قُلْ اَتَّخَذْتُمْ حفص باظهار
ذال و بکر بادغام قراءت می نماید بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ حفص
بتاء خطاب روایت کرده و بکر بیاء غیبت میخواند ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ
اظهار ذال از برای حفص و ادغام ذال از برای بکر مذکور
شد لِجِبْرِيلَ و جِبْرِيلَ هرجا بیاید حفص بکسر جیم و کسر را
و سکون یا خوانده و بکر بفتح جیم و فتح را و همزه مکسوره
بغیر یا میخواند مِيكَائِيلَ مِيكَالَ هرجا مذکور شود حفص
بفتح کاف و الف بعد از کاف و لام مفتوحه بر وزن
مِيعَالَ قراءت کرده و بکر بفتح کاف و الف بعد از کاف
و همزه مکسوره بعد از الف و یاء ساکنه بعد از همزه که بر
وزن مِيعَاعِيلَ باشد قراءت میکند عَهْدًا حفص

سکون یا خوانده و بکر بفتح یا میخواند بَيْتِيَ حفص بفتح یا
روایت کرده و بکر بسکون یا روایت میکند اَمْ تَقُولُونَ
حفص بتاء خطاب خوانده و آیه مخلصون که در ما قبل است
وصل کند و علامت لا بسیاهی نویسند و بکر بیاء غیبت
میخواند و در آیه مذکوره وقف مطلق کند و علامت ط
بسرخی گذارند لَرَءُوفٌ درین سوره و هرجا که بیاید
حفص بضم همزه و واو ساکنه بعد از همزه خوانده و بکر
بضم همزه بغیر واو میخواند خُطُوَاتِ هرجا واقع شود
حفص بضم طا قراءت کرده و بکر بسکون طا روایت
میکند لَيْسَ الْبِرَّ حفص بنصب را روایت کرده و بکر
برفع را قراءت میکند مِنْ مُوصٍ حفص بضم میم و سکون
واو و تخفیف صاد خوانده و بکر بضم میم و فتح واو
تشدید

و تشدید صاد میخواند وَلِتُكْمِلُوا حفص بسکون کاف و
تخفیف میم قراءت کرده و بکر بفتح کاف و تشدید میم
روایت میکند اَلْبُيُوتَ دو موضع درین سوره و هرجا
که بیاید حفص بضم با خوانده و بکر بکسر با میخواند رَءُوفٌ
بضم همزه و سکون واو از برای حفص و بضم همزه بغیر واو
از برای بکر گذشت خُطُوَاتِ ضم طا از برای حفص و
سکون طا از برای بکر مذکور شد يَطْهُرْنَ حفص بسکون
طا و ضم ها روایت کرده و بکر بفتح هاء مشدده قراءت
میکند هُزُوًا حفص بفتح واو منونا خوانده و بکر بفتح
همزه منونا میخواند قَدَرُهُ وَ عَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ حفص درین
دو موضع بفتح دال قراءت کرده و بکر در هر دو موضع بسکون
دال روایت میکند وَصِيَّةً حفص بنصب تا منونا

روایت کرده و بکر برفع تأمنونا قراءت میکند و در بعضی
نسخ سجاوندی در کلمه اَنَّ واجا که در ما قبل وَصِيَّةً است
ج صلی نوشته اند و ذکر اختلاف میان حفص و بکر
نکرده اند و در بعضی نسخ سجاوندی علامت وصل از برای
حفص لا بسیاهی نوشته اند و علامت وقف مطلق از برای
بکر ط برخی گذاشته اند وَيَبْسُطُ حفص بسین خوانده وَيَبْصُطُ
و بکر بصاد میخواند جُزْءًا حفص بسکون زا قراءت کرده
و بکر بضم زا روایت میکند نِعِمَّا حفص بکسر نون و کسر
عین و تشدید میم خوانده و بکر بکسر نون و اختلاس کسره
عین میخواند و اختلاس ضد روم است و روم انداختن
چهار دانگ حرکت است و باقی داشتن دو دانگ و اختلاس
عکس آن است و در بعضی از کتب معتبره قراءت مذکور است

که بکر

که بکر بکسر نون و سکون عین و تخفیف میم میخواند يُكَفِّرُ حفص
بیا خوانده و بکر بنون میخواند فَأْذَنُوا حفص بسکون همزه
و فتح ذال قراءت کرده و بکر بهمزه ممدوده و کسر ذال روایت
میکند سورة آل عمران وَرِضْوَانٌ درین سوره و هر جا
که بیاید حفص بکسر را خوانده و بکر بضم را میخواند اَلَا مَنِ
اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ در سوره مائده که حفص و بکر هر
دو درین لفظ بکسر را خوانده اند و بکر بضم را میخوانند وَجْهِيَ
حفص بفتح یا قراءت کرده و بکر بسکون یا روایت میکند
مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ حفص درین دو موضع و هر جا
که واقع شود بکسر یاء مشدده روایت کرده و بکر بسکون
یاء مخففه قراءت میکند رَءُوفٌ بضم همزه و سکون
واو از برای حفص و ضم همزه بغیر واو از برای بکر مذکور

شد وَضَعَتْ حفص بفتح عین و سکون تا خوانده و در
کلمه اُنْثَى که در ما قبل و بیت وقف مطلق کند و علامت
ط بسیاهی نویسند و بکر بسکون عین و ضم تا میخواند و کلمه
مذکوره را وصل کند و علامت لا برخی گذارند وَكَفَّلَهَا
زَكَرِيَّاءُ حفص درین موضع و هر جا که بیاید بقصر و بغیر
همزه قراءت کرده و بکر بمد و همزه روایت میکند و درین موضع
که بعد از كَفَّلَهَا است بنصب همزه میخواند که مفعول باشد
زَكَرِيَّاءَ الْمِحْرَابَ حفص بقصر و بغیر همزه خوانده و بکر
بمد و همزه مضمومه میخواند دَعَا زَكَرِيَّاءُ بقصر و بغیر
همزه از برای حفص و بمد و همزه مضمومه از برای بکر مذکور شد
فِي بُيُوتِكُمْ حفص بضم با و بکر بکسر با میخوانند چنانکه گذشت
فَيُوَفِّيهِمْ حفص بیا خوانده و بکر بنون میخواند بِقِنْطَارٍ

يُؤَدِّهِ

يُؤَدِّهِ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ حفص درین دو لفظ بکسر ها و صله ها
خوانده و بکر در هر دو موضع بسکون ها بعدم صله میخواند
وَاَخَذْتُمْ حفص باظهار ذال قراءت کرده و بکر بادغام ذال
در تا روایت میکند يَبْغُونَ وَيُرْجَعُونَ حفص درین
دو کلمه بیاء غیبت روایت کرده و بکر در هر دو موضع بتاء
خطاب قراءت میکند حِجُّ الْبَيْتِ حفص بکسر حا خوانده
و بکر بفتح حا میخواند وَمَا يَفْعَلُونَ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ حفص
درین دو لفظ بیاء غیبت قراءت کرده و بکر درین دو
موضع بتاء خطاب روایت میکند قَرْحٌ دو موضع حفص
در هر دو کلمه بفتح قاف قراءت کرده و بکر در هر دو موضع بضم
قاف روایت مینماید نُؤْتِهِ دو موضع حفص در هر دو
بکسر ها وصله خوانده و بکر در هر دو بسکون ها میخواند

فِي بُيُوتِكُم ضم با از برای حفص و کسر با از برای بکر منقول شد
مِمَّا يَجْمَعُونَ حفص بیاء غیبت قراءت کرده و بکر بتاء
خطاب روایت میکند رِضْوَانٌ دو موضع کسر را از برای
حفص و ضم را از برای بکر گفته شد الْقَرْحُ حفص بفتح قاف
روایت کرده و بکر بضم قاف قراءت میکند لَتُبَيِّنُنَّهُ وَلَا
يَكْتُمُونَهُ حفص درین دو لفظ بتاء خطاب خوانده و بکر
در هر دو کلمه بیاء غیبت میخواند **سورة النساء**
سَيَصْلَوْنَ حفص بفتح یا خوانده و بکر بضم یا میخواند يُوصَى
بِهَا اول حفص بکسر صاد قراءت کرده و بکر بفتح صاد روایت
میکند و در کلمه يُوصَى بِهَا ثانی میانه حفص و بکر خلاف
نیست هر دو بفتح صاد میخوانند فِي الْبُيُوتِ ضم با از برای
حفص و کسر با از برای بکر منقول شد مُبَيِّنَةٍ حفص بکسر یا

خوانده و بکر بفتح یا میخواند أُحِلَّ لَكُم حفص بضم همزه و کسر حا
قراءت کرده و بکر بفتح همزه و فتح حا روایت میکند أُحْصِنَّ
حفص بضم همزه و کسر صاد روایت کرده و بکر بفتح همزه و فتح صاد
قراءت میکند نِعِمَّا حفص بکسر نون و کسر عین خوانده و بکر بکسر
نون و اختلاس کسره عین میخواند و بعضی از استادان کسر نون
و سکون عین و تخفیف میم از برای بکر نقل کرده اند كَأَنْ
لَمْ تَكُنْ حفص بتاء فوقانی قراءت کرده و بکر بیای تحتانی
روایت میکند نُوَلِّهِ وَنُصْلِهِ حفص درین دو لفظ بکسر ها
و صله ها خوانده و بکر در هر دو بسکون ها میخواند يَدْخُلُونَ
حفص بفتح یا و ضم خا قراءت کرده و بکر بضم یا و فتح خا روایت
میکند سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ حفص بیا خوانده و بکر بنون میخواند
سورة المائدة وَرِضْوَانًا کسر را از برای حفص و ضم را

از برای بکر منقول شد شَنَآنُ دو موضع حفص بفتح نون
خوانده و بکر بسکون نون میخواند وَأَرْجُلَكُمْ حفص بفتح لام قراءت
کرده و بکر بکسر لام روایت میکند مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ میانه
حفص و بکر درین کلمه خلاف نیست و هر دو راوی در کسر را متفق اند
يَدِيَ إِلَيْكَ حفص بفتح یا روایت کرده و بکر بسکون یا قراءت
میکند هُزُوًا دو لفظ حفص بفتح واو منونا خوانده و بکر
بفتح همزه منونا میخواند رِسَالَتَهُ حفص بفتح لام بغیر الف
و فتح تا و ضم ها قراءت کرده که مفرد باشد و بکر بفتح لام و الف
بعد از لام و کسر تا و کسر ها روایت میکند که جمع باشد عَقَّدْتُمُ
حفص بتشدید قاف قراءت کرده و بکر بتخفیف قاف
روایت میکند اسْتُحِقَّ حفص بفتح تا و فتح حا روایت کرده
و هر گاه ابتدا کند بکسر همزه خواهد خواند و بکر بضم تا و کسر حا

الْأَوَّلِينَ قراءت میکند و هر گاه ابتدا کند بضم همزه خواهد خواند الْأَوْلَيَانِ
حفص بفتح همزه و سکون واو و فتح لام و یاء مفتوحه و الف
بعد از یا و کسر نون خوانده و بکر بفتح همزه و فتح واو مشدده و کسر
لام و یای ساکنه بغیر الف و نون مفتوحه میخواند وَأُمِّيَ
حفص بفتح یا قراءت کرده و بکر بسکون یا روایت میکند الْغُيُوبِ
دو موضع حفص در هر دو بضم غین خوانده و بکر در هر دو بکسر
غین میخواند **سورة الانعام** مَنْ يُصْرَفْ حفص بضم یا و
فتح را قراءت کرده و بکر بفتح یا و کسر را روایت میکند فِتْنَتُهُمْ
حفص برفع تا روایت کرده و بکر بنصب تا قراءت میکند
وَلَا نُكَذِّبَ وَنَكُونَ حفص بفتح با و فتح نون که در آخر
این دو کلمه اند خوانده و بکر بضم هر دو میخواند أَفَلَا تَعْقِلُونَ
حفص بتاء تانیث قراءت کرده و بکر بیا روایت میکند

وَلِتَستَبِينَ حفص بتا تانيث قراءت كرده وبكر بيا تذكير
روايت ميكند خُفيَةً حفص بضم خا روايت كرده
وبكر بكسر خا قراءت ميكند رَاَ كَوكَبًا حفص بفتح را وفتح همزه
خوانده وبكر باماله را واماله همزه ميخواند رَاَ القَمَرَ وَرَاَ الشمس
حفص در هر دو كلمه بفتح را وفتح همزه قراءت كرده وبكر
در حال وقف در هر دو لفظ باماله را واماله همزه روايت
ميكند واگر رَا را بكلمه ما بعد كه معرف بالف لام تعريف است
وصل كنى دو وجه ميخواند باماله را واماله همزه هر دو خوانده
وباماله را وفتح همزه نيز ازو منقول است وَجَّهتُ حفص بفتح يا
خوانده وبكر بسكون يا ميخواند وَزَكَرِيَّاءَ حفص بقصر
وبغير همزه خوانده وبكر بمد وبهمزه مفتوحه ميخوانند
وَلِتُنذِرَ حفص بتا خوانده وبكر بيا ميخواند تَقَطَّعَ بَينَكُم

حفص

حفص بفتح نون قراءت كرده وبكر بضم نون روايت ميكند
مِنَ المَيِّتِ وَمُخرِجُ المَيِّتِ حفص بكسر ياء مشدده وبكر بسكون
ياء مخففه قراءت كرده اند اِنَّهَا حفص بفتح همزه خوانده
وكلمه وَمَا يُشعِرُكُم كه در ما قبل اوست وصل كند وعلامت لا
ببالاى نون سين وبكر بكسر همزه ميخواند وفتح همزه نيز از براى بكر
نقل كرده اند ودر كلمه مذكوره وقف مطلق كند وعلامت ط بر سر
كذارد مُنَزَّلٌ حفص بفتح نون وفتح زاء مشدده قراءت كرده وبكر
بسكون نون وفتح زاء مخففه روايت ميكند مَا حَرَّمَ عَلَيكُم
حفص بفتح حا وفتح راء مشدده قراءت كرده وبكر بضم حا وكسر راء
مشدده روايت ميكند رِسَالَتَهُ حفص بفتح لام بغير الف
وفتح تا وضم ها بافراد خوانده وبكر بفتح لام والف بعد از لام وكسر تا
وكسر ها بجمع ميخواند حَرَجًا حفص بفتح را قراءت كرده وبكر بكسر را

روايت ميكند يَصَّعَّدُ حفص بفتح صاد مشدده بغير الف وفتح
عين مشدده خوانده وبكر بفتح صاد مشدده والف بعد از صاد
وفتح عين مخففه ميخواند نَحشُرُهُم حفص بيا خوانده وبكر بنون
ميخواند مَكَانَتِكُم حفص بغير الف بافراد قراءت كرده وبكر بالف
بجمع روايت ميكند وَاِن يَكُن حفص بياء تحتانى قراءت
كرده وبكر بتاء فوقانى روايت ميكند خُطُوَاتِ ضم طا از براى
حفص وسكون طا از براى بكر ذكر شد تَذَكَّرُونَ حفص
بتخفيف ذال قراءت كرده وبكر بتشديد ذال روايت ميكند

سورة الاعراف

تَذَكَّرُونَ تخفيف ذال از براى حفص
وتشديد ذال از براى بكر ذكر شد وَلَكِن لَا يَعلَمُونَ حفص
بتاء خطاب قراءت كرده وبكر بياء غيبت روايت ميكند
يُغشِي اللَّيلَ حفص بسكون غين وتخفيف شين روايت كرده

وبكر

وبكر بفتح غين وتشديد شين قراءت ميكند خُفيَةً حفص بضم
خا خوانده وبكر بكسر خا ميخواند مَيِّتٍ تشديد يا از براى حفص و
سكون يا از براى بكر گفته شد تَذَكَّرُونَ تخفيف ذال از براى
حفص وتشديد ذال از براى بكر مذكور شد بَسطَةً بَصطَةً
حفص بسين خوانده وصاد نيز از براى وى نقل كرده اند اما
سين اصح است وبكر بصاد ميخواند بُيُوتًا ضم با از براى حفص
وكسر با از براى بكر ذكر شد ءَاِنَّكُم حفص بيك همزه مكسوره با
خبار خوانده وبكر بدو همزه كه اول مفتوحه وثانى مكسوره
باستفهام ميخواند فَاَرسِل مَعِيَ حفص بفتح يا قراءت كرده وبكر بسكون
يا روايت ميكند ءَاِنَّ لَنَا حفص بيك همزه مكسوره باخبار
خوانده وبكر بدو همزه كه اول مفتوحه وثانى مكسوره باستفهام
ميخواند تَلقَفُ حفص بسكون لام وتخفيف قاف روايت كرده

و بکر بفتح لام و تشدید قاف قراءت میکند ءَامَنتُم حفص بیک
همزه ممدوده خوانده و بکر بدو همزه که اول مفتوحه و ثانی ممدوده
باستفهام میخوانند یَعرِشُونَ حفص بکسر را خوانده و بکر بضم را
میخواند قَالَ ابنَ اُمَّ حفص بفتح میم قراءت کرده و بکر بکسر
میم روایت میکند مَعذِرَةً حفص بنصب تاء تانیث منونا
خوانده و بکر برفع تا منونا میخواند در بعضی نسخ سجاوندی
در کلمه شَدِیدًا که در ما قبل معذرة است لا بسیاهی و ط بسرخی
جهت علامت وصل و وقف از برای حفص و بکر مکتوب بود
اما در اکثر نسخ ط بسرخی مکتوب بود و قیل لا بسیاهی نشده
بود بَئِیسٍ حفص بفتح با و کسر همزه و یای ساکنه بعد از همزه
قراءت کرده و بکر بفتح با و سکون یا و همزه مفتوحه روایت
میکند و بعضی بَئْیَسٍ بطریق حفص از برای بکر نیز نقل کرده اند

افلا

اَفَلَا تَعقِلُونَ حفص بتا خوانده و بکر بیا میخواند یُمَسِّکُونَ حفص
بضم یا و فتح میم و کسر سین مشدده قراءت کرده و بکر بضم یا و سکون
میم و کسر سین مخففه روایت میکند شُرَکَاءَ شِرکًا حفص
بضم شین و فتح را و فتح کاف و الف بعد از کاف و همزه مفتوحه
خوانده و بکر بکسر شین و سکون را و فتح کاف منونا بر وزن
حِبرًا میخواند سورة الانفال رَمَی حفص بفتح میم قراءت کرده
و بکر باماله میم روایت میکند مُوهِنُ کَیدِ الکَافِرِینَ حفص
بضم نون و کسر دال باضافه خوانده و بکر بضم نون منونا و
نصب دال میخواند وَاَنَّ اللهَ حفص بفتح همزه قراءت کرده
و کلمه وَلَو کَثُرَت که در ما قبل و ان الله است وصل کند و علامت لا
بسیاهی نویسند و بکر بکسر همزه روایت میکند و در کلمه مذکوره
وقف مطلق کند و علامت ط بسرخی گذارند مَن حَیَّ حَیِیَ

حفص بفتح یای مشدده روایت کرده و بکر بدو یا که اول مکسوره
و ثانی مفتوحه بغیر تشدید قراءت میکند وَلَا تَحسَبَنَّ
الَّذِینَ حفص بیاء غیبت خوانده و بکر بتا خطاب میخواند لِلسِّلمِ
حفص بفتح سین روایت کرده و بکر بکسر سین قراءت میکند
اَخَذتُم اظهار ذال از برای حفص و ادغام ذال در تا از برای
بکر مذکور شد سورة التوبة رِضوَانٍ کسر را از برای حفص
و ضم را از برای بکر مذکور شد عَشِیرَاتُکُم حفص بفتح را بغیر
الف و بضم تا بافراد خوانده و بکر بفتح را و الف بعد از را
و ضم تا بجمع میخواند یُضَلُّ حفص بضم یا و فتح ضاد قراءت
کرده و بکر بفتح یا و کسر ضاد روایت میکند رِضوَانٌ
کسر را از برای حفص و ضم را از برای بکر گذشت الغُیُوبِ
حفص بضم غین خوانده و بکر بکسر غین میخواند مَعِیَ اَبَدًا

معی

مَعِیَ عَدُوًّا حفص در هر دو لفظ بفتح یا قراءت کرده و بکر در هر
دو بسکون یا روایت میکند صَلَوَاتَکَ حفص بفتح لام و الف منقلب
از واو و فتح تا بصیغه افراد روایت کرده و بکر بفتح لام و فتح
واو و الف بعد از واو و کسر تا بصیغه جمع قراءت میکند
مُرجَونَ حفص بفتح جیم و سکون واو بغیر همزه خوانده و بکر
بفتح جیم و همزه مضمومه و سکون واو بعد از همزه میخوانند
وَرِضوَانٍ کسر را از برای حفص و ضم را از برای بکر مذکور شد
شُفَا جُرُفٍ حفص بضم را قراءت کرده و بکر بسکون را روایت
میکند هَارٍ حفص بفتح ها روایت کرده و بکر باماله ها قراءت
میکند اِلَّا اَن تَقَطَّعَ حفص بفتح تا خوانده و بکر بضم تا میخواند
یَزِیغُ حفص بیا خوانده و بکر بتا میخواند رَءُوفٌ حفص بضم همزه
و سکون واو بعد از همزه قراءت کرده و بکر بضم همزه بغیر واو

روایت میکند چنانکه گذشت سورة یونس الر حفص بفتح را
روایت کرده و بکر باماله را قراءت میکند افلا تذکرون
حفص بتخفیف ذال روایت کرده و بکر بتشدید ذال قراءت میکند
نفصل حفص بیا خوانده و بکر بنون میخواند در بعضی نسخ سجاوندی
در کلمه بالحق که در ما قبل نفصل است لا بسیاهی و ط بسرخی علامت
وصل و وقف ان برای حفص و بکر مکتوب است و در بعضی نسخ
ج بسرخی نوشته وقتی وصل و وقف ان برای حفص و بکر نکرده
و لا ادریکم حفص درین موضع و هرجا که بیاید بفتح را
خوانده و بکر درین کلمه و هرجا که مذکور شود باماله میخواند
متاع الحیوة حفص بنصب عین قراءت کرده و کلمه علی
انفسکم که در ما قبل و نیست وصل کند و علامت لا بسیاهی
نویسند و بکر برفع عین روایت میکند و در کلمه مذکوره

وقف مطلق کند و علامت ط بسرخی کذا رنو من المیت و یخرج المیت
حفص در هر دو موضع بکسر یاء مشدده خوانده و بکر در هر دو بسکون
یاء مخففه میخواند لا یهدی حفص بفتح یا و کسر ها و کسر دال
مشدده قراءت کرده و بکر بکسر یا و کسر ها و کسر دال مشدده روایت
میکند و یوم یحشرهم که بعد از کلمه کان لم یلبثوا الکتاب است
حفص بیا روایت کرده و بکر بنون قراءت میکند ان اجری
حفص بفتح یا خوانده و بکر بسکون یا میخواند بیوتا و بیوتکم
دو لفظ ضم با از برای حفص و کسر با از برای بکر مذکور شد
و یجعل الرجس حفص بیا قراءت کرده و بکر بنون روایت
میکند ننج المؤمنین حفص بضم نون اول و سکون نون
ثانی و تخفیف جیم خوانده و بکر بضم نون اول و فتح نون
ثانی و تشدید جیم میخواند سورة هود علیه السلام الر حفص

بفتح را قراءت کرده و بکر باماله را روایت میکند تذکرون :
تخفیف ذال ان برای حفص و تشدید ذال از برای بکر گفته
شد فعمیت حفص بضم عین و کسر میم مشدده خوانده و بکر بفتح
عین و کسر میم مخففه میخواند ان اجری حفص بفتح یا قراءت
کرده و بکر بسکون یا روایت میکند تذکرون تخفیف ذال
از برای حفص و تشدید ذال از برای بکر ذکر شد من کل
حفص بکسر لام منونا قراءت کرده و بکر بکسر لام بغیر تنوین
باضافه روایت میکند مجریها حفص بفتح میم و اماله را
روایت کرده و حفص در جمیع قرآن بغیر ازین موضع اماله
ندارد و بکر بضم میم و فتح را و الف منقلب از یا بعد از را
قراءت میکند یا بنی درین و سورهٔ یوسف و لقمان و
والصافات حفص جمیعا بفتح یا خوانده و بکر درین سورهٔ

موافقت بحفص کرده بفتح یا خوانده و باقی مواضع را بکسر یا میخواند
ان اجری فتح یا ان برای حفص و سکون یا ان برای بکر گذشت
الا ان ثمود درین سوره و عادا و ثمود در سورهٔ فرقان و
ثمود و قد تبین لکم در سورهٔ عنکبوت و ثمود فما ابقی در سورهٔ
والنجم حفص در جمیع این مواضع بفتح دال بغیر تنوین قراءت
کرده و بکر در همه این الفاظ بفتح دال منونا روایت میکند و هرگاه
وقف کند بالف وقف خواهد کرد الا یک موضع که در سورهٔ
والنجم است موافقت بحفص کرده بفتح دال بغیر تنوین میخواند
فلما را حفص بفتح را و فتح همزه ممدوده خوانده و بکر باماله را
و اماله همزه میخواند یعقوب حفص بنصب با قراءت کرده
و کلمه باسحق که در ما قبل و نیست وصل کند و علامت لا
بسیاهی نویسند و بکر برفع با روایت میکند و در کلمه مذکوره

وقف مطلق کنی و علامت ط برخی کذارند اَصَلَوٰاتُکَ حفص
بفتح لام والف منقلب از واو بعد از لام وضم تا بصیغه مفرد
خوانده و بکر بفتح لام وفتح واو و الف بعد از واو وضم تا بصیغه
جمع میخواند وَاتَّخَذَ قَوْمُهُ اظهار ذال از برای حفص و ادغام
ذال در تا از برای بکر ذکر شد مَکَانَتِکُمْ حفص بفتح نون بغیر
الف و کسر تا با فراد خوانده و بکر بفتح نون و الف بعد از نون و کسر تا
بجمع میخواند سُعِدُوا حفص بضم سین و کسر عین قراءت
کرده و بکر بفتح سین و کسر عین روایت میکند وَاِنَّ کُلًّا
حفص بفتح نون مشدده خوانده و بکر بسکون نون مخففه
میخواند مَکَانَتِکُمْ حفص بغیر الف بصیغه مفرد قراءت کرده
و بکر با الف بصیغه جمع روایت میکند چنانکه مذکور شد
یُرْجَعُ حفص بضم یا و فتح جیم روایت کرده و بکر بفتح یا و کسر جیم

قراءت میکند عَمَّا یَعْمَلُونَ حفص بتاء خطاب خوانده و بکر بیاء
غیبت میخواند سورة یوسف علیه السلام الٓر حفص بفتح را قراءت کرده و
بکر بامالهٔ را روایت میکند یَا بُنَیَّ حفص بفتح یا قراءت کرده و بکر
بکسر یا روایت میکند رَاٰ بُرْهَانَ حفص بفتح را و فتح همزه خوانده
و بکر با مالهٔ را و امالهٔ همزه میخواند فَلَمَّا رَاٰ قَمِیصَهُ فتح را و فتح
همزه از برای حفص و امالهٔ را و امالهٔ همزه از برای بکر مذکور شد
دَاَبًا حفص بفتح همزه خوانده و بکر بسکون همزه میخواند
لِفِتْیَانِهِ لِفِتْیَتِهِ حفص بفتح یا و الف بعد از یا و نون مکسوره
و کسر ها قراءت کرده و بکر بفتح یا بغیر الف و تاء مکسوره در موضع
نون و کسر ها روایت میکند حِفْظًا حَافِظًا حفص بفتح
حا و الف بعد از حا و کسر فا روایت کرده و بکر بکسر حا و سکون
فا بغیر الف قراءت میکند یُوحِی اِلَیْهِمْ درین سوره

ودر سوره نحل و اول انبیا وَیُوحِی اِلَیْهِ موضع ثانی انبیا دو
حفص در جمیع این مواضع بنون و کسر حا خوانده و بکر در همه
بیا و فتح حا میخواند سورة الرعد الٓمٓر حفص بفتح را خوانده
و بکر با مالهٔ را میخواند یُغْشِی اللَّیْلَ حفص بسکون غین و تخفیف
شین قراءت کرده و بکر بفتح غین و تشدید شین روایت
میکند وَزَرْعٌ وَنَخِیلٌ صِنْوَانٌ وَغَیْرُ حفص در سه کلمه
اول برفع منونا و در کلمه چهارم برفع بغیر تنوین خوانده
و بکر در سه کلمه اول بجر منونا و در کلمه چهارم بجر بغیر تنوین
میخواند اَفَاتَّخَذْتُمْ حفص باظهار ذال قراءت کرده و بکر با
دغام ذال در تا روایت میکند اَمْ هَلْ یَسْتَوِی حفص بتاء تانیث
خوانده و بکر بیاء تذکیر میخواند وَمِمَّا یُوقِدُونَ حفص
بیاء غیبت روایت کرده و بکر بتاء خطاب میخواند اَفَاتَّخَذْتُمْ

اظهار ذال از برای حفص و ادغام ذال در تا از برای بکر مذکور
شد سورة ابراهیم الٓر حفص بفتح را قراءت کرده و بکر با ماله
را روایت میکند لِیَ عَلَیْکُمْ حفص بفتح یا روایت کرده و بکر بسکون
یا قراءت میکند سورة الحجر الٓر حفص بفتح را خوانده و بکر
با مالهٔ را میخواند تَنَزَّلُ الْمَلَائِکَةُ حفص بضم نون اول و
فتح نون ثانی و کسر زاء مشدده و نصب تاء الْمَلَائِکَةَ قراءت
کرده و بکر بتاء مضمومه در مکان نون اول و فتح نون و فتح زاء مشدده
و رفع تاء الْمَلَائِکَةُ روایت میکند جُزْءٌ حفص بسکون زا روایت
کرده و بکر بضم زا قراءت کرده عُیُونٍ حفص بضم عین خوانده
و بکر بکسر عین میخواند قَدَّرْنَا حفص بتشدید دال روایت
کرده و بکر بتخفیف دال قراءت میکند بُیُوتًا ضم با از برای
حفص و کسر با از برای بکر ذکر شد سورة النحل لَرَؤُفٌ

حفص بضم همزه و سکون واو قراءت کرده و بکر بضم همزه بغیر
واو روایت میکند یُنْبِتُ لَکُمْ حفص بیا خوانده و بکر بضم همزه
بنون میخوانند وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ حفص برفع میم وَالنُّجُومُ
و رفع تاء مُسَخَّرَاتٌ منونا روایت کرده و در لفظ القمر که در ما
قبل این دو کلمه است وقف مطلق کند و علامت ط بسیاهی
نویسند و بکر بنصب میم وَالنُّجُومَ و خفض تاء مُسَخَّرَاتٍ منونا
قراءت میکند و کلمه مذکوره را وصل کند و علامت لا بسرخی
کذا رسم أَفَلَا تَذَكَّرُونَ تخفیف ذال از برای حفص و تشدید
ذال از برای بکر مذکور شد نُوحِي إِلَيْهِمْ حفص بضم همزه
و سکون واو روایت کرده و بکر بضم همزه بغیر واو قراءت
میکند نُسْقِیکُمْ درین سوره و در سوره مؤمنون حفص بضم
نون روایت کرده و بکر بفتح نون قراءت میکند بُیُوتًا

حفص بضم نون و کسر حا خوانده و بکر بضم یا و فتح حا میخواند نُوحِي

ضم

ضم با از برای حفص و کسر با از برای بکر گفته شد یَعْرِشُونَ حفص
بکسر را خوانده و بکر بضم را میخواند یَجْحَدُونَ حفص بیاء غیبت
خوانده و بکر بتاء خطاب میخواند بُیُوتًا ضم با از برای حفص و کسر
با از برای بکر ذکر شد رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا وَرَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا
حفص درین دو لفظ بفتح را و فتح همزه قراءت کرده و بکر در حال
وصل باماله را و اماله همزه هر دو خوانده و باماله را و فتح همزه
نیز در حال وصل از او نقل کرده اند و در حال وقف باماله را و ا
ماله همزه میخوانند و بس تَذَكَّرُونَ تخفیف ذال از برای حفص
و تشدید ذال از برای بکر ذکر شد سورة بنی اسرائیل لِيَسُوءُوا
حفص بضم همزه و سکون واو بعد از همزه بمد بصیغه جمع قراءت
کرده و بکر لِيَسُوءَ بفتح همزه بغیر واو بقصر بصیغه افراد روایت
میکند و این کلمه را در بعضی مصاحف بدو واو مینویسند

و در رسم الخط و بعضی مصاحف لِیَسُوءُا بیک واو مینویسند
و در رسم الخط و بعضی مصاحف بهر نوع که نوشته شده باشد
مستحسن است احتیاج بحک و اصلاح ندارد أُفٍّ حفص
بکسر فا منونا خوانده و بکر بکسر فا بغیر تنوین میخوانند الْقِسْطَاسِ
درین سوره و سوره شعرا حفص بکسر قاف قراءت کرده و بکر
بضم قاف میخوانند كَمَا يَقُولُونَ حفص بیاء غیبت قراءت کرده
و بکر بتاء خطاب روایت میکند تُسَبِّحُ لَهُ حفص بتاء خطاب
روایت کرده و بکر بیاء غیبت قراءت میکند وَرَجِلِكَ حفص
بکسر جیم خوانده و بکر بسکون جیم میخوانند أَعْمَى دو موضع حفص
در هر دو موضع بفتح میم خوانده بی خلاف و بکر در هر دو لفظ
باماله میم میخوانند باخلاف اما وجه اصح اماله میم است
خَلْفَكَ خِلَافَكَ حفص بکسر خا و فتح لام و الف بعد از لام

قرا

قراءت کرده و بکر بفتح خا و سکون لام بغیر الف روایت میکند وَنَأَى
حفص بفتح نون و فتح همزه ممدوده روایت کرده و بکر بفتح نون و اماله
همزه قراءت میکند سورة الکهف عِوَجًا حفص بسکت میخوانند
در حال وصل بدون قطع نفس چنانکه اظهار الف می نماید تنوین را
بلفظ در نمی آورد و شروع بکلمه قَيِّمًا میکند و بکر بغیر سکت میخوانند
مِنْ لَدُنْهُ حفص بضم دال و سکون نون و ضم ها بغیر صله قراءت
کرده و بکر بسکون دال با اشمام و کسر نون و کسر ها با صله روایت کرده
و بغیر صله ها نیز نقل کرده اند اما اصح صله هاست بِوَرِقِكُمْ
حفص بکسر را روایت کرده و بکر بسکون را قراءت میکند وَرَأَى
الْمُجْرِمُونَ حفص بفتح را و فتح همزه قراءت کرده و بکر در حال
وصل باماله را و اماله همزه میخوانند و باماله را و فتح همزه نیز در
حال وصل از او نقل کرده اند و در حال وقف باماله را و اماله

همزه میخوانند و بس هُزُوًا حفص بفتح واو منونا خوانده و بکر بفتح
همزه منونا میخواند لِمَهْلِكِهِم درین سوره و سوره نمل حفص بفتح
میم وکسر لام که بعد از ها مکتوبست خوانده و بکر بفتح میم و فتح لام
که بعد از ها است میخواند وَ اَنْسَانِيهُ حفص بضم ها قراءت کرده
و بکر بکسر ها روایت میکند مَعِيَ سه موضع حفص در هر سه لفظ
بفتح یا روایت کرده و بکر در هر سه کلمه بسکون یا قراءت میکند
نُكُرًا دو موضع حفص در هر دو موضع بسکون کاف خوانده و بکر
در هر دو لفظ بضم کاف میخواند مِن لَدُنِّي حفص بضم دال بغیر
اشمام و تشدید نون قراءت کرده و بکر بسکون دال با اشمام
و تخفیف نون روایت میکند لَاتَّخَذْتَ اظهار ذال از برای
حفص و ادغام ذال در تا از برای بکر منکورست حَمِئَةٍ
حفص بفتح حا بغیر الف وکسر میم و فتح یا همزه روایت کرده و بکر

بفتح حا و الف بعد از حا وکسر میم و فتح یا بغیر همزه میخواند جَزَاءً
الْحُسْنَى حفص بنصب همزه منونا قراءت کرده و هرگاه وصل کند
نون تنوین را جهت رفع التقاء ساکنین بکسر خواهد خواند
و بکر برفع همزه بغیر تنوین روایت میکند السَّدَّيْنِ وَسَدًّا
دو موضع درین سوره و دو موضع در سوره یس حفص در
جمیع مواضع بفتح سین روایت کرده و بکر در جمیع الفاظ بضم
سین قراءت میکند رَدْمًا ءَاتُونِي حفص بقطع همزه ممدوده در
حال وصل و وقف قراءت کرده و بکر بهمزه وصل روایت میکند
هرگاه رَدْمًا را وصل کند به ءَاتُونِي نون تنوین را کسره میدهد
و بیک همزه ساکنه قراءت میکند و اگر در رَدْمًا وقف کند در حال
ابتدا همزه اول ءَاتُونِي را کسره میدهد و همزه ثانی را بدل بیاء ساکنه
میکرداند که ایتُونِي باشد الصَّدَفَيْنِ حفص بفتح صاد و فتح

دال قراءت کرده و بکر بضم صاد و سکون دال روایت میکند قَالَ
ءَاتُونِي حفص بقطع همزه ممدوده در حال وصل و وقف خواند و بکر
بدو وجه روایت میکند یکی بهمزه قطع بطریق حفص و دیگری
بهمزه وصل پس هرگاه بوصل بخواند یک مرتبه بهمزه قطع ممدوده
خواهد خواند و مرتبه دیگر بهمزه وصل بسکون همزه روایت خواهد
و اگر در قَالَ وقف کند ءَاتُونِي را نیز دو وجه خواهد خواند یک
مرتبه بهمزه قطع ممدوده قراءت خواهد کرد و مرتبه دیگر همزه
اول را بکسر و همزه ثانی را بیاء ساکنه خواهد خواند که ایتُونِي باشد
هُزُوًا حفص بفتح واو منونا خوانده و بکر بفتح همزه منونا میخواند

سورة مریم كهيعص حفص بفتح ها و فتح یا خوانده و بکر با
ماله ها و اماله یا میخواند زَكَرِيَّاءَ حفص بقصر بغیر همزه قراءت
کرده و بکر بمد و همزه مفتوحه روایت میکند یا زَكَرِيَّاءُ

حفص بطریق کلمه سابق بقصر بغیر همزه روایت میکند و بکر بمد و
همزه مضمومه قراءت میکند عِتِيًّا حفص بکسر عین خوانده و بکر
بضم عین میخواند مِتُّ حفص بکسر میم خوانده و بکر بضم میم میخواند
نَسْيًا حفص بفتح نون قراءت کرده و بکر بکسر نون روایت میکند
مِن تَحْتِهَا حفص بکسر میم وکسر تاء ثانی روایت کرده و بکر بفتح
میم و فتح تاء ثانی قراءت میکند تُسَاقِطْ حفص بضم تا و تخفیف
سین وکسر قاف قراءت کرده و بکر بفتح تا و تشدید سین و فتح قاف
روایت میکند يَدْخُلُونَ حفص بفتح یا و ضم خا روایت کرده و بکر بضم
یا و فتح خا قراءت میکند مِتُّ حفص بکسر میم قراءت کرده و بکر
بضم میم روایت میکند جِثِيًّا عِتِيًّا صِلِيًّا جِثِيًّا حفص درین
چهار کلمه بکسر حرف اول خوانده و بکر درین چهار لفظ بضم حرف
اول میخواند يَتَفَطَّرْنَ حفص بفتح یاء تحتانی و فتح تاء مثناة

فوقانی و فتح طاء مشدده قراءت کرده و بکر بفتح یا و سکون نون
در همکان تا و کسر طاء مخففه روایت میکند سورة طه طه
حفص بفتح طا و فتح ها خوانده و بکر باماله طا و اماله ها میخواند
رءا حفص بفتح را و فتح همزه قراءت کرده و بکر باماله را و اماله
همزه روایت میکند و لی حفص بفتح یا روایت کرده و بکر بسکون
یا قراءت میکند سوی حفص بفتح واو منونا خوانده و بکر در حال
وقف باماله واو میخواند فیسحتکم حفص بضم یا و کسر حا و فتح تا
قراءت کرده و بکر بفتح یا و فتح حا و فتح تا روایت میکند قالوا ان
حفص بکسر همزه و سکون نون روایت کرده و بکر بفتح نون مشدده
قراءت میکند تلقف حفص بسکون لام و فتح قاف مخففه و
سکون فا روایت کرده و بکر بفتح لام و فتح قاف مشدده و سکون
فا قراءت میکند ءامنتم حفص بیک همزه ممدوده قراءت کرده

دیکر

و بکر بدو همزه که اول مفتوحه و ثانی ممدوده روایت میکند حملنا
حفص بضم حا و کسر میم مشدده خوانده و بکر بفتح حا و فتح میم مخففه
میخواند یا ابن ام حفص بفتح میم مشدده خوانده و بکر بکسر میم
مشدده میخواند و انک حفص بفتح همزه قراءت کرده و کلمه و لا
تعری که درما قبل وی است وصل کند و علامت لا بسبب هم نویسند و بکر
بکسر همزه روایت میکند و در کلمه مذکوره وقف جایز کند و علامت
ج بسبب کذارند تضحی حفص بفتح تا خوانده و بکر بضم تا میخواند
او لم تأتهم حفص بتاء تانیث قراءت کرده و بکر بیاء تذکیر روایت
میکند سورة الانبیاء قل قال حفص با الف بصیغه فعل ماضی
روایت کرده و بکر بغیر الف بصیغه امر قراءت میکند نوحی الیهم
یوحی الیه دو موضع حفص در هر دو موضع بضم نون و کسر حا خوانده
و بکر در هر دو لفظ بضم یا و فتح حا میخواند من معی حفص بفتح

یا قراءت کرده و بکر بسکون یا روایت میکند متنا حفص بکسر میم
روایت کرده و بکر بضم میم قراءت میکند رءاک فتح را و فتح
همزه از برای حفص و اماله را و اماله همزه از برای بکر مذکور
شد هزوا فتح واو منونا از برای حفص و فتح همزه منونا
از برای بکر گفته شد اف لکم حفص بکسر فا منونا قراءت کرده
و بکر بکسر فا بغیر تنوین روایت میکند لتحصنکم حفص بتاء تانیث
قراءت کرده و بکر بنون در همکان تا روایت میکند نجی المؤمنین
حفص بدو نون که اول مضمومه و ثانی ساکنه و تخفیف
جیم روایت کرده و بکر بیک نون مضمومه و تشدید جیم قراءت
میکند زکریا حفص بقصر بغیر همزه خوانده و بکر بمد و همزه
مفتوحه میخواند و حرام حفص بفتح حا و فتح را و الف
بعد ان را خوانده و بکر بکسر حا و سکون را بغیر الف میخواند

نجی

للکتب

للکتب حفص بضم کاف و ضم تا بصیغه جمع قراءت کرده و بکر
بکسر کاف و فتح تا و الف بعد ان تا بصیغه مفرد روایت میکند
قال قل حفص بفتح قاف و الف بعد ان قاف بصیغه فعل ماضی قراءت
میکند و بکر بضم قاف و حذف الف بصیغه امر قراءت میکند
سورة الحج لؤلؤا حفص بتحقیق هر دو همزه قراءت کرده
و بکر همزه اول را بدل بواو و ثانی را باثبات روایت میکند سواء
حفص بنصب همزه منونا روایت کرده و بکر برفع همزه منونا قراءت
میکند بیتی حفص بفتح یا خوانده و بکر بسکون یا میخواند و
لیوفوا حفص بضم یا و سکون واو و ضم فاء مخففه قراءت
کرده و بکر بضم یا و فتح واو و ضم فاء مشدده روایت میکند
یقاتلون حفص بفتح تا بصیغه مجهول روایت کرده و بکر
بکسر تا بصیغه معلوم قراءت میکند ثم اخذتهم ثم اخذتها

دو موضع حفص در هردو باظهار ذال خوانده و بکر در هردو
موضع با دغام ذال در تا میخواند و انّ ما یَدْعُونَ در این
سوره و سوره لقمان حفص بیاء غیبت قراءت کرده و بکر
در هردو بتاء خطاب روایت میکند لُؤْلُؤٌ حفص بضم همزه
و واو ساکنه بعد از همزه روایت کرده و بکر بضم همزه بغیر واو
قراءت میکند سوره المؤمنون عَظْمًا الْعَظْمَ عِظٰامًا فکسونا
الْعِظامَ دو موضع حفص در هردو موضع بکسر عین و فتح ظا
و الف بعد از ظا قراءت کرده و بکر در هردو لفظ بفتح عین و سکون
ظا بغیر الف روایت میکند نُسْقِیکُمْ حفص بضم نون خوانده
و بکر بفتح نون میخواند مِنْ کُلٍّ حفص بکسر لام منونا قراءت
کرده و بکر بکسر لام بغیر تنوین روایت میکند مُنْزَلًا حفص
بضم میم و فتح زا روایت کرده و بکر بضم میم و کسر زا قراءت میکند
هم

المؤمنون
والنور

مِنْهُمْ وَمِتْنَا دو موضع حفص در هردو بکسر میم خوانده و بکر در هر
دو موضع بضم میم میخواند اَفَلا تَذَكَّرُونَ تخفیف ذال از برای
حفص و تشدید ذال از برای بکر مذکور شد عٰالِمِ الْغَیْبِ
حفص بخفض میم روایت کرده و کلمه عَمّٰا یَصِفُونَ که
در ما قبل و بیت وصل کنند و علامت لا بسیاهی نویسند و بکر
برفع میم قراءت میکند و در کلمه مذکوره وقف مطلق کنند و علامت
ط بسرخی گذارند فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ اظهار ذال از برای حفص
و ادغام ذال در تا از برای بکر ذکر شد سوره النور تَذَكَّرُونَ
تخفیف ذال از برای حفص و تشدید ذال از برای بکر گفته شد اَرْبَعُ اَ
الاُولی حفص برفع عین خوانده و بکر بنصب عین میخواند وَا
لْخٰامِسَةَ الثّانیه حفص بنصب تا قراءت کرده و کلمه الکا
ذِبِینَ که در ما قبل و بیت وصل کنند و علامت لا بسیاهی نویسند

و بکر برفع تا روایت میکند و در کلمه مذکوره وقف مطلق کنند
و علامت ط بسرخی گذارند رَؤُفٌ حفص بضم همزه و سکون
واو بعد از همزه روایت کرده و بکر بضم همزه بغیر واو قراءت
میکند خُطُوٰاتِ دو موضع ضم طا از برای حفص و سکون
طا از برای بکر مذکور شد بُیُوتًا غَیْرَ بُیُوتِکُمْ دو موضع ضم
با از برای حفص و کسر با از برای بکر گفته شد تَذَكَّرُونَ
تخفیف ذال از برای حفص و تشدید ذال از برای بکر ذکر شد
بُیُوتًا ضم با از برای حفص و کسر با از برای بکر مذکور شد
جُیُوبِهِنَّ حفص بضم جیم خوانده بخلاف و بکر بکسر جیم میخواند
با خلاف غَیْرِ که بعد از کلمه اُولِی الْاِرْبَةِ مکتوب است
حفص بخفض را خوانده و بکر بنصب را میخواند مُبَیِّنٰاتٍ
حفص بکسر یاء مشدده خوانده و بکر بفتح یاء مشدده میخوانند
دُرِّیٌّ

النور

دُرِّیٌّ حفص بکسر را و ضم یاء مشدده منونا قراءت کرده و بکر بکسر
را و یاء ساکنه بعد از را و ضم همزه منونا بعد از یا بهمزه روایت میکند
یُوقَدُ حفص بیا روایت کرده و بکر بتا قراءت میکند فِی بُیُوتٍ ضم
با از برای حفص و کسر با از برای بکر ذکر شد یُسَبِّحُ لَهُ فِیهٰا حفص
بکسر با روایت کرده و کلمه وَالْاٰصٰالِ که در ما بعد و بیت وصل
کنند و علامت لا بسیاهی نویسند و بکر بفتح با قراءت میکند
و در کلمه مذکوره وقف مطلق کنند و علامت ط بسرخی گذارند
مُبَیِّنٰاتٍ کسر یا از برای حفص و فتح یا از برای بکر گفته شد
وَیَتَّقْهِ حفص بسکون قاف و کسر ها بی صله خوانده و بکر بکسر
قاف و سکون ها میخوانند کَمَا اسْتَخْلَفَ حفص بفتح تا و فتح
لام بر بناء معلوم قراءت کرده و بکر بضم تا و کسر لام بنا بر مجهول
روایت میکند و هرگاه ابتدا بکلمه مذکوره کنند حفص بکسر

همزه و بکر بضم همزه خواهند خواند و لیبدلنهم حفص بفتح با و دال
مشدده روایت کرده و بکر بسکون با و دال مخففه قراءت
ثلث عورات حفص برفع ثاء مثلثه ثانیه قراءت کرده
و در کلمه العشاء که در ما قبل و سیت وقف مطلق کنند و علامت
ط بسیاهی نویسند و بکر بنصب ثاء ثانیه روایت میکند و کلمه
مذکوره را وصل کنند و علامت لا بسرخی کذارند من بیوتکم
او بیوت اباءکم تا کلمه فاذا دخلتم بیوتا ده موضع حفص
در جمیع این مواضع بضم با خوانده و بکر در جمیع الفاظ بکسر با
میخواند چنانکه کفته شد سورة الفرقان ویجعل حفص
بجزم لام روایت کرده و کلمه الانهار که در ما قبل و سیت
وصل کنند و علامت لا بسیاهی نویسند و بکر برفع لام قراءت
میکند و در کلمه مذکوره وقف مطلق کنند و علامت ط بسرخی
کذارند

کذارند نحشرهم حفص بیاء خوانده و بکر بنون میخواند فما
تستطیعون حفص بتاء خطاب قراءت کرده و کلمه بما تقولون
که در ما قبل و سیت وصل کنند و علامت لا بسیاهی نویسند
و بکر بیاء غیبت روایت میکند و در کلمه مذکوره وقف مطلق
کنند و علامت ط بسرخی کذارند اتخذت اظهار ذال از برای
حفص و ادغام ذال در تا از برای بکر مذکور شد و ثمودا
حفص بفتح دال بغیر تنوین روایت کرده و بکر بفتح دال با تنوین
قراءت میکند هزوا حفص بفتح واو منونا روایت کرده
و بکر بفتح همزه منونا روایت میکند یضاعف حفص بجزم فا
روایت کرده و کلمه اثاما که در ما قبل و سیت وصل کنند و علامت
لا بسیاهی نویسند و بکر برفع فا قراءت میکند و در کلمه مذکوره
وقف مطلق کنند و علامت ط بسرخی کذارند ویخلد حفص

بجزم دال خوانده و بکر برفع دال میخواند فیه مهانا حفص بکسر
ها با صله خوانده و بکر بکسر ها بغیر صله میخواند وذریاتنا
وذریتنا حفص بفتح یا و الف بعد از یا بصیغه جمع قراءت
کرده و بکر بفتح یا و حذف الف بصیغه مفرد روایت میکند
یلقون حفص بضم یا و فتح لام و تشدید قاف روایت
کرده و بکر بفتح یا و سکون لام و تخفیف قاف قراءت میکند
سورة الشعراء طسم حفص بفتح طا خوانده و بکر با اماله طا
میخواند و عاصم بهر دو روایت نون ملفوظی سین را در میم
مکتوبی ادغام نموده و در مبحث ادغام بوضوح تمام مذکور
شد اتخذت اظهار ذال از برای حفص و ادغام ذال در تا
از برای بکر کفته شد تلقف حفص بسکون لام و تخفیف
قاف قراءت کرده و بکر بفتح لام و تشدید قاف روایت
میکند

میکند قال آمنتم حفص بیک همزه ممدوده روایت کرده و بکر بدو
همزه اول مفتوحه و ثانی ممدوده قراءت میکند عیون سه موضع
حفص در هر سه موضع بضم عین خوانده و بکر در هر سه لفظ بکسر
عین میخواند ان معی ومن معی دو موضع حفص در هر دو موضع
بفتح یا قراءت کرده و بکر در هر دو لفظ بسکون یا روایت میکند ان
اجری پنج موضع حفص در هر پنج موضع بفتح یا خوانده و بکر در هر
پنج لفظ بسکون یا میخواند بیوتا ضم با از برای حفص و کسر با از برای
بکر ذکر شد بالقسطاس حفص بکسر قاف قراءت کرده و بکر بضم
قاف روایت میکند کسفا حفص بفتح سین روایت کرده و بکر بسکون
سین قراءت میکند نزل به الروح الامین حفص بتخفیف
زاء نزل و رفع حرف آخر دو کلمه اخیر الروح الامین خوانده و
بکر بتشدید زاء نزل و نصب حرف آخر دو کلمه اخیر الروح الامین

میخوانند سورة النمل طس حفص بفتح طا قراءت کرده و بکر باماله
طا روایت میکند و نون ملفوظی سین را در حال وصل نزد تاء
تلک از برای هر دو راوی اخفاء با غنه باید نمود رءا ها
حفص بفتح را و فتح همزه روایت کرده و بکر باماله را و اماله همزه
قراءت میکند ما تخفون و ما تعلنون حفص در هر دو کلمه بتاء
خطاب قراءت کرده و بکر در هر دو لفظ بیاء غیبت روایت میکند
اتانی الله حفص در حال وصل باثبات یاء مفتوحه خوانده
و در حال وقف باثبات یا و حذف یا هر دو از و نقل کرده اند
و بکر در حال وصل و وقف بحذف یا میخواند رءاه فتح را و فتح همزه
از برای حفص و اماله را و اماله همزه از برای بکر مذکور شد
مهلک حفص بکسر لام خوانده و بکر بفتح لام میخواند بیوتهم
ضم با از برای حفص و کسر با از برای بکر گفته شد قدرنا
حفص

حفص بتشدید دال خوانده و بکر بتخفیف دال میخواند ما تذکرون
تخفیف ذال از برای حفص و تشدید ذال از برای بکر ذکر شد
و کل اتوه حفص بفتح همزه و فتح تا قراءت کرده و بکر بهمزه ممدوده
و ضم تا روایت میکند عما یعملون حفص بتاء خطاب روایت
کرده و بکر بیاء غیبت قراءت میکند سورة القصص طسم
حفص بفتح طا خوانده و بکر باماله طا میخواند و عاصم بهر دو
روایت نون ملفوظی سین را در میم مکتوبه میم ادغام با غنه
کرده فلما رءاها فتح را و فتح همزه از برای حفص و اماله را و اماله
همزه از برای بکر ذکر شد من الرهب حفص بفتح ها قراءت
کرده و بکر بضم را روایت میکند معی فتح یا از برای حفص و سکون
یا از برای بکر مذکور شد لخسف حفص بفتح خا و فتح سین
روایت کرده و بکر بضم خا و کسر سین قراءت میکند سورة العنکبوت

او لم یروا حفص بیاء غیبت خوانده و بکر بتاء خطاب میخواند
اتخذتم اظهار ذال از برای حفص و ادغام ذال در تا از برای
بکر ذکر شد مودة بینکم حفص بفتح تا بغیر تنوین و بکسر نون
قراءت کرده و بکر بنصب تا منونا و نصب نون روایت میکند
ءانکم حفص بیک همزه مکسوره خوانده و بکر بدو همزه اول مفتوحه
ثانی مکسوره میخواند منجوک حفص بفتح نون و ضم جیم مشدده
روایت کرده و بکر بسکون نون و ضم جیم مخففه قراءت میکند
و ثمود حفص بفتح دال بغیر تنوین روایت کرده و هر گاه وقف
کند بدال بغیر الف وقف خواهد کرد و بکر بفتح دال منونا قراءت
میکند و هر گاه وقف کند بالف وقف خواهد کرد البیوت
ضم با از برای حفص و کسر با از برای بکر گفته شد آیات من ربه آیة
حفص بالف بعد از یا بصیغه جمع خوانده و بکر بحذف الف
بصیغه

بصیغه مفرد میخوانند و در رسم الخط بتاء طولانی مکتوب است
ترجعون حفص بتاء خطاب خوانده و بکر بیاء غیبت میخواند
سورة الروم ثم الیه ترجعون حفص بتاء خطاب قراءت
کرده و بکر بیاء غیبت روایت میکند من المیت و یخرج المیت دو
موضع حفص در هر دو موضع بکسر یاء مشدده روایت کرده و بکر
در هر دو لفظ بسکون یا روایت میکند للعالمین حفص بکسر لام
آثار قراءت کرده و بکر بفتح لام روایت میکند الی اثر رحمت الله
حفص بفتح همزه مقصوره و فتح ثا و حذف الف بصیغه مفرد
قراءت کرده و بکر بفتح همزه ممدوده و فتح ثا و الف بعد از ثا بصیغه
جمع روایت میکند و در رسم الخط تاء رحمت بتاء طولانی مکتوب است
ضعف سه موضع حفص در هر سه موضع بضم ضاد روایت
کرده و فتح ضاد نیز از برای حفص نقل کرده اند و بکر در هر سه

لفظ بفتح ضاد روایت میکنند سورة لقمان و یتخذها حفص بنصب
ذال خوانده و کلمه علم که در ماقبل و نیست وصل کنند و علامت لا
بسیاهی نویسند و بکر برفع ذال میخوانند و در کلمه مذکوره وقف
تمیل کنند و علامت ق بسرخی کذارند هزوا بفتح واو و منونا از برای حفص
و فتح همزه منونا از برای بکر ذکر شد یا بنی سه موضع حفص در هر سه
موضع بفتح یاء مشدده قراءت کرده و بکر در هر سه لفظ بکسر یاء
مشدده روایت میکنند نعمة نعمه حفص بفتح عین و ضم
ها با صله بجمع روایت کرده و بکر بسکون عین و فتح تا و تنوین تانیث
منونا بمفرد قراءت میکنند و ان ما یدعون حفص بیاء
خوانده و بکر بتا میخوانند سورة السجده درین سوره میانه حفص
و بکر خلاف نیست سورة الاحزاب الظنونا والرسولا و
السبیلا حفص درین سه کلمه در حال وصل بحذف الف و در حال

ووقف

وقف بالف خوانده و بکر در هر سه لفظ در حال وقف و وصل بالف
میخواند لا مقام لکم حفص بضم میم اول خوانده و بکر بفتح میم اول
میخوانند ان بیوتنا ضم با از برای حفص و کسر با از برای بکر ذکر شد
رأ المومنون حفص بفتح را و فتح همزه قراءت کرده و بکر باماله
را و اماله همزه روایت میکنند و اماله را و فتح همزه نیز در حال وصل
از برای بکر نقل کرده اند مبینة حفص بکسر یا روایت کرده و بکر
بفتح یا قراءت میکنند بیوتکن ضم با از برای حفص و کسر با
از برای بکر مذکور شد ترجی حفص بکسر جیم و یاء ساکنه
خوانده و بکر بکسر جیم و همزه مضمومه بغیر یا روایت میکنند
بیوت ضم با از برای حفص و کسر با از برای بکر مذکور شد سورة
سبا من رجز الیم حفص برفع میم منونا خوانده و بکر بخفض
میم منونا میخوانند و در سوره جاثیه نیز همین حکم دارد کسفا

حفص بتنهان بفتح سین قراءت کرده و بکر با جمع بسکون سین
روایت میکنند الریح حفص بنصب حا روایت کرده و بکر برفع
حا قراءت میکنند فی مسکنهم فی مساکنهم حفص بسکون سین
و فتح کاف بافراد خوانده و بکر بفتح سین و الف بعد از سین و کسر کاف
بجمع میخوانند هل نجازی الا الکفور حفص بنون مضمومه
و کسر زا و یاء ساکنه بعد از زا و نصب را الکفور خوانده و بکر بیاء
مضمومه و فتح زا و الف منقلب از یا بعد از زا و رفع راء الکفور میخوانند
یحشرهم ثم یقول حفص در هر دو موضع بیا قراءت کرده و بکر
در هر دو کلمه بنون روایت میکنند ان اجری حفص بفتح یا روایت
کرده و بکر بسکون یا قراءت میکنند الغیوب حفص بضم غین
خوانده و بکر بکسر غین میخوانند التناوش حفص بواو مضمومه
بعد از الف قراءت کرده و بکر بهمزه مضمومه بعد از الف با مد

روایت

روایت میکنند سورة الملائکه فراه فتح را و فتح همزه از برای حفص
و اماله را و اماله همزه از برای بکر ذکر شد میت کسر یاء مشدده
از برای حفص و سکون یا از برای بکر گفته شد اخذت اظهار
ذال از برای حفص و ادغام ذال در تا از برای بکر گذشت لؤلؤا
حفص بتحقیق هر دو همزه خوانده و بکر همزه اول را بدل بواو و ثانی را
باثبات میخوانند علی بینت حفص بحذف الف بافراد خوانده و بکر
باثبات الف بجمع میخوانند و رسم الخط تاء این کلمه بتاء طولانی
مکتوب است سورة یس یس حفص بفتح یا خوانده و نون ملفوظی
سین را در حال وصل و وقف باظهار قراءت کرده و بکر باماله یا
میخوانند و نون ملفوظی سین را در حال وصل در واو والقرآن
ادغام نموده و در حال وقف باظهار روایت میکنند تنزیل
حفص بنصب لام روایت کرده و بکر برفع لام قراءت میکنند

سُدًّا دو لفظ حفص در هر دو موضع بفتح سین قراءت کرده و بکر
در هر دو لفظ بضم سین روایت میکند فَعَزَّزْنَا حفص بتشدید
زاء اول روایت کرده و بکر بتخفیف قراءت میکند مِنَ الْعُيُونِ
حفص بضم عین خوانده و بکر بکسر عین میخواند وَمَا عَمِلَتْهُ ایدیهم
عَمِلَتْ حفص بهاء ضمیر بعد از تا قراءت کرده و کلمه من ثمره
که در ما قبل وی است وصل کند و علامت لا ایضا می نویسد
و بکر بحذف هاء ضمیر روایت میکند و در کلمه مذکوره
وقف مطلق کند و علامت ط بر سر آن گذارند یَخِصِّمُونَ
حفص بفتح یا و کسر خا بی خلاف خوانده و بکر بکسر یا و کسر خا
باختلاف میخواند و وجه اصح از برای بکر نیز طریق حفص است
چنانکه در بعضی کتب قراءت مذکور است مِن مَّرْقَدِنَا
حفص با سکته نون قراءت کرده و بکر بی سکته روایت
میکند

میکند مَكَانَتِهِمْ حفص بحذف الف بعد از نون بافراد خوانده
و بکر بالف بعد از نون بجمع میخواند سورة والصافات الْكَوَاكِبِ
حفص بخفض با خوانده و بکر بنصب با میخواند لَا يَسَّمَّعُونَ
حفص بفتح سین مشدده و فتح میم مشدده قراءت کرده و بکر
بسکون سین و فتح میم مخففه روایت میکند مِتْنَا دو موضع
حفص در هر دو موضع بکسر میم روایت کرده و بکر در هر دو لفظ
بضم میم قراءت میکند فَرَآهُ فتح را و فتح همزه از برای حفص
و اماله را و اماله همزه از برای بکر مذکور شد یَا بُنَيَّ حفص بفتح
یا خوانده و بکر بکسر یا میخواند اللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ حفص در این
سه موضع بنصب قراءت کرده و کلمه الله الذین که در ما قبل
ایشان است وصل کند و علامت لا ایضا می نویسد و بکر
در هر سه لفظ برفع روایت میکند و در کلمه مذکوره وقف

مطلق کند و علامت ط بر سر آن گذارند تَذَكَّرُونَ بتخفیف ذال از برای
حفص و تشدید ذال از برای بکر مذکور شد سورة ص وَلِيَ نَعْجَةٌ
حفص بفتح یا خوانده و بکر بسکون یا میخواند غَسَّاقٌ حفص بسین
مشدده خوانده و بکر بسین مخففه میخواند لِيَ مِنْ عِلْمٍ حفص
بفتح یا قراءت کرده و بکر بسکون یا روایت میکند سورة الزمر
مَكَانَتِهِمْ حفص بحذف الف بعد از نون بافراد روایت
کرده و بکر بالف بعد از نون بجمع قراءت میکند بِمَفَازَا
تِهِمْ حفص بحذف الف بعد از زا بافراد قراءت کرده و بکر
بالف بعد از زا بجمع روایت میکند سورة المؤمن حم حفص بفتح
حا قراءت کرده و بکر باماله حا روایت میکند فَأَخَذْتُهُمْ
اظهار ذال از برای حفص و ادغام ذال در تا از برای بکر مذ
کور شد أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ حفص بضم یا و کسر ها
یظهر

يُظْهِرَ و بنصب دال الفساد قراءت کرده و بکر بفتح یا و فتح ها
و رفع دال روایت میکند فَأَطَّلِعَ حفص بنصب عین خوانده
و بکر برفع عین میخواند يُدْخَلُونَ حفص بفتح یا و ضم
خا قراءت کرده و بکر بضم یا و فتح خا روایت میکند ادْخِلُوا
حفص بهمزه قطع و کسر خا که صیغه امر باشد از باب
افعال خوانده و بکر بهمزه وصل و ضم خا بصیغه امر از باب
اول ثلاثی مجرد باشد میخواند حفص هرگاه ابتدا کند یا
بما قبل وصل کند در هر دو حال بفتح همزه خواهد خواند و بکر
اگر ابتدا کند بهمزه مضمومه قراءت خواهد نمود و اگر وصل کند
بحذف همزه خواهد خواند سَيَدْخُلُونَ حفص بفتح یا و ضم
خا قراءت کرده و بکر بضم یا و فتح خا روایت میکند شُيُوخًا
حفص بضم شین قراءت کرده و بکر بکسر شین روایت میکند

سورة السجده حم حفص بفتح حا خوانده و بکر باماله حا
میخواند آئنکم حفص بکسر را روایت کرده و بکر بسکون را
قراءت میکند ءاعجمی حفص بتحقیق همزه اول و تسهیل
همزه ثانی کالالف بغیر مد خوانده و بکر بتحقیق همزتین
میخواند من ثمرات حفص بفتح را و الف بعد از را بجمع
قراءت کرده و بکر بفتح را و حذف الف بمفرد روایت میکند
و این لفظ را بنا بر روایت حفص بتاء طولانی باید نوشت
و بتا وقف باید کرد و بنا بر قراءت بکر بتاء مدوره باید
نوشت و بها وقف باید نمود سورة الشوری حم حفص
بفتح حا قراءت کرده و بکر باماله حا روایت میکند یتفطرن
حفص بفتح تاء مثناة فوقانی و فتح طاء مشدده و سکون
را روایت کرده و بکر بسکون نون در مکان تا و کسر طاء مخففه

وسکون

و سکون را قراءت میکند نؤته حفص بکسر ها با صله خوانده
و بکر بسکون ها میخواند ما تفعلون حفص بتاء خطاب
قراءت کرده و بکر بیاء غیبت روایت میکند سورة الزخرف
حم حفص بفتح حا قراءت کرده و بکر باماله حا روایت میکند
جزءا حفص بسکون زا خوانده و بکر بضم زا میخواند ینشؤا
حفص بضم یا و فتح نون و فتح شین مشدده قراءت کرده و بکر
بفتح یا و سکون نون و فتح شین مخففه روایت میکند
قل قال اولو حفص بفتح قاف و الف بعد از قاف بصیغه
ماضی روایت کرده و بکر بضم قاف و حذف الف بصیغه امر
بکر قراءت میکند لبیوتهم ضم با از برای حفص و کسر با از برای
من کر رشد حتی اذا جاءنا حفص بفتح همزه بصیغه مفرد
قراءت کرده و بکر با الف بعد از همزه بصیغه تثنیه روایت

میکند اسورة حفص بفتح همزه و سکون سین بصیغه مفرد
روایت کرده و بکر بفتح همزه و فتح سین و الف بعد از سین بصیغه
یا عبادی جمع قراءت میکند یا عباد لا خوف حفص در حال وصل
و وقف بحذف یا بعد از دال خوانده و بکر در حال وصل
با اثبات یاء مفتوحه میخواند و در حال وقف بسکون
ما تشتهی یا قراءت میکند ما تشتهیه الانفس حفص بهاء ضمیر
بعد از یا قراءت کرده و بکر بحذف هاء ضمیر بعد از یا روایت
میکند سورة الدخان حم حفص بفتح حا قراءت کرده و بکر باماله
حا روایت میکند عیون دو موضع حفص در هر دو موضع
بضم عین خوانده و بکر در هر دو لفظ بکسر عین میخواند تغلی
حفص بیا قراءت کرده و بکر بتا روایت میکند سورة الجاثیه
حم حفص بفتح حا قراءت و بکر باماله حا روایت میکند

دو طرف

یؤمنون حفص بیاء غیبت خوانده و بکر بتاء خطاب میخواند
هزوا فتح واو منونا از برای حفص و فتح همزه منونا از برای
بکر مذکور شد الیم حفص برفع میم منونا قراءت کرده
و بکر بخفض میم منونا روایت میکند سواء حفص بنصب همزه
منونا روایت کرده و کلمه الصالحات که در ما قبل وی است وصل کند
و علامت لا بسیاهی بنویسند و بکر برفع همزه منونا قراءت
میکند و در کلمه مذکوره وقف مطلق کند و علامت ط بسرخی کند از برای
افلا تذکرون تخفیف ذال از برای حفص و تشدید ذال از برای
بکر ذکر شد اتخذتم اظهار ذال از برای حفص و ادغام ذال
در تا از برای بکر گذشت هزوا فتح واو منونا از برای حفص
و فتح همزه منونا از برای بکر گفته شد سورة الاحقاف حم
حفص بفتح حا قراءت کرده و بکر باماله حا روایت میکند نتقبل

وَيُنَجَّا وَنُرَ حفص درين دو كلمه بنون مفتوحه خوانده ودر كلمه
احسن بنصب آخر كلمه قراءت كرده وبكر در هر دو لفظ اقل
بياء مضمومه ميخوانند وآخر كلمه احسن را برفع روايت ميكنند
افٍ لكما حفص بكسر فا منونا خوانده وبكر بكسر فا بغير تنوين
ميخوانند سورة محمد صلى الله عليه وآله وَالَّذِينَ قُتِلُوا حفص
بضم قاف وكسر تا بغير الف بصيغه مجهول قراءت كرده وبكر
بفتح قاف والف بعد از قاف وفتح تا بصيغه معلوم روايت
ميكند اَسْرَارَهُمْ حفص بكسر همزه خوانده وبكر بفتح همزه ميخوانند رِضْوانه
كسر را از براى حفص وضم را از براى بكر ذكر شد وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ
حَتَّى نَعْلَمَ وَنَبْلُوَ حفص درين سه كلمه بنون روايت كرده وبكر
در هر سه لفظ بياء قراءت ميكند اِلَى السَّلْمِ حفص بفتح
سين قراءت كرده وبكر بكسر سين روايت ميكند سورة الفتح

عليه الله

عَلَيْهُ اللّٰهَ حفص بضم هاء ضمير روايت كرده وبكر بكسر هاء ضمير
قراءت ميكند رِضْوانًا كسر را از براى حفص وضم را از براى
بكر مذكور شد سورة الحجرات ميان حفص وبكر درين سوره
خلاف نيست سورة ق مِتْنَا حفص بكسر ميم قراءت كرده
وبكر بضم ميم روايت ميكند نَقُولُ حفص بنون خوانده وبكر
بيا ميخوانند سورة الذاريات عُيُونٍ ضم عين از براى حفص
وكسر عين از براى بكر گذشت مِثْلَ مَا اَنَّكُمْ حفص بنصب لام خوانده و بكر برفع لام ميخواند
تَذَكَّرُونَ تخفيف ذال از براى حفص وتشديد ذال از براى بكر ذكر
شد سورة الطور لُؤْلُؤًا حفص بتحقيق هر دو همزه خوانده و
بكر همزه اول را ابدال بواو وثانى را باثبات ميخوانند اَلْمُسَيْطِرُونَ المصيطرون
حفص بسين وبصاد هر دو خوانده وبكر بصاد خالص ميخوانند
چون اين كلمه بسين وصاد هر دو از براى حفص نقل كرده اند

وترجيح هيچ يك بر ديگرى نداده اند بنا بر آن در بعضى مصاحف
بيا هى بصادى نويسند سورة والنجم مَا رَاٰى لَقَدْ رَاٰهُ
لَقَدْ رَاٰهُ حفص در هر سه كلمه بفتح را وفتح همزه خوانده وبكر
در هر سه لفظ باماله را واماله همزه ميخوانند چنانكه گفته شد
سورة القمر عُيُونًا حفص بضم عين قراءت كرده وبكر
بكسر عين روايت ميكند واين كلمه نيز مكرر مذكور شد سورة
الرحمن اللُّؤْلُؤُ حفص بتحقيق هر دو همزه خوانده وبكر همزه
اول را بدل بواو وثانى را بتحقيق ميخوانند الْمُنْشِآتُ حفص
بفتح شين قراءت كرده وبكر بكسر شين روايت ميكند سورة
الواقعه اللُّؤْلُؤِ حفص بتحقيق هر دو همزه خوانده وبكر همزه
اول را بدل بواو وثانى را بتحقيق ميخوانند مِتْنَا كسر ميم از براى
حفص وضم ميم از براى بكر گفته شد تَذَكَّرُونَ تخفيف

ذال

ذال از براى حفص تشديد ذال از براى بكر ذكر شد ءَاِنَّا لَمُغْرَمُونَ
حفص بيك همزه مكسوره خوانده وبكر بدو همزه اول مفتوحه وثانى
مكسوره ميخوانند سورة الحديد لُؤْلُؤٌ حفص بهمزه مضمومه وواو
ساكنه بعد از همزه خوانده وبكر بهمزه مضمومه بغير واو ميخوانند
نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ حفص بتخفيف زا قراءت كرده وبكر بتشديد زا
روايت ميكند اِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ دو موضع
حفص در هر دو كلمه بتشديد صاد روايت كرده وبكر در هر
دو لفظ بتخفيف صاد قراءت ميكند وَرِضْوانٌ كسر را
از براى حفص وضم را از براى بكر مذكور شد سورة المجادله
اِذَا قِيلَ انْشُزُوا فَانْشُزُوا دو موضع حفص در هر دو كلمه
بضم شين قراءت كرده وهر گاه ابتدا كند بضم همزه ابتدا
خواهد كرد وبكر در هر دو لفظ بكسر شين روايت ميكند

وضم شین که طریقه حفص است از برای بکر نیز نقل کرده اند و

بنا بر روایت کسر شین هرگاه ابتدا کنی بکسر همزه ابتدا خواهی

کرد و بنا بر روایت ضم شین که از وی نیز نقل کرده اند هرگاه

ابتدا کنی بضم همزه بطریق حفص ابتدا خواهی نمود سورة الحشر

بُيُوتَهُمْ ضم با از برای حفص و کسر با از برای بکر ذکر شد

رِضْوَانًا کسر را از برای حفص و ضم را از برای بکر گفته شد

رَءُوفٌ حفص همزه مضمومه و واو ساکنه بعد از همزه

خوانده و بکر همزه مضمومه بغیر واو میخواند سورة الممتحنة

میان حفص و بکر درین سوره خلاف نیست سورة الصف

مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ حفص بعد از دال بیاء ساکنه خوانده

در حال وصل یا بلفظ درنمی آید اما در کتابت ثابت است و بکر

در حال وصل بیاء مفتوحه میخواند و در حال وقف بیاء ساکنه وقف

میکند

میکند مُتِمٌّ نُورِهِ حفص بضم میم ثانی بغیر تنوین و کسر رای

کسرها با صله خوانده و بکر بضم میم ثانی منونا و فتح را و ضم ها

با صله میخواند سورة الجمعة میان حفص و بکر درین سوره

خلاف نیست سورة المنافقون بِمَا تَعْمَلُونَ در آخر سوره حفص

بتاء خطاب قراءت کرده و بکر بیاء غیبت روایت میکند

سورة التغابن میان حفص و بکر درین سوره خلاف نیست

سورة الطلاق بُيُوتِهِنَّ ضم با از برای حفص و کسر با از برای

بکر گذشت مُبَيِّنَةٍ حفص بکسر یا قراءت کرده و بکر بفتح یا روایت

میکند بَالِغُ أَمْرِهِ حفص بضم غین بغیر تنوین و کسر رای و کسرها

با صله خوانده و بکر بضم غین منونا و فتح را و ضم ها با صله میخواند

نُكْرًا حفص بسکون کاف قراءت کرده و بکر بضم کاف روایت میکند

مُبَيِّنَاتٍ حفص بکسر یا خوانده و بکر بفتح یا میخواند سورة التحریم

وَجِبْرِيلُ حفص بکسر جیم و سکون یا و کسر را و سکون یا بغیر

همزه خوانده و بکر بفتح جیم و سکون با و فتح را و همزه مکسوره بغیر

یا میخواند نَصُوحًا حفص بفتح نون قراءت کرده و بکر بضم نون

روایت میکند وَكُتُبِهِ حفص بضم کاف و ضم تا بغیر الف

بصیغه جمع خوانده و بکر بکسر کاف و فتح تا و الف بعد از تا

بصیغه مفرد میخواند سورة الملك مَعِيَ حفص بسکون یا خوانده

و بکر بفتح یا میخواند سورة القلم نٓ وَالْقَلَمِ حفص نون ملفوظی

ن را نزد واو والقلم در حال وصل و وقف باظهار خوانده و بکر

نون ملفوظی ن را در واو والقلم در حال وصل با دغام میخواند

و در حال وقف باظهار قراءت میکند أَنْ كَانَ حفص

بیك همزه مفتوحه با خبار قراءت کرده و کلمه زَنِيمٍ

که در ما قبل وی است وصل کنی و علامت لا بسیاهی نویسند

ودرکلمه

ودر کلمه وَبَنِينَ که در ما بعد وی است وقف مطلق کنی و علامت

ط بسیاهی گذارند و بکر بدو همزه که هر دو مفتوح باشد باستفهام

روایت میکند و در لفظ زنیم وقف مطلق کنی و علامت ط بسرخی

گذارند و کلمه وَبَنِينَ را وصل کنی و علامت لا بسرخی گذارند سورة الحاقة

وَمَا أَدْرَاكَ درین سوره و هر جا واقع شود حفص بفتح را و الف

منقلب از یا بعد از را قراءت کرده و بکر بامالة را بغیر یا روایت

میکند تَذَكَّرُونَ تخفیف ذال از برای حفص و تشدید ذال

از برای بکر ذکر شد سورة المعارج نَزَّاعَةً حفص بنصب

تا منونا خوانده و کلمه لَظَى که در ما قبل وی است وصل کنی و علامت

لا بسیاهی نویسند و بکر برفع تا منونا میخواند و در کلمه مذکوره وقف

جایز کنی و علامت ج بسرخی گذارند بِشَهَادَاتِهِمْ حفص بفتح دال و

الف بعد از دال بجمع خوانده و بکر بفتح دال و حذف الف بعد از دال

بافراد میخوانند اِلَى نُصُبٍ حفص بضم نون وضم صاد قراءت
کرده وبکر بفتح نون وسکون صاد روایت میکنند سورة نوح
بَيْتِيَ حفص بفتح یا خوانده وبکر بسکون یا روایت میکنند
سورة الجن وَاَنَّهُ با دوازده موضع دیگر که انّ در همه
جا اضافه بضمیر است حفص در جمیع این مواضع بفتح
همزه خوانده وکلمه ما قبل را وصل کند وعلامت لا ابسیاهی
در آخر آیه نویسند وبکر در جمیع این مواضع بکسر همزه میخوانند و
در کلمه ما قبل وقف جایز کنند وعلامت در آخر آیه ج بسرخی کذارند
وبنا بر حدیثی که از ام سلمه رضی الله عنها واقع شده که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله در آخر هر آیه وقف میکردند وابتدا
بآیه بعد از آن مینمودند بنا برین حدیث بروایت حفص
چون آخر آیه است وقف توان کرد وابتدا بآیه بعد از آن

توان

توان عود وَاَنَّ الْمَسَاجِدَ چون اضافه بضمیر نیست هر دو
راوی متفق اند در فتح همزه سورة المزمل رَبُّ الْمَشْرِقِ حفص
برفع با خوانده در کلمه تبتیلا که در ما قبل ویست وقف مطلق
کنند وعلامت ط بسیاهی نویسند وبکر بخفض با میخوانند و
کلمه مذکوره را وصل کنند وعلامت لا بسرخی کذارند سورة المدثر
الرُّجْزَ حفص بضم را خوانده وبکر بکسر را میخوانند وَمَا اَدْرٰىكَ
حفص بفتح را والف منقلب از یا بعد از را قراءت کرده و
بکر باماله را بغیر یا روایت میکنند اِذْ اَدْبَرَ حفص
بسکون ذال وهمزه مفتوحه بعد از ذال معجمه وسکون دال
مهمله روایت کرده وبکر بفتح دال والف بعد از ذال وفتح
دال قراءت میکنند سورة القیمة مَنْ رَاقٍ حفص در نون
مَن سکت کنند باظهار خوانده وبکر بغیر سکت وبادغام

میخوانند سُدًى حفص بفتح دال منونا قراءت کرده وبکر بکسر دال
باماله در حال وقف ودر حال وصل بطریق حفص روایت
میکنند سورة الدهر سَلَاسِلَا حفص در حال وصل بغیر
تنوین وبغیر الف خوانده ودر حال وقف باالف وبغیر الف هر دو
از برای او نقل کرده اند وبکر در حال وصل ووقف منونا وبالف
میخواند وهرگاه وقف کند بالف وقف خواهد کرد قَوَارِيرَا
قَوَارِيرَا دو لفظ حفص در هر دو لفظ در حال وصل بغیر
تنوین وبغیر الف قراءت کرده ودر حال وقف در لفظ اول بالف
ودر ثانی بغیر الف وقف کند وبکر هر دو لفظ را در حال وصل
ووقف منونا روایت میکنند وهرگاه وقف کند در هر دو لفظ
بالف وقف خواهد کرد ودر رسم الخط مصاحف اهل کوفه
سلاسلا وقواریرا اول بالف مکتوبست لُؤْلُؤًا حفص

یُمنی حفص بیا روایت کرده
وبکر بتا قراءت میکنند

بتحقیق

بتحقیق هر دو همزه خوانده وبکر با بدال همزه اول بواو واثبات
همزه ثانی میخواند خُضْرٍ حفص برفع را منونا قراءت کرده
وبکر بخفض را منونا روایت میکنند سورة المرسلات نُذْرًا حفص
بسکون ذال خوانده وبکر بضم ذال میخوانند وَمَا اَدْرٰىكَ فتح
را از برای حفص واماله را از برای بکر گذشت جِمٰلَتٌ
حفص بفتح لام بغیر الف بافراد قراءت کرده وبکر بفتح لام و
الف بعد از لام بجمع روایت میکنند عُيُونٍ بضم عین از برای
حفص وکسر عین از برای بکر گفته شد سورة النبا وَغَسَّاقًا
حفص بتشدید سین خوانده وبکر بتخفیف سین میخوانند
سورة النازعات نَخِرَةً حفص بفتح نون بغیر الف قراءت
کرده وبکر بفتح نون والف بعد از نون روایت میکنند سورة
سورة التکویر سُعِّرَتْ حفص بتشدید عین خوانده وبکر

جِمَالَاتٌ

سورة عبس میان حفص وبکر
درین سوره خلاف نیست

بتخفيف عين ميخوانند رَاٰهُ فتح را و فتح همزه از براى حفص و اماله را و اماله همزه از براى بكر گذشت سورة الانفطار

وَمَا أَدْرَيكَ دو موضع فتح را و الف منقلب اند يا از براى حفص و اماله را بغير يا از براى بكر ذكر شد سورة التطفيف وَمَا أَدْرَيكَ حكم كلمه سابق دارد بَلْ رَانَ حفص بر لام بل سكت كنند و لام را نيز در را باظهار و فتح را بغير اماله خوانده و بكر بغير سكت ميخوانند و لام بل را در را ادغام كنند و بلمه اماله را روايت ميكنند وَمَا أَدْرَيكَ حفص بفتح را و الف منقلب از يا يعنى از را خوانده و بكر باماله را بغير يا ميخوانند فَكِهِينَ حفص بفتح فا بغير الف قراءت كرده و بكر بفتح فا و الف بعد از فا روايت ميكنند سورة الانشقاق ميان حفص و بكر درين سوره خلاف نيست

سورة الطارق وَمَا أَدْرَيكَ فتح را و الف منقلب از يا از براى حفص و اماله را بغير يا از براى بكر گذشت سورة الاعلى ميان حفص و بكر درين سوره خلاف نيست سورة الغاشية تَصْلَى نَارًا حفص بفتح تا قراءت كرده و بكر بضم تا روايت ميكنند سورة الفجر ميان حفص و بكر درين سوره خلاف نيست سورة البلد وَمَا أَدْرَيكَ حكم

كلمه سابق دارد مُؤْصَدَةٌ حفص بضم ميم و همزه ساكنه ۱۰

بغير واو قراءت كرده و بكر بضم ميم و واو ساكنه بغير همزه روايت ميكنند سورة الشمس و سورة الليل سورة والضحى و سورة الم نشرح و سورة والتين ميان حفص و بكر درين پنج سوره خلاف نيست سورة العلق قبل سورة اقرا أَنْ رَاٰهُ حفص بفتح را و فتح همزه قراءت كرده و بكر باماله را و اماله همزه روايت

ميكنند سورة القدر وَمَا أَدْرَيكَ حفص بفتح را و الف منقلب از يا بعد از را خوانده و بكر باماله را بغير يا ميخوانند سورة البينة قبل سورة لم يكن و سورة الزلزال و سورة العاديات ميان حفص و بكر درين سه سوره خلاف نيست سورة القارعة وَمَا أَدْرَيكَ دو موضع حفص بفتح را و الف منقلب از يا بعد از را خوانده و بكر باماله را بغير يا ميخوانند سورة التكاثر سورة العصر سورة الهمزه ميان حفص و بكر درين دو سوره خلاف نيست سورة الهمزه مُؤْصَدَةٌ حفص بضم ميم و همزه ساكنه بغير واو قراءت كرده و بكر بضم ميم و واو ساكنه بغير همزه روايت ميكنند فِي عَمَدٍ حفص بفتح عين و فتح ميم روايت كرده و بكر بضم عين و ضم ميم روايت ميكنند سورة الفيل و سورة قريش و سورة الماعون و سورة الكوثر ميان حفص و بكر درين

چهار سوره خلاف نيست سورة الجحد وَلِيَ حفص بفتح يا قراءت كرده و بكر بسكون يا روايت ميكنند سورة النصر سورة تبت ميان حفص و بكر درين دو سوره خلاف نيست سورة الاخلاص كُفُوًا حفص بفتح واو منونا خوانده و بكر بفتح همزه منونا ميخوانند سورة الفلق و سورة الناس ميان حفص و بكر درين دو سوره خلاف نيست تتمه در بيان احوال عاصم و راويان و سند قراءت عاصم و سند قراءت فقير و استاد فقير مذكور ميگردد و مبنى بر پنج فصل فصل اول در بيان احوال عاصم بدانكه عاصم بن بهدلة بن ابى النجود الكوفى الاسدى و بهدله اسم والده ويست و چون والده او از اكابر عرب بود او را نسبت بمادر ميكنند و شهرت بعاصم بهدله كرد و ابى النجود بفتح نون و ضم جيم اسم پدر

تتمه احوال عاصم و فقير

ولیت وجمعی بر آنند که اسم عاصم عبد الله بوده و او مقتدا و پیشوای اهل کوفه بوده است و در علم قرآن و قراءات کلام ملک منان بی‌مثل بوده و در آن وقت هیچکس بفصاحت و بلاغت او نبوده و در علم صرف و نحو و بعضی علوم دیگر و علم تجوید سرآمد همه بوده و او از خزین داشته و از تابعین بوده و در کتب معتبره مذکور است که وفات او در کوفه واقع شده و آن در سنه سبع وعشرین ومائه بوده و بعضی بر آنند که اصح آنست که وفاتش در سنه ثمان وعشرین ومائه بوده و قول مشهور این است و رمز اسم عاصم ن است

فصل دوم در بیان احوال راویان عاصم بدانکه عاصم را راوی روایت بسیار بوده اما آنچه بصحت پیوسته از جمله ایشان دو کس مشهور بودند یکی بکر و دیگری حفص اما ابو بکر اسمش

شعبه

شعبه است و ابو بکر کنیت اوست و جهت تخفیف بکر خوانده میشود و در اکثر کتب نیز بکر نوشته میشود و بعضی گفته اند اسمش احمد است و نام پدرش عیاش بوده و نام پدر پدرش عیاشم و در بعضی نسخ اسم پدرش سالم مذکور است و از قبیله بنی اسد بود ولادتش در کوفه بود در سنه خمس وتسعین و وفاتش در جمادی الاول در سنه ثلث وتسعین ومائه در کوفه واقع شده و گفته اند که شعبه را چون وفات نزدیک رسید خواهرش و بعضی گفته اند که دخترش بسیار میگریست و اکثر بر آنند که خواهرش بر سر بالین او بود و بسیار میگریست شعبه چون چشم باز کرد گفت چرا میگری گفت از برای آن میگریم که مبادا فردای قیامت ترا عذاب کنند گفت مگری از برای کسی که در خانه هیجده هزار ختم قرآن کرده باشد و او قرائت از عاصم بی‌واسطه فرا گرفته بود و در نحو

و در بیت و علم حدیث کامل و صاحب فن بود و رمز اسم او ص بی‌نقطه است اما حفص کنیتش ابو عمرو یا ابو داود داشت و اسمش حفص و نام پدرش سلیمان و پدر پدرش مغیره از قبیله بنی اسد از کوفه است و گفته اند که عاصم تربیت او نموده مربی وی بود ولادتش در کوفه سنه تسعین من الهجرة و وفاتش در کوفه بود در سنه ثمانین ومائه بنا بر قول اصح چنانکه در کتب معتبره مسطور است و ابن معین گفته که روایت صحیحه از قرائت عاصم روایت حفص است و ابن معادی روایت کرده که همه کس حفص را در حفظ و ضبط قرائت مافوق شعبه میدانسته اند و رمز اسم او ع مهمله است

فصل سیم در بیان سند قرائت عاصم بدانکه عاصم قرآن را بر ابی عبد الرحمن بن حبیب السلمی و ابو مریم زر بن حبیش و سعد بن ایاس الشیبانی خوانده و ایشان بر امیر المؤمنین

و امام

و امام المتقین و یعسوب الدین علی بن ابی طالب علیه السلام خوانده‌اند و ایشان بر خاتم النبیین و رحمة للعالمین و شفیع المذنبین حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله خوانده و حضرت رسول بر جبرئیل علیه السلام خوانده و جبرئیل از میکائیل و میکائیل علیه السلام از اسرافیل و اسرافیل علیه السلام متلقی شده از لوح محفوظ و لوح محفوظ از حق تعالی فتبارک الله احسن الخالقین

فصل چهارم در بیان سند قرائت فقیر بدانکه این فقیر حقیر کثیر التقصیر المذنب المحتاج الی عفو ربه الباری ابن ابراهیم مصطفی القاری که مؤلف این کتاب است مولود از توابع تبریز است و والد اسمش محمد ابراهیم و قرآن را ابتدا نزد پدر خوانده‌ام و لله الحمد که در سن بیست سالگی بمجاورت روضه متبرکه امام الثقلین مقتدای دارین اعنی علی بن موسی الرضا علیه افضل التحیة

والثنا روزی شود از ابتداء مجاورت تا زمان تاریخ این کتاب
که سنه هزار و هشتاد است قریب به پنجاه سال است که باین عطیه
عظمی و این موهبه کبری مستسعد و مفوض کردید در ان آستان
ملایک پاسبان بسر میبرد و خود را امروز از جمله تراب مقدم
مبارك لزوم خدام با احترام و زوار باوقار آن عتبه طیبه
میشمرد امید که فردا نیز این ذره بی اعتبار و این قطره بی مقدار را
از جمله محبان و موالیان آن آفتاب عالم تاب و آن دریای علم
و حلم دانسته با ایشان که شفیعان روز محشرند با کافه اهل
ایمان محشور کرداند بحق محمد و آل محمد و در سنه هزار و
سی بود که در ان روضه مقدسه خواندم قرآن را از اول تا آخر
بقراءت عاصم بهر دو روایت بر استاد کامل و قاری صاحب
تامل زین القرا و تاج القرا حافظ روضه علی بن موسی الرضا

علیه افضل التحیه و الثنا الواصل الی جوار رحمة الله الملك الباری
استادم حاجی محمد رضای قاری سبزواری تغمده الله برضوانه و غفرانه
و اسکنه بحبوحة جنانه و همچنین در همان آستان بهشت
نشان نیز قرآن را من اوله الی آخره بقراءت عاصم بتمامه از ان استاد
مغفور مبرور شنیدم و بعد از چند سال دیگر از الطاف بی حد و
عنایات لم یزلی بشرف زیارت حرم محترم الهی و زیارت حرم مکرم
حضرت رسالت پناهی مشرف شد و سه مرتبه مجاورت مکه معظمه
زادها الله شرفا و تعظیما روزی کردید و در حین مجاورت ثانی در
مسجد الحرام قرآن را بر شیخ محقق مدقق شیخ اسمعیل قاری که در علم
قراءت سرآمد همه بود و قراءت سبعه پیش او میخواندم و نیز
قرآن بقراءت عاصم پیش او خواندم و همچنین بقراءت عاصم از وی
شنیدم و ایضا سه مرتبه بعتبه بوسی عتبات عالیات نیز

الدرجات مشرف کردید و همچنین بهر یك از اماکن شریفه و مواقف لطیفه
که میرسید قرآن از قراءت عرب و عجم میشنید تا قریب بسی سال
در علم قراءت سعی نمود و بسیاری از قرار عرب و عجم را ملازمت
کرد و از هر یك بهره و نصیبی فرا میبود و الحال که تاریخ این کتاب است
عمر این داعی تخمینا بهفتاد رسیده زیرا که تولد تخمینا در سنه
هزار و ده بوده امید که باقی عمر در بندگی و رضای الهی بگذرد
بحق محمد و آل محمد و جمع این کتاب در حین مجاورت ثالث واقع شد
ابتدا در روضه مقدسه حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
علیه السلام و اختتام در آستان ملایك پاسبان حضرت امام
حسین علیه السلام در سنه هزار و هشتاد واقع شد چون در روضه
مقدس خامس آل عبا اتمام یافت بنابران مبنی بر پنج باب
کردانید **فصل پنجم** در بیان سند قراءت استاد فقیر

بدانکه استاد فقیر مغفرت پناه جنت آرامگاه حاجی محمد رضای قاری
نام داشت و مولد از شهر سبزوار بود و حافظ حرم محترم بهشت نشان
امام الانس و الجان علی بن موسی الرضا علیه افضل التحیه و الثنا بود
در کمال نفس قدسی ذات و پاکیزه صفات بود عالم بعلوم دینیه و عارف
بمسایل طریق امامیه بود و تصانیف در علم قراءت از نظم و نثر بسیار
داشت بتخصیص حیات جاودانی بنظم بفارسی در جواب حرز الامانی
که شاطبیست و تحفة الحسنین نثر و دیگر از اوصاف حمیده
و اخلاق مرضیه آن نیکو خصال بسی بیرون از افعال چه کوید و چه
نویسم که زبان از بیان آن قاصر و قلم از تحریر آن کاسر است فتبارك
الله احسن الخالقین و در سن شصت یا متجاوز از شصت
بود که در سنه هزار و پنجاه و پنج از دار فنا بدار بقا رحلت نمود
بجوار رحمت ملك غفور پیوسته بدار السرور انتقال نمودند و

در مشهد مقدس در پایین پای حضرت علی بن موسی الرضا علیه
افضل التحیة والثنا در مقام رضا مدفون کشت چنانکه استاد
مغفور مبرور خود فرموده بود بیت در مقام رضا رضا میباش
اینکه چنین مقاماتی اللهم اغفرله ولجمیع المؤمنین والمؤمنات
بحق محمد وآله المعصومین المکرمین و والد ایشان حاجی حبیب الله
زایر حرم رسول الله التقی النقی الصالح الزکی حاجی محب علی البنوری
رحمة الله علیه نام داشت واستاد میفرمودند که اول قراءت پیش
پدر خواندم وثانیا در روضه مقدسه امام ثامن ضامن صلوات الله
علیه بر مغفرت پناه رضوان جایگاه امین دین مبین آخوند
مولانا محمد امین رحمة الله علیه واو فرمود که خواندم قرآن را بر جد
بزرگوار خود الواصل الی جوار رحمة الله الملک الباری مولانا عماد
الدین علی الشریف القاری الاسترابادی رحمه الله ومولانا مشار

الیه

الیه بسیار بزرگ وجلیل القدر بوده‌اند ودر علم قراءت وعربیت سرآمد
بوده ودر تلاوت وعبادت کسی با او نرسیده ودر زمان ومکان خود
مرجع خاص وعام بود ودرس قراءت وبعضی علوم دیکر بدوام میکفت
قدر عمر وحیات خود دانسته اوقات خود را ضایع نمیکرد وجمع کثیری
هر روز از علم قراءت سبعه وعلوم دینیه از او مستفید میشدند
وتصانیف بسیار بعربی وفارسی در علم قراءت دارد واز بزرک
سند قراءت خود را در یکی از تصانیف خود ذکر کرده وفقیر کلام آن
عالم بعلم کلام ملک علام را بعینه در اینجا ذکر کنیم وآن اینست
وبعد ایدک الله تعالی فی الدارین که فقیر قرآن را خوانده‌ام من
اوله الی آخره بروایت بکر در حیات حضرت امام حسین علیه السلام
بر استاد خود سید حسین الحسینی الاسترابادی المعروف بشیر
المغربی واجازه داد مرا ایضا در حیات او وخبر داد که خوانده‌ام

قرآن را بر شیخ محمد مغربی در مدینه حضرت رسول الله صلی الله
علیه وآله واو خبر داد که خوانده‌ام قرآن را بر شیخ محمد جزری و
او خبر داد که خوانده‌ام بر احمد بن حسین بن سلمان واو کفت که
خوانده‌ام بر پدر خود واو کفت خوانده‌ام بر ابی محمد بن بقی واو کفت خوانده‌ام
بر ابی الیمن الکندی واو کفت خوانده‌ام بر ابی محمد سبط الخیاط
البغدادی واو کفت خوانده‌ام بر ابی طاهر بن سوار البغدادی
واو کفت خوانده‌ام بر ابی الحسن علی بن طلحة بن محمد البصری واو کفت
خوانده‌ام بر ابی الفرج عبد العزیز بن عصام واو کفت خوانده‌ام بر
یوسف بن یعقوب واسطی واو کفت خوانده‌ام بر شعیب الصیرفی
واو کفت خوانده‌ام بر یحیی بن آدم واو کفت خوانده‌ام بر بکر شعبة بن
عیاش واو کفت خوانده‌ام بر عاصم بن بهدله اسدی که سابقا
سند قراءت ایشان مذکور شد و بروایت حفص نیز در حیات امام

حسین

حسین علیه السلام خوانده‌ام بر سید بزرگوار که اولا اسم ایشان مذکور شد
واو کفت خوانده‌ام بر شیخ محمد مغربی مذکور در مدینه مشرفه رسول صلی الله
علیه وآله واو کفت خوانده‌ام بر شیخ محمد جزری واو کفت خوانده‌ام بر ابو العباس
احمد بن محمد الحسین الفیروزآبادی واو کفت خوانده‌ام بر ابو الیمن زین بن
حسن واو کفت خوانده‌ام بر عبد الله بن علی البغدادی واو کفت خوانده‌ام
بر ابو الفضل الشریف واو کفت خوانده‌ام بر عبد الله الکازرونی واو کفت
خوانده‌ام بر ابو علی حسن بن احمد بن هلال در دمشق واو کفت خوانده‌ام
بر ابو الحسن علی بن احمد واو کفت خوانده‌ام بر ابو المکارم اللبان واو
کفت خوانده‌ام بر ابو العلی واو کفت خوانده‌ام بر ابو الحسن علی بن محمد الصالح
بن الهاشمی در بصره واو کفت خوانده‌ام بر ابو العباس احمد بن سهل الا
شنانی واو کفت خوانده‌ام بر محمد بن عبید بن الصباح واو کفت خوانده‌ام
بر حفص واو کفت خوانده‌ام بر عاصم و سند عاصم کذشت رحمهم الله

تعالی و لله الحمد که این داعی موفق بتوفیقات الهی و مایدبتاییدات

نامتناهی گردید استاد مغفور مبرور که اسم ایشان مذکور شد

در آستان ملایک پاسبان امام الانس و الجان علی بن موسی الرضا

علیه افضل التحیة والثنا اجازه دادند و رخصت درس گفتن

نیز نمودند و مدت چند سال در این آستان بهشت نشان در

خدمت کثیر البرکت آن استاد درس خواندم و درس نیز گفتم و بعد

از چند سال مشرف بشرف طواف مکه معظمه و زیارت مدینه

مشرفه مشرف شده اختیار مجاورت نمود توفیق یافته مدت مجاورت

ثالث پنج سال در حرمین الشریفین برسید و در آن ایام در حرم الهی

و حرم حضرت رسالت پناهی پیش استادان درس خواندم و درس

نیز گفته و بعد از مجاورت حرمین الشریفین بشرف زیارت عتبات

عالیات مشرف شدم و الحال که مجاورت ثالث است در سنه هزار و

هشتاد

هشتاد و هشت سال است که در عتبات عالیات بسر میبرم و درین

مدت در روضه مقدسه حضرت امیر المؤمنین و آستان ملایک

پاسبان حضرت امام حسین علیهما السلام درین قراءت گفتن و مقابله

قرآن نمودم الحمد لله رب العالمین صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

باب چهارم رسم الخط

فصل چهارم در بیان رسم الخط قرآن و طریقه اصلاح آن بدان

اسعدک الله فی الدارین که عاصم در وقف تابع رسم الخط است و چون

تلاوت قرآن از اعظم عبادات و مداومت بآن سبب درجات

عالیات است پس اولی آنست که کتابت قرآن بعنوانی کرده شود که

در وقف تلاوت بر قاری مشتبه نشود تا در خواندن ما جور و مثاب

باشد و بمضمون نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ بآن درجات عالیات

برسد و جمیع علما و فضلا بر آنند که کلمات قرآن باین نوع نوشته

شود که درست توان خواند و چون طریقه کتابت قرآن از معصوم

بما نرسیده که هر کلمه بچه صورت باید نوشت که بآن روش نوشته

شود پس لابد باید موافق قواعد عربیت و اهل لغت بنوعی نوشته

شود که غلط خوانده نشود و فسادی بمعنی قرآن نرسد و اولی آنست

که بجهت صحت تلاوت آن کلمه که اول نوشته شده در حال کتابت

قرآن آن کلمه را بنویسند این داعی مدت سی سال در بلاد عرب

و عجم بخدمت استادان رسیده و قرآن پیش ایشان خوانده و

تتبع رسم الخط بسیار نموده و آنچه در کتب معتبره دیده و از استادان

کامل شنیده و از علمای دین مبین استماع افتاده آنست که رعایت

رسم الخط در کتابت و تلاوت لازم نیست و ترک آن ضرر و نقصان

بتلاوت و ثواب آن نمی رساند بلکه اصلاح بعضی از مواضع رسم

الخط سبب تضییع مالیت قرآن و خود را یکساعت محروم کردن از تلاوت

قرآن باعث تضییع عمر شریف و اوقات لطیف است که هر ساعت

از عمر

از عمر برابر بتمام دنیا و ما فیها است مثل کلمه جَآؤُا وَبَآؤُا وَفَآؤُ

که در رسم الخط بالف مکتوب اند وَعُلَمَآءُ وَضُعَفَآءُ وَشُرَكَآءُ

که در رسم الخط بواو متصل عُلَمٰٓؤُا وَضُعَفٰٓؤُا وَشُرَكٰٓؤُا نوشته

میشوند احتیاج بحک الف جَآءُو وَبَآءُو وَفَآءُو نیست و همچنین

حک کردن الف عُلَمَآءُ وَضُعَفَآءُ وَشُرَكَآءُ و بصورت عُلَمٰٓؤُا

وَضُعَفٰٓؤُا وَشُرَكٰٓؤُا نوای ساختن ضرور نیست و همچنین

یک لام از الَّيْلَ وَاللَّائِي وَاللَّاتِي حک کردن و موافق رسم

الخط بیک لام الَّيْلَ وَالَّئِي وَالَّتِي درست کردن لازم نیست

چون حک و اصلاح سبب تضییع قرآن میشود هر گاه در وقت تلاوت

بر قاری مشتبه نباشد و غلط خوانده نشود این کلمات و امثال این

کلمات بهر نوع که کتابت شده باشد بحال خود باید گذاشت و حک

نباید و اصلاح بیرون از قاعده نباید کرد و قرآن را از مالیت

بیرون نباید برد و خود را مشغول بکاری که نه نفع دنیا و نه نفع
آخرت دهد نباید نمود و چون درین زمان بعضی از کاتبان کتابت
قرآن سنی می‌نمودند که بعضی کلمات آن بر قاری مشتبه میشد
بنابرین ضرور شد که بیان صورت کتابت قرآن و طریقه بعضی
از کلمات رسم الخط آن نماید تا در وقت تلاوت بر قاری
مشتبه نشود و پیش از شروع در مقصد قواعد کلیه آن را در
پنج فصل مذکور میگرداند **فصل اول** در بیان آنچه در حال
کتابت رعایت آن لازم است تا در حال خواندن بر قاری مشتبه
نشود و آن آنست که جمیع حروف درست از قلم بیرون آید چنانکه
دال و را بهم مشتبه نباشند و اعراب در محل خود نوشته شود
که سَیلَ العَرِمِ در سوره سبا بفتح عین و کسر را بکسر عین و فتح را خوانده
نشود و دو نقطه بهم چسبیده نباشد که تَعلَمُ بتا تَعلَمُ بنون خوانده

نشود و دو نقطه را بر بالای هم نگذارد مثل مَتَیٰ که بشکل نیم الف میشود
و جیم را حلقه کند که مشتبه بضمه نشود و در محل خود گذارد که
عَهِنْ تا بکسر ها و سکون دال بسکون ها و کسر دال خوانده نشود و شین
سه دندانه باشد که مشتبه بسین نشود و در محل خود گذاشته شود
که مُتَبَّرٌ در سوره اعراف بتشدید با است بتشدید را خوانده نشود
و قطع کلمه نکند چنانکه بعضی از حروف کلمه را در آخر سطر بنویسد
و باقی حروف آن کلمه را در اول سطر دیگر بنویسد و بهتر آنست که ها
آخر کلمه مثل فِیهِ و لَهُ و بِهِ بها مدور نوشته شود و اگر
بها دامن انداخته نوشته شود به بد میشود و هائی که در ابتدای
کلمه یا وسط کلمه باشد مثل هُمْ و فِیهَا بهای دو چشم نوشته
شود بهتر است زیرا که اگر بطریق های نستعلیق نوشته شود
میم مشتبه به میم و فیها مشتبه به فیما میشود و دامن

یا و حی و نون من و امثال آنرا نکشند که کلمه دیگر در وسط
آن بنویسند زیرا که اعراب مشتبه میشود و در آخر سطر دو کلمه را
بر بالای هم ننویسند زیرا که اعراب معلوم نمیشود که از کدام
کلمه است و بِمَا و مِمَّا و عِیسیٰ و موسیٰ و امثال این کلمات را
اگر نیم الف بنویسند بهتر است و هرگاه کتابت قرآن باین روش که مذکور
شد نوشته شود بسهولت و آسانی تمام خوانده میشود و در
وقت تلاوت بر قاری مشتبه نمیشود **فصل دوم** در بیان
کلماتی که در رسم الخط و اکثر مصاحف بیک صورت می‌نویسند
مثل اُولَئِکَ وَاُولُوا الْاَلْبَابِ وَاُولُوا الْاَرْحَامِ وَاُولُوا
الْعِلْمِ وَاُولُوا الْقُرْبیٰ وَاُولُوا الْفَضْلِ وَاُولُوا الطَّوْلِ وَاُولُوا
الْعَزْمِ وَاُولُوا بَقِیَّةٍ وَاُولُوا قُوَّةٍ وَاُولُوا بَاْسٍ و امثال
این کلمات هر جا واقع شوند بعد از همزه مضمومه واوی می‌نویسند

و بغیر واو میخوانند و در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از واو
ثانی الف نوشته میشود و اگر بعد از واو ثانی الف ننوشته
باشند نوشتن آن ضرور نیست زیرا که لفظ اُولُو صیغه جمع
نیست وَاُوتُوا الْکِتَابَ وَاُوتُوا الْعِلْمَ وَاُوتُوا نَصِیبًا و امثال
این کلمات هر جا مکتوب باشند بعد از همزه مضمومه واوی
نویسند و بواو میخوانند و بعد از واو ثانی الف نوشته
میشود و اگر بعد از واو ثانی الف ننوشته باشند الف باید
نوشت زیرا که اُوتُوا صیغه جمع است وَمَلٰئِکَة وَذٰلِکَ
وَکَذٰلِکَ وَلٰکِنَّ و امثال این کلمات در قرآن هر جا واقع
شوند بغیر الف نوشته میشوند و بالف خوانده میشوند
و های تنبیه هرگاه به اُولٰاءِ متصل شود مثل هٰؤُلٰاءِ در مصاحف
بغیر الف می‌نویسند و بالف میخوانند و اسماء انبیا مثل اِسْحٰق

وَاِسْمٰعِيلَ وَسُلَيْمٰنَ وَهٰرُونَ وَلُقْمٰنَ در رسم الخط و اکثر مصاحف
بغیر الف مکتوب اند و بالف خوانده میشوند وَاِبْرٰهِيمَ در رسم
الخط و بعضی مصاحف بغیر الف نوشته میشود اما در اکثر
مصاحف ابراهیم بالف مکتوب است این الفاظ را هر نوع که
نوشته باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند
وَدَاوُدَ بیک واو نوشته میشود و بدو واو خوانده میشود

فصل سیم در بیان همزات هرگاه در کلمه دو همزه جمع
شوند و همزه ثانی مکسور باشد مثل اَئِنَّا وَاَئِذَا
وَاَئِنَّكُمْ و امثال آن هر جا واقع شوند در مصاحف و در رسم
الخط همزه مکسوره بر مرکز یا نوشته میشود و در رسم الخط در
بعضی مواضع خلاف شده و در محل خود بیان آن خلاف خواهد
شد و اگر در کلمه یک همزه باشد و در وسط کلام واقع شده باشد

و مکسور باشد مثل مَائِدَةٌ وَطَائِفَةٌ وَقَائِمَةٌ وَدَائِرَةٌ وَ
غَائِبَةٍ وَاَئِمَّةَ وَلَئِنْ وَبَصَائِرُ وَبَطَائِنُهَا وَمِنْ نِسَا
ئِهِمْ وَاٰبَائِهِمْ وَخَائِفَ وَكَبَائِرَ وَسَائِقٌ وَلِلسَّائِلِ
وَخَزَائِنُ وَقِثَّائِهَا وَطَائِرَهُ وَحَدَائِقَ وَالْقَائِلُونَ
دَائِمُونَ لَقَائِلُونَ وَبَارِئِكُمْ وَمِنْ وَرَائِهِمْ وَعَائِلًا
وَالْخَائِضِينَ خَاطِئِينَ لِشُرَكَائِهِمْ وَخَلَائِفَ وَقَبَائِلَ
وَمِنْ لِقَائِهِ و نظایر این کلمات هر جا مذکور شوند در مصاحف
و رسم الخط همزه مکسوره بر مرکز یا مکتوب است و در بعضی مواضع
که خلاف شده ذکر آن خلاف خواهد شد و اگر همزه ساکن باشد
و ما قبل مکسور مثل بِئْسَ وَالذِّئْبَ و یا همزه متحرک باشد و ما
قبل مکسور باشد اعم از آنکه همزه مفتوح باشد یا مضموم مثل
لِئَلَّا وَسَنُقْرِئُكَ و امثال آن هر جا مکتوب باشد نیز

بمناسبت کسره ما قبل همزه بر مرکز یا نوشته میشود و در جمیع
این مواضع در اکثر مصاحف و رسم الخط همزه بر مرکز یا نوشته
میشود و نقطه یا نمیگذارند و اگر نقطه گذاشته باشند حک
و اصلاح آن ضرور نیست و اگر همزه مضموم باشد مثل اٰبَاؤُكُمْ
وَاَبْنَاؤُكُمْ وَنِسَاؤُكُمْ و نظایر آن هر جا واقع شوند در
اکثر مصاحف و رسم الخط بمناسبت ضمه در تحت همزه واو
مینویسند و بغیر واو میخوانند و در بعضی مصاحف اٰبَاءُكُمْ
وَاَبْنَاءُكُمْ وَنِسَاءُكُمْ بغیر واو مینویسند و لفظ رَأَ
هر جا مکتوب باشد در بعضی مصاحف و رسم الخط بغیر یا
نوشته میشود و در بعضی مصاحف رَاٰى بیا مینویسند
این لفظ احتیاج حک و اصلاح ندارد و کلمه فَاسْأَلْ وَ
سَأَلَ فَاسْأَلُوا وَاسْأَلُوا و نظایر آن هر جا واقع شوند

و در بعضی مصاحف باثبات همزه اول و انفصال همزه ثانی چنانکه نوشته
شده مینویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف فَسْئَلْ وَسَئَلَ
فَسْئَلُوا وَسْئَلُوا بحذف همزه اول و اتصال همزه ثانی نوشته میشوند
و فعل ماضی و مضارع نیز همین حکم دارد حک و اصلاح این کلمات
ضرور نیست

فصل چهارم در بیان کلماتی که بیا و واو نوشته
میشوند و آن یا و واو در بعضی حالات بالف خوانده میشوند
کلماتی که بیا نوشته میشوند مثل ضُحٰيهَا وَتَلٰيهَا وَدَحٰيهَا
وَجَلّٰيهَا وَيَغْشٰيهَا وَبَنٰيهَا وَطَحٰيهَا وَدَسّٰيهَا وَتَخْشٰيهَا
وَمُنْتَهٰيهَا وَفَسَوّٰيهَا وَاَرْسٰيهَا وَمُرْسٰيهَا وَمِنْ ذِكْرٰيهَا
وَمَرْعٰيهَا وَاَلْقٰيهَا وَتَرْضٰيهَا وَوَصّٰيكُمْ وَمَثْوٰيكُمْ
وَهَدٰيكُمْ وَيُرِيكُمْ وَيَتَوَفّٰيكُمْ وَنَجّٰيكُمْ وَاجْتَبٰيكُمْ وَسَمّٰيكُمْ
وَنَعْشٰيكُمْ وَمَا نَهٰيكُمْ وَمَا وٰيكُمْ وَلَبّٰيهِمْ وَتَوَفّٰيهُمْ وَنَجّٰيهُمْ

وَمَن لَّهُمْ وَمَاوٰيهُمْ وَهُدٰيهُمْ وَسُقْيٰهُمْ وَفَوقَهُمْ وَلَقّٰهُمْ
وَدَعْوٰيهُمْ وَذِكْرٰيهُمْ وَلِاخْرٰيهُمْ وَمَا وَ[illegible]بَهُ وَفَتّٰيهُ
وَاَنْجٰيهُ وَاٰتٰيهُ وَهُدٰيهُ وَمَوْلٰيهُ وَاشْتَرٰيهُ وَ
هَلْ اَتٰيكَ وَاَرٰيكَ وَاَدْرٰيكَ وَفَلَتّٰهُمَا وَنَادٰيهُمَا
ونظایر این کلمات هرجا واقع شوند در اکثر مصاحف ورسم
الخط مرکز یا متصل بضمیر مینویسند وبالف منحنی انند ونقطه
یا عینکذارند واکر نقطه یاکذاشته باشند احتیاج بحک واصلاح
ندارد ودر بعضی ازین کلمات مذکورات خلاف واقع شده وصورت
درمحل خود ذکر خواهد شد بهتر آنست که در جمیع این مواضع
که مذکور شد وامثال آن وهر کلمه که بالف خوانده شود مثل
اٰمَنَ وَبِمَا اٰمَنْتُمْ وَمَالِكِ وَقَالَ بجای فتحه نیم الف کذاشته
شود که آن نیم الف بجای فتحه بمنزله یک الف طبیعیست

دم

وهرجا یاء محی باشد مثل خَبِیْر وبَصِیْر وقَدِیْر بهتر آنست
که درماقبل یا بجای کسره نیم الف بنویسند که آن نیم الف بجای کسره قایم
مقام یک الف مد طبیعیست واکر یا در آخر کلمه باشد مثل هُدٰی
ورَمٰی وبُشْرٰی وساکن باشد وماقبل مفتوح وبالف خوانده شود
واکر یا در آخر کلمه باشد ومتحرک باشد مثل اٰیٰتٍ ویا ساکن
باشد مثل اِنِّیْ وامثال آن هرجا واقع شوند در مصاحف ورسم
الخط درین مواضع ونظایر آن نقطه یا عینکذارند واکر نقطه
کذاشته باشند حک واصلاح آن ضرور نیست وکلماتی که بواو
نوشته میشوند مثل الصَّلٰوةَ والْحَیٰوةَ والزَّکٰوةَ وکَمِشْکٰوةٍ و
نظایر آن هرجا واقع شوند در مصاحف ورسم الخط بواو نوشته
میشوند وبالف خوانده میشوند اما صَلٰوة وحَیٰوة هرکاه اضافه
شوند مثل صَلَاتِیْ وَصَلَاتِهِمْ وَلِحَیَاتِیْ وَنَحْیَاتُکُمْ

در رسم الخط وبعضی مصاحف بالف مینویسند ودر بعضی مصاحف
صَلٰوتِیْ وَصَلٰوتِهِمْ وَلِحَیٰوتِیْ وَفِیْ حَیٰوتِکُمْ بواو مینویسند
حک واصلاح این کلمات ضرور نیست فصل پنجم دربیان
کلماتی که در اکثر مصاحف بصورتی می نویسند ودر رسم
الخط بصورت دیکر کتابت میکنند مثل اللَّیْل واللّٰتی
واللّٰتی هرجا واقع شوند در مصاحف بدو لام می نویسند
ودر رسم الخط الَّیْل والَّتِیْ والَّتِیْ هرجا مذکور شوند
بیک لام نوشته میشوند لفظ یٰاَیُّهَا ویٰاَهْلَ ویٰاَهْلَ
بغیر همزه می نویسند لفظ اَفْئِدَةً واَفْئِدَتَهُمْ هرجا واقع
شوند در مصاحف همزه مکسوره بر مرکز مکتوبست ونقطه
یا نمی نویسند واکر نوشته باشند حک واصلاح آن ضرور
نیست ودر رسم الخط اَفْئِدَةً واَفْئِدَتَهُمْ همزه مکسوره

بغیر

بغیر مرکز نوشته میشود ودرین موضع در رسم الخط اَفْئِدَةً همزه
بر مرکز مکتوب است وباقی همه بغیر مرکز مکتوب اند وآن

مهذار کثیر الکلام فضولی فی شئ لا یعنیه وهو
معجب بکلامه فاذا کتبت علی اسمه صمت وقل کلامه
وهی ایضا للدخول علی السلاطین لقهر الخصم
قوله تعالی قد جاءکم برهان من ربکم الی قوله مستقیما
قال الحکیم هذه لقهر الخصم اذا اردت ان تقهر الخصم
عند الحاکم وتظهر لک الحجة علیه فصوم یوم الاحد
شکر الله تعالی واکتب هذه الایة فی قطعة جلد ریم
طابقی وعلقها علیک فانک تقهر خصمک وتظهر علیه
وان کتبها بماء ورد وزعفران وجعلتها تحت
فراش العروس وقت الجلا فان لها قبول وطلعة وجاه
وسعادة ان شاء الله تعالی سورة المائدة قوله تعالی
واذکروا نعمت الله علیکم الی قوله خبیر بما تعملون

قال الحکیم

فانها تحمل وتلد ان شاء الله تعالى قوله تعالى للزواج
فكيف اذا جئنا من كل امة بشهيد الى قوله جيشا
قال الحكيم هذه لمن اراد الزواج عند قوم يكتبها
يوم الجمعة في خرقة من ثوب عروس بكبر ويعلقها
عليه قضيت حاجته وكان له الجاه والقول عندهم
وعند غيرهم لابطال السحر قوله تعالى ومن يهاجر
في سبيل الله الى قوله غفورا رحيما قال الحكيم هذه
لابطال السحر اذا كتبها في كف المسحور اليمين ثم
يلعقها على الريق بلسانه سبعة ايام بطل عنه
السحر ولم يؤثر فيه الى ان يموت للرجل كثير قوله تعالى
لا يحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم الى
قوله غفورا رحيما اذا كتب هذه الاية عند احسان

میت و در رسم الخط افئدة و افئدتهم همزه مکسوره

بغیر مرکز نوشته میشود و درین موضع در رسم الخط افئدة همزه
بر مرکز مکتوب است و باقی همه بغیر مرکز مکتوب اند و آن
موضع در محل خود مذکور خواهد شد و کلمه النبیین و الحواریین
والامیین و علیین و متکئین و خاسئین و خاطئین
والصابئین و المستهزئین و نظایر آن هر جا واقع شوند
در مصاحف بعضی مرکز مکتوب اند و در رسم الخط النبیین و الحواریین
و الامیین و علیین و متکئین و خاسئین و خاطئین
والصابئین و المستهزئین بیک مرکز می نویسند و کلمه که
مهموز است همزه بر مرکز یا نوشته میشود لفظ احیی و یحیی
و یستحیی فیستحیی لا یستحیی یحیی الموتی و یحیی العظام و
امثال آن هر جا واقع شوند در مصاحف بعضی انها بدو یا
مینویسند و در رسم الخط احیی و یحیی فیستحیی لا یستحیی

یحیی الموتی و یحیی العظام و نظایر آن هر جا مکتوب باشند بعضی از
حا بیک یا نوشته میشوند و بعضی بدو یا میخوانند و این کلمات مذ
کوره لات را هر گاه درست توان خواند بهر نوع که نوشته باشند
بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند و اگر قرآنی از اول
تا آخر بروش رسم الخط نوشته باشند بحال خود بگذارند زیرا که حک
و اصلاح آن در کمال اشکال است و اگر بعضی از کلمات قرآن از بروش
رسم الخط نوشته باشند و درست توان خواند احتیاج بحک و
اصلاح ندارد و طریقه رسم الخط بسیار است بعضی از آن که دانستن
آن لا بد و ضرور بود درین کتاب ذکر آن نمود تا در وقت
تلاوت و قراءت بر هیچکس کلمه از کلمات قرآنی مشتبه نشود
و بصحت تمام بکلام ملک علام مشغول بوده از اهل سعادت
و رحمت گردد و چون درین زمان در وقت تصحیح و مقابله

قرآن

فاتحة الكتاب

قرآن در بعضی محال مقابله حک و اصلاح بی فایده می نمودند و قرآنها
از ما لیت بیرون می بردند بنا بر آن بر فقیر حقیر لازم شد که بتو
فیق الهی و تایید نامتناهی درین باب طریقه رسم الخط قرآن
و روش اصلاح آن و صورت کلماتی که از حیثیت اعراب و کتابت
که بر خلاف قاعده نوشته شده باشد و بر بعضی در وقت
کتابت و تلاوت مشتبه شود از اول قرآن تا آخر قرآن
سوره بسوره بیان آن کلمات مشکل نماید که در وقت کتابت
و تلاوت بسهولت و صحت تمام خوانده شود و صاحب اجر و
مثاب باشد و الله الهادی الی الثواب سورة فاتحة الكتاب
سبع ایات و هی مدنیه بسم الله الرحمن الرحیم
کلمه مالک در اکثر مصاحف بالف مکتوب است زیرا که عاصم
و کسائی مالک بالف خوانده اند که اسم فاعل باشد و در بعضی

مصاحف مَلِكِ بغیر الف می نویسند زیرا که باقی قرا بجز نافع الف
میخوانند که صفت مشبهه باشد سورة البقرة مائتان و ست و ثمانون آیه
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ کلمه مُسْتَهْزِءُوْنَ در تحت
همزه مضمومه واو نوشته میشود و بواو خوانده میشود کلمه
يَسْتَهْزِئُ در اکثر مصاحف در تحت همزه مضمومه یای نویسند و
بغیر یا میخوانند کلمه فَاِنْ لَمْ تَفْعَلُوْا در رسم الخط و اکثر مصاحف
مقطوع است کلمه وَاُتُوْا بِهٖ مُتَشَابِهًا در مصاحف بعد از
نون ان از لم جدا نویسند
همزه مضمومه واو نمی نویسند و بعد از واو ثانی الف مینویسند
و در بعضی کتب رسم الخط بعد از همزه مضمومه واو مکتوب است
و مصحفی که بروش رسم الخط نوشته شده باشد نیز واو
نمی نویسند و آنچه اعتقاد فقیر است بهتر آنست که درین کلمه
واو نوشته نشود زیرا که اگر او نوا بعد از همزه مضمومه واو
نوشته

نوشته شود احتمال آن دارد که غلط خوانده شود کلمه فَاَحْيَاكُمْ
در رسم الخط و اکثر مصاحف بالف مکتوب است کلمه اَنْبِئُوْنِيْ
بواو می نویسند و بواو میخوانند کلمه اُوْفِ بعد از همزه مضمومه واو
می نویسند و بواو میخوانند و بکسر فا بغیر یا نوشته میشود کلمه
وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا در تحت همزه ساکنه واو می نویسند و بغیر واو
میخوانند کلمه اٰتَيْنَا مُوْسٰى بهمزه ممدوده مکتوب است کلمه بَارِئِكُمْ
همزه مکسوره بر مرکز یا نوشته میشود و بغیر یا خوانده میشود کلمه
اثْنَتَا بالف وَاثْنَتَيْ بیا مرد و می نویسند کلمه وَبَآءُوْ در بعضی
مصاحف بعد از واو الف می نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف
الف نمی نویسند حك و اصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه اٰتَيْنَاكُمْ
بهمزه ممدوده مکتوب است کلمه الْاٰنَ در اکثر مصاحف بهمزه
منفصل از نون نوشته میشود و در رسم الخط و بعضی مصاحف

بلام متصل بنون و همزه بشکل سر عین بعد از لام بغیر مرکز الْئٰنَ
می نویسند این موضع و امثال آن هر گاه درست توان خواند احتیاج
حك و اصلاح ندارد کلمه فَادّٰرَءْتُمْ در جمیع مصاحف بغیر
الف لام مکتوب است اگر کاتب از روی سهو الف لام نوشته باشد
حك باید کرد کلمه خَلَا بالف مکتوب است کلمه قُلْ اَتَّخَذْتُمْ
بهمزه مفتوحه مکتوب است زیرا که این همزه استفهام است و همزه
استفهام مفتوح میباشد و در همه حال در اول کلام ثابت است
و هفت موضع است در قرآن عظیم و فرقان کریم که همزه استفهام
بر سر فعل در آمده و همزه فعل در لفظ افتاده و در کتابت نیز
ساقط گشت و همزه استفهام در کلام باقی ماند و همزه
استفهام مفتوح است و دایم در اول کلام ثابت است
و آن هفت موضع اینست اول قُلْ اَتَّخَذْتُمْ درین سوره
که مذکور

که مذکور شد دوم اَطَّلَعَ الْغَيْبَ در سوره مریم سیم اَفْتَرٰى
عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا در سوره سبا چهارم اَصْطَفَى الْبَنَاتِ در سوره والصا
فات پنجم اَسْتَكْبَرْتَ اَمْ كُنْتَ در سوره ص ششم اَتَّخَذْنَاهُمْ
نیز در سوره ص افتاد درین کلمه میان قرا اختلاف است نافع و ابن
کثیر و ابن عامر و عاصم بهمزه استفهام خوانده اند و ابو عمرو حمزه
و کسائی بهمزه وصل میخوانند که اتَّخَذْنَاهُمْ باشد و هر گاه در ما
قبل وقف شود بکسر همزه ابتدا می نمایند هفتم اَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ
در سوره منافقین کلمه اُسَارٰى بعد از سین الف می نویسند و بالف میخوانند
کلمه فَمَا جَزَاءُ در رسم الخط و اکثر مصاحف بغیر واو مکتوب است
کلمه اٰتَيْنَا مُوْسٰى کلمه اٰتَيْنَا عِيْسٰى این دو لفظ بهمزه ممدوده
مکتوب اند کلمه بِئْسَمَا اشْتَرَوْا منفصل و متصل هر دو می نویسند
حك و اصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه فَبَآءُوْ در اکثر مصاحف

بعد از واو الف می نویسند ودر رسم الخط وبعضی مصاحف الف نمی
نویسند این لفظ احتیاج بحذف واصلاح ندارد کلمه آتَیْنَاکُمْ بهمزه
ممدوده مکتوب است کلمه قُلْ بِئْسَمَا موصول ومقطوع هردو می
نویسند کلمه اُوتُوا الْکِتَابَ بعد از همزه مضمومه واو می نویسند
وبواو میخوانند وبعد از واو ثانی الف مینویسند کلمه وَلَبِئْسَ
مَا شَرَوْا مقطوع وموصول هردو می نویسند کلمه ذُو الْفَضْلِ بعد از
واو الف نمی نویسند کلمه وَسَعَی بعد از عین یا نوشته میشود
وبالف خوانده میشود کلمه فِیمَا کَانُوا کلمه فَأَیْنَمَا تُوَلُّوا این
دو لفظ موصول ومقطوع هردو نوشته میشوند کلمه
فَإِنَّمَا یَقُولُ در رسم الخط واکثر مصاحف موصول است ودر بعضی
مصاحف مقطوع نیز مینویسند کلمه آتَیْنَاهُمُ الْکِتَابَ بهمزه
ممدوده مکتوب است کلمه مُصَلًّی بفتح لام منونا بیا مکتوب است

کلمه وعهدنا

کلمه وَعَهِدْنَا بفتح عین وکسر ها وسکون دال خوانده میشود کلمه
اضْطَرُّهُ درهمه حال بفتح همزه مکتوب است کلمه مُسْلِمَیْنِ بفتح میم
ثانی وسکون یا وکسر نون نوشته میشود کلمه یَتْلُو صیغه
مفرد است در بعضی مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند ودر
رسم الخط وبعضی مصاحف الف می نویسند کلمه وَمَا اُوتِیَ دو موضع
بعد از همزه مضمومه واو می نویسند وبواو میخوانند کلمه فَإِنَّمَا هُمْ
موصول ومقطوع هردو نوشته میشود کلمه آتَیْتَ
الَّذِینَ بفتح همزه مکتوب است کلمه آتَیْنَاهُمُ الْکِتَابَ بهمزه
ممدوده نوشته میشود کلمه أَیْنَ مَا تَکُونُوا در رسم الخط واکثر
مصاحف مقطوع است ودر بعضی مصاحف موصول می نویسند
یَتْلُوا عَلَیْکُمْ صیغه مفرد است در بعضی مصاحف الف نمی نویسند
ودر رسم الخط وبعضی مصاحف بعد از واو الف می نویسند کلمه

فَأَحْیَا بالف فَأَحْیَی بیا هردو می نویسند کلمه تَبَرَّأُوا مِنَّا بعد از همزه
مضمومه واو مینویسند وبواو میخوانند وبعد از واو الف می نویسند
ودر بعضی مصاحف همزه را بشکل سر عین بر بالای واو میگذارند
تَبَرَّأُوا می نویسند کلمه یَا اُولِی الْأَلْبَابِ دو موضع در رسم الخط
ومصاحف بعد از همزه مضمومه واو نوشته میشود وبغیر واو
خوانده میشود کلمه وَعَفَا عَنْکُمْ در رسم الخط واکثر مصاحف
بالف مکتوب است کلمه فَالْآنَ در اکثر مصاحف بهمزه
منفصل از نون نوشته میشود ودر رسم الخط وبعضی مصاحف
بلام متصل بنون وهمزه بشکل سر عین بغیر مرکز بعد از لام فَالْآنَ
می نویسند هرگاه درست توان خواند احتیاج بحذف واصلاح
ندارد کلمه جَزَاءُ الْکَافِرِینَ در اکثر مصاحف بغیر واو مکتوب است
کلمه أَذًی بفتح ذال منونا بیا مکتوب است کلمه حَاضِرِی الْمَسْجِدِ بعد از ال

یا می نویسند کلمه اُولِی الْأَلْبَابِ بعد از همزه مضمومه واو می نویسند
وبغیر واو میخوانند کلمه سَعَی بیا نوشته میشود وبالف خوانده میشود
کلمه آتَیْنَاهُمْ بهمزه ممدوده مکتوب است کلمه نِعْمَةَ اللَّهِ در رسم
الخط وبعضی مصاحف بتاء مدور مکتوب است ودر بعضی مصاحف
نِعْمَتَ اللَّهِ بتاء طولانی می نویسند حک واصلاح این لفظ ضرور
نیست کلمه اُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ بعد از همزه مضمومه واو می نویسند وبواو
میخوانند کلمه رَحْمَتَ اللَّهِ در رسم الخط واکثر مصاحف بتاء طولانی
مکتوب است کلمه یَدْعُوا صیغه مفرد است ودر بعضی مصاحف
الف نمی نویسند ودر رسم الخط وبعضی مصاحف بعد از واو الف می نویسند
کلمه أَذًی بفتح ذال منونا بیا مکتوب است کلمه نِسَاؤُکُمْ در رسم
الخط واکثر مصاحف در تحت همزه مضمومه واو می نویسند وبغیر
واو میخوانند ودر بعضی مصاحف نِسَاءُکُمْ بغیر واو می نویسند

کلمه اتّخذتم بعد از ذال یا نوشته میشود بالف خوانده میشود کلمه
یؤاخذکم در دو موضع در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد همزه مکتوب است
و همزه قراوت میشود کلمه یؤلون در تحت همزه ساکنه واوی می نویسند
و بغیر واو میخوانند کلمه فاءو در بعضی مصاحف بعد از واو الفی
نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند
حال و اصلاح این لفظ ضروری نیست کلمه اتّمّوه همزه ممدوده مکتوب است
کلمه نعمت اللّه علیکم در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء طولانی مکتوب است
کلمه ءاتیتم همزه ممدوده نوشته میشود از برای جمیع قراء الا ابن
کثیر که او اتیتم بفتح همزه قراوت میکند کلمه فیما فعلن کلمه
فیما عرضتم کلمه فیما فعلن این سه موضع را متصل و منفصل
هر دو می نویسند کلمه یعفوا صیغه مفرد است در بعضی مصاحف
بعد از واو الف نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف الف

قدر

البقره
الغرار

می نویسند کلمه احیاهم بالف مکتوب است کلمه لذو فضل بعد از
واو الف نمی نویسند کلمه اتی بعد از نون یا مینویسند و بالف میخوانند
کلمه اصطفیه کلمه و اتیه درین دو لفظ مرکز یا متصل بغیر نقطه
مکتوب است و بالف خوانده میشود کلمه ذو فضل بعد از واو الف نمی نویسند
کلمه لا انفصام بعد از لا همزه وصل می نویسند کلمه اولیاؤهم
در بعضی مصاحف در تحت همزه مضمومه واو مینویسند و بغیر
واو میخوانند و در بعضی مصاحف اولیاءهم بغیر واو می نویسند
کلمه اتیه اللّه همزه ممدوده مکتوب است کلمه اتی بعد از
نون یای نویسند و بالف میخوانند کلمه لم یتسنه ها او هاء
سکت است و در وقف و وصل ساکن است کلمه لیطمئن
همزه مکسوره بر مرکز یا مکتوب است کلمه جزءا در بعضی مصاحف
بیک همزه مکتوب است و در رسم الخط و بعضی مصاحف جزءا

بعد همزه مینویسند کلمه منّا بفتح نون منونا بالف مکتوب است
کلمه اذی در دو موضع بفتح ذال منونا بیا مکتوب است کلمه الاذی
بیا نوشته میشود کلمه رئاء الناس چون در قراءت عاصم همزه
بغیر یا خوانده میشود بهتر آنست که نقطه یا نگذارند مبادا شخصی
رئاء بخواند در قرآن بی یا خواندن خوب نیست کلمه فاتت بهمزه ممدوده
مکتوب است کلمه ضعفاؤ در اکثر مصاحف بغیر واو مکتوب است
و در بعضی مصاحف بواو می نویسند و در رسم الخط مستثنی کرده و از
جمله مواضعی شمرده که بغیر واو باید نوشت کلمه یؤتی الحکمة بعد از تا
یا مکتوب است کلمه یؤت الحکمة بفتح تا بغیر یا مکتوب است و درین
دو لفظ در تحت همزه ساکنه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند
کلمه اولوا الالباب هر جا واقع شود یک حکم دارد و در قاعده
کلیه در خطبه این باب مذکور شد کلمه الربوا پنج موضع

درین

دیوا

البقره

درین سوره هر جا واقع شود در رسم الخط و اکثر مصاحف بواو و الف
بعد از واو می نویسند و در حال قراوت واو قلب بالف میگردد و
در بعضی مصاحف ربا بالف می نویسند این لفظ هر نوع که نوشته
شده باشد بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند کلمه ویربی
الصدقات بعد از با یا مکتوب است و در حال وصل در لفظ سا
قط است کلمه و اتوا الزکوة لهم اجرهم بفتح تا و ضم واو قراوت
...تم با بغیر یا مکتوب است کلمه
...میخوانند کلمه فلیؤد الذی در تحت
...بغیر واو میخوانند کلمه الذی
...بعد همزه مکتوب است و
...نویسند و در بعضی مصاحف
...د اما اولی آنست که بصورت

الربوا پنج موضع در سوره بقره
و در جاها واقع شود

بر و همزه مینویسیم کلمه مَنّا بفتح نون نا منونا بالف مکتوب است

کلمه اذًی دو موضع بفتح ذال منونا بیا مکتوب است کلمه الاذی

بیا نوشته میشود کلمه رِئَاءَ النَّاسِ چون در قراءت عاصم همزه

بغیر یا خوا[illegible] باد اشخصی

رِئاء [illegible] ن ممدود

مکتوب [illegible] توب است

و در بعضی م[illegible] ده وان

جمله مواضع [illegible] بعد از نا

یا مکتوب [illegible] درین

دو لفظ در [illegible] اننی

کلمه اُولُوا ال[illegible] عده

کلین در خطبه این باب مذکور شد کلمه الرِّبٰوا پنج موضع

ربا لو او چون زکوة و صلوة جهت تحقیق است
و ربا دوی الف بعد از ان جهت نشنیده است
نواو جمع

دیوا

درین

البقره

درین سوره و هر جا واقع شود در رسم الخط و اکثر مصاحف بواو و الف

بعد از واو می نویسند و در حال قراءت واو قلب بالف میکردد و

در بعضی مصاحف رِبًا بالف می نویسند این لفظ بهر نوع که نوشته

شده باشد بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند کلمه وَيُرْبِي

الصَّدَقَاتِ بعد از با یا مکتوب است و در حال وصل در لفظ سا

قط است کلمه وَآتَوُا الزَّكَوٰةَ لَهُمْ اَجْرُهُمْ بفتح تا و ضم واو قراءت

میشود کلمه وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ بفتح با بغیر یا مکتوب است کلمه

وَاَدْنٰى بعد از نون یای نوشته و بالف میخوانند کلمه فَلْيُؤَدِّ در تحت

همزه مفتوحه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند کلمه الَّذِي

اؤْتُمِنَ در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد همزه مکتوب است و

در تحت همزه ساکنه ثانی واو می نویسند و در بعضی مصاحف

الَّذِي اؤْتُمِنَ بغیر واو نوشته میشود اما اولی آنست که بصورت

او ل بواو نوشته شود زیرا که اگر بر الذی وقف شود اؤْتُمِنَ بضم

همزه و سکون واو ابتدا باید کرد کلمه لَا تُؤَاخِذْنَا بواو نوشته

میشود و بهمزه خوانده میشود کلمه مَوْلٰينَا متصل وَمَوْلَانَا منفصل

هر دو می نویسند حک و اصلاح آن ضروریست سوره آل عمران

مائتان آیه و هی مدنیه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

کلمه ذُو انْتِقَامٍ بعد از واو الف می نویسند و همزه که مکتوب است

همزه لفظ انتقام است که همزه وصل باشد کلمه يُؤَيِّدُ در تحت

همزه مفتوحه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند کلمه لِاُولِي

الْاَبْصَارِ بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بغیر واو

میخوانند و یاء بعد از لام از اصل کلمه است در حال وصل

در لفظ ساقط است کلمه ءَاُنَبِّئُكُمْ در بعضی مصاحف

بغیر واو مکتوب است و در رسم الخط و بعضی مصاحف

اوتبئکم

ال عمران

اَؤُنَبِّئُكُمْ بواو نوشته میشود و بغیر واو خوانده میشود کلمه

اُوتُوا نَصِيبًا بعد از همزه مضمومه واو مینویسند و بواو میخوانند

و بعد از واو ثانی الف می نویسند و در سوره البقره در رسم الخط

و بعضی مصاحف وَاُوتُوا مُتَشَابِهًا با واو مکتوب است و بغیر

واو خوانده میشود و لفظ اُوتُوا نَصِيبًا درین سوره نیز بعد از

همزه مضمومه واو مکتوب است و بواو خوانده میشود پس

تحقیق شد که قرآن سماعیست از استاد کامل باید شنید

کلمه تُقَاةً بالف و تُقْيَةً بیا هر دو می نویسند بهر نوع که نوشته

باشد بحال خود بگذارند احتیاج حک و اصلاح ندارد کلمه

امْرَأَتُ عِمْرَانَ در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء طولانی

مکتوب است کلمه اَنّٰى لَكِ کلمه اَنّٰى يَكُونُ لِي غُلَامٌ درین دو

لفظ بعد از نون یای نوشته و بالف میخوانند کلمه اصْطَفٰكِ

در موضع مرکن یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند و در بعضی
مصاحف اصطفانِ بالف مکتوب است و بهتر آنست که بیا نوشته
شود هر نوع که نوشته باشند بحال خود بکذارند که محل اصلاح
آن ضرور نیست کلمه انباءِ الغیبِ بتقدیم نون بر با مکتوب است
کلمه انّی یکونُ لی و لدٌ بعد از نون یا می نویسند و بالف میخوانند
کلمه وابرئُ در تحت همزه مضمومه یا نوشته میشود و بغیر یا
خوانده میشود کلمه لعنتَ اللهِ علی الکاذبین در رسم الخط و اکثر
مصاحف بتاء طولانی مکتوب است کلمه ان یؤتی در تحت همزه
ساکنه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند کلمه ما اوتیتم بعد از
همزه مضمومه واو نوشته میشود و بواو خوانده میشود کلمه
یؤتیه در تحت همزه ساکنه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند
کلمه ذو الفضلِ در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از واو

الفی نویسند کلمه یؤدّه دو موضع در تحت همزه مفتوحه واو
می نویسند و بغیر واو میخوانند کلمه یلوُن در رسم الخط و بعضی
مصاحف بیک واو مکتوب است و بدو واو خوانده میشود و اکر
بدو واو سیاهی نوشته باشند بحال خود بکذارند و حک و صلاح
آن نکنند و اکر بیک واو سیاهی نوشته باشند واو سرخی بی فایده
و عبث باو الحاق نکنند زیرا که سرخی از برای خلاف است و در اینجا
خلاف نیست و جهت تذکیر اکر خواهند این عبارت را بر حاشیه
قرآن بنویسند تکتبُ بالواوِ و تلفظُ بالواوین یا در تحت آن
لفظ بالاشباع بنویسند کلمه ان یؤتیه الله در تحت همزه ساکنه
واو می نویسند و بغیر واو میخوانند کلمه لَمَا بنا بر قراءت عاصم
و باقی قرا بفتح لام مکتوب است الا حمزه که او لِما بکسر لام میخواند
و بنا بر هر دو قراءت بتخفیف میم خوانده میشود کلمه اتیکم بهمزه

مدوده مکتوب است کلمه وما اوتی بعد از همزه مضمومه واو
می نویسند و بواو میخوانند کلمه جزاؤهم انّ در اکثر مصاحف بواو
مکتوب است و بغیر واو خوانده میشود و در بعضی مصاحف جزاؤهم
بغیر واو می نویسند کلمه لعنةَ اللهِ در رسم الخط و اکثر مصاحف
بتاء مدوره مکتوب است کلمه ملءُ الارضِ در رسم الخط و اکثر
مصاحف بعد از لام بهمزه مضمومه بغیر واو نوشته میشود
کلمه واذکروا نعمتَ اللهِ علیکم در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء
طولانی مکتوب است کلمه ففی رحمةِ اللهِ در رسم الخط و اکثر
مصاحف بتاء مدوره مکتوب است و در بعضی مصاحف ففی
رحمتِ اللهِ بتاء طولانی نوشته میشود کلمه اذی نحو ذال
منونا بیا مکتوب است کلمه این ما ثقفوا در رسم الخط
و اکثر مصاحف مقطوع است و در بعضی مصاحف موصول

اینما موصول می نویسند کلمه و باءوا در بعضی مصاحف بعد از
واو جمع الف می نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف الف
نمی نویسند این کلمه از جمله مواضعیست که احتیاج بحک و
اصلاح ندارد کلمه اولاءِ تحبونهم بعد از همزه مضمومه
واو می نویسند و بغیر واو میخوانند کلمه تسؤهم در تحت
همزه ساکنه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند کلمه تبوّءُ
المؤمنینَ در بعضی مصاحف همزه مضمومه بغیر یا مکتوب است
و در رسم الخط و بعضی مصاحف تبوّئُ المؤمنینَ در تحت
همزه مضمومه یا نوشته میشود و بغیر یا خوانده میشود این
لفظ را هر نوع که نوشته باشند بحال خود بکذارند و حک و اصلاح
آن نکنند کلمه خائبینَ در رسم الخط و اکثر مصاحف همزه مکسوره
بر مرکز یا مکتوب است کلمه الربوا در رسم الخط و اکثر مصاحف

بواو مکتوب است و بعد از واو الف نوشته میشود و در حال
وقف و وصل بالف خوانده میشود که الرّبٰا باشد و در بعضی مصاحف
الرِّبٰا بالف می نویسند کلمه جَزٰاءُهُم در بعضی مصاحف بغیر
واو مکتوب است و در رسم الخط و بعضی مصاحف جَزٰاؤُهُم
بواو می نویسند و بغیر واو میخوانند حک و اصلاح این لفظ
ضرور نیست کلمه اَفَائِنْ در رسم الخط و اکثر مصاحف
الف بعد از فا و همزه مکسوره بشکل سر عین بر مرکز یا متصل
بنون مکتوب است کلمه نؤتیه دو موضع در تحت همزه ساکنه
واو می نویسند و بغیر واو میخوانند کلمه فَاٰتٰهُمُ اللّٰهُ
بهمزه ممدوده مکتوب است کلمه مَوْلٰیکُمْ متصل و مَوْلَاکُمْ
منفصل هردو می نویسند و اگر متصل نوشته شود بهتر است
کلمه عَفَا در رسم الخط و اکثر مصاحف بالف مکتوب است

ذو فضل

العمران

کلمه ذُو فَضْلٍ بعد از واو الف می نویسند کلمه وَلَا تَلْوُنَ عَلٰی اَحَدٍ
در رسم الخط و بعضی مصاحف بیک واو مکتوب است و بدو واو
خوانده میشود و اگر بدو واو سیاهی نوشته باشند بحال خود بگذارند
و حک و اصلاح آن نکنند و اگر بیک واو سیاهی نوشته باشند
واو سرخی عبث و بی فایده الحاق نکنند زیرا که سرخی از برای
خلاف است و در اینجا خلاف نیست و اگر خواهند جهت تذکیر
این عبارت را بر حاشیه قرآن بنویسند تکتب بواو واحدة
وتلفظ بواوین الاولی مضمومة والثانیة ساکنة یا
در تحت آن لفظ بالاشباع بنویسند یا بواوین فی القراءة
قید کنند یا بالواوین بنویسند کلمه عَفَا اللّٰهُ بالف مکتوب است
کلمه عَنَّتُّمْ بفتح نون مشدده منونا بیا مکتوب است کلمه
لَاِلَی اللّٰهِ تُحْشَرُوْنَ در اکثر مصاحف بغیر همزه زاید مکتوب است

و در رسم الخط همزه زاید لَاِلَی اللّٰه می نویسند بهتر آنست که همزه
زاید نوشته نشود زیرا که حرف زاید را که دخل در قراءت نداشته
باشد منع کرده اند و رعایت رسم الخط در همه جا ضرور نیست
بلکه در بعضی مواضع ترکش اولی است مثل این موضع که محل
اشتباه است کلمه لَانْفَضُّوا بعد از لا الف می نویسند کلمه
سَیَّٰلُوا صیغه مفرد است در بعضی مصاحف الف می نویسند
و در رسم الخط و بعضی مصاحف الف می نویسند کلمه اَنّٰی هٰذَا
بعد از نون یا می نویسند و بالف میخوانند کلمه لَاتَّبَعْنٰاکُمْ
بعد از لا الف می نویسند جهت توضیح از تفسیر نقل شد لَوْ نَعْلَمُ
قِتٰالًا لَاتَّبَعْنٰاکُمْ اگر میدانستیم مراسم و آداب قتال را هر آینه
متابعت میکردیم شما را کلمه فَادْرَؤُا بواو نوشته میشود بواو
خوانده میشود و بعد از واو الف می نویسند و در بعضی مصاحف

همزه

العمران

همزه مضمومه را بصورت الف فَادْرَاُوا می نویسند کلمه ذُو فَضْلٍ
بعد از واو الف می نویسند کلمه جَاؤُا در بعضی مصاحف بعد از
واو الف مینویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از
واو الف نمی نویسند اولی آنست که درین لفظ و امثال آن
چون صیغه جمع است الف اگر نوشته باشند حک نکنند
و اگر ننوشته باشند خواهند رعایت رسم الخط کنند
بنویسند کلمه ذَائِقَةُ الْمَوْتِ همزه مکسوره بر مرکز یا مکتوب است
کلمه اَتَوْا بفتح همزه و الف بعد از واو می نویسند کلمه لِاُولِی
الْاَلْبٰابِ بعد از همزه مضمومه واو نوشته میشود و
بغیر واو خوانده میشود کلمه وَاُوذُوا فِی سَبِیلِی بعد از
همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند و بعد از
واو ثانی الف می نویسند سورة النساء مائة وست وسبعون

آیه وهی مدنیه بسم الله الرحمن الرحیم کلمه اٰبَاۤؤُكُمْ کلمه
وَاَبْنَاۤؤُكُمْ در رسم الخط و اکثر مصاحف درین دو موضع
در تحت همزه مضمومه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند
و در بعضی مصاحف اٰبَاۤءُكُمْ وَاَبْنَاۤءُكُمْ بغیر واو می نویسند
حک و اصلاح این الفاظ ضرور نیست کلمه شُرَكَاۤءُ درین
موضع در رسم الخط و اکثر مصاحف همزه مضمومه بغیر واو
مکتوب است کلمه اللَّذَانِ در اکثر مصاحف بدو لام
نوشته میشود و در رسم الخط و بعضی مصاحف الّذَانِ
بیک لام کتابت میشود کلمه الْاٰنَ در اکثر مصاحف همزه
منفصل از نون مکتوب است و در رسم الخط بلام متصل
بنون و همزه بشکل سر عین بعد از لام بغیر مرکز اَلْـٰٔنَ می
نویسند و همزه اوّل این لفظ همزه وصل است در حال وصل

ساقط است

ساقط است کلمه مَاۤ اٰتَيْتُمُوْهُنَّ کلمه وَاٰتَيْتُمْ این دو لفظ
بهمزه ممدوده مکتوب اند کلمه اُجُوْرَهُنَّ مرکز یا متصل
بجیم مکتوب است و بالف خوانده میشود کلمه اٰبَاۤؤُكُمْ
بواو و بغیر واو هر دو نوشته میشود کلمه فَاِنْ لَّمْ تَكُوْنُوْا
در رسم الخط و اکثر مصاحف مقطوع است کلمه اٰتَيْنَ
بفتح همزه مکتوب است کلمه اٰتٰىهُمُ اللّٰهُ بهمزه ممدوده نوشته
میشود کلمه رِئَاۤءَ النَّاسِ در اکثر مصاحف بهمزه بغیر یا
مکتوب است و قرّاء سبعه بهمزه بغیر یا میخوانند الا ابی جعفر
که او بیا بغیر همزه میخواند کلمه لٰمَسْتُمُ النِّسَاۤءَ در اکثر مصاحف
منفصل می نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف لٰمَسْتُمُ
متصل می نویسند حک و اصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه
اُوْتُوْا نَصِيْبًا دو موضع بعد از همزه مضمومه واو می نویسند

و بواو میخوانند و بعد از واو ثانی الف می نویسند کلمه اٰتٰىهُمُ اللّٰهُ
بهمزه ممدوده مکتوب است کلمه اٰتَيْنَاۤ اٰلَ اِبْرٰهِيْمَ کلمه وَاٰتَيْنٰهُمْ
این دو لفظ بهمزه ممدوده و سکون یا مکتوب اند کلمه وَاُولِي
الْاَمْرِ مِنْكُمْ بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بغیر واو
میخوانند کلمه جَاۤءُوْكَ دو موضع بواو مکتوب اند و بواو خوانده
میشوند کلمه اِلَّا قَلِيْلٌ مِّنْهُمْ بنا بر قرائت اکثر قرّاء برفع لام
منوّنا مکتوب است الا ابن عامر که او قَلِيْلًا بنصب لام منوّنا
میخواند کلمه لَاٰتَيْنٰهُمْ بفتح لام و همزه ممدوده مکتوب است کلمه
اَيْنَ مَا تَكُوْنُوْا در رسم الخط و اکثر مصاحف مقطوع است و در بعضی
مصاحف موصول نیز می نویسند حک و اصلاح این لفظ ضرور
نیست کلمه فَمَالِ هٰۤؤُلَاۤءِ در اکثر مصاحف منفصل می نویسند
کلمه وَاِلٰٓى اُولِي الْاَمْرِ مِنْهُمْ حکم کلمه وَاُولِي الْاَمْرِ مِنْكُمْ دارد کلمه

لاتبعتم

لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطٰنَ بعد از لام الف نمی نویسند و اگر نوشته باشند
حک باید کرد کلمه جَاۤءُوْكُمْ حَصِرَتْ بواو می نویسند و بواو میخوانند
کلمه اَوْلِيَآءُكُمْ بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند
کلمه خَطَـًٔا هر جا واقع شود بهتر آنست که بی همزه متصل نوشته
شود و اگر همزه ثانی بشکل سر عین بر بالای همزه اول خَطَأً نویسند
نیز حسن است اما اگر همزه ثانی را بعد از همزه اول نویسند خطاست
احتمال آن دارد که غلط خوانده شود کلمه فَجَزَاۤؤُهٗ جَهَنَّمُ بواو
مکتوب است و بغیر واو خوانده میشود و در بعضی مصاحف
فَجَزَاۤءُهٗ بغیر واو می نویسند این لفظ احتیاج بحک و اصلاح ندارد
کلمه السَّلٰمَ منفصل السَّلٰمَ متصل هر دو می نویسند زیرا که
عاصم و جمعی که با او متفق اند بفتح لام و الف بعد از لام خوانده اند
و نافع و ابن عامر و حمزه بفتح لام بغیر الف میخوانند کلمه غَيْرُ

بنا بر قراءت عاصم و جمعی که با او متفق‌اند برفع را مکتوب است
و بنا بر روایت نافع و ابن عامر و کسائی بنصب را نوشته میشود
کلمه اولی الخمس بعد از همزه مضمومه واو می‌نویسند و بغیر
واو میخوانند کلمه ان یعفو بعد از واو الف نمی‌نویسند کلمه
اذنی بفتح ذال منونا بیا مکتوب است کلمه ام من یکون
در رسم الخط و اکثر مصاحف مقطوع است و در کتب رسم الخط
مذکور است که ام من در جمیع مواضع موصول است الا در چهار
موضع که مقطوع است اول ام من یکون درین سوره
دوم ام من اسس در سوره توبه سیم ام من خلقنا در سوره
والصافات چهارم ام من یاتی امنا در سوره حم السجده و اکثر
این چهار موضع را در رسم الخط مقطوع ذکر کرده اما در مصاحف
مقطوع و موصول هر دو می‌نویسند و این از جمله مواضعیست

که احتیاج بحک و اصلاح ندارد کلمه سوءا هرجا واقع شود در اکثر
مصاحف بین همزه مفتوحه منونه مکتوب است و در رسم
الخط و بعضی مصاحف بدون همزه ثانی بصورت الف سوءا می‌نویسند
حک و اصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه بریئا در رسم الخط
و اکثر مصاحف بیک مرکز یا متصل بهمزه مکتوب است و در بعضی
مصاحف بدو مرکز بریئا می‌نویسند کلمه ان تلووا در رسم
الخط و بعضی مصاحف بیک واو مکتوب است و بدو واو خوانده
میشود و بعد از واو الف می‌نویسند و اگر بدو واو سیاهی نوشته
باشند بحال خود بگذارند و یک واو را حک نکنند و اگر بیک
واو نوشته باشند رعایت رسم الخط نموده اکتفا بیک واو کنند
و جهت تذکیر بر حاشیه مصحف خواهند بنویسند تُكتَبُ بِواوٍ
واحِدَةٍ وَتُلفَظُ بِواوَينِ الاُولىٰ مَضمُومَةٌ وَالثّانِيَةُ ساكِنَةٌ

یا در تحت آن کلمه بالاشباع بنویسند و درین کلمه عاصم و جمعی که با او
متفق‌اند بسکون لام و بدو واو که واو اول مضموم و واو ثانی ساکن
خوانده‌اند و ابن عامر و حمزه بضم لام و بیک واو ساکنه میخوانند
کلمه و یستهزء بها در اکثر مصاحف بهمزه مضمومه بغیر واو
مکتوب است و در بعضی کتب رسم الخط یستهزؤ در تحت همزه
مضمومه واو می‌نویسند و بعد از واو الف می‌نویسند و بغیر
واو میخوانند و اگر این کلمه بغیر واو نوشته شود احسن است
زیرا که توهم آن میشود که بعضی بواو بخوانند کلمه یراءون در تحت
همزه مضمومه واو می‌نویسند و بواو میخوانند کلمه یؤت الله
در رسم الخط و مصاحف در تحت همزه ساکنه واو نوشته میشود
و بغیر واو خوانده میشود و تاء مکسوره بغیر یا مکتوب است
کلمه و آتینا موسى بهمزه ممدوده مکتوب است کلمه الربوا

در رسم الخط و اکثر مصاحف بواو و الف بعد از واو نوشته میشود
و بالف خوانده میشود و در بعضی مصاحف الربا بالف بغیر واو
می‌نویسند و در صورتی که بواو نوشته شده باشد در حالت تلاوت
آن واو بدل بالف می‌شود کلمه و آتینا بهمزه ممدوده مکتوب است
کلمه ان امرؤ در اکثر مصاحف بهمزه مضمومه منونه بغیر واو
مکتوب است و در رسم الخط بواو و الف بعد از واو ان امرؤا
می‌نویسند و در بعضی مصاحف بواو می‌نویسند اما بعد از
واو الف نمی‌نویسند و بهتر آنست که بغیر واو نوشته شود
کلمه ان لم در رسم الخط و اکثر مصاحف مقطوع است سوره
المائده مائة و عشرون آیة و هی مدنیة بسم الله الرحمن الرحیم
آتیتموهن بهمزه ممدوده مکتوب است لامستم
النساء در اکثر مصاحف متصل نوشته میشود و در رسم

الخط و بعضی مصاحف بلام متصل لَمَسْتُمْ کتابت میشود و در قراءت
عاصم و جمعی که با او متفق اند بالف خوانده میشود و در روایت
حمزه و کسائی بفتح لام بغیر الف لَمَسْتُمْ تلاوت میشود حک
و اصلاح و این لفظ ضرور نیست کلمه اَنْ لَا تَعْدِلُوا در اکثر
مصاحف مقطوع است و در رسم الخط و بعضی مصاحف
تشدید لام بغیر نون اَلَّا تَعْدِلُوا می نویسند کلمه نِعْمَتَ اللّٰهِ
عَلَیْکُمْ اِذْ هَمَّ قَوْمٌ در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء طولانی
مکتوب است کلمه وَ یَعْفُو صیغه مفرد است در بعضی مصاحف
بعد از واو الف می نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف
بعد از واو الف می نویسند جهت تبیین از تفسیر نقل شد
وَ یَعْفُو عَنْ کَثِیْرٍ عفو میکند رسول بسیاری از جرایم
شما کلمه اَبْنٰاءُ در بعضی مصاحف بغیر واو مکتوب است

و در بعضی مصاحف باثبات الف و همزه منفصل و در تحت همزه مضمومه
واوی می نویسند که اَبْنٰاؤُ باشد و در رسم الخط بحذف الف و واوی
متصل بنون و همزه مضمومه بر بالای واو و الف بعد از واو اَبْنٰؤُا
می نویسند و بغیر واو میخوانند و باثبات الف بغیر واو اَبْنٰاءُ در رسم
الخط نیز ضبط کرده اند و این وجه را اصح دانسته اند کلمه
وَ اَحِبّٰاءُهُ در بعضی مصاحف بغیر واو مکتوب است و در رسم
الخط و بعضی مصاحف در تحت همزه مضمومه واوی می نویسند
که وَ اَحِبّٰاؤُهُ باشد و بغیر واو میخوانند کلمه نِعْمَتَ اللّٰهِ
عَلَیْکُمْ در رسم الخط و مصاحف بتاء طولانی و تاء مدوره هر
دو می نویسند کلمه وَ اٰتٰیکُمْ بهمزه ممدوده مکتوب است
کلمه نَبَاَ ابْنَیْ در اکثر مصاحف بیک همزه می نویسند و در رسم
الخط و بعضی مصاحف نَبَّاَ ابْنَیْ بدو همزه نوشته میشود کلمه

اَنْ تَبُوْءَ در اکثر مصاحف بیک همزه مکتوب است و در رسم الخط
و بعضی مصاحف بدو همزه ثانی بصورت الف تَبُوْءَا نوشته
میشود و اولی آنست که بیک همزه نوشته شود و اگر همزه اصلی را
بصورت الف بنویسند همزه بشکل سر عین بر بالای آن بگذارند
قصوری ندارد کلمه جَزٰاءُ الظّٰالِمِیْنَ در بعضی مصاحف بغیر
واو مکتوب است و در رسم الخط و بعضی مصاحف در تحت همزه
مضمومه واوی می نویسند و بعد از واو جَزٰاؤُا الف می نویسند
کلمه اَحْیٰاهٰا در رسم الخط و اکثر مصاحف بالف مکتوب است
کلمه اَحْیٰا النّٰاسَ در رسم الخط و بعضی مصاحف با الف
می نویسند و در بعضی مصاحف اَحْیَ النّٰاسَ بدون یا کتابت
میشود کلمه جَزٰاءُ الَّذِیْنَ در مصاحف بواو و بغیر واو
هر دو می نویسند و در رسم الخط بواو و الف بعد از واو جَزٰؤُا

الَّذِیْنَ می نویسند و بهتر آنست این لفظ و کلمه جَزٰاءُ الظّٰالِمِیْنَ بواو
و بغیر واو هر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند و حک
و اصلاح آن نکنند کلمه اَوْ شِئْتُمْ هٰذٰا بعد از همزه مضمومه واو
می نویسند و بواو میخوانند کلمه جٰاءُکَ بواو نوشته میشود
و بواو خوانده میشود کلمه فِیْ مٰا در مصاحف مقطوع و موصول هر
دو می نویسند و در رسم الخط نیز ذکر مقطوع و موصول هر دو شده
و مقطوع را اصح دانسته کلمه اٰتٰیکُمْ بهمزه ممدوده مکتوب است کلمه
تَخْشٰی در اکثر مصاحف بیا مکتوب است و در رسم الخط تَخْشٰی بیاء
تَخْشٰا بالف هر دو ضبط شده حک و اصلاح این لفظ ضرور نیست
کلمه یَاْتِیَ اللّٰهُ بیا مکتوب است کلمه جٰاءُکُمْ بواو نوشته میشود
و بواو خوانده میشود کلمه لَبِئْسَ مٰا کٰانُوْا یَعْمَلُوْنَ کلمه لَبِئْسَ
مٰا کٰانُوْا یَصْنَعُوْنَ کلمه لَبِئْسَ مٰا کٰانُوْا یَفْعَلُوْنَ کلمه لَبِئْسَ

ما قدمت چهار موضع در رسم الخط هر چهار مقطوع اند و در مصاحف
مقطوع و موصول هر دو می نویسند کلمه انّی یکون بعد از
نون یای نویسند و بالف میخوانند کلمه جزاء المحسنین در رسم
الخط و اکثر مصاحف بغیر واو مکتوب است کلمه عفا الله در رسم
الخط و اکثر مصاحف بالف مکتوب است کلمه فجزاء مثل ما
بر قراءت جمیع قرا بضم همزه منونا و رفع لام مثل نوشته میشود
الا ابن کثیر که او بضم همزه بغیر تنوین و خفض لام مثل میخوانند
و در اکثر کتب رسم الخط و مصاحف جزاء بغیر واو مکتوب است
کلمه ذوا انتقام در رسم الخط و اکثر مصاحف بیک همزه که همزه
وصل است مکتوب است کلمه یا اولی الالباب بعد از همزه مضمومه
واو می نویسند و بغیر واو میخوانند کلمه تسؤکم در بعضی
همزه ساکنه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند کلمه کهیئة

الطیر در اکثر مصاحف بیک مرکز مکتوب است و در رسم الخط
کهیئة بیک مرکز نوشته میشود کلمه اذنی بعد از نون یای
نویسند و بالف میخوانند کلمه وتبرئ الاکمه در رسم الخط و اکثر
مصاحف بعد از راء مکسوره یا نوشته میشود و همزه مضمومه
بغیر یا خوانده میشود کلمه عیسی ابن مریم در رسم الخط و اکثر
سورة الانعام مائة مصاحف همزه ابن مکتوب است و خمس و ستون آیه و هی مکیة

بسم الله الرحمن الرحیم

کلمه انباء در اکثر مصاحف بغیر واو مکتوب است و در
لفظ نون بر یا مقدم است و در بعضی مصاحف انباء با اثبات
الف بواو نوشته میشود و در رسم الخط بحذف الف و واو
متصل بدبا و همزه مضمومه بشکل سر عین بر بالای واو و الف
بعد از واو انبؤا می نویسند و بغیر واو میخوانند هر کجا در است

توان خواند احتیاج بحک و اصلاح نوارد کلمه ولقد استهزئ
در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از زاء مکسوره یای نویسند
و بغیر یا میخوانند کلمه ائمة بهمزه ممدوده بکسر لام مکتوب است
کلمه الهة بکسر همزه نوشته میشود کلمه اتیناهم الکتاب بهمزه
ممدوده مکتوب است کلمه این شرکاؤکم در اکثر مصاحف و بعضی
کتب رسم الخط بواو مکتوب است و بغیر واو خوانده میشود کلمه اذا
جاؤک بواو نوشته میشود و بواو قراءت میشود کلمه الا حیا
تنا در اکثر مصاحف و رسم الخط بالف مکتوب است و در بعضی
مصاحف الا حیوتنا بواو می نویسند کلمه بلقاء دو موضع بهمزه
مکسوره بغیر یا مکتوب است کلمه وللدار الاخرة بدو لام
متصل و تشدید دال مکتوب است و ابن عامر بیک لام و تخفیف
دال ولدار قراءت میکنند کلمه و اوذوا بعد از همزه مضمومه

واو می نویسند و بواو میخوانند و بعد از واو ثانی الف می نویسند
کلمه حتی اتاهم بهمزه مفتوحه مکتوب است کلمه من
نبای المرسلین در بعضی مصاحف بغیر یا نوشته میشود
و در رسم الخط و بعضی مصاحف بیاء زائده و همزه زائده
بشکل سر عین بر بالای یا من نبای المرسلین می نویسند
و در حال قراءت یا ساقط است اولی آنست که این لفظ را
بهر نوع که نوشته باشند بحال خود گذارند و حک و اصلاح
آن نکنند کلمه اتاکم عذاب الله دو موضع بهمزه مفتوحه
مکتوب است کلمه اتتکم الساعة بهمزه مفتوحه و سکون
تاء ثانی نوشته میشود کلمه اوتوا اخذناهم بعد از همزه
مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند و بعد از واو ثانی
الف می نویسند کلمه بالغدوة در رسم الخط و بعضی

مصاحف بواو نوشته میشود و بالف خوانده میشود و در بعضی
مصاحف بِالْغَدَاةِ بالف می نویسند و در قراءت ابن عامر
بضم عین و سکون دال و فتح واو بِالْغُدْوَةِ خوانده میشود
کلمه سَوْءَةَ در اکثر مصاحف بیک همزه مکتوب است و در رسم
الخط و بعضی مصاحف بدو همزه ثانی بصورت الف سَوْءَآ نوشته
میشود حک و اصلاح این لفظ ضروری نیست کلمه اَنْجَيْنَا در
بعضی مصاحف و رسم الخط مرکز یا متصل بنون می نویسند
و بالف میخوانند و در بعضی مصاحف اَنْجَانَا بالف می نویسند
و بنابر قراءت نافع و ابن کثیر و ابو عمرو و ابن عامر بسکون
یا و تاء مفتوحه بعد از یا اَنْجَيْتَنَا نوشته میشود کلمه
قُلْ اَنَدْعُوا در بعضی مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند
و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو الف می نویسند

کلمه

کلمه اِذْ هَدٰنَا اللّٰهُ در بعضی مصاحف و رسم الخط مرکز یا
متصل بنون نوشته میشود و بالف خوانده میشود و در بعضی
مصاحف هَدٰانَا اللّٰهُ بالف می نویسند کلمه کَالَّذِی اسْتَهْوَتْهُ
بعد از ذال یا مکتوب است کلمه اِلَی الْهُدَی بعد از دال یا
نوشته میشود کلمه ائْتِنَا همزه ثانی بشکل سر عین بر مرکز
یا مکتوب است کلمه آزَرَ بزا نوشته میشود کلمه وَقَدْ
هَدٰانِ در بعضی مصاحف بالف مکتوب است و در رسم
الخط و بعضی مصاحف مرکز یا متصل بنون وَقَدْ هَدٰینِ می نویسند
این لفظ احتیاج بحک و اصلاح ندارد کلمه آتَیْنٰهَا اِبْرٰهِیمَ
کلمه آتَیْنٰهُمُ الْکِتٰبَ این دو لفظ بهمزه ممدوده مکتوب است
کلمه هَدَی اللّٰهُ بیا نوشته میشود کلمه اقْتَدِهْ بسکون ها
مکتوب است و این ها چون هاء سکت است در همه حال

ساکن است کلمه قُلْ نُو اللّٰه بواو می نویسند و بعد از واو
الف می نویسند کلمه شُرَکٰٓؤُا لَقَدْ تَقَطَّعَ در اکثر مصاحف
بغیر واو مکتوب است و در بعضی مصاحف شُرَکٰٓؤُا بواو
می نویسند و در رسم الخط بواو متصل بکاف و الف بعد از
واو شُرَکٰٓؤُا می نویسند و بغیر واو میخوانند هر گاه درست
توان خواند حک و اصلاح آن ضروری نیست کلمه فَاَنّٰی تُؤْفَکُونَ
کلمه اَنّٰی یَکُونُ در این دو لفظ بعد از نون یا نوشته میشود
و بالف خوانده میشود کلمه آتَیْنٰهُمُ الْکِتٰبَ بهمزه ممدوده مکتوب است
کلمه مَا اُوحِیَ بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بواو
میخوانند کلمه اَوْلِیٰٓؤُهُمْ در رسم الخط و بعضی مصاحف
بواو می نویسند و در بعضی مصاحف اَوْلِیَاءُهُمْ بغیر واو
می نویسند کلمه مُهْلِکَ الْقُرٰی در اکثر مصاحف بکاف مفتوحه

بغیر

بغیر یا مکتوب است و در رسم الخط بعد از کاف مفتوحه یا می
نویسند که مُهْلِکِی الْقُرٰی باشد کلمه ذُو الرَّحْمَةِ در رسم الخط
و اکثر مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند کلمه اِنَّ مَا تُوْ
عَدُونَ در رسم الخط و بعضی مصاحف مقطوع است و در
بعضی مصاحف موصول می نویسند کلمه شُرَکٰٓؤُهُمْ در رسم الخط
و بعضی مصاحف بواو مکتوب است و در بعضی مصاحف شُرَکَاءُ
بغیر واو نوشته میشود کلمه فِیهِ شُرَکٰٓءُ در رسم الخط و اکثر
مصاحف بغیر واو مکتوب است کلمه وَاٰتُوا بهمزه ممدوده نوشته
میشود و بعد از تاء مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند
و بعد از واو الف می نویسند کلمه قُلْ آٰلذَّکَرَیْنِ در جمیع قرآن
دو موضع است در رسم الخط و بعضی مصاحف بدو همزه که
هر دو بصورت الف و اول ممدوده می نویسند و در بعضی

مصاحف بیک همزه ممدوده بصورت الف قُلْ آلذَّكَرَيْنِ می نویسند
اولی آنست که این لفظ را بهر نوع که نوشته باشند بحال خود
بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند و اگر بیک همزه نوشته باشند
همزه برخی عبث و بی فایده الحاق نکنند زیرا که سرخی از برای
خلاف است و در اینجا خلاف نیست چون با ابدال و مد و تسهیل
و قصر جمیع قرا خوانده اند و جهت تذکیر اگر خواهد این عبارت را
بر حاشیه قرآن بنویسد بِإِبْدَالِ الْهَمْزَةِ الثَّانِيَةِ أَلِفًا مَعَ
الْمَدِّ وَبِتَسْهِيلِهَا مَعَ الْقَصْرِ لِكُلِّ الْقُرَّاءِ کلمه نَخْشَوْنِي بواو می نویسند
و بواو میخوانند کلمه وَخْشَوْنِ مرکز یا متصل بضمیر نوشته میشود
و بالف خوانده میشود کلمه لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ بعد از
دال یای نویسند کلمه فِيمَا در رسم الخط و مصاحف مقطوع و
موصول هر دو می نویسند و در رسم الخط قطع را ارجح دانسته

اوحی

الاعراف

أُوحِيَ بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند کلمه
ذُو رَحْمَةٍ بعد از واو الف نمی نویسند کلمه آتَيْنَا مُوسَى بهمزه
ممدوده مکتوب است کلمه هَدَانِي در بعضی مصاحف بالف مکتوب است
و در رسم الخط و بعضی مصاحف هَدَنِي بیای می نویسند و بالف میخوانند
کلمه قِيَمًا بنابر قراءت عاصم و جمعی که با او متفق اند بکسر قاف و فتح یاء
مخففه مکتوب است و بنابر قراءت نافع و ابن کثیر و ابو عمرو بفتح
قاف و کسر یاء مشدده قَيِّمًا نوشته میشود کلمه فِيمَا در رسم الخط
و مصاحف مقطوع و موصول هر دو می نویسند و در رسم الخط قطع را
اصح دانسته کلمه أَتَاكُمُ بهمزه ممدوده مکتوب است سورة الاعراف
مائتان و ست آیه و هی مکیه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ کلمه مَذْءُومًا
در تحت همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند کلمه لَأَمْلَأَنَّ
در اکثر مصاحف منفصل مکتوب است و در بعضی مصاحف متصل

با مرکز لَأَمْلَأَنَّ نوشته میشود و در رسم الخط متصل بغیر مرکز لَأَمْلَأَنَّ
می نویسند کلمه مَا وُورِيَ در رسم الخط و بعضی مصاحف بیک واو می نویسند
و بدو واو میخوانند و در بعضی مصاحف بدو واو مَا وُورِيَ می نویسند
اولی آنست که اگر بیک واو نوشته باشند واو برخی بی فایده و عبث
الحاق نکنند زیرا که سرخی از برای خلاف است و در اینجا خلاف نیست
و اگر بدو واو سیاهی نوشته باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح
آن نکنند و اگر بیک واو نوشته باشند خواهند بجهت تذکیر این
عبارت را بر حاشیه قرآن بنویسند مَا وُورِيَ بِوَاوٍ وَاحِدَةٍ وَ
يُقْرَءُ بِالْوَاوَيْنِ الْأُولَى مَضْمُومَةٌ وَالثَّانِيَةُ سَاكِنَةٌ و اگر خواهند
این عبارت که مختصر است بنویسند تُكْتَبُ بِالْوَاوِ وَتُقْرَءُ بِالْوَاوَيْنِ
عَلَى وَزْنِ فُوعِلَ کلمه مِنْ سَوْآتِهِمَا کلمه وَسَوْآتُهُمَا
کلمه وَسَوْآتِكُمْ این الفاظ هرجا واقع شوند در اکثر مصاحف

بیک

الاعراف

بیک همزه ممدوده مکتوب اند و در رسم الخط و بعضی مصاحف
همزه ثانی می نویسند کلمه که سَوْءَاتِهِمَا وَسَوْءَاتُهُمَا وَسَوْءَاتِكُمْ
باشد اولی آنست که این الفاظ را بهر نوع که نوشته باشند
بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند کلمه مَا نَهَاكُمَا
کلمه قَاسَمَهُمَا کلمه وَنَادَاهُمَا در رسم الخط و اکثر مصاحف
این سه لفظ مرکز یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند
کلمه أَيْنَ مَا كُنْتُمْ در رسم الخط مقطوع است و در مصاحف
مقطوع و موصول هر دو می نویسند حک و اصلاح این لفظ
ضرور نیست کلمه كُلَّمَا دَخَلَتْ در رسم الخط مقطوع و مو
صول هر دو ذکر شده و در مصاحف نیز مقطوع و موصول
هر دو می نویسند کلمه لِأُولَاهُمْ کلمه وَقَالَتْ أُولَاهُمْ در این
دو لفظ بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند

کلمه هَدٰانا لِهٰذا کلمه هَدٰانَا الله این دو لفظ در اکثر مصاحف
بالف مکتوب اند و در رسم الخط و بعضی مصاحف هدٰنا لهٰذا
وَهَدٰنا الله در هر دو موضع مرکز یا متصل بنون می نویسند
و بالف میخوانند بهتر آنست که این الفاظ را بر نوعی که نوشته باشند
بحال خود بگذارند حک و اصلاح آن نکنند کلمه اُورِثتُمُوهَا
بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند کلمه انَّ
رحمت الله ~~در مصحف~~ در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء طولانی
مکتوب است کلمه اٰسی بهمزه ممدوده مکتوب است و بعد از سین
یا می نویسند و بالف میخوانند کلمه مِن انبائها بتقدیم نون
بر با نوشته میشود و همزه مکسوره بر مرکز یا مکتوب است کلمه
انْ لا اقولَ در رسم الخط و اکثر مصاحف مقطوع است کلمه جآئی
بر او نوشته میشود و بواو خوانده میشود و در اکثر مصاحف بعد از

واو

الاعراف واو الف می نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو
الف نمی نویسند حک و اصلاح این لفظ ضروری نیست کلمه اُوذِینا
بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند کلمه کلمت ربک
در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء طولانی مکتوب است و در بعضی
مصاحف بتاء مدوّر نوشته میشود کلمه فَاَتَوا علٰی قومٍ بفتح همزه
و فتح تا مکتوب است و بعد از واو الف می نویسند کلمه مُتَبَّرٌ بتشدید
با مکتوب است و اگر تشدید بر بالای را گذاشته باشند غلط است
کلمه انجیناکم بنا بر قراءت جمیع قراء بکرسی یا و نون مفتوحه
مکتوب است الا ابن عامر که او بفتح جیم و حذف نون ثانی انجاکم
میخواند کلمه لن ترانی کلمه فسوف ترانی دو موضع در اکثر مصاحف
بالف مکتوب است و در رسم الخط و بعضی مصاحف مرکز یا متصل
بنون ترنی می نویسند کلمه ما آتیتک بهمزه ممدوده مکتوب است

~~و بعد از سین یا می نویسند و بالف میخوانند من انبائها بتقدیم~~
~~نون بر با نوشته میشود و همزه مکسوره بر مرکز یا مکتوب است~~
کلمه سَاُرِیکم دو موضع در اکثر مصاحف بهمزه مضمومه بغیر
واو مکتوب است و در رسم الخط ساُوریکم در تحت همزه مضمومه
واو می نویسند و بغیر واو میخوانند اعتقاد داعی آنست که اگر
واو نوشته نشود بهتر است زیرا که توهم آن میشود که غلط
خوانده شود و هرگاه درست توان خواند احتیاج عبث و اصلاح ندارد
کلمه وَلِقاءِ الاخرة در رسم الخط و اکثر مصاحف بغیر یا مکتوب است
کلمه بِئسَما خلفتمونی در رسم الخط و اکثر مصاحف موصول است
و در بعضی مصاحف مقطوع می نویسند کلمه قال ابنَ اُمَّ در اکثر
مصاحف مقطوع است و در رسم الخط مقطوع و موصول هر دو
ذکر شده و مقطوع را اصح دانسته و در حال موصول واو متصل

بنون

الاعراف بنون قال ابنؤمَّ می نویسند کلمه عن ما نهوا در رسم الخط و اکثر مصاحف
مقطوع است کلمه ان لا یقولوا نیز در رسم الخط و اکثر مصاحف مقطوع است
کلمه آتیناکم کلمه آتیناه این دو لفظ بهمزه ممدوده مکتوب اند
کلمه هَوٰیه در رسم الخط و اکثر مصاحف مرکز یا متصل بضمیر می نویسند
و بالف میخوانند و در بعضی مصاحف هواه بالف می نویسند کلمه من
یهدِ الله در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از دال یا می نویسند کلمه
فهو المهتدی در رسم الخط و مصاحف بعد از دال یا می نویسند کلمه
مُرسٰها مرکز یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند کلمه
لاستکثرت بعد از لا الف نمی نویسند و جهت تبیین از تفسیر
نوشته شد و لو کنت اعلم الغیب لاستکثرت من الخیر و اگر
بودمی من که بی تعلیم حق دانستمی غیب را هر آینه طلب بسیار کردمی
از مال و منفعت کلمه تغشٰها مرکز یا متصل بضمیر می نویسند

و بالف میخوانند کلمه دَعَوَا اللّٰهَ بعد از واو الف می نویسند زیرا که صیغه
تثنیه است مراد آدم و حوا اند که هر دو خوانند خدا را کلمه لَئِنْ آتَيْتَنَا
کلمه فَلَمَّا آتَاهُمَا کلمه فِيمَا آتَاهُمَا این سه لفظ بهمزه ممدوده مکتوب اند
کلمه إِنَّ وَلِيِّيَ اللّٰهُ در اکثر مصاحف بدو یا مکتوب است اول مکسور
و مشدد و ثانی مفتوح مخفف و در رسم الخط بیک یاء مشدد
وَلِيِّيَ اللّٰهُ می نویسند و بدو یا میخوانند و بهتر آنست که این لفظ بدو
یا نوشته شود زیرا که توهم آن میشود که غلط خوانده شود
و اگر درست توان خواند احتیاج بحک و اصلاح ندارد کلمه لَوْلَا
اجْتَبَيْتَهَا بعد از لا الف می نویسند کلمه قَرِيبٌ در رسم الخط و اکثر
مصاحف بعد از را یا می نویسند و بغیر یا میخوانند سورة الانفال
خمس و سبعون آیة و هی مدنیة بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ کلمه فَأَنَّكُمْ بهمزه
ممدوده مکتوب است کلمه ذُو الْفَضْلِ در رسم الخط و اکثر مصاحف

بعد از واو

بعد از واو الف نمی نویسند کلمه ائْتِنَا بدو همزه مکتوب است کلمه
أَوْلِيَاؤُهُ در رسم الخط و بعضی مصاحف بواو نوشته میشود و
در بعضی مصاحف اولیاء بغیر واو می نویسند کلمه سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ
در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء طولانی مکتوب است و در بعضی
مصاحف بتاء مدوره می نویسند حک و اصلاح این الفاظ
ضرور نیست زیرا که ابن کثیر و ابو عمرو در حال وقف بهاء وقف
میکنند کلمه أَنَّمَا غَنِمْتُمْ در رسم الخط و مصاحف موصول و مقطوع
هر دو می نویسند کلمه لَاخْتَلَفْتُمْ بعد از لا الف نمی نویسند کلمه وَرِئَاءَ
النَّاسِ در اکثر مصاحف بغیر یا مکتوب است و اگر نقطه یا گذاشته
باشند احتیاج بحک کردن نیست زیرا که ابو جعفر بیا بغیر همزه
میخواند کلمه الْآنَ خَفَّفَ اللّٰهُ در اکثر مصاحف بهمزه منفصل از نون
مکتوب است و در رسم الخط باتصال لام بنون و همزه بشکل یا

بعد از لام بغیر مرکز ءالٰن می نویسند هر گاه درست توان خواند بهر نوع
که نوشته باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند
و همزه اول این لفظ همزه وصل است در حال وصل ساقط است و در حال
ابتدا مفتوح است کلمه أَدْرَا دو موضع بهمزه ممدوده مکتوب است
و بعد از واو ثانی الف می نویسند کلمه أَوْلِيَاءُ دو موضع در رسم
الخط و اکثر مصاحف بهمزه مضمومه بغیر واو مکتوب است سورة التوبة
مائة و تسع و عشرون آیة و هی مدنیة مُعْجِزِي اللّٰهِ دو موضع کلمه مُخْزِي اللّٰهِ در این
سه لفظ بعد از زا یا مکتوب است کلمه آتَوُا الزَّكَوٰةَ دو موضع
در این سوره و هر جا که وَأَقَامُوا الصَّلَوٰةَ قبل از او واقع شود
بفتح تا و ضم واو خوانده میشود کلمه بَدَءُوكُمْ بعد از همزه مضمومه
واو می نویسند و بواو میخوانند و در بعضی مصاحف همزه را بصورت
الف بَدَأُوكُمْ می نویسند کلمه وَآتَى الزَّكَوٰةَ بعد از تا یا

مکتوب است

مکتوب است کلمه لَا يَسْتَوُونَ در رسم الخط و اکثر مصاحف بیک
واو می نویسند و بدو واو میخوانند و در بعضی مصاحف بدو واو
سیاهی لَا يَسْتَوُونَ می نویسند اولی آنست که اگر بدو واو سیاهی
نوشته باشند بحال خود بگذارند و یک واو را حک نکنند و اگر
بیک واو نوشته واو دیگر بسرخی عبث و بی فایده الحاق نکنند چنانکه در این
عصر در وقت مقابله بعضی میفرمایند که واو بسرخی بنویسند و تیق
سرخی از برای خلاف است و در اینجا خلاف نیست و اگر خواهند بر حاشیه
قرآن بنویسند تُكْتَبُ بِوَاوٍ وَاحِدَةٍ وَتُلْفَظُ بِوَاوَيْنِ الْأُولَى مَضْمُومَةٌ
وَالثَّانِيَةُ سَاكِنَةٌ و اگر مختصر خواهند در تحت آن کلمه بالا اشباع
بنویسند کلمه لَا يَهْدِي الْقَوْمَ پنج موضع بعد از دال یا می نویسند
کلمه جَزَاءُ الْكَافِرِينَ در رسم الخط و اکثر مصاحف بغیر واو مکتوب است
و در بعضی مصاحف جَزَاؤُا الْكَافِرِينَ بواو می نویسند کلمه

اَنْ بیا نوشته میشود و بالف خوانده میشود کلمه اَنْ یُطْفِؤُا
کلمه لِیُوَاطِئُوا در هر دو لفظ در تحت همزه مضمومه واو می نویسند
و بواو میخوانند و بعد ان واو الف می نویسند کلمه سُوۤءُ در رسم
الخط و مصاحف همزه مضمومه بغیر واو مکتوب است کلمه
اثّاقلتم بیک همزه و ثاء مشدده بغیر الف لام مکتوب است کلمه
لَاَتَّبَعُوكَ بعد ان لا الف می نویسند کلمه عَفَا اللّٰهُ در رسم الخط
و اکثر مصاحف بالف مکتوب است کلمه وَلَاَوْضَعُوا در اکثر
مصاحف بیک همزه متصل بلام نوشته میشود و در رسم الخط
همزه زاید قبل از واو وَلَااَوْضَعُوا می نویسند و اولی آنست
که این لفظ بیک همزه متصل بلام نوشته شود زیرا که
تا هم غلط خواندن میشود هرگاه درست توان خواند احتیاج
بحک و اصلاح ندارد کلمه مَنْ يَقُولُ ائْذَنْ لِي در رسم الخط

و اکثر

توبه
الانفال

و اکثر مصاحف بدو همزه که همزه ثانی بر مرکز یا متصل بذال مکتوب است
و جمیع قراء در حال وصل بهمزه ساکنه میخوانند و در حال ابتدا
همزه اول را مکسور و ثانی را بدل بیا میخوانند الا ابو عمرو که او
در حال وصل یک همزه را حذف میکند و همزه دیگر را بدل بواو
قراءت میکند کلمه تَسُؤْهُمْ در تحت همزه ساکنه واو می نویسند
و بغیر واو میخوانند مَا اٰتٰیهُمُ اللّٰهُ بهمزه ممدوده مکتوب است
کلمه قُلِ اسْتَهْزِئُوا در تحت همزه مضمومه واو می نویسند و بواو
میخوانند و بعد از واو الف می نویسند کلمه نَبَؤُا الَّذِيْنَ در بعضی
مصاحف بواو مکتوب است و در رسم الخط و بعضی مصاحف
نَبَأُ الَّذِيْنَ بغیر واو نوشته میشود این کلمه در کتب رسم
الخط بغیر طریق رسم الخط ضبط شده کلمه اَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ
بفتح همزه و سکون تاء ثانی مکتوب است کلمه اَوْلِیَاءُ در رسم

الخط و اکثر مصاحف بهمزه مضمومه بغیر واو مکتوب است کلمه لَئِنْ
اٰتٰنا کلمه فَلَمَّا اٰتٰیهُمْ این دو لفظ بهمزه ممدوده نوشته میشود
کلمه لِیُؤْذَنَ بواو می نویسند و بهمزه ساکنه بغیر واو میخوانند
کلمه کَذَبُوا اللّٰهَ بتخفیف ذال مکتوب است کلمه مَا اٰتَوكَ بهمزه
مفتوحه و تاء مفتوحه و سکون واو نوشته میشود کلمه
وَاَعَدَّ لَهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِی تَحْتَهَا که بعد از جری مکتوب است
جمیع قراء بغیر حرف مِنْ و فتح تاء ثانی تَحْتَهَا خوانده اند الا
ابن کثیر که او بحرف مِنْ و کسر تاء ثانی مِنْ تَحْتِهَا میخواند کلمه
اِنَّ صَلٰوتَكَ چون بجمع و مفرد هر دو خوانده اند بنا بر این در
رسم الخط و مصاحف بواو مکتوب است و در حال جمع بکسر تا
قراءت میشود و در حال مفرد بفتح خوانده میشود کلمه اَمْ مَنْ
در رسم الخط و اکثر مصاحف مقطوع است کلمه بَنَوْا بفتح با و فتح

اِنَّ صَلَوٰتَكَ

نون

یونس ع

نون و سکون واو و الف بعد از واو می نویسند کلمه اَنْ لَا مَلْجَأَ
در رسم الخط و اکثر مصاحف مقطوع است کلمه وَلَا یَطَؤُنَ
در رسم الخط و بعضی مصاحف همزه مضمومه بغیر مرکز بر بالای
واو می نویسند و بواو میخوانند و در بعضی مصاحف همزه را
بر مرکز وَلَا یَطَئُوْنَ می نویسند کلمه مَوْطِئًا در رسم
الخط و اکثر مصاحف همزه بشکل سر عین بر مرکز یا بغیر نقطه
مکتوب است و در بعضی مصاحف نقطه یا میگذارند و اگر
نقطه یا نگذارند بهتر است کلمه یَلُوْنَکُمْ بفتح یا و ضم لام و سکون
واو مکتوب است سوره یونس علیه السلام مائه و تسع آیه و هی مکیة
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
کلمه یَبْدَؤُا الْخَلْقَ در بعضی مصاحف بعد از واو الف می
نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف اگر چه صیغه

مفرد است بعد از واو الف می‌نویسند حذف و اصلاح این لفظ ضرور
نیست کلمه وَاطْمَأَنُّوا در رسم الخط و مصاحف همزه منفصل و همزه
متصل وَاطْمَأَنُّوا بغیر مرکز می‌نویسند و بعد از واو الف
می‌نویسند کلمه ائْتِ در رسم الخط و اکثر مصاحف بدو همزه که
همزه ثانی بشکل سر عین بر مرکز یا مکتوب است کلمه مِن تِلْقَاءِ در
اکثر مصاحف بهمزه مکسوره بغیر یا مکتوب است و در رسم الخط
و بعضی مصاحف در تحت همزه مکسوره یا می‌نویسند و بغیر یاء
میخوانند که مِن تِلْقَائِ باشد هر گاه درست خوانده شود حذف
و اصلاح آن ضرور نیست کلمه شُفَعَاؤُنَا در بعضی مصاحف
بهمزه مضمومه بغیر واو مکتوب است و در رسم الخط و بعضی مصاحف
در تحت همزه مضمومه واو می‌نویسند و بغیر واو میخوانند
که شُفَعَاؤُنَا باشد و در بعضی مصاحف که بخط قدیم

نوشته

یونس ع

نوشته شده و استادان بر آن گذشته بنظر فقیر رسیده بجز
الف و واو متصل بعین شُفَعَاؤُنَا مکتوب بود اولی آنست که این
کلمه را بهر نوع که نوشته باشد بحال خود بگذارند و حذف و
اصلاح آن نکنند کلمه أَتُنَبِّئُونَ دو موضع بواو می‌نویسند
و بواو میخوانند کلمه دَعَوُا اللَّهَ بعد از واو الف مکتوب است
کلمه أَتَاهَا بفتح همزه نوشته میشود و مرکز یا متصل بضمیر
می‌نویسند و بالف میخوانند کلمه وَاللَّهُ يَدْعُوا صیغه مفرد است
در بعضی مصاحف بعد از واو الف نمی‌نویسند و در رسم الخط و بعضی
مصاحف بعد از واو الف می‌نویسند حذف و اصلاح این لفظ ضرور
نیست کلمه جَزَاءُ در رسم الخط و اکثر مصاحف بهمزه مضمومه
بغیر واو مکتوب است و در بعضی مصاحف جَزَاؤُ بواو می‌نویسند
کلمه شُرَكَاؤُكُمْ کلمه شُرَكَاؤُهُمْ این دو لفظ در رسم الخط

و اکثر مصاحف بواو مکتوب اند و در بعضی مصاحف شُرَكَاءُكُمْ
شُرَكَاؤُهُمْ در هر دو لفظ بغیر واو می‌نویسند کلمه تَبْلُوا صیغه
مفرد است در بعضی مصاحف بعد از واو الف نمی‌نویسند و در رسم
الخط و بعضی مصاحف بعد از واو الف می‌نویسند کلمه أَمَّنْ يَمْلِكُ
در رسم الخط و بعضی مصاحف موصول است و در بعضی مصاحف
مقطوع می‌نویسند کلمه فَأَنَّى دو موضع بعد از نون یا می‌نویسند
و بالف میخوانند کلمه يَبْدَؤُا الْخَلْقَ دو موضع در بعضی مصاحف بعد از
واو الف نمی‌نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو
الف می‌نویسند و این لفظ احتیاج بحذف و اصلاح ندارد کلمه
بَرِيئُونَ در بعضی مصاحف همزه مضمومه بر مرکز نوشته میشود
و بواو خوانده میشود و در رسم الخط و بعضی مصاحف همزه
مضمومه بر بالای واو بغیر مرکز بَرِيئُونَ می‌نویسند و حد

صورت

یونس ع

صورت بواو خوانده میشود حذف و اصلاح این لفظ ضرور نیست
کلمه بَرِيءٌ بعد از را یا می‌نویسند و بیا میخوانند کلمه بِلِقَاءِ اللَّهِ
در رسم الخط و مصاحف بهمزه مکسوره بغیر یا مکتوب است کلمه أَثُمَّ
بفتح همزه نوشته میشود کلمه آلْآنَ دو موضع در مصاحف بهمزه
ممدوده قبل از لام و همزه ممدوده بعد از لام منفصل از نون مکتوب است
و در رسم الخط بی همزه اول و اتصال نون بلام و همزه ثانی بعد از
لام بشکل سر عین بغیر مرکز آلْآنَ نوشته میشود و این لفظ در
رسم الخط و اکثر مصاحف بیک همزه مکتوب است اما در بعضی
مصاحف بدو همزه آلْآنَ می‌نویسند و اگر بیک همزه نوشته
باشند همزه برزخی بی فایده و عبث الحاق نکنند زیرا که برزخی
از برای خلاف است و در اینجا خلاف نیست و همزه اول این دو
کلمه همزه استفهام است و همیشه در اول کلام ثابت است

و بهیچ وجه من الوجوه ساقط نمیکردد اولی آنست که این
کلمه را بهر نوع که نوشته باشند بحال خود بکذارند و حک
و اصلاح آن نکنند کلمه وَیَسْتَنْبِئُونَكَ بواو می نویسند
و بواو میخوانند کلمه ای بهمزه مکسوره و یاء ساکنه مکتوب است
کلمه لَا فُتِّحَتْ بعد از لا الف نمی نویسند کلمه اَللّٰهُ دو موضع
در رسم الخط و اکثر مصاحف بیک همزه ممدوده مکتوب است
و در بعضی مصاحف ءآللّٰهُ بدو همزه می نویسند اولی آنست
که اکر بیک همزه نوشته باشد همزه دیگر عبث و بی فایده
الحاق نکنند زیرا که سرخی از برای خلاف است و در اینجا خلاف
نیست و اکر بدو همزه نوشته باشند بحال خود بکذارند و همزه
این کلمه همزه استفهام است و در همه حال در اول کلام ثابت است
و بهیچ وجه من الوجوه ساقط نمیکردد کلمه لَكِنْ و فَضْلٍ

دررسم

هود ع۴
در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند
کلمه وَمَا یَعْزُبُ بسکون عین مهمله و ضم زاء معجمه مکتوب است
کلمه فَجَاءُهُمْ بواو می نویسند و بواو میخوانند کلمه ائْتُونِی
در رسم الخط و اکثر مصاحف بدو همزه و همزه ثانی بصورت یا
مکتوب است کلمه اٰتَیْتَ فِرْعَوْنَ بهمزه ممدوده مکتوب است
کلمه آلْاٰنَ وَقَدْ عَصَیْتَ از آن دو موضع یك موضع دیکر
این لفظ است حکم این کلمه از جمیع جهات حکم همان کلمه مذکوره
دارد کلمه نُنَجِّ در رسم الخط و اکثر مصاحف بغیر یا مکتوب است
و در بعضی مصاحف نُنَجِّی بیا می نویسند کلمه وَلَا تَتَّبِعُ در رسم
الخط و اکثر مصاحف بضم عین بغیر واو مکتوب است
سوره هود علیه السلام مائه و ثلث و عشرون آیه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
کلمه اَلَّا تَعْبُدُوا در رسم الخط و اکثر مصاحف موصول است

کلمه وَیُؤْتِ در تحت همزه ساکنه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند
کلمه یَسْتَغْشُوْنَ بواو می نویسند و بواو میخوانند کلمه لَیَئُوْسٌ
در تحت همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند و در رسم
الخط و اکثر مصاحف بیك مرکز می نویسند کلمه فَاِلَّمْ یَسْتَجِیْبُوْا
در رسم الخط و اکثر مصاحف متصل است و در بعضی مصاحف
فَاِنْ لَمْ منفصل می نویسند حك و اصلاح این لفظ ضرور نیست
کلمه وَاَنْ لَا اِلٰهَ در رسم الخط و اکثر مصاحف منفصل است کلمه
اَنْ لَا تَعْبُدُوْا کُنْتُمَا عَلٰى بَیِّنَةٍ بتخفیف ذال مکتوب است کلمه
در رسم الخط و اکثر مصاحف مقطوع است و در بعضی مصاحف
موصول می نویسند کلمه مِنْ اَنْبَاءِ الْغَیْبِ بتقدیم نون بر یا
نوشته میشود کلمه اُشْهِدُ اللّٰهَ صیغه متکلم است
بعد از دال واو نوشته نمیشود و بعضی کاتبان اندری

سهو

هود ع۴
سهوا واو می نویسند و اکر نوشته باشند حك باید کرد کلمه اَتُحَاجُّونِّی
دو موضع بهمزه ممدوده و اثبات الف بعد از تا و در تحت نون یا
مکتوب است و در رسم الخط بهمزه ممدوده و حذف الف و اتصال
تا بنون ا تُنَبِّی می نویسند کلمه اَوْحَى بعد از همزه مضمومه واو
می نویسند و بواو میخوانند کلمه یَوْمَئِذٍ در این سوره و سوره
معارج بنا بر قراءت عاصم و جمعی که با او متفق اند بکسر میم نوشته
میشود و بنا بر قراءت نافع و کسائی بفتح میم مکتوب است کلمه کَاَنْ لَمْ
در رسم الخط و مصاحف مقطوع است کلمه اَلَا اِنَّ ثَمُوْدَ در این سوره
و چهار موضع دیکر چون در لفظ ثمود میان قرا بفتح دال و تنوین خواندن
خلاف واقع شده بنا بر آن در اکثر مصاحف این چهار موضع
بغیر الف مکتوب اند و در رسم الخط و بعضی مصاحف اَلَا اِنَّ
ثَمُوْدَا با سه موضع دیکر بالف نوشته میشود این مواضع

احتیاج بحک واصلاح ندارند وآن چهار موضع را جهت تذکیر
در اینجا ذکر کنیم اول الا ان ثمودا در سوره هود وعادا
وثمودا در سوره فرقان سیم وثمودا وقد تبین لکم در سوره
عنکبوت چهارم وثمودا فما ابقی در سوره والنجم کلمه
رحمت الله در رسم الخط واکثر مصاحف بتاء طولانی مکتوب است
کلمه بقیت الله در رسم الخط واکثر مصاحف بتاء طولانی
مکتوب است کلمه اصلوتک چون بمفرد وجمع هر دو خوانده
میشود بنا بر آن در رسم الخط ومصاحف بواو نوشته
میشود وخواه بمفرد خوانده شود وخواه بجمع که تاء او در همه
حال مضموم است کلمه ما نشاء در اکثر مصاحف بغیر
واو مکتوب است ودر رسم الخط وبعضی مصاحف بواو
متصل ما نشؤا می نویسند وبعد از واو الف می نویسند

وبغیر

هود ع
وبغیر واو میخوانند اولی آنست که این لفظ را بهر نوع که نوشته
باشند بحال خود بگذارند وحک واصلاح آن نکنند کلمه ما نفقه
چون ها از اصل کلمه است بغیر صله خوانده میشود کلمه کان لم
در رسم الخط ومصاحف مقطوع است کلمه من انباء بتقدیم
نون بر با مکتوب است کلمه القری بعد از را یای نویسند
وبالف میخوانند کلمه الهتهم بهمزه ممدوده مکتوب است
کلمه اتینا موسی بهمزه ممدوده مکتوب است کلمه
لاملان در اکثر مصاحف بهمزه منفصله نوشته میشود
ودر رسم الخط وبعضی مصاحف باتصال نون بلام وهمزه
بشکل سر عین بعد از لام بغیر مرکز لاملئن می نویسند
ودر بعضی مصاحف با مرکز لاملئن می نویسند ودر رسم
الخط ذکر کرده که لاملان ولاملئن کلاهما جایز هم

درست توان خواند هر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند وحک
واصلاح آن نکنند کلمه من انباء الرسل بتقدیم نون بر با مکتوب است
کلمه فؤادک در رسم الخط واکثر مصاحف بواو وهمزه می نویسند
وبغیر واو بالف میخوانند ودر بعضی مصاحف بیک همزه فؤادک
می نویسند حک واصلاح این لفظ ضرور نیست سوره یوسف
علیه السلم مائة واحدی عشر آیة وهی بسم الله الرحمن الرحیم کلمه رؤیاک
در اکثر مصاحف بواو می نویسند وبغیر واو میخوانند ودر رسم
الخط وبعضی مصاحف رءیاک بغیر واو نوشته میشود
این کلمه بغیر طریقه رسم الخط مکتوب است وسوسی بطریق
صفاهاتی رؤیاک بسکون واو وبغیر همزه میخوانند حک واصلاح
این لفظ ضرور نیست کلمه ارسله بفتح همزه قطع مکتوب است
کلمه وجاءوا دو موضع چون صیغه جمع است در اکثر مصاحف

بعد از

یوسف ع
بعد از واو الف می نویسند ودر رسم الخط وبعضی مصاحف بعد از واو
الف نمی نویسند اولی آنست که این لفظ را بهر نوع که نوشته باشند
بحال خود بگذارند وحک واصلاح آن نکنند کلمه اتیناه حکما
بهمزه ممدوده مکتوب است کلمه لدا الباب در رسم الخط
وبعضی مصاحف بعد از دال الف مکتوب است ودر بعضی
مصاحف لدی الباب بیا نوشته میشود اولی آنست که این
لفظ را بهر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند وحک
واصلاح آن نکنند ودر کتب رسم الخط مسطور است که
دو کلمه لدی الحناجر در سوره غافر مختلف است خواهد بعد از
دال یا بنویسند یا الف وذکر کرده که اصح یاست بتفسیر جمع
شد لدا در سوره یوسف بمعنی عند است ولدی در سوره
غافر بمعنی فی است پس اولی آنست که در سوره غافر بیا نوشته

کلمه قَالَتَ مَا جَزَاءُ در رسم الخط واکثر مصاحف بهمزه مضمومه
بغیر واو مکتوب است کلمه وَ اَعْتَدَتْ بفتح همزه قطع نوشته
میشود کلمه وَ اٰتَتْ کُلَّ بهمزه ممدوده مکتوب است کلمه
وَ اِلَّا تَصْرِفْ در رسم الخط واکثر مصاحف بغیر نون بتشدید
لام مکتوب است ودر بعضی مصاحف قدیمه وَ اِنْ لَا
تَصْرِفْ بنون نوشته شده بود وجهت تحقیق این کلمه
رجوع بتفسیر شد واز عبارت تفسیر معلوم میشود که الا استثنی
نیست قَالَ رَبِّ السِّجْنُ اَحَبُّ اِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي اِلَيْهِ وَاِنْ
لَا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ اَصْبُ اِلَيْهِنَّ وَاَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ
گفت یوسف ای پروردگار من بندی خانه محبوب تر است
سوی من از آنچه میخوانند این زنان مرا سوی آن واگر نگردانی
تو از من مکر ایشان را میل کنم سوی ایشان و باشم از جاهلان

مگر

مطلب از عبارت تفسیر نوشتن آنست که الا استثنی
نیست و این کلمه را اگر بنون نوشته باشند بحال خود بگذارند
وحک واصلاح آن نکنند کلمه اِنِّی اَرٰانِی دو موضع در اکثر
مصاحف بعد از را الف مکتوب است ودر رسم الخط و بعضی
مصاحف بعد از را مرکز یا متصل بنون اَرٰنِی می نویسند
و بالف میخوانند حک واصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه
اٰبَائِی در اکثر مصاحف همزه مکسوره را بر مرکز ی می نویسند
ودر رسم الخط و بعضی مصاحف همزه را بغیر مرکز بر بالای یا
اٰبَائِی می نویسند این لفظ احتیاج بحک واصلاح ندارد
کلمه رُؤْيَايَ کلمه لِلرُّؤْيَا کلمه رُؤْيَايَ در آخر سوره
این سه لفظ در اکثر مصاحف بواو مکتوب اند و بهمزه
ساکنه بغیر واو میخوانند ودر رسم الخط و بعضی مصاحف

رُءْيَايَ لِلرُّءْيَا رُءْيَايَ در هر سه موضع بهمزه ساکنه
بغیر واو می نویسند و سوسی بطریق صفاهانی رُويَايَ در
هر سه موضع بسکون واو بغیر همزه میخوانند حک واصلاح
این الفاظ ضرور نیست کلمه نَجَا در رسم الخط واکثر مصاحف
بالف مکتوب است کلمه وَادَّكَرَ بتشدید بغیر الف لام نوشته
میشود کلمه اتوني سه موضع در رسم الخط واکثر مصاحف
بدو همزه و همزه ثانی بشکل سر عین بر مرکز یا مکتوب است
کلمه امْرَءَتِ الْعَزِيزِ موضع ثانی بتاء طولانی مکتوب است
کلمه الْاٰنَ در اکثر مصاحف بهمزه منفصل از نون نوشته
میشود ودر رسم الخط و بعضی مصاحف باتصال نون
بلام و همزه بشکل سر عین بعد از لام بغیر مرکز الْئٰنَ می نویسند
حک واصلاح این لفظ ضرور نیست و همزه اول این کلمه همزه

وصل

وصل است در حال ابتدا مفتوح است ودر حال وصل ساقط است
کلمه وَمَا اُبَرِّئُ در رسم الخط واکثر مصاحف بعد از را یا می
نویسند و بهمزه مضمومه بغیر یا میخوانند کلمه يَتَبَوَّاُ در رسم
الخط واکثر مصاحف همزه طولانی بصورت الف و همزه بشکل
سر عین بر بالای همزه طولانی مکتوب است ودر بعضی مصاحف
بیک همزه بشکل سر عین يَتَبَوَّءُ نوشته میشود ودر رسم الخط
مصاحف که بنظر رسید واو زاید بعد از واو مشدده
مکتوب نبود واگر کاتب از روی سهو در تحت همزه مضمومه
واو نوشته باشد اولی آنست که حک کنند که توهم آن
میشود که غلط خوانده شود کلمه اُوفِي الْكَيْلَ بعد از همزه
مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند ودر رسم الخط واکثر
مصاحف بعد از فا یا مکتوب است ودر بعضی مصاحف

اوُفِ الکَیْلَ بعدان فا یا می نویسند وظاهرا با یا نوشته شود
بهتر است زیرا که مصاحف مصححه متعدد بنظر رسید که
قراوت سبعه نوشته وان نظر استادان گذشته اوُفِ
الکَیْلَ بیا مکتوب بود کلمه فَاِنْ لَمْ در رسم الخط واکثر مصاحف
مقطوع است کلمه فَلَمَّا اٰتَوْهُ بهمزه ممدوده وتاء مفتوحه
مکتوب است کلمه لَدَیْ عِلْمٍ در رسم الخط واکثر مصاحف
بعد از واو الف نمی نویسند کلمه تَاللّٰهِ هرجا واقع شود تاء قسم
متصل بهمزه اللّٰه مکتوب است ولکن همزه زایدی نوشته باشند
حک باید کرد کلمه جَزَاؤُهُ سه موضع در رسم الخط واکثر
مصاحف بواو می نویسند وبهمزه مضمومه بغیر واو میخوانند
ودر بعضی مصاحف بغیر واو جَزَاءُهُ می نویسند حک و
اصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه فَلَمَّا اسْتَیْئَسُوا در اکثر

مصحف

مصاحف بعد از یا بهمزه منفصل مکتوب است ودر رسم الخط
بدون نوع می نویسند اول باتصال سین ثانی بیا وهمزه بشکل
سر عین بعد از یا بغیر مرکز فَلَمَّا اسْتَیْئَسُوا می نویسند ثانی
بهمزه زایده بعد از تا بصورت الف ومرکز یا متصل بسین
ثانی وهمزه بشکل سر عین بعد از یا بغیر مرکز فَلَمَّا اسْتَایْئَسُوا
می نویسند هرگاه درست توان خواند بهر نوع که نوشته باشند
بحال خود بگذارند وحک واصلاح آن نکنند کلمه یَا اَسَفٰی در رسم
الخط واکثر مصاحف بعد از فا یای می نویسند وبالف میخوانند کلمه
تَاللّٰهِ حکمش مذکور شد کلمه تَفْتَؤُا صیغه مفرد است در اکثر
مصاحف بواو می نویسند بغیر واو بهمزه مضمومه میخوانند وبعد از
واو الف نمی نویسند ودر رسم الخط وبعضی مصاحف تَفْتَؤُا
بعد از واو الف می نویسند حک واصلاح این لفظ ضرور نیست

کلمه اشْکُو صیغه متکلم است در بعضی مصاحف بعد از واو الف
نمی نویسند ودر رسم الخط وبعضی مصاحف بعد از واو اشکوا
الف می نویسند این لفظ احتیاج حک واصلاح ندارد کلمه
وَلَا تَیْاَسُوا کلمه لَا یَیْاَسُ در اکثر مصاحف این دو لفظ بیک
همزه متصل مکتوب اند ودر رسم الخط در کلمه اول بهمزه
زایده بعد از تا ودر کلمه ثانی بهمزه زایده بعد از یاء اول ومرکز یاء
متصل بسین وهمزه بشکل سر عین بعد از یا بغیر مرکز در هر دو لفظ
وَلَا تَایْئَسُوا وَلَا یَایْئَسُ می نویسند وبهتر آنست که بصورت
اول نوشته شود که غلط خوانده نشود هرگاه درست توان
خواند احتیاج حک واصلاح ندارد کلمه مُزْجٰةٍ در رسم
الخط وبعضی مصاحف مرکز یا متصل بضمیر می نویسند وبالف
میخوانند ودر بعضی مصاحف مُزْجَاةٍ بالف می نویسند حک

واصلاح

واصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه اَئِنَّكَ اللّٰهُ بهمزه ممدوده
مکتوب است کلمه وَاٰتُوْنِیْ در رسم الخط واکثر مصاحف بیک
همزه نوشته میشود ودر بعضی مصاحف بدو همزه وهمزه ثانی را
بشکل سر عین بی مرکز یا وَأْتُونِی می نویسند کلمه اَلْقَاهُ در
رسم الخط وبعضی مصاحف مرکز یا متصل بضمیر می نویسند
وبالف میخوانند ودر بعضی مصاحف اَلْقَاهُ بالف می نویسند
کلمه رُءْیَایَ حکمش مذکور شد کلمه اٰتَیْتَنِیْ بهمزه ممدوده
مکتوب است کلمه وَلِیّٖ فِی الدُّنْیَا در اکثر مصاحف بدو یا
که اول مکسور ومشدد وثانی ساکن مکتوب است ودر رسم
الخط بیک یا وَلِیِّ می نویسند وبدو یا میخوانند هرگاه درست
توان خواند احتیاج حک واصلاح ندارد کلمه اَنْبَاۤءِ الْغَیْبِ
بتقدیم نون بر با مکتوب است کلمه اَدْعُوْا صیغه

متکلم است در بعضی مصاحف بعد ان واو الف نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو الف می نویسند حک
واصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه اذا استیئسوا در اکثر مصاحف
بهمزه منفصل مکتوب است و در رسم الخط و بعضی مصاحف
بلا دندانه می نویسند بهمزه متصل بغیر مرکز اذا استیئس
وبهمزه زاید بعد از تا بصورت الف و مرکز یا متصل بسین
ثانی وهمزه بشکل سر عین بعد از یا بغیر مرکز اذا استایئس
می نویسند کلمه کُذِبوا بتخفیف ذال مکتوب است کلمه لاولی
بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند سوره
الرعد ثلث واربعون آیه وهی مکیه بسم الله الرحمن الرحیم کلمه
بلقاء در رسم الخط و اکثر مصاحف بهمزه مکسوره بغیر یا
مکتوب است و در کتب رسم الخط مسطور است که در رسم

کلمه یاء زاید که طریق رسم الخط است مخفی و فی است کلمه الرعد
أئذا کلمه أئنا این دو لفظ در اکثر مصاحف بدو همزه و
همزه ثانی بشکل سر عین بی مرکز یا مکتوب است و در رسم الخط و بعضی
مصاحف بدو همزه منفصل اول بشکل سر عین و ثانی بصورت
الف بغیر مرکز ءاذاءانا می نویسند این دو لفظ خلاف طریقه
رسم الخط است و اولی آنست که این دو لفظ را بهر نوع که نوشته
باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند کلمه
لذو مغفرة در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از واو الف
نمی نویسند کلمه وینشئ بیای می نویسند و بهمزه مضمومه
بغیر یا میخوانند کلمه وما دعاء در رسم الخط و اکثر مصاحف
بهمزه مضمومه بغیر واو مکتوب است کلمه لا افتدوا بعد
از لا الف نمی نویسند کلمه سوء الحساب کلمه سوء الدار

این دو لفظ در رسم الخط و اکثر مصاحف بهمزه مضمومه بغیر
واو مکتوب اند کلمه ویدرءون در عقب همزه مضمومه
واو می نویسند و بواو میخوانند کلمه لتتلوا در اکثر مصاحف
بعد از واو الف نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از
واو الف می نویسند کلمه افلم ییأس در اکثر مصاحف بیک همزه
منفصل مکتوب است و در رسم الخط بدو همزه و همزه اول
بصورت الف متصل بیاء اول و همزه ثانی بشکل سر عین بعد از
یاء ثانی متصل بسین بغیر مرکز یا ییئس نوشته میشود چنانکه
پیشتر مذکور شد و در بعضی مصاحف و طریقه دیگر رسم الخط بیک
همزه متصل بغیر مرکز ییئس می نویسند کلمه ولقد استهزئ
در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از زا یا می نویسند و همزه
مفتوحه بغیر یا میخوانند کلمه وصدوا بنابر قرائت عاصم

وحمزه و کسائی بضم صاد نوشته میشود و بنابر روایت باقی ابراهیم
قرا بفتح صاد کتابت میشود کلمه اتیناهم بهمزه ممدوده
مکتوب است کلمه ادعوا صیغه متکلم است در بعضی مصاحف
بعد از واو الف نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از
واو الف می نویسند کلمه یمحوا الله صیغه مفرد است در بعضی
مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی
مصاحف بعد از واو الف می نویسند این دو لفظ احتیاج
حک و اصلاح ندارد کلمه وان ما در رسم الخط و اکثر مصاحف
مقطوع است کلمه نأتی الارض بعد از نا یا مکتوب است
سوره ابراهیم علیه بسم الله الرحمن الرحیم الر اثنتان وخمسون آیه وهی مکیه
کلمه اذکروا نعمة الله در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء مدوره
مکتوب است و در بعضی مصاحف نعمت الله بتاء طولانی

می‌نویسند حک و اصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه نَبَؤُا الَّذِينَ
در اکثر مصاحف بواو می‌نویسند و بعد از واو الف نیز می‌نویسند
و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو نَبَؤُا الف نمی‌نویسند
این لفظ احتیاج بحک و اصلاح ندارد کلمه هَدٰىنَا
در رسم الخط و اکثر مصاحف بیا نوشته میشود و بالف خوانده
میشود و در بعضی مصاحف هَدَانَا بالف می‌نویسند کلمه
فَقَالَ الضُّعَفَٰٓؤُا در اکثر مصاحف بهمزه مضمومه بغیر
واو مکتوب است و در رسم الخط بواو و متصل بفا و همزه بشکل
سر عین بر بالای واو و الف بعد از واو الضُّعَفَٰٓؤُا می‌نویسند
و بغیر واو میخوانند هر گاه درست خوانده شود بهر نوع که نوشته
باشد بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند کلمه
هَدَىٰنَا اللَّهُ حکمش مذکور شد کلمه لَهَدَيْنَاكُمْ بسکون

ر

ابرهیم

یا مکتوب است کلمه بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ در رسم الخط و اکثر مصاحف
بتاء طولانی مکتوب است و در بعضی مصاحف بتاء مدوره می
نویسند حک و اصلاح این لفظ ضرور نیست و ابن کثیر و ابو
عمرو و کسائی تاء نِعْمَتَ اللَّهِ بها وقف میکنند کلمه وَآتَاكُمْ بهمزه
ممدوده مکتوب است کلمه وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ در رسم الخط
و اکثر مصاحف بتاء طولانی نوشته میشود کلمه أَفْئِدَةً در
اکثر مصاحف همزه مکسوره بر مرکز یا متصل بفا مکتوب است
و در کتب رسم الخط مسطور است که در کلمه أَفْئِدَةً درین
موضع همزه مکسوره بر مرکز یا مکتوب است و باقی بغیر
مرکز مکتوب انتهی و عبارت کتاب رسم الخط اینست
أَفْئِدَةً فی هذا الموضع مکتوب بالیاء و البواقی بغیر یاء
فی جمیع القرآن کلمه ذُو انْتِقَامٍ در رسم الخط و اکثر مصاحف

بعد از واو الف نمی‌نویسند

سورة الحجر تسع و تسعون آیه و هی مکیه

بسم الله الرحمن الرحیم

کلمه رُبَمَا بنا بر قراءت عاصم و نافع بتخفیف با
مکتوب است و بنا بر روایت باقی قرا بتشدید با نوشته
میشود کلمه يَسْتَهْزِءُونَ بواو می‌نویسند و بواو میخوانند
کلمه سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء
مدوره مکتوب است کلمه مِنْ حَمَإٍ هر جا واقع شود بهتر
آنست که بیک همزه متصل نوشته شود و اگر همزه ثانی
بشکل سر عین بر بالای همزه اول حَمَإٍ نوشته شود
حسن است و اگر همزه ثانی را بعد از همزه اول حَمَاءٍ بنویسند
نیز هم آن میشود که غلط خوانده شود هر گاه درست
توان خواند حک و اصلاح آن ضرور نیست کلمه

الما

الحجر

أَلَّا تَكُونَ در رسم الخط و اکثر مصاحف موصول است و در بعضی
مصاحف مقطوع است کلمه جُزْءٌ در رسم الخط و اکثر مصاحف بغیر واو
مکتوب است و در بعضی مصاحف واو هم می‌نویسند و بهتر آنست که این
کلمه بغیر واو نوشته شود کلمه نَبِّئْ در رسم الخط و اکثر مصاحف
بیا مکتوب است و بهمزه ساکنه بغیر یا خوانده میشود کلمه
تُبَشِّرُونَ بنا بر قراءت عاصم و جمعی که با او متفق‌اند بفتح نون
نوشته میشود و بنا بر روایت ابن کثیر بکسر نون کتابت میشود
کلمه وَآتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ بفتح همزه مکتوب است کلمه فَأَسْرِ
بنا بر قراءت عاصم و جمعی که با او متفق‌اند بفتح همزه قطع
نوشته میشود و بنا بر روایت نافع و ابن کثیر فَاسْرِ
بهمزه وصل کتابت میشود کلمه وَآتَيْنَاهُمْ کلمه وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ
این دو لفظ بهمزه ممدوده مکتوب‌اند

سورة النحل مائة و ثمان و عشرون آیه و هی مکیه

کلمه دِفْءٌ در رسم الخط و اکثر مصاحف همزه بشکل سر عین بعد از
فا منفصل نوشته میشود و در مصحفی دِفْئٌ بواو مکتوب بود
و بهتر آنست که بصورت اول نوشته شود کلمه وَتَرَى الْفُلْكَ
کلمه فَاَتَى اللّٰهُ درین دو لفظ در رسم الخط و مصاحف یا نوشته
میشود و در حال تلفظ ساقط است کلمه وَاِنْ تَعُدُّوْا نِعْمَةَ
اللّٰهِ در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء مدوره مکتوب است کلمه
وَ اَسْئَلُهُمْ بهمزه مفتوحه مکتوب است کلمه شُرَكَائِيَ در اکثر
مصاحف همزه مکسوره بر مرکز نوشته میشود و در رسم الخط
همزه بغیر مرکز شُرَكَاءِيَ کتابت میشود کلمه اُوْتُوا الْعِلْمَ
بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند و بعد از
واو ثانی الف می نویسند کلمه فَاَلْقَوُا السَّلَمَ بعد از واو الف مکتوب است
کلمه بَلٰى هرجا واقع شود بیای می نویسند و بالف میخوانند کلمه

مثوی

الحجر

مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِيْنَ بعد از واو یا مکتوب است و در حال قرائت
بتلفظ در نمی آید کلمه مَا يَشَاؤُنَ بواو می نویسند و بواو میخوانند
کلمه يَجْزِى اللّٰهُ بعد از زا یا نوشته میشود کلمه مَنْ هَدَى اللّٰهُ
بعد از دال یا مکتوب است کلمه لَنُبَوِّئَنَّهُمْ در رسم الخط و اکثر
مصاحف همزه مفتوحه بر مرکز یا متصل بنون نوشته میشود
کلمه يَتَفَيَّؤُ صیغه مفرد است در اکثر مصاحف بواو می نویسند
و بهمزه مضمومه بغیر واو میخوانند و بعد از واو الف نمی نویسند
و در رسم الخط بعد از واو يَتَفَيَّؤُا الف می نویسند و بغیر واو
میخوانند و ابو عمرو تَتَفَيَّؤُ بصیغه تانیث خوانده و در آن
حال نیز مفرد است حک و اصلاح این لفظ ضرور نیست
کلمه يَجْاَرُوْنَ در بعضی مصاحف بهمزه منفصل مکتوب است
و در رسم الخط و بعضی مصاحف يَجْئَرُوْنَ متصل نوشته میشود

و همزه بشکل سر عین بعد از جیم بغیر مرکز می نویسند و بعضی مصاحف
بنظر رسید که حک و اصلاح آن کرده و از نا قابلیت بیرون برده و
این طریقه استادان کامل و علماء صاحب تامل نیست که جرئت نموده
از روی علم و دانش کلمه يَجْاَرُوْنَ و امثال آن مانند کلمه عُلَمٰٓؤُا را
حک کرده يَجْئَرُوْنَ وَعُلَمٰٓئُا متصل سازند اولی آنست که این
کلمه و امثال آنرا بهمین نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند
و حک و اصلاح آن نکنند کلمه بِمَا اٰتَيْنَاهُمْ بهمزه ممدوده
مکتوب است کلمه تَاللّٰهِ مذکور شد که بعد همزه متصل
بتا نوشته میشود کلمه وَلَوْ يُؤَاخِذُ در رسم الخط و اکثر
مصاحف بدون همزه مکتوب است و بهمزه بغیر واو خوانده
میشود و در بعضی مصاحف وَلَوْ يُؤٰاخِذُ وَلَوْ يُوَاخِذُ بیا
دو صورت بیک همزه می نویسند اولی آنست که این لفظ را بهر نوع

که نوشته

الحجر

که نوشته باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند کلمه
فَاَحْيَا در رسم الخط و اکثر مصاحف بالف مکتوب است و در بعضی
مصاحف فَاَحْيٰى بدو یا نوشته میشود کلمه لِكَيْلَا در رسم
الخط و بعضی مصاحف مقطوع است و در بعضی مصاحف لِكَيْلَا
موصول است حک و اصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه اَفَبِنِعْمَةِ
اللّٰهِ يَجْحَدُوْنَ در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء مدوره
مکتوب است و در بعضی مصاحف بتاء طولانی می نویسند
کلمه وَبِنِعْمَتِ اللّٰهِ هُمْ يَكْفُرُوْنَ در رسم الخط و اکثر مصاحف
بتاء طولانی مکتوب است ابن کثیر و ابو عمرو در حال وقف
بها میخوانند کلمه هَلْ يَسْتَوُوْنَ در رسم الخط و اکثر مصاحف
بیک واو نوشته میشود و بدو واو خوانده میشود و در بعضی
مصاحف بدو واو هَلْ يَسْتَوُوْنَ می نویسند و اگر بیک واو نوشته

باشند واو برخی عبث و بی فایده الحاق نکنند زیرا که برخی از برای
خلاف است و در اینجا خلافی نیست و اکثر بدو واو و سیاهی نوشته
باشند یک واو را حک نکنند اولی آنست که این کلمه را بهر نوع
که نوشته باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن
نکنند و هر گاه بیک واو نوشته باشند جهت تذکیر خواهند این
عبارت را بر حاشیه قرآن بنویسند هَلْ يَسْتَوُونَ بِوَاوٍ وَاحِدَةٍ
فِي الرَّسْمِ وَالْكِتَابَةِ وَبِوَاوَيْنِ فِي اللَّفْظِ وَالْقِرَاءَةِ یا در تحت آن
کلمه بالاشباع بنویسند کلمه وَهُوَ كَلٌّ بفتح کاف مکتوب است کلمه أَيْنَمَا
در رسم الخط و اکثر مصاحف موصول است کلمه أَثَاثًا هر دو حرف
بثاء مثلثه مکتوب اند کلمه يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ در رسم الخط
و اکثر مصاحف بتاء طولانی نوشته میشود کلمه شُرَكَاؤُنَا
در رسم الخط و اکثر مصاحف در تحت همزه مضمومه واو می نویسند

دبغیر

الجزء

و بغیر واو میخوانند و در بعضی مصاحف بغیر واو شُرَكَاءِنَا می نویسند
حک و اصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه يَدْعُونَ در بعضی مصاحف
بعد از واو الف می نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از
واو يَدْعُوا الف می نویسند این لفظ احتیاج بحک و اصلاح ندارد
کلمه وَإِيتَاءِ در اکثر مصاحف بهمزه مکسوره بغیر یا مکتوب است
و در رسم الخط در تحت همزه مکسوره یا و نون إِيتَائِ می نویسند
و بغیر یا میخوانند کلمه ذِي الْقُرْبَىٰ بعد از ذال یا مکتوب است کلمه
يَبْلُوكُمْ بضم لام و سکون واو نوشته میشود کلمه إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ
در رسم الخط و مصاحف موصول و مقطوع هر دو می نویسند عبارت
کتاب رسم الخط برین وجه است فِي إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ الْقَطْعُ
وَالْوَصْلُ أَيَّمَا أَرَدْتَ اكْتُبْ إِنَّ مَا أَوْ إِنَّمَا كِلَاهُمَا جَائِزٌ
کلمه حَيَوٰةً در رسم الخط و اکثر مصاحف بواو مکتوب است و در بعضی

مصاحف حَيَاةً بالف می نویسند کلمه رُوحُ الْقُدُسِ بنا بر قرات
جمیع قرا بضم دال مکتوب است الا ابن کثیر که او بسکون دال
میخواند کلمه يَفْتَرِي الْكَذِبَ بعد از را یا می نویسند کلمه لَا يَهْدِي
الْقَوْمَ بعد از دال یا نوشته میشود کلمه أُمَّةً بهمزه ممدوده
و میم مکسوره مکتوب است کلمه وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ در رسم الخط
و اکثر مصاحف بتاء طولانی مکتوب است کلمه اجْتَبَاهُ کلمه
وَهَدَاهُ این دو لفظ در رسم الخط و اکثر مصاحف مرکز یا
متصل [illegible] می نویسند و بالف میخوانند و در بعضی مصاحف
اجتباه و هداه بالف می نویسند اولی آنست که این دو لفظ را
بهر نوع که نوشته [illegible] بحال خود بگذارند و حک و اصلاح
آن نکنند کلمه وَآتَيْنَاهُ بهمزه ممدوده مکتوب است کلمه
وَالَّذِينَ هُمْ در رسم الخط و اکثر مصاحف مقطوع است کلمه

مجزة

بنی اسرائیل

سورة بنی اسرائیل مائة بسم الله الرحمن الرحیم و احدی عشرة آیة و هی مکیة
کلمه أَسْرَىٰ بیای نویسند و بالف میخوانند کلمه الْأَقْصَا در این سوره
و سوره قصص و سوره یس در رسم الخط و بعضی مصاحف بالف
نوشته میشود و در بعضی مصاحف الْأَقْصَىٰ بیا کتابت میشود
اولی آنست که این کلمه را بهر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند
و حک و اصلاح آن نکنند کلمه وَآتَيْنَا مُوسَىٰ بهمزه ممدوده
مکتوب است کلمه أُولَاهُمَا بعد از همزه مضمومه واو می نویسند
و بواو میخوانند کلمه أُولِي بَأْسٍ بعد از همزه مضمومه واو می نویسند
و بغیر واو میخوانند کلمه لِيَسُوءُوا در بعضی مصاحف بدو واو و الف
می نویسند و بعد از واو ثانی الف می نویسند و در رسم الخط
و بعضی مصاحف لِيَسُوءُا بیک واو می نویسند و بدو واو میخوانند
و بعد از واو الف می نویسند و بروایت حفص و جمعی که با او متفق اند

بصیغه جمع میخوانند و در وقت تلاوت باید بدو واو خوانده
شود و برعایت بکر و جماعتی که با او متفق اند بصیغه مفرد
لِیَسُوءَ بفتح همزه خوانده میشود و کسائی بنون و فتح همزه لِنَسُوءَ
میخوانند بهتر آنست که اگر این کلمه را بدو واو سیاهی نوشته
باشند یک واو را حک نکنند و اگر بیک واو نوشته باشند
واو دیگر الحاق نکنند و جهت تذکیر خواهند بر حاشیه قرآن
بنویسند تُکْتَبُ بِالْوَاوِ وَتُلْفَظُ بِالْوَاوَیْنِ یا در تحت آن کلمه
بالاشباع بنویسند و اولی آنست که این کلمه را بهر نوع که نوشته
باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند کلمه وَ
یَدْعُ الْاِنْسَانُ در رسم الخط و اکثر مصاحف بضم عین بغیر
واو مکتوب است کلمه وَیَمْحُ اللهُ کلمه وَیَدْعُ الدَّاعِ اِلی
دو لفظ نیز در رسم الخط و [illegible] مصاحف بغیر واو نوشته

میشو

بنی اسرائیل

میشود کلمه یَلْقٰیهُ در رسم الخط و اکثر مصاحف مرکز یا متصل
بضمیر می نویسند و بالف میخوانند و در بعضی مصاحف یلقاه
بالف می نویسند کلمه اَمَّرْنَا بفتح میم و سکون را مکتوب است کلمه مَا
نَشَاءُ در رسم الخط و مصاحف همزه مضمومه بغیر واو نوشته
میشود کلمه یَصْلٰیهَا یَصْلَاهَا در رسم الخط و اکثر مصاحف
یصلاها بالف می نویسند کلمه کِلَاهُمَا در اکثر مصاحف منفصل
می نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف کِلَاهُمَا منفصل
وَکِلَیْهِمَا متصل بغیر مرکز یا هر دو می نویسند و منفصل را
اصح و ارجح دانسته اند و کِلَیْهِمَا بمرکز یا جاین نوشته
و در بعضی مصاحف کِلَیْهِمَا بمرکز می نویسند حک و اصلاح
این لفظ ضرور نیست کلمه وَآتِ بکسر تا بغیر یا مکتوب است
کلمه ذَا الْقُرْبٰی بعد از ذال الف نوشته میشود کلمه وَ

الْفُؤَادَ در رسم الخط و اکثر مصاحف بر واو همزه مکتوب است و همزه
بغیر واو خوانده میشود و در بعضی مصاحف الْفُؤَادُ بیک همزه می
نویسند کلمه اَفَاَصْفٰیکُمْ در رسم الخط و اکثر مصاحف مرکز یا
متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند کلمه اٰلِهَةٌ بهمزه عوق
و کسر لام مکتوب است کلمه لَابْتَغَوْا بعد از لا الف نمی نویسند کلمه
ذِی الْعَرْشِ بعد از ذال یا مکتوب است کلمه اَئِذَا کلمه اَئِنَّا جاها
در اکثر مصاحف همزه ثانی بشکل سر عین بر مرکز یا نوشته میشود
و در رسم الخط و بعضی مصاحف ءَاِذَا ءَاِنَّا بدو همزه بغیر
مرکز یا می نویسند اولی آنست که این مواضع را بهر نوع که نوشته
باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند کلمه یَقُولُوا
الَّتِی در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از لام واو نوشته
میشود و بعد از واو الف می نویسند و در بعضی مصاحف

یقولوا

بنی اسرائیل

یَقُولُ الَّتِی بلام مضمومه بغیر واو می نویسند و این غلط کاتب است زیرا
که صیغه جمع است نه مفرد ظاهرا ببعضی مشتبه شده و توهم نموده اند
که مفرد است و حال آنکه صیغه جمع است و اصل او یقولون بوده
چون در جواب امر واقع شده نون بجزم افتاد یقولوا شد و جهت
تحقیق این کلمه بتفسیر رجوع شد و عبارت تفسیر را از برای تبیین
و توضیح ذکر کرده تا رفع اشتباه شود وَقُلْ لِعِبَادِی یَقُولُوا الَّتِی هِیَ
اَحْسَنُ اِنَّ الشَّیْطَانَ یَنْزَغُ بَیْنَهُمْ اِنَّ الشَّیْطَانَ کَانَ لِلْاِنْسَانِ
عَدُوًّا مُبِیْنًا و بگوای محمد صلی الله علیه و آله مر بندگان خاص مرا که
ایمان آورده اند تا بگویند ایشان مر کفره معانده مجادله را گفتاری
که آن نیکوتر است نه گفتار و جدال انگیز چنانچه میخواهند زیرا
که بدرستی شیطان دشمنی می افکند میان ایشان و بر بدی و فتنه
می افزاید میان فریقین بدرستی هست مر آدمی را دشمنی ظاهر

کلمه وَآتَیْنَا دَاوُدَ کلمه وَآتَیْنَا ثَمُودَ این دو لفظ بهمزه ممدوده
مکتوب اند کلمه الرُّؤْیَا الَّتِی در اکثر مصاحف بواو مکتوب است
و در رسم الخط و بعضی مصاحف الرُّءْیَا بغیر واو نوشته میشود
حك و اصلاح این لفظ ضروری نیست کلمه جَزَاؤُکُمْ در رسم الخط
و اکثر مصاحف بواو می نویسند و بغیر واو میخوانند و در بعضی
مصاحف جَزَاءُکُمْ بغیر واو می نویسند کلمه نَدْعُو در بعضی
مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی
مصاحف بعد از واو نَدْعُوا الف می نویسند کلمه فَمَنْ أُوتِیَ
بعد از همزه واو نوشته میشود و بواو خوانده میشود کلمه
یَقْرَؤُنَ بواو می نویسند و بواو میخوانند کلمه لَاتَّخَذُوكَ
بعد از لا الف نمی نویسند جهت توضیح از تفسیر نقل شد
لَاتَّخَذُوكَ خَلِیلًا هر آینه بگیرند ترا دوست کلمه

سُنَّةَ

سُنَّةَ در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء مدوره مکتوب است بنی اسرائیل
کلمه یَؤُسًا در تحت همزه مضمومه واو می نویسند و بواو
میخوانند کلمه وَمَا أُوتِیتُمْ بعد از همزه مضمومه واو نوشته
میشود و بواو خوانده میشود کلمه وَعِنَبٍ بکسر عین و فتح
نون مکتوب است کلمه نَقْرَؤُهُ در رسم الخط و مصاحف
در تحت همزه مضمومه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند کلمه
وَمَنْ یَهْدِ اللَّهُ در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از دال یا نمی نویسند
و در سوره الکهف نیز بغیر یا مکتوب است کلمه فَهُوَ الْمُهْتَدِ در رسم
الخط و اکثر مصاحف بعد از دال یا نمی نویسند و نافع و ابو عمرو
در حال وصل فَهُوَ الْمُهْتَدِی باثبات یا خوانده اند و در سوره
الکهف نیز همین حکم دارد کلمه جَزَاؤُهُمْ در رسم الخط و اکثر مصاحف
بواو می نویسند و بغیر واو میخوانند و در بعضی مصاحف جَزَاءُهُمْ

بغیر واو می نویسند کلمه أَئِذَا کلمه أَئِنَّا در اکثر مصاحف همزه ثانی را
در این دو لفظ بشکل سر عین بر مرکز یا می نویسند و در رسم الخط
و بعضی مصاحف ءَاذَاءَ انَّا بدو همزه بغیر مرکز می نویسند کلمه
فَأَبَى الظَّالِمُونَ در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از با یا
نوشته میشود کلمه رَحْمَةِ رَبِّی بتاء مدوره مکتوب است
کلمه وَلَقَدْ آتَیْنَا بهمزه ممدوده نوشته میشود کلمه أُوتُوا
الْعِلْمَ بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند
و بعد از واو ثانی الف می نویسند کلمه أَیًّا بفتح یاء مشدده
منونا مکتوب است سورة الکهف مائة و عشر آیه و هی مکیة

بسم الله الرحمن الرحیم

کلمه إِذْ أَوَى الْفِتْیَةُ بعد از واو یا می نویسند و در حال قرائت
بلفظ در نمی آید کلمه لَنْ نَدْعُوَ در بعضی مصاحف بعد از واو

الف

الف نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو نَدْعُوَا الکهف
الف می نویسند کلمه إِلَهًا بهمزه ممدوده بکسر لام نوشته میشود
کلمه فَأْوُوا در رسم الخط و اکثر مصاحف بیك واو می نویسند
و بدو واو میخوانند و بعد از واو الف می نویسند و در بعضی
مصاحف بدو واو سیاه می نویسند و اگر بدو واو سیاه
نوشته باشند یك واو را حك نکنند و اگر بیك واو نوشته
باشند واو سرخ عبث و بی فایده الحاق نکنند زیرا که سرخی
از برای خلاف است و در اینجا خلاف نیست و جهت تذکیر
خواهند بر حاشیه مصحف بنویسند تُکْتَبُ بِالْوَاوِ وَتُلْفَظُ
بِالْوَاوَیْنِ یا در تحت آن کلمه بالاشباع بنویسند و اولی آنست
که این کلمه را بهر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند
و حك و اصلاح آن نکنند کلمه مَنْ یَهْدِ اللَّهُ در رسم الخط

و اکثر مصاحف بعد از دال یا می‌نویسند کلمه فَهُوَ الْمُهْتَدِ در رسم
الخط و اکثر مصاحف بعد از دال یا می‌نویسند و نافع و ابوعمرو
درین کلمه در حال وصل باثبات یا الْمُهْتَدِي خوانده اند
چنانکه در سوره بنی اسرائیل مذکور شد کلمه لِشَيْءٍ در اکثر مصاحف
یا متصل بشین و همزه بعد از یا مکتوب است و در رسم الخط
الف زایدی بعد از شین و یائی بعد از الف و همزه بشکل سر عین
بر بالای یا لِشَاْيءٍ می‌نویسند و بهتر آنست که این کلمه بیاء
متصل بشین و همزه بعد از یا بصورت اول نوشته شود
زیرا که توهم آن میشود که غلط خوانده شود و هرگاه درست
توان خواند حک و اصلاح آن ضرور نیست و در کتب رسم الخط
ذکر کرده که در جمیع قرآن همین کلمه است که باین هیئت
نوشته میشود کلمه بِالْغَدٰوةِ در رسم الخط و بعضی

مصاحف

الکهف

مصاحف بواو می‌نویسند و جمیع قرا بالف میخوانند الا ابن
عامر که او بضم غین و سکون دال و فتح واو بِالْغُدْوَةِ
میخواند و در بعضی مصاحف بِالْغَدَاةِ بالف می‌نویسند اولی
آنست که این لفظ را بهر نوع که نوشته باشند بحال خود
بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند کلمه هَوٰيهُ در رسم الخط
و بعضی مصاحف مرکز یا متصل بضمیر می‌نویسند و بالف
میخوانند و در بعضی مصاحف هَوَاهُ بالف می‌نویسند
کلمه یَشْوِي الْوُجُوهَ بعد از واو یا مکتوب است کلمه
وَإِسْتَبْرَقٍ همزه اسم است و مبنی بر کسر است بهیچ وجه من
الوجوه ساقط نمیگردد کلمه كِلْتَا بالف مکتوب است که تثنیه
باشد و در حال تلاوت ساقط است کلمه أَتَتْ بهمزه
ممدوده مکتوب است کلمه سَوّٰيكَ مرکز یا متصل بضمیر

می‌نویسند و بالف میخوانند کلمه لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ در رسم الخط و جمیع
مصاحف بالف مکتوب است ممکن مصحفی که کاتبان از روی سهو
بنون بغیر الف نوشته باشند یا در وقت معابله تامل در اصل
کلمه ناکرده الف او را حک کرده باشند یا برنجی کرده باشند و
درین کلمه الف را احتیاج ببرنجی کردن نیست زیرا که اصل
این کلمه لَكِنْ أَنَا است حرکت همزه را بنون نقل کردند و همزه را
حذف کردند و نون در نون ادغام کردند لَكِنَّا شد چون
أَنَا را جمیع قرا در حال وصل بحذف الف میخوانند و در حال
وقف بالف وقف می‌نمایند کلمه لَكِنَّا را نیز نظر باصل کرده
جمیع قرا در حال وصل بحذف الف میخوانند و در حال وقف
بالف وقف می‌نمایند الا ابن عامر که او در حال وصل
و وقف باثبات الف میخواند کلمه مَا نُهَا در رسم الخط

دالی

الکهف

و اکثر مصاحف در تحت همزه مضمومه واو می‌نویسند و بغیر واو
میخوانند کلمه عُقْبًا بنابر قراءت عاصم و حمزه بسکون قاف
نوشته میشود و بنابر روایت باقی قرا بضم قاف کتابت میشود کلمه
وَتَرَى الْأَرْضَ بعد از را مکتوب است کلمه أَلَّن نَّجْعَلَ لَكُم در بعضی
مصاحف باثبات نون نوشته میشود و در رسم الخط و بعضی
مصاحف أَلَّن نَّجْعَلَ لَكُم بادغام نون در لام می‌نویسند و در رسم
الخط ذکر شده که دو موضع است در جمیع قرآن که نون أَنْ
در لام لَنْ ادغام میشود یکی این موضع که ذکر شد و دیگری
أَلَّن نَّجْمَعَ عِظَامَهُ در سوره القیمة که لا اقسم باشد و باقی
همه باثبات نون مکتوب اند و درین دو موضع اولی آنست
که بهر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح
آن نکنند کلمه مَالِ هَٰذَا الْكِتَابِ در رسم الخط و اکثر مصاحف

بانفصال لام از لفظ هٰذا مکتوب است و در بعضی مصاحف
باتصال لام مَالِهٰذَا الکِتٰابِ می نویسند حک و اصلاح این
لفظ ضرور نیست کلمه اَحۡصٰاهَا در رسم الخط واکثر مصاحف
مرکز یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند کلمه شُرَکَائِیَ
دراکثر مصاحف همزه مکسوره بر مرکز متصل بیا مکتوب است و در رسم
و بعضی مصاحف همزه مکسوره بغیر مرکز شُرَکَائِیَ نوشته میشود
کلمه سُنَّةُ الاَوَّلِینَ در رسم الخط واکثر مصاحف بتاء مدور مکتوب است
کلمه ذُو الرَّحۡمَةِ در رسم الخط واکثر مصاحف بعد از واو الف می نویسند
و در بعضی مصاحف بعد از واو الف می نویسند کلمه یُؤَاخِذُهُم
در رسم الخط واکثر مصاحف بدو همزه مکتوب است و در بعضی
مصاحف یُؤَاخِذُهُم بیک همزه نوشته میشود و بضم بغیر
واو خوانده میشود کلمه لِفَتٰاهُ هرجا واقع شود مرکز یا متصل

بضمیر می نویسند و بالف میخوانند کلمه اَوَیۡنٰا بفتح همزه مکتوب است
کلمه اٰتَیۡنٰاهُ همزه ممدوده نوشته میشود کلمه اٰتِنٰا بفتح همزه مکتوب است
کلمه لاَتَّخَذۡتَ بعد از لا الف می نویسند و در اکثر مصاحف
بانفصال لام و اثبات همزه وصل متصل بلام مکتوب است و در رسم
الخط بحذف همزه وصل و اتصال لام بتا و تشدید تا لَتَّخَذۡتَ
نوشته میشود و ابن کثیر و ابو عمرو بحذف همزه وصل و اتصال
لام بتا و تخفیف تا و کسر خا لَتَخِذۡتَ میخوانند هرگاه در رسم توان
خواند حک و اصلاح آن ضرور نیست و جهت تبیین و توضیح که بعد از
لا الف نباید نوشت از تفسیر نقل شد قَالَ لَوۡ شِئۡتَ لَاتَّخَذۡتَ
عَلَیۡهِ اَجۡرًا گفت موسی اگر میخواستی هر آینه گرفتی بمقابله این کار مزد
کلمه سَاَتۡلُوا صیغه مفرد است در بعضی مصاحف بعد از واو الف
می نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو سَاَتۡلُوا

الف می نویسند و جهت توضیح که صیغه مفرد است از تفسیر نقل
شد قل سَاَتۡلُوا عَلَیۡکُم مِنۡهُ ذِکۡرًا یعنی بگو ای محمد صلی الله علیه
و آله زود باشد که بخوانم بر شما از وی خبری و بیانی کلمه
اٰتَیۡنٰاهُ بهمزه ممدوده مکتوب است کلمه حَمِئَةٍ در رسم الخط
و اکثر مصاحف همزه مفتوحه بر مرکز یا متصل بتا مکتوب است
کلمه اَجۡعَلۡ بفتح همزه و جزم لام نوشته میشود و اگرچه صیغه
متکلم است چون در جواب امر واقع شده مجزوم است کلمه
جَزَاءً الحُسۡنٰی بنا بر روایت حفص و جمعی که با او متفق اند بنصب
بفتح همزه منون نا مکتوب است و بنا بر روایت بکر و جمعی که با او
متفق اند بضم همزه بغیر تنوین نوشته میشود و در اکثر
مصاحف بغیر واو مکتوب است و در رسم الخط و بعضی
مصاحف چون بروایت بکر بضم خوانده میشود در تحت همزه واو

می نویسند حک و اصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه مَا مَکَّنِّی در رسم
الخط ضبط شده که بیک نون مشدد و بعد نون یا نون اول مفتوح
و ثانی مکسور و مخفف هر دو روش می نویسند و الحال در اکثر مصاحف
بیک نون مشدد مکتوب است کلمه اٰتُونِی در دو موضع اول
رَدۡمًا اٰتُونِی دوم قَالَ اٰتُونِی در رسم الخط و اکثر مصاحف
بهمزه ممدوده مکتوب اند زیرا که حفص و جمعی که با او متفق اند
بهمزه قطع قراءت میکنند و در بعضی مصاحف ائۡتُونِی بدو
همزه می نویسند زیرا که بکر و جمعی که با او متفق اند بهمزه وصل
میخوانند و هرگاه در ما قبل وقف کنند در حال ابتدا همزه اول
بکسر و همزه ثانی را بدل بیا میکنند که اِیتُونِی باشد اولی آنست
که چون قرآن درین زمان بسیاری بروایت حفص نوشته
میشود و حفص بهمزه قطع میخواند اصل کتابت قرآن را

در هر دو موضع بیك همزه ممدوده اتونی بنویسند و روایت
بكر را چون بهمزه وصل قرائت میكنند بود همزه بر حاشیه
قرآن ایتونی بنویسند کلمه جزاؤهم در رسم الخط واکثر مصاحف
بواو نوشته میشود و بغیر واو خوانده میشود کلمه یرجو صیغه
مفرد است در اکثر مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند و در رسم
الخط و بعضی مصاحف بعد از واو الف می نویسند حك واصلاح
این لفظ ضرور نیست **سورة مریم علیها السلام ثمان وتسعون آیه مکیه**
بسم الله الرحمن الرحیم کلمه ذکر رحمت ربك در رسم الخط واکثر
مصاحف بتاء طولانی مکتوب است کلمه من ورائی در بعضی
مصاحف همزه مکسوره بشکل سر عین بر مرکز متصل بیا نوشته
میشود و در رسم الخط و بعضی مصاحف بغیر مرکز من ورائی
نوشته میشود و بکسر همزه و یاء ساکنه خوانده میشود کلمه رب

مریم علیها السلام

اتی بعد از نون یای نویسند و بالف میخوانند کلمه و آتیناه
بهمزه ممدوده مکتوب است کلمه قالت انی بعد از نون یای نویسند
و بالف میخوانند کلمه فناداها بعد از دال مرکز یا متصل بضمیر
می نویسند و بالف میخوانند کلمه فأتت بفتح همزه مکتوب است کلمه
آتانی الکتاب در اکثر مصاحف بهمزه ممدوده واثبات الف بعد از
تا می نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بهمزه ممدوده و حذف
الف واتصال تا بنون آتنی مکتوب است وهمزه آتانی الکتاب
بسکون یا خوانده وقفا و بحذف یا وصلا اولی آنست که این کلمه را
بهر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند و حك واصلاح
آن نکنند کلمه این ما کنت در رسم الخط و بعضی مصاحف مقطوع
است و در بعضی مصاحف موصول نوشته میشود کلمه و
اعتزلكم بفتح همزه قطع مکتوب است و این موضع را جهت

آن بهمزه قطع ذکر کرد که در مصحف مصحح بنظر رسید که فتحه
همزه را حك کرده بودند کلمه وادعو صیغه متکلم است در بعضی
مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی
مصاحف بعد از واو الف می نویسند کلمه عسی الا در رسم الخط
و بعضی مصاحف بلام مشدد مکتوب است و در بعضی
مصاحف عسی ان لا منفصل می نویسند کلمه فلما اعتزلهم
بهمزه وصل مکتوب است کلمه آیذا در اکثر مصاحف همزه ثانی
بمرکز یا متصل بذال مکتوب است و در رسم الخط و بعضی مصاحف
بدو همزه بغیر مرکز ءاذا می نویسند حك واصلاح این لفظ
ضرور نیست کلمه ننجی الذین بنا بر قراءت جمیع قرا بفتح نون
ثانی و تشدید جیم و یاء ساکنه بعد از جیم مکتوب است
الا کسائی که بنا بر روایت او بسکون نون ثانی و تخفیف

جیم

طه

جیم و یاء ساکنه بعد از جیم نوشته میشود کلمه احسن اثاثا
بحرف ثاء مثلثه مکتوب است کلمه لأوتین بعد از همزه مضمومه
واو می نویسند و بواو میخوانند کلمه اطلع الغیب بفتح همزه مکتوب است
و این همزه همزه استفهام است و در همه حال ثابت است و شرح
آن در اول سوره البقره مذکور شد کلمه رئیا هم در رسم الخط
واکثر مصاحف بواو می نویسند و بهمزه مضمومه بغیر واو
میخوانند کلمه آتی الرحمن بعد از تا یا مکتوب است و در حال و
صل ساقط است کلمه احصیهم مرکز یا متصل بضمیر
سوره طه مائة و می نویسند و بالف میخوانند **خمس وثلثون آیه مکیه**
بسم الله الرحمن الرحیم
کلمه هل اتیك بفتح همزه مکتوب است کلمه آنسها نودی
بفتح همزه نوشته میشود کلمه بالواد در رسم الخط واکثر مصاحف

بکسر دال بغیر یا مکتوبست و در مصحفی بنظر رسید بالوادی
بعد از دال یا نوشته بودند و بهتر آنست که یا نوشته نشود
کلمه طوی دو موضع بنا بر قراءت عاصم و جمعی که با او متفق اند
بفتح واو منونا نوشته میشود و بنا بر روایت نافع و ابن کثیر
طوی بفتح واو بغیر تنوین کتابت میشود و یا بدل بالف میشود
کلمه أتوکؤا صیغه متکلم است در تحت همزه مضمومه واو
می نویسند و بغیر واو میخوانند و در اکثر مصاحف بعد از واو
الف نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو
اتوکؤا الف می نویسند و مصحفی بخط قدیم که از نظر استاد
گذشته و قراءت سبعه ساخته شده بنظر رسید اتوکؤا
بهمزه بغیر واو نوشته شده بود و اولی آنست که این کلمه را
بهر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح

آن کنند کلمه سیرتها الاولی بعد از همزه مضمومه واو می نویسند
و بواو میخوانند کلمه قد اوتیت بعد از همزه مضمومه واو نوشته
میشود و بواو خوانده میشود کلمه سؤلک بواو می نویسند و همزه
ساکنه بغیر واو میخوانند کلمه خلقه ثم بسکون لام مکتوبست
کلمه هدی بیای نویسند و بالف میخوانند کلمه القرون الاولی
بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند کلمه شتی
بفتح تاء مشدده بغیر تنوین نوشته میشود و در حال وقف
و وصل یا بدل بالف میشود کلمه لاولی النهی دو موضع بعد از
مضمومه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند کلمه سوی بفتح واو
منونا بیا مکتوبست کلمه ثم ائتوا در رسم الخط و اکثر مصاحف
بعد همزه و همزه ثانی بشکل سر عین بر مرکز یا متصل بتا مکتوبست
کلمه و لاصلبنکم در مصاحف بعد از همزه مضمومه بواو نویسند

واو نمی نویسند و در رسم الخط و لاصلبنکم بعد از همزه مضمومه
بواو و بغیر واو هر دو می نویسند و بغیر واو میخوانند و عبارت
کتب رسم الخط برین وجه است و لاصلبنکم و ان ادخل
الواو حذف فی الکتابة و کذا فی سورة الشعراء دون الاعراف
فانه بغیر واو البتة کلمه جزاء من تزکی در اکثر مصاحف
بغیر واو مکتوب است و در رسم الخط جزؤا بواو و بغیر واو
هر دو می نویسند و بعد از واو الف می نویسند و عبارت کتب
رسم الخط برین نحو است و ان ادخل جزاء علی القیاس بغیر
واو کلمه قال هم اولاء در رسم الخط و مصاحف بعد از همزه
مضمومه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند کلمه اسفا بفتح
فا منونا بالف مکتوبست کلمه الم یعدکم بکسر عین و سکون
دال نوشته میشود کلمه الهکم هر جا واقع شود بکسر همزه مکتوبست

کلمه قال یا ابن ام در اکثر مصاحف بانفصال یاء منادا از نون
نوشته میشود و در رسم الخط بانفصال یاء منادا و باتصال یاء
منادا یابنؤم و یبنؤم هر دو می نویسند و اولی آنست که این کلمه را
بهر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن
نکنند کلمه من انباء بتقدیم نون بر با مکتوبست کلمه و قد
اتیناک بهمزه ممدوده نوشته میشود کلمه و لا امتا بفتح تا منونا
بالالف مکتوبست کلمه و لا هضما بضاد نوشته میشود کلمه
عهدنا الی آدم بکسر ها و سکون دال نوشته میشود کلمه لا
تظمؤ صیغه مفرد است بواو مکتوب است و بهمزه مضمومه
بغیر واو خوانده میشود و در بعضی مصاحف بعد از واو الف
نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند
و در مصحفی که بخط قدیم نوشته و قراءت سبعه ساخته

وانظل استادان گذشته بنظر رسید که لَا تَظْمَأُ بغیر واو مکتوب
بود اولی آنست که این لفظ را هر جا که نوشته باشند بحال
خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند کلمه أَنَّكَ بغیر همزه مکتوبست
کلمه لِأُولِي النُّهَى بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند
کلمه وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ بعد همزه اول و کسره همزه ثانی بغیر یا مکتوبست
و در رسم الخط در تحت همزه ثانی یا می نویسند که وَمِنْ آنَاءِ
اللَّيْلِ باشد و بغیر یا میخوانند حک و اصلاح این لفظ ضرور نیست
کلمه مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى بعد از همزه مضمومه واو می نویسند
و بغیر واو میخوانند

سورة الانبیاء علیهم السلام مائة و اثنتا عشرة آیه و هی مکیه

بسم الله الرحمن الرحیم کلمه
لَاعِبِينَ در مصاحف بلام الف منفصل نوشته میشود
و در رسم الخط بلام متصل بحذف الف لَعِبِينَ می نویسند کلمه

لاتخذنا

الانبیاء

لَاتَّخَذْنَاهُ بعد از لا الف می نویسند کلمه آلِهَةً کلمه وَآلِهَتَكُمْ هر جا واقع
شود بهمزه ممدوده بکسر لام مکتوب است کلمه آلِهَةٌ کلمه وَإِلَٰهُكُمْ هر جا
واقع شود بکسر همزه نوشته میشود کلمه أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ بنا بر قرات
جمیع قرا بواو مکتوبست الا ابن کثیر که او أَلَمْ بغیر واو میخواند کلمه
سَأُرِيكُمْ در اکثر مصاحف بهمزه مضمومه بغیر واو نوشته میشود
و در رسم الخط سَأُورِيكُمْ بواو می نویسند و بغیر واو میخوانند
کلمه وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بیا نوشته میشود و بهمزه مفتوحه
بغیر یا خوانده میشود کلمه يَسْتَهْزِءُونَ در تحت همزه مضمومه واو
می نویسند و بواو میخوانند کلمه يَكْلَؤُكُمْ بواو می نویسند و بغیر
واو میخوانند کلمه نَفْحَةٌ بحاء مهمله نوشته میشود کلمه آتَيْنَا
بها بغیر همزه مکتوبست کلمه وَآتَيْنَا مُوسَى کلمه آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ
این دو لفظ بهمزه ممدوده مکتوب است کلمه فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا

بی و ذال می نویسند کلمه آتَيْنَاهُ حُكْمًا کلمه وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا کلمه
وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ این سه لفظ بهمزه ممدوده مکتوب است کلمه
وَذَا الْكِفْلِ کلمه وَذَا النُّونِ درین دو لفظ بعد از ذال الف می
نویسند کلمه أَنْ لَا إِلَٰهَ در رسم الخط و مصاحف مقطوع و موصول
هر دو می نویسند حک و اصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه
نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ بنا بر روایت حفص و جمعی که با او متفق اند به
دو نون بضم نون اول و سکون نون ثانی و تخفیف جیم و یاء
ساکنه بعد از جیم نوشته میشود و بنا بر روایت ابی بکر و جمعی
که با او متفق اند بیک نون مضمومه و جیم مشدده و یاء ساکنه
کتابت میشود کلمه فِيمَا در رسم الخط و مصاحف مقطوع و موصول
هر دو می نویسند

سورة الحج ثمان و سبعون آیه و هی مدنیه

بسم الله الرحمن الرحیم کلمه مَنْ تَوَلَّاهُ در رسم الخط و اکثر مصاحف

الحج

مرکب یا متصل بغیر می نویسند و با الف میخوانند و در بعضی مصاحف
مَنْ تَوَلَّاهُ با الف نوشته میشود این لفظ احتیاج بحک و اصلاح
ندارد کلمه مَا نَشَاءُ در رسم الخط و اکثر مصاحف بغیر واو مکتوبست
کلمه لِكَيْلَا در رسم الخط و مصاحف موصول است کلمه يَدْعُو مِنْ دُو
نِ اللَّهِ کلمه يَدْعُو لَمَنْ ضَرُّهُ هر یک صیغه مفرد اند در بعضی مصاحف
بعد از دال واو الف می نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از
دال یدعوا الف می نویسند حک و اصلاح این الفاظ ضرور نیست
کلمه أَنْ لَنْ در رسم الخط و اکثر مصاحف مقطوع است و در بعضی مصاحف
أَلَّنْ موصول می نویسند کلمه ثُمَّ لْيَقْطَعْ مجموع در حکم یک کلمه است
و اکثر بر ثُمَّ وقف کنند اعاده لفظ ثُمَّ باید کرد و ثُمَّ لْيَقْطَعْ را
متصل باید خواند کلمه وَلُؤْلُؤًا در اکثر مصاحف لفظ ثانی بین
بین همزه مکتوبست و در رسم الخط در لفظ ثانی الف بعد از

همزه لُؤْلُؤًا ای نوشتنی ودر حال وقف بالف وقف میشود وبنا بر قرائت
ابن کثیر وابو عمرو وابن عامر وحمزه وکسائی بخفض همزه منونا
لُؤْلُؤٍ کتابت میشود وهرگاه وقف کنند بر همزه وقف خواهند کرد
کلمه سَوَاءً در بعضی مصاحف بی همزه مکتوبست ودر رسم الخط
وبعضی مصاحف بعد از همزه منونه همزه ثانی بصورت الف سَوَاءً
ای نوشتنی ودرین حال اگر وقف کنند بالف وقف خواهند کرد و
بنا بر روایتی که برفع همزه منونا سَوَاءٌ خوانده میشود هرگاه وقف کنند
بهمزه وقف خواهند کرد کلمه وَالْبَادِ در رسم الخط ومصاحف بکسر
دال بغیر یا مکتوبست ودر حال وقف بدال بغیر یا وقف میشود
الا ابن کثیر که او در حال وقف ووصل وَالْبَادِی بیا قرائت میکند
کلمه اَنْ لَا تُشْرِكْ در رسم الخط واکثر مصاحف مقطوع است ودر بعضی
مصاحف اَلَّا تُشْرِكْ موصول ای نوشتنی کلمه ثُمَّ لْيَقْضُوا در حکم یک

کلمه

الحج

کلمه است چنانکه در کلمه ثُمَّ لْيَقْطَعْ مذکور شد کلمه وَالْمُقِيمِي الصَّلٰوةِ
بعد از میم ثانی یا نوشته میشود کلمه دِمَاؤُهَا در رسم الخط وبعضی
مصاحف در تحت همزه مضمومه واوی نوشتنی وبغیر واو صحیح است
ودر بعضی مصاحف دِمَاءُ بغیر واو نوشتنی کلمه وَالْقُوَا الَّتِي
كُوَّةً نقیه تا وضم واو مکتوبست کلمه تَمَنّٰى در دو موضع بعد از میم یا
نوشته میشود کلمه اُوتُوا الْعِلْمَ بعد از همزه مضمومه واوی نوشتنی
دیوای صحیح است وبعد از واو ثانی الف ای نوشتنی کلمه لَهَادِ الَّذِينَ
در رسم الخط وبعضی مصاحف بعد از دال یائی نوشتنی ودر بعضی
مصاحف بعد از دال الْهَادِی الَّذِينَ یائی نوشتنی حک واصلاح
این لفظ ضروری نیست کلمه وَاَنَّ مَا در رسم الخط واکثر مصاحف
مقطوع است ودر بعضی مصاحف اَنَّمَا موصول است این
لفظ احتیاج حک واصلاح ندارد کلمه اَحْيَاكُمْ در رسم الخط

واکثر مصاحف بالف نوشته میشود سورة المؤمنون مائة وثمان عشرة آیة
بسم الله الرحمن الرحيم کلمه فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ چون صلاة متصل
بضمیر است در رسم الخط وبعضی مصاحف بالف ای نوشتنی ودر بعضی
مصاحف صَلَاتِهِمْ بواو نوشتنی اولی آنست که این لفظ را
هر نوع که کتابت کرده باشند بحال خود بگذارند وحک واصلاح
آن نکنند کلمه الَّذِينَ هُمْ هرجا واقع شود در رسم الخط وبعضی
مصاحف مقطوع ودر بعضی مصاحف الَّذِينَهُمْ موصول ای
نوشتنی واصلاح حک این لفظ ضروری نیست کلمه عَلٰى صَلَوٰاتِهِمْ
يُحَافِظُونَ بنا بر قرائت عامه جمع که با او متفق‌اند بفتح لام
وفتح واو والف بعد از واو بصیغه جمع نوشته میشود وبنا
بر روایت حمزه وکسائی بفتح لام والف بعد از لام صَلَاتِهِمْ
بصیغه مفرد کتابت میشود کلمه فَقَالَ الْمَلَؤُا الَّذِينَ کلمه وَقَالَ

الملؤا

المؤمنون

الْمَلَاُ مِنْ قَوْمِهِ این دو لفظ در اکثر مصاحف بهمزه بغیر واو مکتوبست
ودر بعضی مصاحف بواو متصل الْمَلَؤُا ای نوشتنی وبغیر واو صحیح تر است
ودر رسم الخط لفظ اول را بواو متصل وهمزه مشکل رسمین بر بالای
واو والف بعد از واو الْمَلَؤُا ای نوشتنی ولفظ ثانی را بغیر واو
الْمَلَاُ ای نوشتنی وعبارت کتب رسم الخط برین نهج است وَقَالَ
الْمَلَاُ وَالْمَوْضِعُ الثَّانِي هٰكَذَا اَیْ غَيْرُ مَرْسُومَةٍ بِالْوَاوِ اولی آنست
که این الفاظ هر نوع که نوشته شده باشند بحال خود بگذارند
وحک واصلاح آن نکنند کلمه غُثَاءً در رسم الخط واکثر مصاحف
مرکز یا متصل بنون ای نوشتنی وبالف یجی اشتی ودر بعضی
مصاحف غُثَاءً بالف ای نوشتنی حک واصلاح این لفظ ضروری نیست
کلمه هَيْهَاتَ دو موضع بتاء طولانی مکتوبست کلمه حَيَاتُنَا
ودر رسم الخط وبعضی مصاحف بالف نوشته میشود ودر بعضی

مصاحف حتی تترا بواو کتابت میشود این لفظ احتیاج بحک و اصلاح
نوارد کلمه وَنَحْیَا در رسم الخط و اکثر مصاحف بالف مکتوبست
کلمه تَتْرَی در بعضی مصاحف بیای نویسند و بالف میخوانند و در
رسم الخط و بعضی مصاحف تترا بالف نوشته میشود و بنا بر قرات
ابن کثیر و ابو عمرو تَتْرًی بفتح را منونا مکتوبست از انجهت است
که تترا را در رسم الخط رعایت قرات ابن کثیر و ابو عمرو نموده بالف
نوشته میشود اولی آنست که این لفظ بیای و یا بالف هر کدام نوشته
شده باشد بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند کلمه
وَمَلَائِهِ در رسم الخط و بعضی مصاحف همزه مکسوره منفصل
از ضمیر و مرکز یا متصل بضمیر می نویسند و در بعضی مصاحف
بغیر مرکز یا مَلَإِهِ می نویسند و در بعضی مصاحف همزه را متصل
بضمیر مَلَئِهِ می نویسند حک و اصلاح این لفظ ضرور نیست

کلمه

المؤمنون

کلمه آتَیْنَا مُوسَی کلمه وَآوَیْنَاهُمَا این دو لفظ بهمزه ممدوده مکتوب اند
کلمه مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ بهمزه ممدوده و فتح تا و سکون واو و الف
بعد از واو می نویسند کلمه یَجْأَرُونَ کلمه لَا تَجْأَرُوا الْیَوْمَ
در اکثر مصاحف این دو لفظ بهمزه منفصل مکتوب اند و در رسم
الخط و بعضی مصاحف یَجْئَرُونَ لَا تَجْئَرُوا الْیَوْمَ متصل نوشته
میشوند و همزه بشکل سر عین بعد از جیم بغیر مرکز می نویسند
اولی آنست این دو لفظ را بهر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند
و حک و اصلاح آن نکنند کلمه بَلْ أَتَیْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ بفتح همزه
مکتوبست کلمه أَئِذَا مِتْنَا کلمه أَئِنَّا لَمَبْعُوثُونَ در اکثر مصاحف
این دو لفظ همزه مکسوره بر مرکز یا متصل بذال و متصل بنون
مکتوب اند و در رسم الخط و بعضی مصاحف ءَإِذَا ءَإِنَّا بدون
همزه منفصل می نویسند حک و اصلاح این الفاظ ضرور نیست

فَأَنَّی بعد از نون یای نویسند و بالف میخوانند کلمه
سَیَقُولُونَ لِلَّهِ سه موضع در مصاحف بغیر همزه مکتوب اند
و در کتب رسم الخط مذکور است که در مصاحف شام و کوفه
و حجاز لِلَّهِ در این سه موضع بغیر الف مکتوب اند و در مصاحف
بصره و مدینه که مسمی بمصحف امام است سَیَقُولُونَ اللَّهُ بالف
بعد از نون و قبل از لام نوشته شده و در رسم الخط چون
لفظ الف ذکر کرده ظاهر شد آنست که در رسم الف نویسند
و بلفظ در نیاید و لِلَّهِ بغیر همزه خوانده شود والله اعلم
کلمه بَلْ أَتَیْنَاهُمْ بِالْحَقِّ بفتح همزه مکتوبست کلمه وَلَعَلَا
بَعْضُهُمْ چون بمعنی علو است در رسم الخط و مصاحف بالف
نوشته میشود کلمه أَنْ یَحْضُرُونِ کلمه ارْجِعُونِ این دو لفظ
بکسر نون مکتوب اند کلمه قَالَ اخْسَئُوا در تحت همزه مضمومه

واو

النور

واو می نویسند و بواو میخوانند و بعد از واو الف می نویسند
سورة النور اربع و بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ ستون آیه و هی مدنیة
کلمه أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَیْهِ در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء
طولانی مکتوبست کلمه وَیَدْرَؤُا صیغه مفرد است در اکثر
مصاحف بواو می نویسند و بعد از واو الف نمی نویسند و در
رسم الخط بواو می نویسند و بعد از واو الف می نویسند و بغیر
واو میخوانند و در بعضی مصاحف وَیَدْرَءُ بهمزه مضمومه
بغیر واو می نویسند حک و اصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه
جَاءُو هر جا واقع شود صیغه جمع است در مصاحف بواو
می نویسند و بواو میخوانند و بعد از واو الف می نویسند و در رسم
الخط بعد از واو الف می نویسند بهتر آنست که این لفظ بهر نوع
که نوشته باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن

نکنند کلمه لِكُلِّ امْرِئٍ در رسم الخط و اکثر مصاحف در تحت همزه
مکسوره منونه یا می نویسند و بغیر یا میخوانند و در بعضی مصاحف
لِكُلِّ امْرِءٍ بغیر یا می نویسند کلمه فِي مَا أَفَضْتُمْ در رسم الخط و
مصاحف منفصل و متصل هر دو می نویسند کلمه أُولِي الْقُرْبَىٰ کلمه
أُولِي الْإِرْبَةِ در این دو لفظ در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از
همزه مضمومه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند کلمه مُبَرَّءُونَ
در تحت همزه مضمومه واو نوشته میشود و بواو خوانده
میشود کلمه أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ در رسم الخط و اکثر مصاحف بحذف
الف بعد از ها مکتوب است و ابن عامر بتبعیة ضمه یا ها
أَيُّهُ را بضم میخواند و ابو عمرو و کسائی در حال وقف أَيُّهَا بالف
وقف میکنند و باقی قراء رعایت رسم الخط نموده بغیر الف وقف
می نمایند اولی آنست که این لفظ را بهر نوعی که نوشته باشند

بحال

النور

بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند کلمه مِمَّا مَلَكَتْ در
رسم الخط و مصاحف موصول است کلمه مِنْ مَالِ اللَّهِ در رسم
الخط و مصاحف مقطوع است کلمه وَآتُوهُمْ کلمه آتَاكُمْ این
دو لفظ بهمزه ممدوده مکتوب اند کلمه كَمِشْكَوٰةٍ مثل صَلَوٰةِ
بواو می نویسند و بالف میخوانند کلمه يَهْدِي اللَّهُ بعد از دال
یا می نویسند کلمه فَوَفَّاهُ کلمه يَغْشَاهُ کلمه يَرَاهَا در این سه موضع
مرکن یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند کلمه يُؤَلِّفُ
در تحت همزه مفتوحه واو نوشته میشود و بغیر واو خوانده
میشود کلمه عَنْ مَنْ يَشَاءُ در رسم الخط و بعضی مصاحف مقطوع است
و در بعضی مصاحف عَمَّنْ يَشَاءُ موصول می نویسند حک
و اصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه لِأُولِي الْأَبْصَارِ
در رسم الخط و مصاحف بعد از همزه مضمومه واو می نویسند

و بغیر واو میخوانند کلمه فَيُنَبِّئُهُمْ در رسم الخط و اکثر مصاحف
مرکن همزه متصل بضمیر مکتوب است سورة الفرقان سبع وسبعون آية وهي مكية
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ کلمه آلِهَةً بهمزه ممدوده و کسر لام مکتوب است
کلمه جَاءُوا صیغه جمع است بواو نوشته میشود بواو خوانده میشود
و در اکثر مصاحف بعد از واو الف می نویسند و در رسم الخط و
بعضی مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند حک و اصلاح این
لفظ ضرور نیست کلمه مَالِ هَٰذَا الرَّسُولِ در رسم الخط و اکثر
مصاحف منفصل نوشته میشود کلمه وَعَتَوْا صیغه جمع است
در بعضی مصاحف بعد از واو الف می نویسند و در رسم الخط
و بعضی مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند این لفظ احتیاج
بحک و اصلاح ندارد و بجهت توضیح که عتوا صیغه جمع است
از تفسیر نقل شد لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا

كبيرا

الفرقان

كَبِيرًا هر آینه تحقیق بزرگ جستند ایشان برای ذات خویش بطلب
کردن مرتبه که ایشان لایق آن نبودند و از حد درگذشتن و تجاوز
کردن ایشان تجاوز کردنی بزرگ کلمه فُؤَادَكَ در رسم الخط
و اکثر مصاحف بواو و همزه مفتوحه بشکل سر عین بر بالای واو و
همزه ثانی بصورت الف نوشته میشود و بهمزه بغیر واو خوانده
میشود و در بعضی مصاحف فُؤَادَكَ بیک همزه می نویسند کلمه
آتَيْنَا مُوسَىٰ بهمزه ممدوده مکتوب است کلمه وَأَعْتَدْنَا بفتح همزه قطع
نوشته میشود کلمه وَثَمُودَ در اکثر مصاحف بغیر الف مکتوب است
و در رسم الخط وَثَمُودَا بالف نوشته میشود چون ثَمُودًا بر قراءت
بتنوین و ثَمُودَ بغیر تنوین هر دو خوانده میشود بنا بر آن در
رسم الخط بعد از دال الف می نویسند کلمه وَلَقَدْ أَتَوْا بفتح همزه و
فتح تا و الف بعد از واو مکتوب است کلمه عَنْ آلِهَتِنَا بهمزه ممدوده

وکسر لام مکتوب است کلمه اَلهَکُم بهمزه مکسوره نوشته میشود
کلمه یَعبَؤُا بِکُم صیغه مضارع است بواو نوشته میشود ودر
اکثر مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند ودر رسم الخط وبعضی
مصاحف بعد از واو یَعبَؤُا الف می نویسند وبهمزه مضمومه بغیر واو
میخوانند حذف واصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه دُعَاؤُکُم در
رسم الخط وبعضی مصاحف بواو می نویسند وبغیر واو میخوانند
ودر بعضی مصاحف بهمزه مضمومه بغیر واو دُعَاءُکُم می نویسند
این لفظ احتیاج بحک واصلاح ندارد سورة الشعراء مائتان وسبع
وعشرون آیه وهی مکیه بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِیمِ کلمه اَلَّا یَکُونُوا در رسم
واکثر مصاحف بحذف نون وتشدید لام مکتوب است کلمه اَنبٰٓؤُا
بتقدیم نون بر با مضبوط است ودر اکثر مصاحف بالف وهمزه
منفصل بغیر واو مکتوب است ودر بعضی مصاحف بالف وهمزه

منفصل

الشعراء

منفصل با واو اَنبٰٓؤُا می نویسند ودر رسم الخط وبعضی مصاحف
بحذف الف وواو متصل وهمزه بشکل سر عین بر بالای واو والف بعد از
واو اَنبٰٓؤُا می نویسند وبهمزه مضمومه بغیر واو میخوانند حک
واصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه یَستَهزِءُونَ در تحت همزه
مضمومه واو می نویسند وبواو میخوانند وابوجعفر بضم زای بسکون
واو بغیر همزه میخوانند کلمه اَئِنَّ بدو همزه وهمزه ثانی بشکل
سر عین بر مرکز یا نوشته میشود کلمه اَن یُکَذِّبُونِ کلمه اَن یَقتُلُونِ
کلمه سَیَهدِینِ کلمه فَهُوَ یَهدِینِ کلمه وَیَسقِینِ کلمه فَهُوَ یَشفِینِ
کلمه ثُمَّ یُحیِینِ کلمه کَذَّبُونِ کلمه اَطِیعُونِ لفظ آخر که اَطِیعُونِ است
هشت موضع که مجموع شانزده موضع باشد وبنا بر قرائت
عاصم وباقی قراء سبعه در جمیع این مواضع در حال وصل ووقف
بکسر نون بغیر یا نوشته میشود الا یعقوب که او در جمیع این

مواضع در حال وصل ووقف بکسر نون واثبات یا میخواند کلمه اِذًا
در موضع بفتح ذال منونا وبالف می نویسند کلمه اَئِنَّ در رسم الخط
وبعضی مصاحف همزه ثانی بر مرکز یا متصل بنون مکتوب است
ودر بعضی مصاحف بدون همزه منفصل ءَاِنَّ نوشته میشود
کلمه وَلَاُصَلِّبَنَّکُم در اکثر مصاحف بعد از همزه مضمومه واو نمی
نویسند ودر رسم الخط وَلَاُوصَلِّبَنَّکُم بعد از همزه واو می نویسند
وبغیر واو میخوانند ودر کتب رسم الخط ذکر شده که بغیر واو
نوشتن نیز جایز است اولی آنست که این کلمه بغیر واو نوشته
شود وهرگاه درست توان خواند حک واصلاح آن ضرور نیست
کلمه لَاضَیرَ بضاد مکتوب است کلمه لَغَائِظُونَ بظا نوشته
میشود کلمه حٰذِرُونَ بحذف الف کتابت میشود کلمه تَرَاءَ الجَمعَانِ
در رسم الخط واکثر مصاحف بهمزه مفتوحه بغیر یا مکتوب است

[illegible]

الشعراء

ودر بعضی مصاحف تَرَاءَی الجَمعَانِ در تحت همزه مفتوحه یای
نویسند وبغیر یا میخوانند وبهتر آنست که این لفظ بغیر یا نوشته
شود کلمه ثُمَّ اَغرَقنَا الآخَرِینَ بفتح ثا مکتوب است کلمه مَن اَتَی اللهَ بعد از
تا یای نویسند ودر حال تلاوت بلفظ در نمی آید کلمه اَینَ مَا کُنتُم در رسم
الخط وبعضی مصاحف مقطوع است ودر بعضی مصاحف اَینَمَا موصول است
این لفظ احتیاج بحک واصلاح ندارد کلمه وَالغَاوُنَ دو موضع
در رسم الخط وبعضی مصاحف بیک واو می نویسند وبدو واو
میخوانند ودر بعضی مصاحف بدو واو سیاهی وَالغَاوُونَ
می نویسند واگر بدو واو سیاهی نوشته باشند یک واو را حک
نکنند واگر بیک واو نوشته باشند واو برخی عبث دو فاید
الحاق نکنند زیرا که سرخی از برای خلاف است ودر اینجا خلاف
نیست وجهت تذکیر خاصه بر حاشیه مصحف بنویسند تکتب بواو

واحدةٍ وتلفظ بواوين الاولى مضمومة والثانية ساكنة
ولكن خواهند عبارت مختصر نويسند تكتب بالواو وتلفظ با
لواوين ولكن خواهند در تحت آن كلمه بنويسند بالاشباع ودر بعضى
كتب رسم الخط مكتوبست الغاوٗن باثبات الف والغوٗن بحذف
الف هر دو نوشتن جايز است كلمه خُلُقُ الاوّلين بنا بر قراءت عاصم
وجمعى كه با او متفق اند بضم خا وضم لام نوشته ميشود وبنا بر روايت
ابن كثير وابو عمرو وكسائى بفتح خا وسكون لام خَلْقُ الاوّلين
كتابت ميشود كلمه فيما در رسم الخط وبعضى مصاحف مقطوع است
ودر بعضى مصاحف فيما موصول است حك واصلاح اين لفظ ضرور نيست
كلمه هٰهُنا در رسم الخط وبعضى مصاحف متصل مى نويسند ودر بعضى
مصاحف ها هنا منفصل مى نويسند كلمه هَضِيمٌ بضاد مكتوبست
كلمه اصحاب الايكة در اكثر مصاحف بالف لام تعريف وهمزه متصل

بالف

الشعراء بالف لام تعريف مى نويسند ودر رسم الخط بيك لام ساكنه متصل
بيا وهمزه مفتوحه بشكل سرعين بعد از لام وياء ساكنه متصل
بكاف ودو نقطه يا در تحت مركز اصحاب لئيكة مى نويسند
وبنا بر قراءت نافع وابن كثير وابن عامر بفتح لام بغير الف
قبل از لام وبغير همزه بعد از لام وفتح تاء تانيث در حال وصل لَئيكَة
نوشته ميشود ودر رسم الخط ذكر كرده اصحاب لئيكة هنا
وفى سورة ص هكذا اولى آنست كه اين كلمه بالف لام تعريف و
همزه متصل بالف لام تعريف بصورت اوّل نوشته شود والله
اعلم كلمه عُلَمٰاءُ در اكثر مصاحف باثبات الف وهمزه مضمومه
بغير واو مى نويسند ودر رسم الخط بحذف الف واتصال واو
بميم وهمزه بشكل سرعين بر بالاى واو الف بعد از واو عُلَمٰؤُا
مى نويسند وبغير واو ميخوانند ودر كتب رسم الخط درين كلمه

درين سوره وسوره فاطر ذكر خلاف كرده وگفته العلمٰؤا فيه
خلاف ان اراد يكتب العلماء بغير واو وكذا فى سورة
فاطر اولى آنست كه اين كلمه را هر نوع كه نوشته باشند بحال
خود بگذارند وحك واصلاح آن نكنند كلمه ذِكرىٰ بعد از
زا ياى نويسند وبالف ميخوانند كلمه اُنَبِّئُكُمْ همزه ثانى بر مركز
يا مكتوبست كلمه الغاوٗن درين سوره مذكور شد حكم
اين كلمه از جميع جهات حكم كلمه گذشته دارد سورة النمل ثلث
وتسعون آية وهى مكية بسم الله الرحمن الرحيم كلمه سُوءُ
العذاب در رسم الخط ومصاحف بهمزه مضمومه بغير واو
مكتوب است كلمه وَلَقَدْ اٰتَيْنَا بهمزه ممدوده مكتوبست
كلمه وَقَالَا الْحَمْدُ قالا بصيغه تثنيه نوشته ميشود
ودر حال وصل الف بلفظ در نمى آيد كلمه وَاُوتِينَا بعد از

همزه

النمل همزه مضمومه واو مى نويسند وبواو ميخوانند كلمه اَتَوْا عَلٰى بفتح
همزه وفتح تا وسكون واو والف بعد از واو مى نويسند كلمه وَادِ النَّمْلِ
در رسم الخط واكثر مصاحف بكسر دال بغير يا مكتوبست ودر بعضى
مصاحف وادى بعد از دال ياى نويسند وبهتر آنست كه يا
درين كلمه نوشته نشود كلمه تَرْضٰيهُ مركز يا متصل بضاد نوشته
ميشود وبالف خوانده ميشود كلمه لَا اَرَى الْهُدْهُدَ بعد از
را يا مى نويسند ودر حال وصل ساقط است كلمه اَوْ لَاَاَذْبَحَنَّهُ
در اكثر مصاحف بفتح لام وهمزه مفتوحه متصل بلام وسكون
ذال مكتوب است ودر رسم الخط بفتح لام وهمزه مفتوحه متصل
بلام والف زايد وسكون ذال لَااَذْبَحَنَّهُ مى نويسند
واولى آنست كه الف زايد نوشته نشود زيرا كه توهم آن
ميشود كه در حال تلاوت غلط خوانده شود هر كه درست

بتوان خواند حک و اصلاح آن ضرور نیست کلمه وَاُوتِیتَ بعد از همزهٔ
مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند کلمه اَلَّا یَسْجُدُوا در مصاحف
یا متصل بسین مکتوب است و در بعضی کتب رسم الخط بیاء منفصل
از سین اَلَّا یَا اُسْجُدُوا می نویسند و ذکر شده در رسم الخط اولی
اتصال یا بسین است که اَلَّا یَسْجُدُوا بصورت اوّل باشد کلمه الْخَبْءَ
در رسم الخط و بعضی مصاحف همزه را بعد از یا بشکل سر عین منفصل
می نویسند و در بعضی مصاحف همزه بصورت الف متصل به با الْخَبْاَ
می نویسند این لفظ احتیاج بحک و اصلاح ندارد کلمه یٰاَیُّهَا
الْمَلَأُ سه موضع در اکثر مصاحف بغیر واو می نویسند و در رسم
الخط بواو متصل بلام و همزه بشکل سر عین بر بالای واو و الف بعد از
واو الْمَلَؤُا می نویسند و بغیر واو میخوانند حک و اصلاح این
مواضع ضرور نیست کلمه اَتُمِدُّونَنِ همزه مکتوب است کلمه

اَتُمِدُّونَنِ بنا بر قراءت عاصم و جمعی که با او متفق اند بنون مکرره
بغیر یا نوشته میشود و بنا بر روایت ابن کثیر و حمزه اَتُمِدُّونَنِی
بعد از نون مکسوره یا می نویسند و در حال وصل و وقف بیا میخوانند
و نافع و ابو عمرو در حال وصل بیا میخوانند و بس کلمه اٰتٰانِیَ اللّٰهُ
در اکثر مصاحف بالف منفصل و یاء بعد از نون مکتوب است
و در رسم الخط و بعضی مصاحف که بر روش رسم الخط نوشته
باشند اٰتٰنِیَ اللّٰهُ متصل بنون و حذف الف و اثبات یا بعد از
نون می نویسند و در بعضی کتب رسم الخط اٰتٰنِ متصل بنون
و حذف یا بعد از نون مکتوب است و این کلمه را حفص و جمعی
که با او متفق اند در حال وصل بیاء مفتوحه اٰتٰانِیَ اللّٰهُ خوانده اند
و در حال وقف بیا و حذف یا هر دو از ایشان نقل کرده اند و یکی
و جمعی که با او متفق اند در حال وصل و وقف بحذف یا اٰتٰانِ اللّٰهُ

میخوانند چون درین زمان مصاحف بسیاهی بروایت حفص نوشته
میشود اولی آنست که باثبات یا اٰتٰانِیَ اللّٰهُ کلمه ءَاَشْكُرُ همزه
ممدوده مکتوب است کلمه وَاُوتِینَا الْعِلْمَ بعد از همزهٔ مضمومه
واو می نویسند و بواو میخوانند کلمه لَهَا ادْخُلِی الصَّرْحَ بعد از
لام یا می نویسند کلمه قَالُوا اطَّیَّرْنَا همزه مقدم بر طا و تشدید طا
بغیر الف لام نوشته میشود که فعل باشد و اگر کاتب از روی سهو
الطَّیْرَنَا بالف لام نوشته باشد غلط است حک باید کرد کلمه
اَئِنَّكُمْ همزهٔ ثانی بر مرکز یا مکتوب است کلمه آٰللّٰهُ در رسم الخط
و اکثر مصاحف بیک همزه ممدوده نوشته میشود و در بعضی
کتب رسم الخط و بعضی مصاحف بدو همزه بسیاهی ءآللّٰهُ کتابت
میشود اولی آنست که اگر این لفظ را بدو همزه بسیاهی نوشته باشند
یکی را حک نکنند و اگر بیک همزه نوشته باشند همزه بسرخی

عبث و بی فایده الحاق نکنند زیرا که سرخی از برای خلاف است
و در اینجا خلاف نیست کلمه یَبْدَؤُا الْخَلْقَ صیغه مفرد است در اکثر مصاحف
بواو می نویسند و بغیر واو میخوانند و بعد از واو الف نمی نویسند و
در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو الف می نویسند کلمه
بَلِ ادّٰارَكَ همزه پیش از دال و تشدید دال بغیر الف لام نوشته
میشود که فعل باشد و اگر کاتب از روی سهو الف لام نوشته باشد
غلط است حک باید کرد کلمه اَئِذَا کلمه اَئِنَّا در اکثر مصاحف درین
دو لفظ همزهٔ ثانی بشکل سر عین بر مرکز یا متصل نوشته میشود و
در رسم الخط و بعضی مصاحف بدو همزه منفصل ءَاِذَا ءَاِنَّا
می نویسند کلمه لَذُو فَضْلٍ در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از واو
الف نمی نویسند کلمه بِهٰادِی الْعُمْیِ بعد از دال یا مکتوب است کلمه
جٰاءُوا بواو می نویسند و بواو میخوانند چون صیغه جمع است

در اکثر مصاحف بعد از واو الف می‌نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف
بعد از واو الف نمی‌نویسند حذف و اصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه آتَوْهُ
بنا بر روایت حفص و جمعی که با او متفق‌اند بفتح همزه و فتح تا و سکون
واو نوشته میشود و بنا بر روایت بکر و جمع که با او متفق‌اند بهمزه
ممدوده و ضم تا و سکون واو اتوه کتابت میشود کلمه وَتَرَى الْجِبَالَ
بعد از را یا مکتوبست کلمه يَوْمَئِذٍ بنا بر قراوت عاصم و جمعی که با او
متفق‌اند بفتح میم نوشته میشود و بنا بر روایت ابن کثیر و ابو عمرو
و ابن عامر يَوْمِئِذٍ بکسر میم کتابت میشود کلمه فَانِ اتْلُوَ صیغه
متکلم است در اکثر مصاحف بعد از واو الف نمی‌نویسند و در رسم
الخط و بعضی مصاحف بعد از واو الف می‌نویسند سورة القصص
ثمان و ثمانون آیة و هی مکیة بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ کلمه نَتْلُو در بعضی مصاحف
بعد از واو الف نمی‌نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از

واو نتلوا الف می‌نویسند کلمه عَلَا فِي الْأَرْضِ چون بمعنی علو است
در رسم الخط و مصاحف بالف می‌نویسند کلمه امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ در رسم الخط
و مصاحف بتاء طولانی مکتوب است و در بعضی مصاحف بتاء مدور
می‌نویسند حک و اصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه قُرَّتُ در رسم الخط
و اکثر مصاحف بتاء طولانی مضبوط است و در بعضی مصاحف قُرَّةُ
بتاء مدور می‌نویسند و بهتر آنست که بتاء طولانی نوشته شود کلمه
فُؤَادُ در رسم الخط و اکثر مصاحف بی‌همزه مکتوب است و در بعضی
مصاحف بیک همزه فؤادی نویسند و بهمزه بغیر واو می‌نویسند کلمه
اٰتَيْنَاهُ بهمزه ممدوده مکتوب است کلمه مِنْ اَقْصَا الْمَدِينَةِ در رسم
الخط و بعضی مصاحف بالف نوشته میشود و در بعضی مصاحف
مِنْ اَقْصَى الْمَدِينَةِ بیای می‌نویسند اولی آنست که این لفظ را هر نوعی که
نوشته باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند کلمه

اطَّلِعُ بفتح همزه قطع نوشته میشود و در همه حال ثابت است کلمه
اٰتَيْنَا مُوسٰی بهمزه ممدوده مکتوب است کلمه الاُولٰی بعد از همزه مضمومه
واو می‌نویسند و بواو می‌خوانند کلمه تَتْلُو صیغه مفرد است در
بعضی مصاحف بعد از واو الف می‌نویسند و در رسم الخط و بعضی
مصاحف بعد از واو تتلوا الف می‌نویسند کلمه اذْ نَادَيْنَا بفتح
دال و سکون یا مکتوبست کلمه مَا اٰتَيْهُمْ بفتح همزه نوشته میشود کلمه
لَوْلَا اُوتِيَ کلمه مَا اُوتِيَ کلمه بِمَا اُوتِيَ درین سه لفظ بعد از همزه
مضمومه واو می‌نویسند و بواو می‌خوانند کلمه هُوَ اَهْدٰى بفتح همزه قطع
مکتوب است و بعد از دال یای می‌نویسند و بالف میخوانند کلمه اتَّبِعْهُ
بفتح همزه قطع و تاء مشدده مفتوحه و کسر با و سکون عین نوشته
میشود کلمه فَاِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا در رسم الخط و اکثر مصاحف نون منفصل
از لام مکتوب است کلمه هَوٰيهُ مرکز یا متصل بضمیر می‌نویسند و با الف

لَعَلِّي اٰتِيكُمْ بهمزه ممدوده مکتوبست کلمه فَلَمَّا اَتٰهَا بفتح همزه نوشته
میشود کلمه مِنْ شَاطِئِ بیای می‌نویسند و بهمزه مکسوره بغیر یا میخوانند
کلمه الوَادِ در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از دال یا نمی‌نویسند و در بعضی
مصاحف الوادی بعد از دال یا می‌نویسند و بهتر آنست که یا نوشته
شود کلمه فِرْعَوْنَ وَمَلَائِهِ در رسم الخط و اکثر مصاحف همزه
بصورت الف متصل بلام و همزه بشکل سر عین بر مرکز یا متصل بضمیر
می‌نویسند و در بعضی مصاحف مَلَئِهِ متصل وَمَلَاءِهِ منفصل
هر دو می‌نویسند این لفظ احتیاج حک و اصلاح ندارد کلمه مُفْتَرًى
بفتح را منونا بیا مکتوبست کلمه فِي اٰبَائِنَا در رسم الخط و اکثر مصاحف
همزه مکسوره بر مرکز یا متصل بنون نوشته میشود و در بعضی مصاحف
اٰبَاءِنَا بغیر مرکز می‌نویسند کلمه يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ درین موضع
در رسم الخط و اکثر مصاحف بهمزه مضمومه بغیر واو مکتوبست

میخوانند و در بعضی مصاحف بالف منفصل هؤلاء می نویسند کلمه آتیناهم
بهمزه ممدوده و فتح تا و سکون یا مکتوب است کلمه و یدرؤن بعد
همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند کلمه یجبی در رسم الخط
و اکثر مصاحف بعد از با یای می نویسند و بالف میخوانند کلمه یتلو صیغه
مفرد است در بعضی مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند و در رسم
الخط و بعضی مصاحف بعد از واو یتلوا الف می نویسند کلمه مهلکی
بکسر کاف بیا مکتوب است کلمه القری بعد از را یا نوشته میشود
و بالف خوانده میشود در جلف کلمه و ما اوتیتم بعد از همزه مضمومه
واو می نویسند و بواو می نویسند و بواو میخوانند کلمه شرکائی الذین
دو موضع در اکثر مصاحف همزه مکسوره بر مرکز متصل بیا نوشته
میشود و در رسم الخط و بعضی مصاحف همزه مکسوره بغیر مرکز
شرکائی کتابت میشود و اصلاح این مواضع ضرور نیست کلمه

القصص
الانباء بتقدیم نون بر با و بهمزه مضمومه بغیر واو مکتوب است
کلمه فی الاولی بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند کلمه
فبغی بیا نوشته میشود و بالف خوانده میشود کلمه و آتیناه بهمزه ممدوده
مکتوب است کلمه لتنوء صیغه مونث است در اکثر مصاحف بضم
نون و سکون واو و همزه مضمومه بغیر واو زاید نوشته میشود
و در رسم الخط همزه مضمومه را بر بالای واو اصلی میکنند و بعضی
الف بعد از واو لتنوأ می نویسند و بغیر اشباع میخوانند کلمه اولی
القوة بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند کلمه
آتاک الله بهمزه ممدوده مکتوب است و در رسم الخط و بعضی مصاحف
مرکز یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند و در بعضی مصاحف
بهمزه ممدوده و الف منفصل از کاف آتاک الله کتابت میشود کلمه
اوتیته کلمه ما اوتی درین دو لفظ بعد از همزه مضمومه واو

می نویسند و بواو میخوانند کلمه لذو حظ در رسم الخط و مصاحف بعد از
واو الف نمی نویسند کلمه اوتوا العلم بعد از همزه مضمومه واو می نویسند
و بواو میخوانند و بعد از واو ثانی الف می نویسند کلمه و لا یلقیها مرکز
یا متصل بضمیر نوشته میشود و بالف خوانده میشود کلمه من فئة
در اکثر مصاحف همزه مفتوحه بر مرکز متصل بیا مکتوب است و در رسم
الخط فئة بغیر مرکز نوشته میشود کلمه و یکأن الله کلمه ویکأنه
درین دو موضع در رسم الخط و اکثر مصاحف همزه مفتوحه متصل بکاف
مکتوب است کلمه ترجوا صیغه مفرد است در بعضی مصاحف بعد از
واو الف نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو
الف می نویسند سورة العنکبوت تسع و ستون آیه و مکیه بسم الله الرحمن الرحیم
کلمه یرجو صیغه مفرد است در بعضی مصاحف بعد از واو الف
نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو الف

العنکبوت
می نویسند کلمه فأنبئکم همزه ثانی بر مرکز یا مکتوب است کلمه اوذی
بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند کلمه یروا کیف صیغه
جمع است بعد از واو الف مکتوب است کلمه یبدئ الله صیغه مفرد است
در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از دال یا می نویسند و در بعضی
مصاحف بغیر یا یبدئ می نویسند کلمه ینشئ در رسم الخط و اکثر
مصاحف بیا می نویسند و بهمزه مضمومه بغیر یا میخوانند کلمه
و لقائه در رسم الخط و اکثر مصاحف همزه مکسوره بر مرکز یا
متصل بضمیر مکتوب است کلمه یئسوا بواو می نویسند و بواو میخوانند
و بعد از واو الف می نویسند کلمه فأنجیه الله در رسم الخط و اکثر
مصاحف مرکز یا متصل بضمیر نوشته میشود و بالف خوانده میشود
کلمه و مأویکم در رسم الخط و اکثر مصاحف مرکز یا متصل بضمیر می نویسند
و بالف میخوانند و در بعضی مصاحف مأواکم بالف می نویسند و همین

آنست که بیا نوشته شود کلم وَآتَیْنَاهُ بهمزه ممدوده مکتوبست
أَئِنَّكُمْ در رسم الخط و اکثر مصاحف همزه مکسوره بر مرکز یا مکتوبست
~~أَئِنَّكُمْ در رسم~~ ا و در بعضی مصاحف بر و همزه منفصل وَأَئِنَّكُمْ
می نویسند کلم ائْتِنَا بدو همزه و همزه ثانی ساکنه بر مرکز یا مکتوبست
کلم وَارْجُوا صیغه جمع است و بعد از واو جمع الف می نویسند کلم
ثَمُودَ در اکثر مصاحف بغیر الف نوشته میشود چون بتنوین و غیر
تنوین هر دو خوانده میشود بنا بر این در رسم الخط ثَمُودَا یا الف می نویسند
کلم تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ صیغه مفرد است در بعضی مصاحف بعد از
واو الف نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو
تَتْلُوا الف می نویسند کلم لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ بعد از لا الف
نمی نویسند زیرا که لام ابتدا است که همزه وصل با و متصل شو
وجهت تبیین از تفسیر نقل شد لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ هر آینه

شرا

العنکبوت

شک میکردند مبطلان که قرآن از مقروات تست نه آن متلو
جبرئیل بوی کلم أُوتُوا الْعِلْمَ بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و
بواو میخوانند و بعد از واو ثانی الف می نویسند کلم آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ
بروایت حفص و جمعی که با او متفق اند بجمع خوانده اند درین حال
بتاء طولانی باید نوشت وَآيَةٌ بروایت بکر و جمعی که با او
متفق اند با فراد قراءت کرده اند بتاء مدور نوشته میشود
و در رسم الخط ذکر کرده که درین موضع خواه بجمع خوانده شود و خواه با
فراد که بتاء طولانی باید نوشت حک و اصلاح این لفظ ضرور
نیست کلم يُتْلَى بعد از لام یا می نویسند و بالف میخوانند کلم فَا
عْبُدُونِ بکسر نون مکتوب است کلم ذَائِقَةُ الْمَوْتِ همزه
مکسوره بر مرکز یا متصل بقاف مکتوب است کلم لَنُبَوِّئَنَّهُمْ همزه
مفتوحه بر مرکز یا متصل بنون نوشته میشود کلم فَأَنَّى بیا

می نویسند و بالف میخوانند کلم يُؤْفَكُونَ بواو می نویسند و بهمزه
ساکنه بغیر واو میخوانند کلم فَأَحْيَا بِهِ در رسم الخط و اکثر
مصاحف بالف مکتوبست و در بعضی مصاحف فَأَحْيَى بدو یا
نوشته میشود و یاء ثانی قلب بالف میگردد کلم الْحَيَوَانُ بفتح
یا خوانده میشود کلم دَعَوُا اللَّهَ صیغه جمع است بعد از واو الف
می نویسند کلم نَجّٰهُمْ در رسم الخط و اکثر مصاحف بفتح جیم مشدده
و مرکز یا متصل بضمیر نوشته میشود و بالف خوانده میشود و در بعضی
مصاحف نَجَّاهُمْ بالف کتابت میشود و اگر بیا نوشته شود بهتر است
کلم بِمَا آتَيْنَاهُمْ بهمزه ممدوده مکتوبست کلم يَرَوْا صیغه
جمع است بعد از واو الف می نویسند سورة الروم ستون
آیه وهی مکیه بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ کلم بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ کلم
وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ این دو لفظ را در اکثر مصاحف بهمزه مکسوره

بغیر

الروم

بغیر یا می نویسند و در رسم الخط در تحت همزه مکسوره یا از اینه
بِلِقَائِ وَلِقَائِ می نویسند و بغیر یا میخوانند کلم وَأَثَارُوا الْأَرْضَ
بفتح همزه و واو بعد از ثاء الف بعد از واو می نویسند کلم أَسَاؤُا
در تحت همزه مضمومه واو نوشته میشود بعد از واو الف کتابت
میشود و واو در حال وصل بلفظ در نمی آید و در حال وقف بواو
خوانده میشود کلم السُّوأَى در رسم الخط و مصاحف بضم سین
و سکون واو و همزه ممدوده و بعد از همزه یای که بدل بالف
میشود می نویسند کلم يَبْدَؤُا الْخَلْقَ صیغه مفرد است در بعضی
مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند و در رسم الخط بعد از واو
الف می نویسند این لفظ احتیاج بحک و اصلاح ندارد کلم
شُفَعَاءُ در اکثر مصاحف باثبات الف و همزه مضمومه
بغیر واو می نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف

که بر ینسق رسم الخط نوشته باشند بحذف الف واو و متصل و همزه
مضمومه بر بالای واو و الف بعد از واو شُفَعٰٓؤُا می نویسند
و بغیر واو میخوانند و در بعضی مصاحف باثبات الف و واو
در تحت همزه مضمومه شُفَعَاؤُ می نویسند و بهتر آنست که کتابت
قرآن باثبات الف بغیر واو شُفَعَاءُ کرده شود و چون سبب
تضییع و مالیت مصاحف میشود هرگاه درست توان خواند
بهر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح
آن نکنند کلمه وَلِقَآءِ الْاٰخِرَةِ حکمش در اول سوره گذشت کلمه
وَابْتِغَاۤؤُکُمْ در رسم الخط و اکثر مصاحف در تحت همزه
مضمومه واو نوشته میشود و بغیر واو خوانده شود و
در بعضی مصاحف وَابْتِغَاءُکُمْ بغیر واو می نویسند
کلمه یَبْدَؤُا الْخَلْقَ صیغه مفرد است حکمش مذکور شد کلمه

اکثر

من ما ملکت کلمه فِیْ مَا رَزَقْنَاکُمْ این دو لفظ در رسم الخط **الروم**
و مصاحف مقطوع و موصول هر دو می نویسند و در بعضی کتب
رسم الخط در کلمه اول مقطوع و در ثانی مقطوع و موصول هر دو جایز است
کلمه فَمَنْ یَّهْدِیْ بعد از دال یا می نویسند و بیا میخوانند کلمه فِطْرَتَ اللّٰهِ
در رسم الخط و مصاحف بتاء طولانی مکتوب است کلمه دَعَوْا صیغه
جمع است بعد از واو الف می نویسند کلمه بِمَآ اٰتَیْنٰهُمْ بهمزه ممدوده
مکتوب است کلمه فَاٰتِ بهمزه ممدوده بکسر تاء طولانی بغیر یا نوشته
میشود کلمه وَمَآ اٰتَیْتُمْ دو موضع جمیع قراء در هر دو موضع بهمزه
ممدوده میخوانند الا ابن کثیر که او در کلمه اول وَمَآ اَتَیْتُمْ بقصر همزه
میخواند کلمه رِبًا بالف وَ رِبٰوا بواو و الف بعد از واو در رسم الخط
و اکثر مصاحف هر دو صورت می نویسند و در حال وصل با منون است
و در حال وقف بالف وقف میشود و بهیچ وجه من الوجوه واو

بت لفظ در نظم آید اولی آنست که اگر رِبًا بالف و اگر رِبٰوا بواو نوشته
باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند کلمه لِیَرْبُوَا
بضم با و فتح واو مکتوب است و در بعضی مصاحف بعد از واو
الف نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو لِیَرْ
بُوَا الف می نویسند و بواو مفتوحه بغیر الف میخوانند کلمه فَلَا
یَرْبُوْا در رسم الخط و اکثر مصاحف بضم با و سکون واو مکتوب است
و بعد از واو الف می نویسند کلمه مِنْ شُرَکَآئِکُمْ همزه مکسوره بر مرکز
یا متصل بضمیر مکتوب است کلمه اَیْدِی النَّاسِ بعد از دال یا می نویسند
کلمه فَیَأتِیَهُمْ در تحت همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند کلمه
فَتَرَی الْوَدْقَ بعد از دال یا می نویسند کلمه اٰثٰرِ بنا بر روایت حفص و جمعی
که با او متفق اند بفتح همزه و فتح ثا و حذف الف بعد از ثا بصیغه
مفرد مکتوب است و بنا بر روایت بکر و جمعی که با او متفق اند

بعد همزه

بمد همزه و فتح ثاء الف بعد از ثا بصیغه جمع اٰثار نوشته میشود **لقمان**
کلمه رَحْمَتِ در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء طولانی مکتوب است
کلمه بِهٰدِی الْعُمْیِ در بعضی مصاحف بعد از دال یا می نویسند
و در رسم الخط و بعضی بِهٰدِ الْعُمْیِ بعد از دال یا نمی نویسند و درین
لفظ در رسم الخط بعبارة البتة تاکید کرده که بِهٰدِ بغیر یا باید
نوشته شود و عبارت کتاب رسم الخط اینست بِهٰدِ والیاء
بعد الدال محذوفة البتة اولی آنست که این لفظ را بهر نوع
که نوشته باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند
کلمه یُؤْفَکُوْنَ هر جا واقع شود در تحت همزه ساکنه واو می نویسند
و بغیر واو میخوانند کلمه اُوْتُوا الْعِلْمَ بعد از همزه مضمومه واو
می نویسند و بواو میخوانند و بعد از واو ثانی الف می نویسند
سورة لقمان اربع و ثلثون آیه و هی مکیة بسم اللّٰه الرحمن الرحیم

کم كَانَ لَمْ يَسْمَعْهَا در رسم الخط و مصاحف باثبات نون مکتوبست
کم وَلَقَدْ اٰتَيْنَا بهمزه ممدوده نوشته میشود کم فَاَنْبِئُكُمْ همزه ثانی
بر مرکز یا مکتوبست و در بعضی مصاحف فَاُنَبِّئُكُمْ منفصل نوشته
میشود و حذف و اصلاح این لفظ ضرور نیست کم اَلْمُرْتَرَوْا بعد از
واو الف می نویسند کم نِعَمَهُ بنا بر روایت حفص و یحیی که با
او متفق اند بکسر نون و فتح عین و فتح میم و ضم ها مکتوبست
و بنا بر روایت بکر و یحیی که با او متفق اند بکسر نون و سکون
عین و فتح میم و فتح تا منونا نِعْمَةً کتابت میشود کم اَنَّ مَا فِي
الْاَرْضِ در رسم الخط و بعضی مصاحف مقطوع است و در بعضی
مصاحف مصححه که از نظر استادان گذشته منظر رسید
اَنَّمَا موصل نوشته شده بود این الفاظ احتیاج بحک و اصلاح
ندارد کم بِنِعْمَتِ اللّٰهِ بتاء طولانی مکتوبست کم دَعَوُا اللّٰهَ

نخ

السجدة

بفتح عین و ضم واو و الف بعد از واو می نویسند کم الغُرُورُ درین
لفظ بفتح عین نوشته میشود سورة السجدة ثلثون آية
وهی مکیة بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ کم افْتَرٰيهُ مرکز یا متصل بضمیر
می نویسند و بالف میخوانند کم مَا اَتٰيهُمْ بفتح همزه نوشته میشود
کم خَلَقَهُ بنا بر قراءت عاصم و حمزه که با او متفق اند بفتح لام
نوشته میشود و بنا بر روایت ابن کثیر و ابو عمرو و ابن عامر
بسکون لام کتابت میشود کم سَوّٰيهُ در رسم الخط و اکثر مصاحف
مرکز یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند و در بعضی
مصاحف بالف منفصل می نویسند و بهتر آنست که متصل نوشته
شود کم اَئِذَا کم اَئِنَّا دو موضع در اکثر مصاحف همزه ثانی
بشکل سر عین بر مرکز یا متصل بذال و نون نوشته میشود و در رسم
الخط و بعضی مصاحف بر وه همزه منفصل ءَاِذَا ءَاِنَّا می نویسند

بالقاء

کم بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ درین موضع در رسم الخط و مصاحف بهمزه
مکسوره بغیر یا مکتوبست کم وَلَوْ تَرٰى بعد از را یا می نویسند
و بالف میخوانند کم لَاٰتَيْنَا بهمزه ممدوده مکتوب است کم لَاَ
مْلَئَنَّ در اکثر مصاحف بهمزه منفصل از نون می نویسند
و در رسم الخط و بعضی مصاحف بهمزه متصل بغیر مرکز لَاَمْلَئَنَّ
می نویسند و در رسم الخط ذکر شده که بهمزه منفصل نوشتن
نیز جایز است بصورت اول و در بعضی مصاحف همزه متصل
با مرکز یا لَاَمْلَئَنَّ می نویسند کم لَا يَسْتَوُوْنَ در رسم الخط
و بعضی مصاحف بیک واو می نویسند و بدو واو میخوانند
و در بعضی مصاحف بدو واو سیاهی لَا يَسْتَوُوْنَ می نویسند
هر که این لفظ را بدو واو سیاهی نوشته باشند بحال
خود بگذارند و یک واو را حک نکنند و اگر بیک واو نوشته

باشند

الاحزاب

باشند واو دیگر بحبث و جه نباید الحاق نکنند زیرا که سرخی
از برای خلاف است و درا بنجا خلاف نیست و اگر خواهند بجهت
تذکیر بر حاشیه مصحف بنویسند بواو واحد فی الخط و بواوین
فی اللفظ یا در تحت آن لفظ بالاشباع بنویسند کم الٰاوِلٰى بعد از واو
یا می نویسند کم فَمَاْوٰيهُمْ مرکز یا متصل بضمیر نوشته میشود
و بالف خوانده میشود و در بعضی مصاحف فَمَاْوَاهُمْ بالف می نویسند
کم وَلَقَدْ اٰتَيْنَا بهمزه ممدوده نوشته میشود کم مِنْ لِقَائِهِ
همزه مکسوره بر مرکز یا متصل بضمیر می نویسند کم اٰخَرِيْنَ وَ ابعد از
واو جمع الف می نویسند سورة الاحزاب ثلث و سبعون آية و هی مدنیة
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ کم ابْنَاءَكُمْ بتقدیم با بر نون مکتوبست
کم يَهْدِي السَّبِيلَ بعد از دال یا می نویسند کم ادْعُوهُمْ صیغه جمع
از امر حاضر چون لفظ هم که ضمیر جمع است با و متصل شده بعد از

واو الف نمی نویسند و همزه در حال وصل ساقط است و در حال
ابتدا بضم خوانده میشود فَاِنْ لَمْ در رسم الخط و بعضی مصاحف
مقطوع است اَوْلِیَاۤئُکُمْ همزه مکسوره بر مرکز یا متصل بضمیر
می نویسند بِنِعْمَةِ اللّٰهِ در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء
مدوّر مکتوب است اِذْجَاۤءُکُمْ در تحت همزه مضمومه واو
می نویسند و بواو میخوانند الظُّنُوْنَا در رسم الخط و اکثر مصاحف
بعد از نون ثانی الف می نویسند و شرح این لفظ در آخر سوره مذکور شد
طَاۤئِفَةٌ همزه مکسوره بر مرکز یا مکتوبست لَاٰتَوْهَا
بهمزه ممدوده نوشته میشود وَالْقَاۤئِلِیْنَ همزه مکسوره بر مرکز
یا نوشته میشود عَنْ اَنْبَاۤئِکُمْ بتقدیم نون بر با مکتوبست
اُسْوَةٌ بنا بر قراءت عاصم و کسائی بضم همزه نوشته میشود
و بنا بر روایت باقی قرا بکسر همزه کتابت میشود یَرْجُوا اللّٰهَ صیغه

موکار

الاحزاب
مفرد است در بعضی مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند و در
رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو الف می نویسند چون اصلح
این لفظ صرف نحیت اِنْ شَاۤءَ در رسم الخط و مصاحف بانفصال
نون از شین نوشته میشود لَمْ تَطَؤُهَا در تحت همزه مضمومه
واو می نویسند و بواو میخوانند تُؤْوِیْهَا در تحت همزه ساکنه واو
می نویسند و بغیر واو میخوانند وَاٰخَتْنَا بفتح همزه قطع مکتوبست
الاُوْلٰی بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند
تَخْشٰهُ مرکز یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند لِکَیْلَا
در رسم الخط و اکثر مصاحف مقطوع است سُنَّةَ اللّٰهِ فِی الَّذِیْنَ
خَلَوْا در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء مدور مکتوبست اَذٰهُمْ
مرکز یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند و همزه در اول کلمه
مفتوح است اٰتَیْتَ بهمزه ممدوده مکتوبست لِکَیْلَا در رسم

الخط و اکثر مصاحف موصول است و در بعضی مقطوع می نویسند اما
در رسم الخط و اکثر مصاحف در کلمه اول مقطوع و این کلمه موصول است
وَتُؤْوِیْ در بعضی مصاحف بعد از واو می نویسند و واو اول
بلفظ در نمی آید و در رسم الخط و بعضی مصاحف یک واو تُوْوِیْ
می نویسند اَدْنٰی هر جا واقع شود بعد از نون یا می نویسند
و بالف میخوانند بِمَا اٰتَیْتَهُنَّ بهمزه ممدوده مکتوبست اِلَّا
اَنْ یُؤْذَنَ در تحت همزه ساکنه واو نوشته میشود و بغیر
واو خوانده میشود اِنٰهُ در اکثر مصاحف بالف مکتوبست
این الفاظ احتیاج بحک و اصلاح ندارد یُؤْذِی النَّبِیَّ در تحت
همزه ساکنه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند و بعد از ذال
یا می نویسند و در حال وصل بلفظ در نمی آید اَنْ تُؤْذُوْا
در تحت همزه ساکنه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند و بعد از

واو

الاحزاب
واو ثانی الف می نویسند اِنْ تُبْدُوْا بعد از واو الف می نویسند
یُؤْذَیْنَ بعد واو نوشته میشود واو اول بلفظ در نمی آید و واو
ثانی خوانده میشود اَدْنٰی بعد از نون یا می نویسند و بالف میخوانند
فَلَا یُؤْذَیْنَ در تحت همزه ساکنه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند
و بفتح ذال و سکون یا خوانده میشود اَیْنَمَا ثُقِفُوْا در رسم الخط
و مصاحف متصل و منفصل هر دو می نویسند سُنَّةَ اللّٰهِ
لِسُنَّةِ اللّٰهِ این دو لفظ در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء مدور
مکتوب اند الرَّسُوْلَا السَّبِیْلَا این دو موضع در رسم الخط
و اکثر مصاحف بالف می نویسند الظُّنُوْنَا که مذکور شد و الرَّسُوْلَا
وَالسَّبِیْلَا چون حفص در حال وقف در این سه لفظ بالف وقف
میکند و یکی در حال وصل و وقف در هر سه موضع بالف
میخواند بنا بر آن در رسم الخط و اکثر مصاحف این سه لفظ را

بیاء بالف می‌نویسند و چون در حال وصل بحذف الف میخوانند
بنابر این در بعضی مصاحف بحذف الف می‌نویسند اولی آنست
که این سه لفظ را بهر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند
و حک و اصلاح آن نکنند و اگر در اصلاح این عبارت بجهت
تبیین و توضیح قراءت بر حاشیه قرآن بنویسند الظُّنُونَا
الرَّسُولَا السَّبِیلَا بحذف الالف فی الحالین فح و فی الوصل
فقط دع و الباقون باثباتها فی الحالین ص و فی الوقف
ع د الالف مرسوم فی الحالین أُذُن بهمزه ممدوده و فتح ذال
و بعد از واو الف می‌نویسند سورة السبا اربع و خمسون آیه مکیه
بسم الله الرحمن الرحیم سَعَوْا در اکثر مصاحف بعد از واو
الف می‌نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف اگرچه صیغه
جمع است اما بطریق جاءُوا بعد از واو الف نمی‌نویسند أُوتُوا

العلم

السبا

العِلْمَ بعد از همزه مضمومه واو می‌نویسند و بواو میخوانند و بعد از واو
ثانی الف می‌نویسند افتری همزه قطع است و در همه حال در کلام
ثابت است و مفتوح است و بعد از را یای می‌نویسند و بالف میخوانند
و حکم این کلمه در اول سوره البقره مذکور شد أَفَلَمْ یَرَوْا
بعد از واو الف مکتوب است وَلَقَدْ آتَیْنَا بهمزه ممدوده
نوشته میشود لِسَبَإٍ اگر بیک همزه متصل اکتفا کنند
احسن است و اگر همزه ثانی بر بالای همزه متصل لِسَبَإٍ بنویسند
نیز حسن است و اگر همزه ثانی را بعد از همزه متصل لِسَبَاءٍ بنویسند
حسن نیست زیرا که توهم غلط خواندن میشود سَیْلَ الْعَرِمِ
بفتح عین و کسر را خوانده میشود و مکرر استماع افتاد که این کلمه
بکسر عین و فتح را العِرَم غلط میخوانند ضرور شد که بیان
اعراب این لفظ بکنند و بهتر آنست که در وقت کتابت

کشش میانه عین و را ببیند مثل هذا العَرِمِ تا اعراب بیکدیگر
مشتبه نشود و غلط خوانده نشود ذَوَاتَیْ بفتح تا و سکون
یا خوانده میشود وَأَثْلٍ بفتح همزه و سکون ثاء مثلثه و کسر لام
منون کتابت میشود قُلِ ادْعُوا الَّذِینَ بعد از واو جمع الف
نویسند رَأَوُا الْعَذَابَ بعد از واو جمع الف مکتوب است
جَزَاءُ الضِّعْفِ در رسم الخط و مصاحف همزه مضمومه بغیر واو
و کسره فاء الضعف مکتوب است و بنابر روایت جمعی از قراء بفتح همزه
منونا و ضم فا جَزَاءً الضِّعْفُ نوشته میشود أَهَؤُلَاءِ
بهمزه مفتوحه قبل از ها مکتوب است وَإِذَا تُتْلَى بعد از
لام یای می‌نویسند و بالف میخوانند مُفْتَرًى بفتح را منونا بیا
مکتوب است وَمَا آتَیْنَاهُمْ در موضع بهمزه ممدوده
مکتوب اند وَمَا یُبْدِئُ الْبَاطِلُ در رسم الخط و اکثر

مصاحف

الملائکه

مصاحف در تحت همزه مضمومه یای می‌نویسند و بغیر یا میخوانند
وَلَوْ تَرَى بعد از را یای می‌نویسند و بالف میخوانند وَأَنَّى
بعد از نون یا نوشته میشود و بالف خوانده میشود
سورة الملائکه خمس و اربعون آیه مکیه بسم الله الرحمن الرحیم أُولِی بعد از
همزه مضمومه واو می‌نویسند و بغیر واو میخوانند مَثْنَى بعد از نون
یا نوشته میشود و بالف خوانده میشود کلمه نِعْمَتَ اللَّهِ در رسم
و اکثر مصاحف بتا و طولانی مکتوب است فَأَنَّى بعد از نون
یای می‌نویسند و بالف میخوانند تُؤْفَکُونَ در تحت همزه
ساکنه واو نوشته میشود و بغیر واو خوانده میشود
الْغَرُورُ بفتح غین قراءت میشود إِنَّمَا در رسم الخط
و اکثر مصاحف موصول است یَدْعُو صیغه مفرد است
در بعضی مصاحف بعد از واو الف نمی‌نویسند و در رسم الخط

و بعضی مصاحف بعد از واو الف می‌نویسند کلمه وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ
هرجا واقع شود بعد از واو یا نوشته میشود کلمه سَائِغٌ همزه
بر مرکز یا مکتوب است و بهمزه مکسوره بغیر یا خوانده میشود
کلمه وَتَرَى الْفُلْكَ بعد از را یا می‌نویسند کلمه الْفُقَرَاءُ بهمزه مضمومه
بغیر واو می‌نویسند کلمه الْأَحْيَاءُ بالف مکتوب است و در تحت
همزه مضمومه واو نمی‌نویسند کلمه الْمُرِّ بعد از را یا نمی‌نویسند
کلمه يَخْشَى اللَّهَ بعد از شین یا مکتوب است کلمه الْعُلَمَاءُ
در اکثر مصاحف باثبات الف و همزه مضمومه بغیر واو نوشته
میشود و در رسم الخط بحذف الف و واو متصل و همزه مضمومه
بر بالای واو و الف بعد از واو الْعُلَمَٰؤُا می‌نویسند و بغیر
واو میخوانند و در کتب رسم الخط مذکور است الْعُلَمَاءُ باثبات
الف و بغیر واو نوشته شود و عبارت کتاب رسم الخط اینست

یجوز

الملائکة

یجوز الْعُلَمَاءُ علی القیاس و بهتر آنست که این کلمه بغیر واو
نوشته شود والله اعلم هر گاه درست توان خواند بهر نوع که نوشته
باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند زیرا که
سبب تضییع قرآن میشود کلمه وَلُؤْلُؤًا در بعضی مصاحف
در لفظ ثانی همزه دیگر بصورت الف لُؤْلُؤًا می‌نویسند کلمه أَرُونِي
بعد از را واو نمی‌نویسند و بواو میخوانند کلمه آتَيْنَاهُمْ بهمزه
ممدوده مکتوب است کلمه أَهْدَىٰ بعد از دال یا می‌نویسند و
بالف میخوانند کلمه سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ کلمه لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا
کلمه لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا این سه موضع در رسم الخط و اکثر
مصاحف بتاء طولانی مکتوب اند کلمه وَلَا يُؤَاخِذُ اللَّهُ در بعضی
مصاحف بیک همزه بشکل سر عین مکتوب است و در رسم الخط
و بعضی مصاحف همزه ثانی بصورت الف وَلَا يُؤَاخِذُ اللَّهُ

می‌نویسند و بهمزه بغیر واو میخوانند کلمه يُؤَخِّرُهُمْ در تحت همزه
مفتوحه واو می‌نویسند و بغیر واو میخوانند سورة یس ثلث و
ثمانون آیه و هی مکیة بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ کلمه وَآثَارَهُمْ بهمزه ممدوده
مکتوب است کلمه أَئِنْ همزه ثانی بر مرکز یا نوشته میشود کلمه أَقْصَا
الْمَدِينَةِ در رسم الخط و بعضی مصاحف بالف مکتوب است و در بعضی
مصاحف اقصی بیا نوشته میشود اولی آنست که این لفظ بهر نوع که نوشته
باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند و در مصاحف
حفظ تمیمه آنچه بنظر رسید بیشتر بیا مکتوب بود کلمه کا
لْعُرْجُونِ حین کاف مثل است متصل بالف لام الْعُرْجُونِ باید نوشت
کلمه مُتَّكِئُونَ بغیر مرکز یا می‌نویسند کلمه أَنْ لَا تَعْبُدُوا در رسم الخط
و اکثر مصاحف مقطوع است کلمه فَأَنَّىٰ بعد از نون یا می‌نویسند
و بالف میخوانند کلمه آلِهَةً بهمزه ممدوده و کسر لام نوشته میشود

کلمه

سورة الصافات

سورة الصافات مائة و اثنتان و ثمانون آیه و هی مکیة

بسم الله الرحمن الرحیم کلمه أَمَّنْ در رسم الخط و اکثر مصاحف
مقطوع است کلمه لَازِبٍ بزا می‌نویسند کلمه رَأَوْا بعد از واو الف
مکتوب است کلمه أَئِذَا مِتْنَا کلمه أَئِنَّا لَمَبْعُوثُونَ در بعضی مصاحف
درین دو لفظ همزه ثانی بر مرکز یا نوشته میشود و در رسم الخط
و بعضی مصاحف بر دو همزه منفصل ءَاِذَا ءَاِنَّا می‌نویسند حک
و اصلاح این الفاظ ضرور نیست کلمه أَئِنَّا لَتَارِكُوا در رسم الخط
و اکثر مصاحف درین لفظ باتفاق همزه ثانی بر مرکز یا می‌نویسند
کلمه أَئِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ کلمه أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا کلمه أَئِنَّا
لَمَدِينُونَ درین سه موضع در بعضی مصاحف همزه ثانی بر مرکز
یا نوشته میشود و در رسم الخط و بعضی مصاحف بر دو همزه منفصل

ءَ اِنَّكَ ءَ اِذَا ءَ اِنَّا می نویسند اولی آنست که این مواضع را بهر نوع
که نوشته باشند بحال خود بگذارد وحک واصلاح آن نکنند
کلم الاُولیٰ وَمَا نَحْنُ بعد ان همزه مضمومه واو می نویسند واو می
نویسند وبواو میخوانند کلم فَمَا لِؤُنَ مِنْهَا در تحت همزه مضمومه
واو می نویسند وبواو میخوانند کلم لَاِلَی الْجَحِیْمِ در اکثر مصاحف بیک
همزه متصل بلام مکتوب است ودر رسم الخط بدو همزه اول متصل
وثانی منفصل لَاِلَی الْجَحِیْمِ می نویسند ودر رسم الخط ذکر کرده
ویجوز بغیر الف کذا لَاِلَی الْجَحِیْمِ وبهتر آنست که بیک همزه متصل
نوشته شود والله اعلم چون سبب تضییع قرآن میشود هرگاه
درست توان خواند حک واصلاح نکنند کلم اَلْفَوْا بعد از واو الف
می نویسند کلم عَلیٰ اٰثَارِهِمْ بهمزه ممدوده مکتوب است کلم وَلَقَدْ

تادیتنا

والصافات

نَادٰینَا در رسم الخط وبعضی مصاحف بعد از دال مرکز یا متصل بنون
نوشته میشود وبالف خوانده میشود ودر بعضی مصاحف بعد از
دال الف بغیر مرکز ی وَلَقَدْ نَادٰینَا بی مرکز یا مکتوب است
کلم فَتَوَلَّوْا بعد از واو الف می نویسند کلم اِنِّیْ اَرٰی کلم مَاذَا
تَرٰی درین دو لفظ بعد از را یا می نویسند وبالف میخوانند کلم
یٰاَبَتِ افْعَلْ هرجا واقع شود در رسم الخط واکثر مصاحف بتاء
طولانی مکتوب است کلم وَنَادَیْنَاهُ بفتح دال وسکون یا خوانده
میشود کلم الرُّءْیَا در بعضی مصاحف در تحت همزه ساکنه واو
می نویسند وبغیر واو میخوانند ودر رسم الخط وبعضی مصاحف
الرُّءیا بغیر واو می نویسند کلم الْبَلٰٓؤُا الْمُبِیْنُ در اکثر مصاحف
باثبات الف وهمزه مضمومه بغیر واو می نویسند ودر رسم الخط

بحذف الف وواو متصل بلام وهمزه مضمومه بر بالای واو والف
بعد از واو الْبَلٰٓؤُا می نویسند وبغیر واو میخوانند کلم وَاٰتَیْنَاهُمَا
بهمزه ممدوده مکتوب است کلم سَلَامٌ عَلٰٓی اِلْیَاسِیْنَ بنا بر قراءت
عاصم وجمعی که با او متفق اند بکسر همزه وسکون لام متصل بیا باید
نوشت وبنا بر روایت نافع وابن عامر بهمزه ممدوده وکسر لام
منفصل از یا آلِ یَاسِیْنَ نوشته میشود ودرین حال مثل
آلِ مُحَمَّدٍ دو کلمه خواهند بود واگر خواهند بر هر کلمه وقف می توان
کرد وبنا بر قراءت عاصم وجمعی که با او متفق اند مجموع در حکم
یک کلمه است وبر لام وقف نتوان کرد بلکه بر نون که آخر
کلمه است وقف باید نمود پس این کلمه در اکثر مصاحف بکسر همزه
وسکون لام متصل بیا اِلْیَاسِیْنَ می نویسند ودر رسم الخط

بکر

بکسر همزه وسکون لام منفصل از یا اِلْ یَاسِیْنَ نوشته میشود ص
کلم اَلِرَبِّكَ بفتح همزه وکسر لام متصل بر امی نویسند کلم اَصْطَفَی الْبَنَاتِ
بهمزه استفهام مکتوب است وهمزه استفهام مفتوح می باشد
ودر همه حال در کلام ثابت است وحکم این کلمه در اول سوره
البقره مذکور شد وابو جعفر بهمزه مکسوره که همزه وصل باشد
میخوانند سوره ص هشتاد وهشت آیه وهی مکیه بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
کلم ذِی الذِّکْرِ بعد از ذال یا مکتوب است کلم فَنَادَوْا بعد از دال
واو می نویسند وبعد از واو الف می نویسند کلم الْمَلَاُ مِنْهُمْ در رسم الخط
واکثر مصاحف بهمزه مضمومه بغیر واو مکتوب است ودر بعضی مصاحف
بواو متصل بلام وهمزه بر بالای واو الْمَلَؤُا می نویسند وبغیر واو میخوانند
کلم خَزَائِنُ همزه مکسوره بر مرکز یا نوشته میشود وبغیر یا خوانده میشود
کلم رَحْمَةِ در رسم الخط وبعضی مصاحف بتاء مدوره مکتوب است ودر بعضی

مصاحف رَحْمَتِ بتاء طولانی می‌نویسند و اصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه ذُو الْاَوْتَادِ در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از واو الف نمی‌نویسند کلمه اَصْحَابُ الْاَیْکَةِ در اکثر مصاحف با الف لام و همزه متصل از یا نوشته میشود و در رسم الخط بلام ساکنه متصل بیا و همزه مفتوحه بشکل سر عین بعد از لام بغیر مرکز اَصْحَابُ لْئَیْکَةِ می‌نویسند و بنابر قراءت نافع و ابن کثیر و ابن عامر بفتح لام و سکون یا بغیر همزه و فتح تاء تانیث لَیْکَةَ نوشته میشود کلمه ذَا الْاَیْدِ بعد از ذال الف می‌نویسند کلمه وَاٰتَیْنَاهُ الْحِکْمَةَ بهمزه ممدوده مکتوب است کلمه وَهَلْ اَتٰیکَ بهمزه مفتوحه نوشته میشود کلمه نَبَؤُا الْخَصْمِ در اکثر مصاحف در تحت همزه مضمومه واو می‌نویسند و بعد از واو الف نمی‌نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو الف می‌نویسند کلمه اِذْ تَسَوَّرُوا

ص

الْمِحْرَابَ صیغه جمع است و بعد از واو الف می‌نویسند و بسین نوشته میشود و قید بسین جهت آن کرد که مصحفی بنظر رسید که اِذْ تَصَوَّرُوا بصاد نوشته شده بود که اگر کاتب از روی سهو بصاد نوشته باشد غلط است بسین باید نوشت و جهت توضیح که صیغه جمع است بتفسیر جمع شده چون بطول انجامید تمام آیه را ذکر نکرد اِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ چون در آمدند ایشان در معبد داود علیه السلام کلمه بِسُؤَالِ در رسم الخط و بعضی مصاحف بواو متصل بسین و همزه بشکل سر عین بر بالای واو و الف بعد از همزه نوشته میشود و بهمزه بغیر واو خوانده میشود کلمه وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوٰی بعد از واو یا می‌نویسند و بالف میخوانند کلمه هٰذَا عَطَاؤُنَا در رسم الخط و اکثر مصاحف در تحت همزه مضمومه واو می‌نویسند و بغیر واو میخوانند و در بعضی مصاحف بغیر واو عَطَاءُنَا می‌نویسند کلمه اِذْ نَادٰی بعد از دال یا

نوشته میشود و بالف خوانده میشود کلمه لِاُولِی الْاَلْبَابِ کلمه اُولِی الْاَیْدِی در این دو موضع بعد از همزه مضمومه واو می‌نویسند و بغیر واو میخوانند کلمه الْمُصْطَفَیْنَ بفتح فا و سکون یا و فتح نون کتابت میشود کلمه وَذَا الْکِفْلِ بعد از ذال الف می‌نویسند کلمه اَتَّخَذْنَاهُمْ بنابر قراءت عاصم و جمعی که با او متفق اند بهمزه استفهام مکتوب است و همزه استفهام مفتوح می‌باشد و در همه حال در کلام ثابت است و بنابر روایت ابو عمرو و حمزه و کسائی بهمزه وصل خوانده میشود و این همزه در حال ابتدا مکسوره و در حال وصل ساقط است و حکم این کلمه در اول سوره البقره مذکور شد کلمه نَبَؤٌا عَظِیمٌ در اکثر مصاحف در تحت همزه مضمومه منونه واو می‌نویسند و بغیر واو میخوانند و بعد از واو الف نمی‌نویسند و در رسم الخط همان صورت می‌نویسند و بعد از همزه الف می‌نویسند که نَبَؤًا باشد و در بعضی

الزمر

مصاحف نَبَأٌ عَظِیمٌ بغیر واو می‌نویسند کلمه بِیَدَیَّ اَسْتَکْبَرْتَ بقراءت جمیع قراء بهمزه استفهام مکتوب است و همزه استفهام دایم مفتوح می‌باشد و در همه حال در کلام ثابت است و حکم این کلمه در اول سوره البقره گذشت کلمه فَانْظِرْنِی بفتح همزه قطع و سکون نون مکتوب است کلمه لَاَمْلَاَنَّ در اکثر مصاحف بهمزه منفصل از نون نوشته میشود و در رسم الخط باتصال لام بنون و همزه بشکل سر عین بعد از لام بغیر مرکز لَاَمْلَـٔنَّ می‌نویسند و در بعضی مصاحف لَاَمْلَاَنَّ همزه بر مرکز نوشته میشود سورة الزمر خمس و سبعون آیه و هی مکیه بسم الله الرحمن الرحیم کلمه فِیمَا هُمْ در رسم الخط و مصاحف موصول و مقطوع هر دو می‌نویسند کلمه لَاصْطَفٰی بعد از لام الف نمی‌نویسند کلمه فَاَنّٰی بعد از نون یا می‌نویسند و بالف میخوانند کلمه یَرْضَهُ بضم

ها بغیر اشباع خوانده میشود الا ابن کثیر و کسائی که ایشان
باشباع میخوانند چنانکه در حال تلفظ واوی از اشباع ضمه حاصل
شود یدعوا صیغه مفرد است در بعضی مصاحف بعد از واو
الف نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو الف
می نویسند امن در رسم الخط و اکثر مصاحف موصول می نویسند و در
بعضی مصاحف ام من مقطوع می نویسند این لفظ احتیاج بحک
و اصلاح ندارد و یرجوا صیغه مفرد است در بعضی مصاحف
بعد از واو الف نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از
واو الف می نویسند رحمة ربه در رسم الخط و اکثر مصاحف
بتاء مدوره مکتوب است قل یا عباد در رسم الخط و اکثر مصاحف
بعد از دال یا نوشته نمیشود یوفی الصابرون بعد از فا
یا می نویسند و در حال تلفظ ساقط است اعبد صیغه متکلم است

نشانی

الزمر
بفتح همزه نوشته میشود له دینی بکسر دال و سکون یا و کسر نون و یاء
ساکنه مکتوب است یا عباد در رسم الخط و اکثر مصاحف
بعد از دال یا نمی نویسند فاتقون بکسر نون بغیر یا مکتوب است
اناب صیغه جمع است بعد از واو الف می نویسند
فبشر عباد در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از دال یا نمی نویسند
و در حال وقف بر دال بغیر یا وقف میکنند الا سوسی که از او در
حال وصل بیاء مفتوحه و در حال وقف بیاء ساکنه عجلانی عنه
منقول است هدیهم الله در رسم الخط و اکثر مصاحف مکن
یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند و در بعضی مصاحف
هدیهم الله بالف می نویسند اتقوا بعد از واو الف مکتوب است
وعد الله بسکون عین نوشته میشود فتنة مکن یا
متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند لذکری بعد از را یا

می نویسند و بالف میخوانند لاولی الالباب بعد از همزه مضمومه واو
می نویسند و بغیر واو میخوانند هدی الله یهدی به درین دو
لفظ بعد از دال یا مکتوب است فاتیهم العذاب بفتح همزه مکتوب است
و در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از تا مکن یا متصل بضمیر نوشته
میشود و بالف خوانده میشود و در بعضی مصاحف بالف منفصل از
ضمیر فاتاهم می نویسند فیه شرکاء در رسم الخط و مصاحف
باتفاق درین موضع باثبات الف و همزه مضمومه بغیر واو مکتوب است
ممن کذب بتخفیف ذال نوشته میشود و کذب بالصدق
بتشدید ذال مکتوب است ما یشاءون در تحت همزه مضمومه
واو می نویسند و بواو میخوانند جزاء المحسنین در بعضی مصاحف
بغیر واو مکتوب است و در رسم الخط و بعضی مصاحف بواو و الف
بعد از واو جزاؤا ای می نویسند و در کتب رسم الخط مذکور است و بجوز

جزاء

الزمر
جزاء علی القیاس بغیر واو نوشتن نیز جایز است اولی آنست که این
لفظ را هر نوع نوشته باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح
آن نکنند و من یهد الله در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از
دال یا نمی نویسند ذی انتقام بعد از دال یا نوشته میشود
من اهتدی بعد از دال یا می نویسند و بالف میخوانند وحده
اشمأزت در اکثر مصاحف بعد از میم بهمزه مفتوحه منفصل
مکتوب است و در رسم الخط باتصال میم بزا و همزه بشکل
سر عین بعد از میم بغیر مرکز اشمأزت می نویسند و در کتب
رسم الخط مذکور است که بهمزه منفصله اشمأزت نوشتن
نیز جایز است فیما کانوا در رسم الخط و مصاحف مقطوع
و موصول هر دو می نویسند لا تقنطوا بعد از لا الف نمی نویسند
قال انما در رسم الخط و اکثر مصاحف موصول است

اُوتِيتُه بعد از همزه مضمومه واو مى نويسند و بواو ميخوانند كلمه
يا حَسْرَتَى در رسم الخط و اكثر مصاحف بعد از تا يا نوشته
ميشود و بالف خوانده ميشود كلمه هَدَانِى در بعضى مصاحف
بعد از دال الف مكتوب است و در رسم الخط و بعضى مصاحف
بعد از دال مركز يا متصل بنون هَدَانِى مى نويسند و بالف
ميخوانند كلمه كَذَبُوا عَلَى اللهِ بتخفيف ذال مكتوب است كلمه مَثْوَى
بسكون ثا و فتح واو مثونا بيا نوشته ميشود كلمه وَيُنَجِّى اللهُ در
رسم الخط و اكثر مصاحف بعد از جيم يا مكتوب است كلمه لَا يَمَسُّهُمُ
السُّوءُ در رسم الخط و مصاحف در تحت همزه مضمومه واو
مى نويسند كلمه وَلَقُوا دُحِىَ بعد از همزه مضمومه واو مى نويسند
و بواو ميخوانند كلمه وَتَعَالَى در اكثر مصاحف بعد از عين بلا الف مكتوب است و در رسم الخط بحذف الف و تعلى مى نويسند

مایده
انعام
اعراف

او است وان تلووا او تعرضوا اعرابها … و او خوانند سوره مايده هذا يوم ينفع
جم يوم … بلا تنوين خوانند چون … است سوره انعام قالوا اقسم … ابراهيم
بسكون خوانند … رقيبا … بكسر … و فتح … خوانند … و تشديد اعراف ما ووري
عنهما واوا … و … خوانند … داود من حليهم بضم حا و كسر لام مخفف
و تشديد يا خوانند انفال ان كان هذا هو الحق … بفتح … خوانند الان
بهمزه مفتوحه … خوانند اووا و نصروا بفتح … خوانند … كنند توبه
واتوا الزكوة فخلوا سبيلهم و بعد از ان واتوا الزكوة فاخوانكم … واتوا الا … دهند
… و حذف … لا يستون … واو خوانند ولا وضعوا بفتح
لام و فتح همزه و سكون واو خوانند لقد ابتغوا الفتنة بفتح … و … خوانند
فانهار به همزه … و نون … كنند يلونكم من الكفار … واو
ساكن ما قبل مضموم بخوانند يونس لا يهدى الا ان يهدى … بفتح يا
و كسر … و تشديد دال … خوانند … الان به همزه خوانند وما يعزب
عن ربك … خوانند ا الله اذن لكم همزه الله … خوانند الان
وقد عصيت … همزه … بخوانند هود … يوميذ … خوانند
يوسف … اول او … و … تا … فالى
سوف استغفر همزه استغفر مفتوح خوانند دعلى الامر … ام … ان
… و ساير سورهاى … الكرايم … حجر واتيناك بالحق بفتح همزه …

بسم الله الرحمن الرحيم در بيان كيفيت بعضى از كلمات قرآنيه … ملكه … خواص … منتفت … ببيه
آنحضرت … قراء … بدانكه اين حقير كثير التقصير ابو طالب اصفهانى … مولف اين …
موسوم … در … رساله … در اين خصوص … كم … بر ترتيب
سور و آيات ايراد نموده سوره بقره انبئهم باسمائهم فلما انبأهم باسمائهم كلمه انبئهم اول
… بكسر با و سكون همزه … خوانند چون فعل امر است و كلمه انبأهم … بفتح با مع همزه مفتوحه …
چون فعل ماضى است عصوا وكانوا يعتدون … مضمومه … كنند … واو
ادغام واو در واو صفراء فاقع همزه صفراء … تنوين خوانند قالوا نؤمن بما انزل
بر سر نون نؤمن همزه … لمن اشتريه ماله فى الاخرة لام لمن … مفتوح خوانند
ثم اضطره همزه اضطره … مفتوح خوانند مسلمين لك … مسلمين … مفتوح
و نون او … مكسور خوانند حافظوا على الصلوات والصلوة الوسطى صلوات اول
… واو … خوانند چون جمع … واتوا الزكوة لهم اجرهم … اتوا … فتح
واو … دهند در اين موضع و در … ان واقيموا الصلوة … چون … دو
فعل … واقيموا الصلوة … اتوا … دهند و واو … آن
چون … فعل … سوره عمران اصطفيك و طهرك واصطفيك يا مريم
اقنتى لربك و بعد از ان ان الله يبشرك و بعد از ان كذلك الله يخلق ما يشاء
… اين كلمات … مكسور خوانند مرجعكم فاحكم بينكم همزه فاحكم … مفتوح
… و … مضموم خوانند … يلوون السنتكم يلوون
… واو … خوانند چون داود و طاوس … و لا تلوون …

نجب

بعمران

كلمه وَجِئَ در اكثر مصاحف بهمزه مفتوحه بعد از يا نوشته المؤمن
ميشود و در رسم الخط بعد از جيم الف و يائى بعد از الف و همزه
مفتوحه بشكل سر عين بالاى يا جائى مى نويسند و بهتر
انست كه اين كلمه بحذف الف نايد و ياى متصل بجيم و همزه
بعد از يا جِئَ نوشته شود و الله اعلم كلمه اِذِ جَاءُوهَا در موضع
در تحت همزه مضمومه واو مى نويسند و بواو ميخوانند كلمه
مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ بثاء ساكنه و واو مفتوحه و يا بعد از واو مكتوب است
در حال وصل بتلفظ در نمى آيد كلمه نَبَّتَوُّءُ در اكثر مصاحف بعد
از واو مشدده همزه مضمومه بشكل سر عين مكتوب است و در رسم
الخط و بعضى مصاحف همزه ثانى بصورت الف نَتَبَوَّءَا مى نويسند

سورة المؤمن خمس و ثمانون آية و هى مكية بسم الله الرحمن الرحيم
كلمه كَلِمَتُ رَبِّكَ در رسم الخط و بعضى مصاحف بتاء طولانى

مکتوب است ودر بعضی مصاحف کلمۀ بتاء مدوره می نویسند کم وَسِعَت
بسکون عین وتاء مطوله مفتوحه مکتوب است کم دَمَرنَا ابائهم
همزه مکسوره برمرکز یا متصل بضمیر نوشته میشود کم یَنَادَونَ
بفتح دال مکتوب است کم لَمَقتُ اللهِ بتاء طولانی نوشته میشود
فَادعُوا اللهَ بعد از واو جمع الف می نویسند کم ذُو العَرشِ در رسم
الخط واکثر مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند ودر بعضی مصاحف
بعد از واو الف می نویسند کم التَّلاقِ بکسر قاف بغیر یا مکتوب است
الا ابن کثیر که او در حال وقف و وصل باثبات یاء ساکنه
میخوانند کم یَومَ هُم در رسم الخط و اکثر مصاحف مقطوع است ودر
بعضی مصاحف یَومَهُم موصول می نویسند حک و اصلاح
این لفظ ضرور نیست کم تَجزِی بعد از زا یا می نویسند بالف
میخوانند کم لَدَی الحَنَاجِرِ در رسم الخط و مصاحف بعد از دال

یا می نوی

المؤمن
یا می نویسند ودر رسم الخط ذکر کرده که لَدَا الحَنَاجِرِ بالف نوشتن نیز
جائز است وعبارت کتب رسم الخط اینست لَدَی الحَنَاجِرِ بالیاء
ویجوز بالالف کذا لَدَا الحَنَاجِرِ ودر بعضی مصاحف نیز لَدَی
الحَنَاجِرِ بیاء ولَدَا الحَنَاجِرِ بالف هردو می نویسند اولی آنست
که این لفظ را بهر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند و
حک و اصلاح آن نکنند کم خَائِنَةَ الاَعیُنِ همزه مکسوره
برمرکز یا متصل بنون مکتوب است کم اَشَدَّ مِنهُم بنا
بر قراءت جمیع قرا بعد از اَشَدَّ مِنهُم نوشته میشود وبنا
بر قراءت ابن عامر اَشَدَّ مِنکُم کتابت میشود کم وَاٰثَارًا
همزه ممدوده مکتوب است کم اَقتُلُ صیغه متکلم است
در جواب امر واقع شده بفتح همزه وسکون لام خوانده میشود
اَتَقتُلُونَ همزه استفهام است بفتح خوانده میشود ودر همه

حال در کلام ثابت است کم لَعَلِّی اَری بعد از را یا نمی نویسند
وبالف میخوانند کم یَومَ التَّنَادِ بنا بر قراءت جمیع قرا بکسر دال
بغیر یا نوشته میشود الا ابن کثیر که او در حال وقف و وصل
بکسر دال و یاء ساکنه بعد از دال یَومَ التَّنَادِی میخوانند کم اَشهُم
بفتح همزه مکتوب است کم قَلبِ مُتَکَبِّرٍ بنا بر قراءت عاصم و
جمعی که با او متفق اند بکسر با بغیر تنوین نوشته میشود
وبنا بر قراءت ابو عمرو وابن ذکوان که راوی ابن عامر است
بکسر با منونا قَلبٍ مُتَکَبِّرٍ می نویسند کم فَاَطَّلِعَ صیغه متکلم است
بفتح همزه قطع نوشته میشود ودر همه حال در کلام ثابت است
ودر قراءت عاصم بروایت حفص وبکر بفتح عین وضم عین
هر دو خوانده اند کم سُوءُ عَمَلِهِ در رسم الخط واکثر مصاحف همزه
مضمومه بغیر واو می نویسند کم وَصَدَّ عاصم وحمزه وکسائی

بضم

المؤمن
بضم صاد خوانده اند وباقی قرا بفتح صاد میخوانند کم اِلَی النَّجَاةِ
در بعضی مصاحف بالف مکتوب است ودر رسم الخط وبعضی
مصاحف اِلَی النَّجَوةِ بواو می نویسند وبالف میخوانند حک و
اصلاح این لفظ ضرور نیست کم فَوَقٰیهُ اللهُ در رسم الخط
واکثر مصاحف مرکز یا متصل بضمیر می نویسند وبالف میخوانند
کم سُوءُ العَذَابِ در رسم الخط و مصاحف همزه مضمومه بغیر
واو نوشته میشود کم اَدخِلُوا بقراءت عاصم بروایت حفص
وجمعی که با او متفق اند بفتح همزه قطع وکسر خا می نویسند واین
همزه در همه حال در کلام ثابت است وبروایت بکر بضم همزه
وصل وضم خا نوشته میشود واین همزه در حال ابتدا منضم
ودر حال وصل ساقط است کم فَیَقُولُ الضُّعَفَاءُ در اکثر
مصاحف باثبات الف وهمزه مضمومه بغیر واو مکتوب است

ودر رسم الخط بحذف الف واو ومتصل بفا وهمزه مضمومه
بشکل سر عین بر بالای واو والف بعد از واو الضُّعَفٰؤُا ای
نوشتن وبغیر واو میخوانند وچون سبب تضییع قرآن میشود
هرگاه درست توان خواند حک واصلاح آن نکنند وَمَا دُعٰٓؤُا
الكافِرِينَ در اکثر مصاحف باثبات الف وهمزه مضمومه
بغیر واو نوشته میشود ودر رسم الخط بحذف الف وواو
متصل بعین وهمزه بشکل سر عین بر بالای واو والف بعد از
واو دُعٰؤُا می نویسند وبغیر واو میخوانند این کلمه در حک واصلاح
حکم الضُّعَفٰؤُا دارد از جمیع جهات لَتَنصُرُ در مصاحف
بدون نون نوشته میشود ودر رسم الخط بین نون لَتَنصُرُ
می نویسند وبدون نون میخوانند ودر کتب رسم الخط مذکور است
که اصح آنست که لتنصر بدون نون نوشته شود سُوٓءُ

الدار

الذی اید در رسم الخط ومصاحف بهمزه مضمومه بغیر واو مکتوبست المؤمن
وَلَقَدْ اٰتَيْنَا بهمزه ممدوده نوشته میشود لِاُولِي الْاَلْبَابِ
بعد از همزه مضمومه واو می نویسند وبغیر واو میخوانند اَشَدُّهُمْ
بفتح همزه مکتوب است وَمَا يَسْتَوِي الْاَعْمٰى بعد از واو
یا می نویسند ودر حال وصل بلفظ در نمی آید وَلَا الْمُسِيٓءُ
در رسم الخط ومصاحف بهمزه مضمومه بغیر واو مکتوبست
اَسْتَجِبْ صیغه متکلم است وهمزه او مفتوح است ودر همه
حال در کلام ثابت است چون در جواب امر واقع شده آخر او مجزوم است
لِلْمُؤْمِنِينَ در رسم الخط واکثر مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند
نَاْتِيَ بعد از نون یا می نویسند وبالف میخوانند تُؤْفَكُونَ
يُؤْفَكُ در این دو لفظ در تحت همزه ساکنه واو
نویسند وبغیر واو میخوانند مَن يَّتَوَفّٰى بعد از فا یای

بنویسند وبالف میخوانند فَاِذَا قَضٰى بعد از ضاد یای نویسند وبالف
میخوانند اَنّٰى بعد از نون یای نویسند وبالف میخوانند اَيْنَ
مَا كُنتُمْ در رسم الخط واکثر مصاحف مقطوع ودر بعضی مصاحف
اَيْنَمَا موصول می نویسند حک واصلاح این لفظ ضرور نیست
تَدْعُو در بعضی مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند ودر رسم الخط
وبعضی مصاحف بعد از واو تَدْعُوا الف می نویسند مَثْوَى
الْمُتَكَبِّرِينَ بعد از واو یای نویسند ودر حال وصل بلفظ در نمی
آید عَاقِبَةُ بتاء مدوره مکتوب است وَاٰثَارًا بهمزه
ممدوده نوشته میشود فَمَا اَغْنٰى بعد از نون یای نویسند
وبالف میخوانند فَرِحُوا فَلَمَّا رَاَوْا لَمَّا رَاَوْا در این سه
لفظ بعد از واو الف می نویسند سُنَّتَ اللّٰهِ در رسم الخط
واکثر مصاحف بتاء طولانی مکتوبست سورة السجدة اربع وخمسون آیة مکیه

بلم

بسم الله الرحمن الرحیم اَئِنَّكُمْ همزه ثانیه بر مرکز یا مکتوبست السجدة
ثُمَّ اسْتَوٰى بعد از واو یا می نویسند وبالف میخوانند
ائْتِيَا همزه ثانی که ساکن است بر مرکز یا مکتوبست
قَالَتَا اَتَيْنَا بهمزه مفتوحه نوشته میشود طَائِعِينَ
در رسم الخط ومصاحف همزه مکسوره بر مرکز یا متصل بضمیر
می نویسند وبالف میخوانند فَاسْتَحَبُّوا الْعَمٰى بعد از واو
الف می نویسند وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ بفتح جیم مشدده وسکون
یا مکتوب است اَعْدَاءُ اللّٰهِ در رسم الخط واکثر مصاحف
بهمزه مضمومه بغیر واو نوشته میشود مَا جَاءُوهَا در تحت
همزه مضمومه واو می نویسند وبواو میخوانند اَرْدٰىكُمْ مرکز
یا متصل بضمیر نوشته میشود وبالف خوانده میشود مَثْوًى
بفتح واو منونا بیا مکتوب است وَالْغَوْا بعد از واو الف نمی نویسند

قه ذَٰلِكَ جَزَآءُ در رسم الخط و اکثر مصاحف بهمزه مضمومه بغیر
واو مکتوبست قه أَرِنَا ٱلَّذَيْنِ در رسم الخط و بعضی مصاحف
بیک لام نوشته میشود و در بعضی مصاحف أَرِنَا ٱللَّذَيْنِ
بدو لام می نویسند حک و اصلاح این لفظ ضرور نیست
قه نَحْنُ أَوْلِيَآؤُكُمْ باثبات الف و همزه مضمومه در تحت
همزه واو می نویسند و در رسم الخط بحذف الف و مرکز یا متصل
بضمیر و همزه مضمومه بشکل سر عین پیش از کاف بغیر مرکز اولیٰکم
می نویسند قه وَلَا تَسْتَوِي ٱلْحَسَنَةُ بعد از واو یای نویسند قه وَمَا
يُلَقَّىٰهَا در رسم الخط و اکثر مصاحف مرکز یا متصل بضمیر نوشته
میشود و بالف خوانده میشود قه ذُو حَظٍّ در رسم الخط و اکثر
مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند قه لَا يَسْـَٔمُونَ در بعضی
مصاحف همزه منفصل مکتوب است و در رسم الخط و بعضی

مصاحف

مصاحف همزه متصل بغیر مرکز لَا يَسْـَٔمُونَ می نویسند اولی
السجده
آنست که این لفظ را بهر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند
و حک و اصلاح آن نکنند قه أَحْيَاهَا در رسم الخط و اکثر مصاحف
بالف مکتوب است قه أَم مَّن يَأْتِي در رسم الخط و بعضی مصاحف
مقطوع است و در بعضی مصاحف أَمَّن موصول می نویسند
حک و اصلاح این لفظ ضرور نیست قه لَذُو مَغْفِرَةٍ قه
وَذُو عِقَابٍ درین دو موضع بعد از واو الف نمی نویسند
قه ءَا۬عْجَمِيٌّ در رسم الخط و اکثر مصاحف بدو همزه می نویسند
و بهتر آنست که همزه اول بشکل سر عین و همزه ثانی بصورت الف
نوشته شود زیرا که حفص و بعضی که با او متفق اند همزه اول را
بفتح و ثانی را بتسهیل کالالف میخوانند و بکر و بعضی که با او متفق اند
بتحقیق هر دو همزه قراءت میکنند قه هُدًى بفتح دال منونا

بیا مکتوب است قه اذانهم بهمزه ممدوده مکتوبست قه
وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا بهمزه ممدوده و سکون یا نوشته میشود قه مِنْ أُنثَىٰ
بعد از ثا یای نویسند و بالف میخوانند قه شُرَكَآئِي در اکثر مصاحف
همزه مکسوره بر مرکز مکتوب است و در رسم الخط و بعضی مصاحف
بهمزه مکسوره بغیر مرکز و یا ساکنه شُرَكَاىِ نوشته میشود قه
ءَاذَنَّٰكَ بهمزه ممدوده مکتوب است قه لَا يَسْـَٔمُ در بعضی
مصاحف منفصل نوشته میشود و در رسم الخط و بعضی
مصاحف بهمزه متصل بغیر مرکز لَا يَسْـَٔمُ می نویسند اولی
آنست که این لفظ را بهر نوع که نوشته باشند بحال خود
بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند قه فَيَـُٔوسٌ در تحت
همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند قه وَنَـَٔا
در بعضی مصاحف بعد از همزه یای نویسند و در رسم الخط

بعضی

حم عسق
و بعضی مصاحف بغیر یا وَنَا می نویسند این لفظ احتیاج بحک و اصلاح
ندارد قه فَذُو دُعَآءٍ در رسم الخط و مصاحف بعد از واو الف
نمی نویسند قه مِن لِقَآءِ در رسم الخط و مصاحف بهمزه مکسوره
بغیر یا مکتوب است سورة حم عسق ثلث و خمسون آیه مکیه
بسم الله الرحمن الرحیم قه يَذْرَؤُكُمْ در رسم الخط و اکثر مصاحف
در تحت همزه مضمومه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند قه
أُورِثُوا ٱلْكِتَٰبَ بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند پنر
و بعد از واو ثانی الف می نویسند قه أَمْ لَهُمْ شُرَكَٰٓؤُا در اکثر
مصاحف باثبات الف بعد از کاف و همزه مضمومه بغیر
واو نوشته میشود و در رسم الخط بحذف الف و واو متصل
بکاف و همزه مضمومه بر بالای کاف بشکل سر عین و الف بعد از
واو شُرَكَٰٓؤُا می نویسند و بغیر واو میخوانند اولی آنست که بغیر

واو نوشته شود هر کاه درست خوانده شود حک و اصلاح آن
نکنند کلمه مَا يَشَاؤُنَ در تحت همزه مضمومه واوی نویسند
و بواو میخوانند کلمه فَإِنْ يَشَإِ اللهُ بعد از شین بهمزه مکسوره
بصورت الف نوشته میشود و اکر همزه ثانی بشکل سر عین
بر بالای همزه اول بنویسند حسن است و اکر همزه ثانی را بعد از
همزه اول فَإِنْ يَشَإِ بنویسند توهم آن میشود که غلط خوانده
شود کلمه وَيَمْحُ اللهُ در رسم الخط و بعضی مصاحف بغیر واو می
نویسند و در بعضی مصاحف وَيَمْحُو اللهُ بواو می نویسند حک
و اصلاح این لفظ ضرور نیست کلمه وَيَعْفُوا عَنِ السَّيِّئَاتِ
کلمه وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ این دو لفظ معهود اند و بواو نوشته
میشوند و بواو خوانده میشود و در اکثر مصاحف بعد از
واو الف نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از

حم عسق

واو یعفوا الف می نویسند کلمه وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ وَيَعْلَمُ درین لفظ
در رسم الخط و مصاحف بعد از فا بسبب عامل واو محذوف است
کلمه فَمَا أُوتِيتُمْ بعد از همزه مضمومه واو نمی نویسند و بواو میخوانند
کلمه كَبَائِرَ همزه مکسوره بر مرکز یا مکتوب است کلمه وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ
صیغه جمع است در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو الف
می نویسند و در بعضی مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند کلمه
شُورَى بعد از را یا می نویسند و بالف میخوانند کلمه وَجَزَاءُ در اکثر
مصاحف بهمزه مضمومه بغیر واو مکتوب است و در رسم الخط
و بعضی مصاحف در تحت همزه مضمومه واو می نویسند و بعد از
واو الف می نویسند که جَزَاؤُا باشد و بغیر واو میخوانند کلمه
فَمَنْ عَفَا در رسم الخط و اکثر مصاحف بالف مکتوب است
و در بعضی مصاحف عَفَى بیا می نویسند کلمه إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ

بفتح لام و کسر میم نوشته میشود درین لفظ میانه لام و میم
کشش باید داد تا اعراب مشتبه نشود و اکر کشش نکند لَمِنْ
بکسر لام و فتح میم غلط خوانده میشود کلمه رَأَوُا الْعَذَابَ بعد از واو
مضمومه الف می نویسند کلمه مِنْ مَلْجَإٍ همزه متصل بصورت الف
مکتوب است و اکر همزه ثانی بشکل سر عین بر بالای همزه اول بکذارند
حسن است و اکر بعد از همزه اول مَلْجَإٍ بنویسند توهم آن میشود
که غلط خوانده شود کلمه مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ در اکثر مصاحف بهمزه
مکسوره بغیر یا مکتوب است و در رسم الخط در تحت همزه مکسوره
یا می نویسند که مِنْ وَرَائِي باشد و بغیر یا میخوانند کلمه لَتَهْدِي
بعد از دال یا می نویسند و بکسر دال و سکون یا میخوانند کلمه مَنْ
يَشَاءُ در رسم الخط و اکثر مصاحف بهمزه مضمومه بغیر واو
سورة الزخرف تسع مکتوب است و ثمانون آیه و هی مکیه

بسم الله الرحمن الرحيم

الزخرف

کلمه أَنْ كُنْتُمْ بنا بر قراءت عاصم و جمعی که با او متفق اند
بفتح همزه می نویسند و بنا بر روایت نافع و کسائی بکسر همزه کتابت
میشود کلمه وَمَضَى در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از
ضاد یا می نویسند و بالف میخوانند و در بعضی مصاحف مضا
بالف می نویسند کلمه سَأَلْتَهُمْ درین موضع در رسم الخط و
اکثر مصاحف بهمزه منفصل بصورت الف مکتوب است و این
کلمه در کتب رسم الخط بخلاف طریقه رسم ضبط شده و در بعضی
مصاحف بهمزه متصل بشکل سر عین سَأَلْتَهُمْ می نویسند کلمه
لِتَسْتَوُوا در رسم الخط و بعضی مصاحف بیک واو می نویسند
و بدو واو میخوانند و در بعضی مصاحف لِتَسْتَوُوا بدو واو
می نویسند و بعد از واو الف می نویسند و اکر بدو واو سیاهی
نوشته باشند یک واو را حک نکنند و اکر بیک واو نوشته

باشند واو برزخ عبث در بی فایده الحاق نکنند زیرا که برزخ
ان برای خلاف است و در اینجا خلاف نیست و اگر خواهند جهت
تذکیر این عبارت را بر حاشیه قرآن بنویسند تکتب بالواو
و تلفظ بالواوین و اگر خواهند در تحت آن لفظ بالاشباع
بنویسند کلمه نِعۡمَةَ رَبِّكُمۡ در رسم الخط و بعضی مصاحف بتاء
مدوره مکتوب است و در بعضی مصاحف بتاء طولانی نِعۡمَتَ
نوشته میشود کلمه اِذَا اسۡتَوَيۡتُمۡ بعد از ذال الف می نویسند کلمه جُزۡءًا
در بعضی مصاحف بیک همزه می نویسند و در رسم الخط و بعضی
مصاحف همزه ثانی بصورت الف بعد از همزه اول جزءا می نویسند
کلمه وَاَصۡفٰكُمۡ بعد از فا مرکز یا متصل بضمیر نوشته میشود
و بالف خوانده میشود کلمه يُنَشَّؤُا صیغه مفرد است در بعضی مصاحف
بواو می نویسند و همزه مضمومه بغیر واو میخوانند و الف بعد از

واو نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو الف می نویسند الزخرف
و بغیر واو میخوانند و در کتب رسم الخط ذکر شده که بواو يُنَشَّؤُا
و بغیر واو يُنَشَّا هر کدام نویسند جایز است و عبارت کتب رسم
الخط اینست يُنَشَّؤُا بالواو و یجوز يُنَشَّا علی القیاس و مصحف
مصحح بخط قدیم بنظر رسید يُنَشَّا بغیر واو مکتوب بود و اگر
بواو نوشته باشند جهت تذکیر در تحت آن لفظ بغیر اشباع
بنویسند یا بلا اشباع قید کنند کلمه اَشَهِدُوا بفتح همزه که در
همه حال ثابت است مکتوب است کلمه خَلۡقَهُمۡ بسکون لام
مضبوط است کلمه اٰتَيۡنٰهُمۡ كِتٰبًا بهمزه ممدوده مکتوب است
عَلٰۤی اٰثٰرِهِمۡ در موضع بهمزه ممدوده نوشته میشود کلمه
اَوَلَوۡ بعد از واو ثانی الف نمی نویسند کلمه بَرَآءٌ بفتح را و الف بعد از
را و همزه مضمومه منونه مکتوب است و در جمیع قرآن این

لفظ یکجا واقع شده کلمه رَحۡمَتَ رَبِّكَ بفتح تا کلمه وَرَحۡمَتُ رَبِّكَ خَيۡرٌ
بضم تا این دو لفظ در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء طولانی
مکتوب اند کلمه سُقُفًا بنا بر روایت عاصم و جمعی که با او متفق اند
بضم سین و ضم قاف نوشته میشود و بنا بر قراءت ابن کثیر
و ابو عمرو بفتح سین و سکون قاف سَقۡفًا کتابت میشود
کلمه يَتَّكِـُٔوۡنَ در بعضی مصاحف همزه مضمومه بر مرکز مکتوب است
و در رسم الخط و بعضی مصاحف همزه مضمومه بر بالای واو
بغیر مرکز يَتَّكِـُٔوۡنَ می نویسند و بواو میخوانند حک و اصلاح این
لفظ ضرور نیست و ابو جعفر نقل میکند حرکت همزه را بکاف و
بحذف همزه يَتَّكُوۡنَ میخوانند و این کلمه هر جا واقع شود بعد از
همزه مضمومه واو نوشته میشود بواو خوانده میشود کلمه
مَلَا۟ئِهٖ در رسم الخط و بعضی مصاحف منفصل می نویسند

و در بعضی مصاحف لام و مرکز متصل بضمیر مَلَئِهٖ می نویسند الزخرف
این لفظ احتیاج بحک و اصلاح ندارد کلمه وَقَالُوۡا يٰۤاَيُّهَ در
رسم الخط و اکثر مصاحف بفتح ها و حذف الف مکتوب است
و در بعضی مصاحف بفتح ها و بالف نوشته میشود و ابو عمرو
و کسائی در حال وقف يٰۤاَيُّهَا بالف وقف میکنند و ابن عامر
ها را بتبعیت یا مضموم میخوانند که يٰۤاَيُّهُ باشد و بعضی استادان
درین عصر در حال مقابله میفرمایند که اگر بالف نوشته باشند الف را
حک کنند و آنچه اعتماد این داعیست حک و اصلاح این لفظ
ضرور نیست بهر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند زیرا که
فسادی بمعنی قرآن نمی رسانند و بعضی از قرائین در حال وقف
بالف وقف کرده اند کلمه يَصِدُّوۡنَ بنا بر قراءت عاصم و ابن
کثیر و ابو عمرو و حمزه بکسر صاد نوشته میشود و بنا بر روایت

نافع و ابن عامر و کسائی بصاد کتابت میشود کم یا عِبادِ بنابر
روایت حفص بکسر دال بغیر یا مکتوب است و بنابر روایت بکر بعد از
دال یاء مفتوحه نوشته میشود و در کتب رسم الخط ضبط
شده که یا عِبادِ بغیر یاء و یا عِبادیَ بیاء هر دو جایز است و عبارت
کتاب رسم الخط اینست یا عِبادِ و یجوز یا عِبادیَ بیاء بعد
الدال کم وَ نادَوا بعد از واو الف می نویسند کم یَلاقُوا در اکثر
مصاحف متصل نوشته میشود و در رسم الخط یُلٰقُوا نیز
متصل کتابت میشود کم فَاْتِیٰ بعد از نون یای نویسند و بالف
میخوانند کم یُؤفکُونَ در تحت همزه ساکنه واو می نویسند
و بغیر واو میخوانند کم وَ قِیلِهِ بنابر قراءت عاصم و حمزه بکسر
لام و کسرها نوشته میشود و بنابر روایت باقی قراء بفتح لام
وضم ها کتابت میشود سورة الدخان سبع و خمسون وهی مکیة

بسم الله

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ کم اٰبائِکُمُ همزه مکسوره بر مرکز یا مکتوب است کم الدخان
یَوْمَ تَاْتِی السَّماءُ بعد از تاء ثاف یا می نویسند کم اَنّیٰ بعد از نون یا
می نویسند و بالف میخوانند کم غائِدُونَ همزه مکسوره بر مرکز یا
مکتوب است کم وَ اَنْ لا تَعْلُوا در رسم الخط و اکثر مصاحف مقطوع است
و در بعضی مصاحف الّا موصول می نویسند کم وَ اِنْ لَمْ تُؤمِنُوا
در رسم الخط و مصاحف مقطوع است کم وَ نَعْمَةٍ درین موضع
بفتح نون مکتوب است کم وَ لَقَدْ نَجَّیْنا بفتح جیم مشدده و سکون
یا نوشته میشود کم وَ اٰتَیْناهُمْ همزه ممدوده مکتوب است
کم وَ بَلٰؤٌا در اکثر مصاحف باثبات الف و همزه منفصله بغیر واو
می نویسند و در رسم الخط بحذف الف و واو متصل بلام و همزه بر یا
لای واو والف بعد از واو بَلٰؤُا می نویسند کم الاُوْلیٰ وَ ما نَحْنُ
بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند کم

لا عِبِینَ در اکثر مصاحف باثبات الف متصل بلام منفصل از عین
نوشته میشود و در رسم الخط بحذف الف و اتصال لام بعین
لٰعِبِینَ کتابت میشود کم مَوْلًی عَنْ مَوْلًی درین دو موضع
و هر جا واقع شود در رسم الخط و مصاحف بیای می نویسند کم
شَجَرَتَ در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء طولانی مکتوب است و در بعضی
مصاحف بتاء مدوره شَجَرَةَ می نویسند کم وَ اِسْتَبْرَقٍ در همه حال
همزه مکسوره است و ساقط میگردد زیرا که آن اصل کلمه است نه همزه
وصل کم الاُوْلیٰ بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بواو نمیخوانند
سورة الجاثیه سبع بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ و ثلثون آیه وهی مکیة
کم فَاَحْیا بِهِ الاَرْضَ در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از یا الف مکتوب است
و در بعضی مصاحف بدون یا فَاَحْیی نوشته میشود کم مِنْ وَرائِهِمْ
همزه مکسوره بر مرکز یا مکتوب است کم هٰذا هُدًی هر جا واقع

شو

شود بفتح دال منونه بیا نوشته میشود کم وَ لَقَدْ اٰتَیْنا کم وَ اٰتَیْناهُمْ الجاثیه والاحقاف
این دو موضع بهمزه ممدوده مکتوب است کم مَحْیاهُمْ در رسم الخط و
اکثر مصاحف بعد از یا الف می نویسند کم وَ لِتُجْزیٰ بعد از زا یای نویسند
و بالف میخوانند کم اِلٰهَهُ بهمزه مکسوره مکتوب است کم هَوٰیهُ
در رسم الخط و بعضی مصاحف مرکز یا متصل بضمیر می نویسند
و بالف میخوانند و در بعضی مصاحف هواه بالف می نویسند
کم اِلّا حَیاتُنا در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از یا الف
نوشته میشود و در بعضی مصاحف حَیٰوتُنا بواو کتابت میشود
حک و اصلاح این لفظ ضرور نیست کم نَحْیا در رسم الخط
و اکثر مصاحف بعد از یا الف می نویسند کم اسْتُوا همزه ثانی
بشکل سر عین بر مرکز یا مکتوب است کم وَ بِاٰبائِنا همزه مکسوره
بر مرکز یا سورة الاحقاف خمس و ثلثون آیه وهی مکیة نوشته میشود

بسم الله الرحمن الرحیم اَوَ لَمْ بعد از لا واو می نویسند و بواو
میخوانند اِئْتُونِی بهمزهٔ ثانی بشکل مرکبین بر مرکز یا مکتوب است
اَثَارَةٍ بفتح همزه نوشته میشود مِمَّنْ یَدْعُوا صیغه مفرد است
در بعضی مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی
مصاحف بعد از واو الف می نویسند و جهت توضیح که یَدْعُوا صیغه
مفرد است از تفسیر نقل شد وَمَنْ اَضَلُّ مِمَّنْ یَدْعُوا مِنْ دُونِ اللهِ
مَنْ لَا یَسْتَجِیبُ لَهُ اِلٰی یَوْمِ الْقِیٰمَةِ و کیست گمراه تر از کسی که میخواند
از غیر خدای تو کسی را که اجابت نکند مر دعای او را همیشه تا روز
قیامت عَنْ دُعَائِهِمْ همزه مکسوره بر مرکز یا مکتوب است
اِفْتَرٰیهُ در رسم الخط و بعضی مصاحف مرکز یا متصل بضمیر
می نویسند و بالف میخوانند و در بعضی مصاحف اِفْتَرٰاهُ بالف
می نویسند قُلْ اِنِ افْتَرَیْتُهُ بفتح را و سکون یا مکتوب است

الاحقاف

لَا یَهْدِی الْقَوْمَ بعد از دال یا می نویسند تُفِیضُونَ در رسم
الخط و اکثر مصاحف مرکز یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند
اَتَعِدَانِنِی بفتح همزه قطع و فتح تا و کسر عین و کسر هر دو نون و یا ساکنه
مکتوب است فِی حَیَاتِکُمْ در رسم الخط و بعضی مصاحف بالف می نویسند
و در بعضی مصاحف فِی حَیٰوتِکُمْ بواو می نویسند حک و اصلاح این لفظ
ضرور نیست عَنْ اٰلِهَتِنَا بهمزه ممدوده و کسر لام مکتوب است
اَرٰیکُمْ مرکز یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند لَا یُرٰی
بضم یا و یاء بعد از را می نویسند و بالف میخوانند نَجْزِی الْقَوْمَ بعد از
زا یا مکتوب است فَمَا اَغْنٰی بعد از نون یا می نویسند و بالف میخوانند
اٰلِهَةً بهمزه ممدوده و بکسر لام مکتوب است اَنْصِتُوا بفتح همزه قطع
مکتوب است و بعد از واو الف می نویسند اَجِیبُوا بفتح همزه قطع نوشته
میشود و بعد از واو الف می نویسند وَیُجِرْکُمْ بضم یا و کسر جیم و سکون

را مکتوب است تُمْسُوا بعد از واو الف می نویسند بَلَاغٌ
در اکثر مصاحف باثبات الف و انفصال از غین نوشته میشود
و در رسم الخط بحذف الف و لام متصل بغین بَلٰغٌ می نویسند
سورة محمد صلی الله علیه و آله بسم الله الرحمن الرحیم ثمان و ثلثون آیه مدنیه
لَانْتَصَرَ بعد از لا الف نمی نویسند در حکم یک کلمه است
لِیَبْلُوَ در بعضی مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند و در رسم
الخط و بعضی مصاحف بعد از واو الف می نویسند بِاَنَّ اللّٰهَ
مَوْلٰی لَا مَوْلٰی لَهُمْ این دو لفظ بیا مکتوب اند مَثْوٰیکُمْ بفتح
واو مثوی را بیا می نویسند سُوٓءُ عَمَلِهٖ در رسم الخط و اکثر مصاحف
بهمزه مضمومه بغیر واو مکتوب است مُصَفًّی بفتح فا و مشدد
منونا بیا می نویسند اُوتُوا الْعِلْمَ بعد از همزه مضمومه واو می نویسند
و بواو میخوانند و بعد از واو ثانی الف می نویسند اٰنِفًا بهمزه
ممدوده

محمد ص

ممدوده مکتوب است اِهْتَدَوْا بعد از واو الف می نویسند
هُدًی بفتح دال منونا بیا نوشته میشود اَشْرَاطُهَا در رسم الخط
و بعضی مصاحف بهمزه ممدوده و اتصال مرکز بضمیر می نویسند و
در بعضی مصاحف بهمزه ممدوده و اثبات الف بعد از تا اَتٰهُمْ می نویسند
فَاَنّٰی بعد از نون یا می نویسند و بالف میخوانند فَاَوْلٰی بعد از لام
یا نوشته میشود و بالف خوانده میشود لَهُمُ الْهُدٰی در موضع بعد از
دال یا می نویسند و بالف میخوانند وَاَمْلٰی بعد از لام یا می نویسند و
بالف میخوانند وَنَبْلُوَ در اکثر مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند
و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو الف می نویسند لَنْ
یَضُرُّوا اللّٰهَ بعد از راء واو مکتوب است و بعد از واو الف نوشته
میشود فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا هر دو صیغه جمع اند و بعد از
واو الف می نویسند مَنْ یَبْخَلُ وَمَنْ یَبْخَلْ فَاِنَّمَا یَبْخَلُ در

کلمه وسط لام مجزوم است و در اول و ثالث لام مرفوع است کہ الفقراء
در رسم الخط و اکثر مصاحف همزه مضمومه بغیر واو مکتوب است

سورة الفتح تسع وعشرون آية وهي مدنية بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ کہ أوفى
بعد از فا یای نوشته و بالف میخوانند کہ ذَرُونَا بعد از دال واو نوشته
و بواو میخوانند کہ كَلَامَ اللّٰهِ در اکثر مصاحف باثبات الف مکتوب است
و در رسم الخط بحذف الف كلم الله نوشته کہ أُولِي بعد از همزه
واو نوشته و بغیر واو میخوانند کہ وَأُخْرَىٰ بعد از را یای نوشته و
بالف میخوانند کہ سُنَّةَ اللّٰهِ الَّتِي کہ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَبْدِيلًا در رسم الخط
و اکثر مصاحف این دو موضع بتاء مدوره مکتوب است و در بعضی مصاحف
بتاء طولانی سنت الله لسنت الله نوشته میشود حق و اصلاح
این لفظ ضرورتست کہ أَن تَطَئُوهَا در تحت همزه مضمومه واو
نوشته و بواو میخوانند کہ لَوْ تَزَيَّلُوا بعد از واو جمع الف مکتوب است

يكتب بما المعرضاد ويكتب في اخر الكتاب يؤلف
الله بين فلان وفلانه فانهما يتحابان الى الابد
ومن كتب ذلك وعلقه عليه ظفر على عدوه ورزق
الحظ في جميع الامور قوله تعالى وكأين من نبي قاتل
معه ربيون الى قوله يحب الله المحسنين قال
الحكيم هذه الاية لزوال الهم والغم والسلوة
يكتب هذه الاية قبل طلوع الشمس يوم الاحد في
اناء طاهر ثم يمحى ذلك بنهر جاري وشربه ثلاثة
ايام يزول عنه جميع ما يشكو قوله تعالى ولله ملك
السموات والارض الى قوله لا يخلف الميعاد قال
الحكيم من داوم قراءتها ثبت ايمانه وطهر قلبه وامن
من خزي الدنيا وان كتبت في قصعة خشب

بماء زمزم وشربها الرجل الذي لا يقوم للصلاة
قام في الوقت الذي يريد يعني صلاة الليل قوله تعالى
يا ايها الذين امنوا اصبروا وصابروا ورابطوا
واتقوا الله لعلكم تفلحون قال الحكيم هذه الاية تمنع
العبد الهارب من الاباق والهروب والمراة الزانية
من الزنا يكتب ذلك على قرص سميد ويطعم العبد
الابق والمراة الزانية يمنعهم من ذلك ان شاء الله
سورة النساء قوله تعالى يا ايها الناس اتقوا ربكم الذي
خلقكم من نفس واحدة الى قوله رقيبا قال الحكيم
هذه الاية للرجل العقيم الذي لا يولد له ولد ويكتب
على قطعة لوح بزعفران ليلة الجمعة نصف
الليل حيث لا يراه احد ثم انه ياكلها ويجامع
فانها

نوشته و بواو میخوانند کہ لَوْ تَزَيَّلُوا بعد از واو جمع الف مکتوب است

کہ الرُّؤْيَا در بعضی مصاحف در تحت همزه ساکنه واو نوشته و بغیر واو
میخوانند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بهمزه ساکنه بغیر واو الرؤيا
نوشته این لفظ احتیاج بحک و اصلاح ندارد کہ بِالْهُدَىٰ
بعد از دال یا نوشته میشود و بالف خوانده میشود کہ كَزَرْعٍ بعد از
فا یای نوشته و بالف میخوانند کہ رُحَمَاءُ در رسم الخط و اکثر مصاحف
بهمزه مضمومه بغیر واو مکتوب است کہ سِيمَاهُمْ در رسم الخط
و اکثر مصاحف باثبات الف مکتوب است و در بعضی کتب رسم الخط
مذکور است که لفظ سیماهم درین موضع باثبات الف نوشته
میشود و در باقی بحذف الف و مرکز یا متصل بضمیر سیماهم کتابت
میشود و بالف خوانده میشود کہ شَطْأَهُ در اکثر مصاحف بهمزه
منفصل مکتوب است و در رسم الخط متصل بضمیر و همزه بشکل سر عین
بعد از طا بغیر مرکز نوشته میشود کہ فَاسْتَوَىٰ بعد از واو یا

می نویسند و بالف میخوانند سورة الحجرات ثمان عشرة آیه و هی مدنیة
بسم الله الرحمن الرحیم کلمه بِئْسَ الاِسْمُ در رسم الخط و اکثر مصاحف بالف
لام تعریف باین صورت که نوشته شد می نویسند اما در حال وصل
جمیع قرا بنقل حرکت همزهٔ ثانیه بلام و بحذف همزهٔ اولی و ثانیه در لفظ
لِسْمُ خوانده اند و از استاد بهمین روش بتحقیق رسیده و در بعضی
مصاحف نیز بیک لام متصل لِسْمُ می نویسند اما بهتر آنست که الاِسْمُ
بالف لام تعریف نوشته شود و در بعضی کتب قراءت مذکور است
که کسرهٔ لام الاِسْمُ حرکت منقوله نیست بلکه این کسره جهت رفع التقاء سا
کنین است که بلام داده میشود و هرگاه بر بِئْسَ وقف کنند در حال ابتدا
الاِسْمُ را بدو وجه میخوانند اول بفتح همزهٔ اولی و کسر لام و حذف همزهٔ ثانیه
در لفظ که الاَسْمُ باشد دوم بحذف همزهٔ اولی و حذف همزهٔ ثانیه در لفظ
که لِاسْمُ باشد و بعضی از قرا وجه ثانی را اولی از وجه اول دانسته اند

وحذف

وحذف همزهٔ اولی بنا بر جواز است که قراء جایز داشته اند که حذف همزهٔ
اولی بکنند و حذف همزهٔ ثانیه بنا بر قیاس قواعد عربیت است
و در بعضی کتب قراءت مسطور است که در حال وصل بسکون لام و کسر همزهٔ
ثانیه و در حال وقف بفتح همزهٔ اولی و سکون لام و کسر همزهٔ ثانیه خوانده
اند و جمعی از استادان نیز رخصت داده اند که باین روش میتوان
خواند اما اکثری از قرا و استادان بر آنند که بطریقی که اول مذکور
شد خواندن اولی و احسن است والله اعلم کلمه وَقَبَائِلَ همزهٔ مکسوره
بر مرکز یا مکتوب است کلمه اَتُعَلِّمُونَ مرکز یا متصل بضمیر می نویسند
و بالف میخوانند کلمه يَدْخُلِ الاِيمَانُ بفتح یای و سکون دال و ضم خا و کسر
لام مکتوب است کلمه لاَ يَلِتْكُمْ بفتح یا و کسر لام و سکون تا نوشته
میشود سورة ق خمس و اربعون آیه و هی مکیة بسم الله الرحمن الرحیم
کلمه أَئِذَا در بعضی مصاحف همزهٔ ثانیه بر مرکز یا مکتوب است و در رسم

وق الحجرات

الخط و بعضی مصاحف همزهٔ اول بشکل سر عین و همزهٔ ثانی که مکسور است
بصورت الف بغیر مرکز یعنی اِذَا نوشته میشود کلمه وَذِكْرَى
بعد از را یای می نویسند و بالف میخوانند کلمه وَاَصْحَابُ الاَيْكَةِ در
رسم الخط و مصاحف درین موضع باثبات همزهٔ ثانیه و انفصال
لام مکتوب است کلمه اَفَعَيِينَا بعد از عین بدو یا اول مکسوره و ثانی
ساکن نوشته میشود کلمه سَائِقٌ همزهٔ مکسوره بر مرکز یا کتابت میشود
کلمه هَلِ امْتَلَاْتِ در بعضی مصاحف باثبات همزهٔ ثانیه و انفصال لام
از تاء ثانیه مکتوب است و در رسم الخط و بعضی مصاحف بحذف همزهٔ
ثانیه و اتصال لام بتاء ثانیه و همزه بشکل سر عین بعد از لام بغیر مرکز
هَلِ امْتَلَئْتِ نوشته میشود و در کتب رسم الخط مسطور است
که کتابت این کلمه منفصل و متصل هر دو جایز است کلمه مَا يُبَدَّلُ
الْقَوْلُ درین همزهٔ مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند کلمه وَاَدْبَارَ

بنا بر قراءت

بنا بر قراءت عاصم و جمعی که با او متفق اند بفتح همزه نوشته میشود
و بنا بر روایت نافع و ابن کثیر و حمزه بکسر همزه کتابت میشود کلمه يُنَادِ
الْمُنَادِ در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از هر دو دال مکسوره یا نمی
نویسند و ابن کثیر در کلمه اول در حال وقف و در کلمه ثانی در حال وقف
و وصل اثبات یا میخواند و نافع و ابو عمرو در کلمه ثانی در حال وصل
باثبات یا قراءت میکنند سورة الذاریات ستون آیه و هی مکیة
بسم الله الرحمن الرحیم کلمه الَّذِينَ هُمْ منفصل و اَلَّذِينَهُمْ متصل در مصاحف
هر دو وجه می نویسند و در رسم الخط الَّذِينَ هُمْ منفصل می نویسند کلمه يَوْمَ هُمْ
در رسم الخط و بعضی مصاحف مقطوع است و در بعضی مصاحف يَوْمَهُمْ
موصول است این لفظ احتیاج بحث و اصلاح ندارد کلمه ذُوقُوا بعد از
و بعد از قاف واو می نویسند و هر دو واو میخوانند و بعد از واو ثانی الف
می نویسند کلمه مَا اُتَّهُمْ همزه ممدوده مکتوب است کلمه لِلسَّائِلِ همزه

الذاریات

مکسوره بر میم کن یا نوشته میشود هَلْ أَتَاكَ بفتح همزه مکتوب است
وبعد از تا میم کن یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند اَتَتْ
عَلَيْهِ بفتح همزه مکتوب است فَعَتَوْا صیغه جمع است بعد از
واو الف می نویسند بِأَيْدٍ وَإِنَّا در اکثر مصاحف بیت یا مکتوب است
ودر رسم الخط بِأَيْيدٍ بدو یای نویسند وبیت یا میخوانند وعبارت
کتب رسم الخط برین وجه است بِأَيِّيدٍ کتبت بیائین فَإِنَّ الذِّكْرَى
بعد از نون را یای نویسند و بالف میخوانند مَا أَتَى الَّذِينَ بعد از نون تا
یای نویسند ذُو الْقُوَّةِ در رسم الخط واکثر مصاحف بعد از واو
الف می نویسند ودر بعضی مصاحف بعد از واو الف می نویسند
ذَنُوبًا مِثْلَ ذَنُوبِ أَصْحَابِهِمْ در رسم الخط درین دو لفظ بفتح ذال
سورة الطور تسع نوشته میشود واربعون آیة وهی مکیة
بسم الله الرحمن الرحیم الَّذِينَ هُمْ در رسم الخط واکثر مصاحف

مقطوع

والطور

مقطوع است ودر بعضی مصاحف الَّذِينَ هُمْ موصول است أَمْ هُمْ
بهمزه ممدوده مکتوب است ومیم کن یا بعد از تا متصل بضمیر می نویسند
و بالف میخوانند وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ در رسم الخط وبعضی مصاحف میم کن
یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند ودر بعضی مصاحف وقاهم
بالف می نویسند حذف واصلاح این لفظ ضرور نیست وَاتَّبَعَتْهُمْ
بنا بر قراءت عاصم وجمعی که با او متفق اند بهمزه وصل وفتح تا مشدده
وفتح با وفتح عین وسکون تا مکتوب است وبنا بر روایت ابو عمرو بهمزه
قطع مفتوحه وسکون تا وفتح با وسکون عین وحذف تاء ثانی ونون
مفتوحه والف بعد از نون اتْبَعْنَاهُمْ نوشته میشود وَمَا
أَلَتْنَاهُمْ بنا بر قراءت عاصم وجمعی که با او متفق اند بهمزه قطع مفتوحه
وفتح لام وسکون تا می نویسند وبنا بر روایت ابن کثیر بهمزه قطع مفتوحه
وکسر لام وسکون تا أَلِتْنَاهُمْ کتابت میشود كُلُّ امْرِئٍ در بعضی

در بعضی مصاحف بهمزه مکسوره منونه بغیر یا می نویسند ودر رسم الخط
وبعضی مصاحف در تحت همزه امْرِئٍ یا می نویسند اولی آنست که این
کلمه را بهر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند وحک واصلاح
آن نکنند وَوَقَانَا عَذَابَ در رسم الخط واکثر مصاحف میم کن
یا متصل بضمیر نوشته میشود و بالف خوانده میشود ودر بعضی
مصاحف وَوَقَانَا بالف می نویسند بِنِعْمَتِ رَبِّكَ در رسم الخط واکثر
مصاحف بتاء طولانی مکتوب است أَحْلَامُهُمْ در اکثر مصاحف
منفصل می نویسند ودر رسم الخط أَحْلَامُهُمْ متصل می نویسند
الْمُسَيْطِرُونَ در اکثر مصاحف سپاهی بسین نوشته میشود ودر رسم
الخط وبعضی مصاحف الْمُصَيْطِرُونَ بصاد می نویسند چون در کتب
قراءت اختلاف از برای حفص وبکر که هر دو راویان عاصم اند
ذکر شده وتصریح بآن شده که حفص این لفظ را درین سوره

ومصیطر

والطور

وَبِمُصَيْطِرٍ در سوره الغاشیه بسین وصاد هر دو خوانده اند لهذا
در کتب رسم الخط ومصاحف قدیمه سپاهی بصاد نوشته شده
ومصاحفی که درین عصر می نویسند هرچه بر روش رسم الخط
نوشته شده در هر دو موضع بصاد می نویسند ومصاحفی که
بغیر رسم الخط کتابت شده الْمُسَيْطِرُونَ درین سوره بسین
وَبِمُصَيْطِرٍ در سوره الغاشیه بصاد می نویسند وعبارت
تقریب نشر برین وجه است اما حفص فنص على الصاد له فيهما
ابن مهران في غايته وابن غلبون في تذكرته وقال الداني
على ابي الفتح وقطع بالخلاف له في الْمُصَيْطِرُونَ وبالصاد في
بِمُصَيْطِرٍ في التيسير والشاطبية بعد از خلاف سپاس درین
دو لفظ صاحب تیسیر وشاطبیه الْمُصَيْطِرُونَ را بخلاف
عنه وبِمُصَيْطِرٍ را بصاد بی خلاف از برای حفص ذکر کرده انتهى

ازان است که درین عصر در اکثر مصاحف اَلْمُسَیْطِرُوْنَ را بسین
وَبِمُصَیْطِرٍ را بصاد می نویسند اولی آنست که درین دو لفظ
چون خلاف واقع شده بهر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند
و حک و اصلاح آن نکنند کـ یُلَاقُوا در اکثر مصاحف منفصل است
و بعد از واو الف می نویسند و در رسم الخط بحذف الف یُلٰقُوا
سورة النجم اثنتا متصل می نویسند ن وستون آیه وهی مکیة
بسم الله الرحمن الرحیم کـ عَنِ الْهَوٰی بعد از واو یا می نویسند
و بالف میخوانند آخر آیات این سوره اکثر بیا نوشته میشود
و بالف خوانده میشود کـ ذُوْ مِرَّةٍ در رسم الخط و اکثر مصاحف
بعد از واو الف نمی نویسند کـ ثُمَّ دَنَا در رسم الخط و اکثر مصاحف بالف
مکتوب است و در بعضی مصاحف ثُمَّ دَنٰی بیا می نویسند و بالف
میخوانند کـ فَتَدَلّٰی بعد از لام مشدده یا می نویسند و بالف

میخوانند

میخوانند کلمه اَوْ اَدْنٰی بعد از نون یا می نویسند و بالف میخوانند کـ النجم
الْفُؤَادُ در رسم الخط و اکثر مصاحف بواو و همزه بشکل سر عین بر بالای
واو و همزه ثانی بصورت الف بعد از واو می نویسند و همزه بغیر
واو میخوانند و در بعضی مصاحف بیک همزه الْفُؤَادُ می نویسند
و همزه خوانده میشود نه بواو کـ وَمَنٰوةَ در رسم الخط و اکثر مصاحف
بعد از نون واو می نویسند و بالف میخوانند و در بعضی مصاحف مَنَاةَ
بالف می نویسند کـ اِذًا بفتح ذال منونا بالف مکتوب است کـ ضِیْزٰی
بکسر ضاد و یاء ساکنه و فتح زا و بعد از زا یا نوشته میشود و بالف
خوانده میشود کـ وَالْاُوْلٰی بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و
بواو میخوانند کـ عَنْ مَنْ در رسم الخط و اکثر مصاحف مقطوع است
و در بعضی مصاحف عَمَّنْ موصول است حک و اصلاح این
لفظ ضرور نیست کـ تَوَلّٰی بعد از لام مشدده یا نوشته

میشود و بالف خوانده میشود کـ اِلَّا الْحَیٰوةَ بواو می نویسند و بالف
میخوانند کـ اَسَاؤُا در تحت همزه مضمومه واو می نویسند و بواو
میخوانند و بعد از واو الف می نویسند کـ اَعِنْدَهٗ بفتح همزه قطع
مکتوب است کـ وَفّٰی بعد از فاء مشدده یا نوشته میشود
و بالف خوانده میشود کـ یُجْزٰیهُ در رسم الخط و اکثر مصاحف
مرکب یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند و در بعضی مصاحف
یُجْزٰاهُ بالف می نویسند کـ وَاَحْیَا در رسم الخط و بعضی
مصاحف بالف نوشته میشود و در بعضی مصاحف وَاَحْیٰی
بدو یا می نویسند و بالف میخوانند کـ عَادًا الْاُوْلٰی در مصاحف
بعد از همزه مضمومه واو نوشته میشود و بالف خوانده میشود
و در رسم الخط درین موضع بحذف همزه مضمومه و اتصال لام بواو
و همزه مضمومه بشکل سر عین بر بالای واو عَادًا الُّؤْلٰی می نویسند

و

القمر کـ وَثَمُوْدَ بفتح دال بغیر تنوین و ثمودا بفتح دال با تنوین هر دو
خوانده اند و در اکثر مصاحف بعد از دال الف سیاهی می نویسند
و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از دال الف سیاهی نمی نویسند
کـ وَالْمُؤْتَفِکَةَ در تحت همزه ساکنه واو نوشته میشود و بغیر
واو خوانده میشود کـ فَغَشّٰهَا در رسم الخط و اکثر مصاحف مرکب
یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند و در بعضی مصاحف
فَغَشَّاهَا بالف می نویسند کـ مَا غَشّٰی بیا مکتوب است و بالف
خوانده میشود کـ مِنَ النُّذُرِ الْاُوْلٰی بعد از همزه مضمومه واو
می نویسند و بالف میخوانند کـ اَزِفَتِ در رسم الخط و مصاحف
بهمزه مفتوحه و تاء طولانی مکتوب است کـ الْاٰزِفَةُ بهمزه
ممدوده و تاء مدوره کتابت میشود سورة القمر خمس وخمسون
آیه وهی مکیة بسم الله الرحمن الرحیم کـ الْاَنْبَاءِ

بتقدیم نون بر با نوشته میشود کـ یَدْعُ در رسم الخط واکثر مصاحف بغیر واو مکتوب است کـ الدَّاعِ اِلٰی در رسم الخط واکثر
مصاحف بعد از عین مکسوره یا نوشته نمی شود اما در قراوت
ابو عمرو در روایت بزی که راوی ابن کثیر است در حال وصل و وقف
و بروایت ورش که راوی نافع است در حال وصل الدَّاعِی بیا
کتابت میشود کـ اِلَی الدَّاعِ یَقُولُ در رسم الخط واکثر مصاحف
بعد از عین مکسوره یا نمی نویسند اما در قراوت نافع وابو عمرو
و در حال وصل و بقراوت ابن کثیر در حال وصل و وقف اِلَی الدَّاعِی
بیا می نویسند کـ ءَاُلْقِیَ الذِّکْرُ بعد همزه اول بفتح وثانی بضم می نویسند
مِنَ الْکَذَّابُ بفتح میم وکسر نون مکتوبست کـ وَنَبِّئْهُمْ همزه
ساکنه بر مرکز یا متصل بضمیر نوشته میشود کـ شِرْبٍ مُحْتَضَرٌ
بضاد کتابت میشود کـ کَهَشِیمِ الْمُحْتَظِرِ بظا نوشته میشود کـ

اکفارکم

القمر

اَکُفَّارُکُمْ بفتح همزه قطع وضم کاف مکتوب است کـ اُولٰئِکُمْ
بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند سورة
الرحمن ثمان وسبعون آیة بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ کـ اَلَّا تَطْغَوْا در رسم
الخط واکثر مصاحف موصول است و در بعضی مصاحف اَنْ لَا
تَطْغَوْا مقطوع است کـ الْحَبُّ بضم با مکتوب است کـ ذُو الْعَصْفِ
در رسم الخط واکثر مصاحف بعد از واو الف می نویسند و در بعضی
مصاحف بعد از واو الف می نویسند کـ الرَّیْحَانُ بنا بر قراوت
عاصم و جمعی که با او متفق اند بضم نون مکتوب است و بنا بر قراوت
حمزه وکسائی بکسر نون نوشته میشود والْحَبَّ بفتح با ذَا الْعَصْفِ
بالف الرَّیْحَانَ بفتح نون بقراوت ابن عامر نوشته میشود کـ
اللُّؤْلُؤُ در اکثر مصاحف بیک همزه مضمومه بشکل سر عین بر بالای
واو می نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از همزه

مضمومه همزه ثانی بصورت الف اللُّؤْلُؤُا می نویسند کـ الْمُنْشَاٰتُ
در اکثر مصاحف باثبات همزه منفصل از تا بصورت الف
مکتوب است و در رسم الخط بحذف همزه واتصال شین بتا
و همزه بشکل سر عین بغیر مرکز بعد از شین الْمُنْشَئٰتُ می نویسند
هر گاه درست توان خواند حک واصلاح آن ضروری نیست کـ
ذُو الْجَلَالِ در رسم الخط واکثر مصاحف بعد از واو الف نمی
نویسند و در بعضی مصاحف بعد از واو الف می نویسند
کـ اَیُّهَ الثَّقَلَانِ در رسم الخط واکثر مصاحف بفتح ها بغیر
الف مکتوب است وابو عمرو وکسائی اَیُّهَا بالف وقف
میکنند و در بعضی کتب قراوت مسطور است که باقی قرا
رعایت رسم الخط عثمانی بغیر الف وقف می نمایند وابن عامر
هاء اَیُّهُ را بتبعیت یا بضم میخوانند لیکن در بعضی

مصاحف

الرحمن

مصاحف این لفظ را اَیُّهَا بالف نوشته باشند حک کردن آن ضروری
نیست زیرا که فسادی بمعنی قرآن نمی رسانند و درین عصر بعضی از استادان
در حال مقابله میفرمایند که الف را حک کنند چون سبب تضییع قرآن
میشود بهتر آنست که الف را حک نکنند کـ مِنْ اِسْتَبْرَقٍ بکسر همزه
مکتوب است واین همزه از اصل کلمه است و در همه حال نزد جمیع قرا
ثابت است و مکسور است الا ورش که راوی نافع است که او بنقل
حرکت همزه بنون مِنِ اسْتَبْرَقٍ میخوانند کـ وَجَنَا در اکثر مصاحف
بالف مکتوب است و در رسم الخط خلاف کرده اند جَنَا بالف
و جَنَی بیا هر دو وجه را جایز داشته و جَنَی بیا را اصح داشته اند
اولی آنست که این لفظ را هر نوع که نوشته باشند بحال خود
بگذارند و حک واصلاح آن نکنند کـ جَزَاءُ در رسم الخط واکثر
مصاحف بهمزه مضمومه بغیر واو مکتوب است کـ ذِی الْجَلَالِ

میخوانند سورة الواقعة ست وتسعون آیة بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِیمِ کم لَلشّٰامَتِ
دو موضع در بعضی مصاحف منفصل می‌نویسند و در رسم الخط و بعضی
مصاحف المَشْئَمَةِ بغیر مرکز متصل می‌نویسند کم أَئِذَا کم أَئِنّٰا
درین دو موضع در بعضی مصاحف همزهٔ ثانی بر مرکز یا مکتوب است
و در رسم الخط لفظ أَئِذَا درین موضع همزهٔ ثانی بر مرکز یا نوشته
میشود و لفظ ءَ اِنّٰا بدو همزه بغیر مرکز کتابت میشود کم فَمَا
لِئُونَ در تحت همزهٔ مضمومه واو می‌نویسند و بواو میخوانند
و در رسم الخط باثبات الف فَمٰالِئُونَ و بحذف الف فَمَلِئُونَ
هر دو نوع می‌نویسند کم فِیمٰا لٰا تَعْلَمُونَ در رسم الخط و مصاحف مقطوع
و موصول هر دو می‌نویسند کم النَّشْأَةَ در رسم الخط و اکثر مصاحف بنا
بر قراءت عاصم و جمعی که با او متفق اند بسکون شین و همزهٔ مفتوحه
متصل بشین بصورت مکتوب است و بنا بر روایت ابن کثیر

وابو عمرو

وابو عمرو بفتح شین و الف متصل بشین و همزهٔ مفتوحه بشکل
عین بعد از الف النَّشَاءَةَ نوشته میشود کم المُنْشِئُونَ در رسم
الخط و اکثر مصاحف در تحت همزهٔ مضمومه واو می‌نویسند و بواو
میخوانند سورة الحدید تسع و عشرون آیة مدنیة بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِیمِ
کم ثُمَّ اسْتَوٰی بعد از واو یا می‌نویسند و بالف میخوانند کم اَیْنَ مٰا کُنْتُمْ
در رسم الخط و بعضی مصاحف مقطوع است و در بعضی مصاحف
اَیْنَمٰا موصول است حک و اصلاح این لفظ ضرور نیست کم الْحُسْنٰی
بعد از نون یا می‌نویسند و بالف میخوانند کم مَنْ ذَا الَّذِی بعد از
ذال الف مکتوب است کم تَرَی بعد از را یا نوشته میشود و بالف
خوانده میشود کم مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ بکسر قاف و فتح با و کسر لام مکتوب است
کم یُنٰادُونَهُمْ بعد از دال مضمومه واو می‌نویسند و بواو میخوانند کم
بِاللّٰهِ الْغَرُورُ بفتح غین مکتوب است کم لٰا یُؤْخَذُ در تحت همزه

الواقعة والحدید

ساکنه واو می‌نویسند و بعین واو میخوانند کم اُوتُوا الْکِتٰابَ بعد از همزهٔ
مضمومه واو نوشته میشود و بواو خوانده میشود و بعد از واو ثانی
الف می‌نویسند کم فَتَرٰاهُ در رسم الخط و بعضی مصاحف مرکز یا متصل
بضمیر می‌نویسند و بالف میخوانند و در بعضی مصاحف فَتَرٰاهُ بالف
می‌نویسند کم مَتٰاعُ الْغُرُورِ بضم غین مکتوب است کم ذُو الْفَضْلِ
دو موضع در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از واو الف نمی‌نویسند
کم لِکَیْلٰا در رسم الخط و اکثر مصاحف موصول است کم بِمٰا
اٰتٰاکُمْ کم وَ اٰتَیْنٰاهُ کم فَاٰتَیْنَا الَّذِینَ این سه لفظ بهمزهٔ ممدوده
مکتوب اند کم لِئَلّٰا در رسم الخط و اکثر مصاحف همزهٔ مفتوحه
بر مرکز متصل بلام مکتوب است کم ذُو الْفَضْلِ در رسم
الخط و اکثر مصاحف بعد از واو الف نمی‌نویسند سورة
المجادلة اثنتان و عشرون آیة مدنیة بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِیمِ کم فَیُنَبِّئُهُمْ

کم

کم ثُمَّ یُنَبِّئُهُمْ در اکثر مصاحف درین دو لفظ همزهٔ مضمومه
بر مرکز یا نوشته میشود و در رسم الخط و بعضی مصاحف
همزهٔ مضمومه بغیر مرکز فَیُنَبِّئُهُمْ ثُمَّ یُنَبِّئُهُمْ می‌نویسند کم
اَحْصٰاهُ در رسم الخط و اکثر مصاحف مرکز یا متصل بضمیر
می‌نویسند و بالف میخوانند و در بعضی مصاحف احصاه بالف می
نویسند کم وَلٰا اَدْنٰی بعد از نون یا می‌نویسند و بالف میخوانند
کم اَیْنَ مٰا در رسم الخط و اکثر مصاحف مقطوع است و در بعضی
مصاحف اَیْنَمٰا موصول است حک و اصلاح این لفظ ضرور
نیست کم وَمَعْصِیَتِ دو موضع در رسم الخط و اکثر مصاحف
بتاء طولانی مکتوب است کم وَاِذٰا جٰاؤُکَ بعد از همزهٔ
مضمومه واو می‌نویسند و بواو میخوانند کم حَیَّوْکَ بفتح
یا مشدده و سکون واو مکتوب است کم فِی الْمَجٰالِسِ بنا

المجادلة

بروایت عاصم بفتح جیم والف بعد از جیم نوشته میشود و بنا بر قرائت
باقی قرا بسکون جیم و حذف الف فِي الْمَجَالِسِ مکتوب است اُوتُوا
الْعِلْمَ بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند و بعد از
واو ثانی الف می نویسند لَأَغْلِبَنَّ بفتح لام و فتح همزه و سکون
غین و کسر لام مکتوب است

سورة الحشر اربع و عشرون آیه و هی مدنیة

بسم الله الرحمن الرحیم مَانِعَتُهُمْ بکسر نون و فتح عین مکتوب است
فَأَتَاهُمُ اللَّهُ بفتح همزه نوشته میشود يَا أُولِي الْأَبْصَارِ بعد از
همزه مضمومه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند وَلِذِي
الْقُرْبَىٰ بعد از ذال یای می نویسند كَيْلَا در رسم الخط و اکثر مصاحف
مقطوع است وَمَا آتَاكُمُ بهمزه ممدوده مکتوب است فَانْتَهُوا
بضم ها مکتوب است و بعد از واو الف نوشته میشود
تَبَوَّءُو الدَّارَ در بعضی مصاحف بعد از واو مشدده در تحت

همزه

الحشر

همزه مضمومه واو می نویسند و بعد از واو الف نمی نویسند و در رسم الخط
و بعضی مصاحف بعد از واو الف می نویسند و در بعضی مصاحف بعد از
واو مشدده واو ثانی نمی نویسند تَبَوَّءُو الدَّارَ بغیر واو می نویسند
مِمَّا أُوتُوا بعد از همزه مضمومه واو نوشته میشود و بواو خوانده
میشود و بعد از واو ثانی الف می نویسند وَيُؤْثِرُونَ در تحت
همزه ساکنه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند جَاءُو در
تحت همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند و در اکثر
مصاحف بعد از واو الف می نویسند و در رسم الخط و بعضی
مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند لَيُوَلُّنَّ بضم لام
مشدده و فتح نون مشدده مکتوب است فِي قُرًى بفتح
را منونا بیا نوشته میشود مِنْ وَرَاءِ در مصاحف
و رسم الخط بهمزه مکسوره بغیر یا می نویسند شَتَّىٰ

بعد از تاء مشدده یای می نویسند و بالف میخوانند بَرِيءٌ بعد از راء
مکسوره یای می نویسند و بیاء ساکنه و همزه منونه میخوانند
خَالِدَيْنِ بفتح دال و یاء ساکنه و کسر نون مکتوب است جَزَاءُ
الظَّالِمِينَ در اکثر مصاحف بهمزه مضمومه بغیر واو نوشته میشود
و در رسم الخط و بعضی مصاحف جَزَاؤُا الظَّالِمِينَ در تحت همزه
مضمومه واو می نویسند و بعد از واو الف می نویسند نَسُوا اللَّهَ
در رسم الخط و مصاحف بواو مکتوب است و بعد از واو الف
نوشته میشود الْبَارِئُ در رسم الخط و اکثر مصاحف در
تحت همزه مضمومه یای می نویسند و بغیر یا میخوانند

سورة الممتحنة ثلثة عشر آیه و هی مدنیة

بسم الله الرحمن الرحیم أُسْوَةٌ بنا بر قرائت
عاصم بضم همزه نوشته میشود و بنا بر روایت باقی قرا بکسر
همزه کتابت میشود بُرَآءُ در بعضی مصاحف بضم با و فتح

را و همزه

الممتحنة

را و همزه ممدوده و ضم همزه ثانیه بغیر واو مکتوب است و در رسم الخط
و بعضی مصاحف بُرَآؤُا در تحت همزه مضمومه واو می نویسند
و بعد از واو الف می نویسند و بغیر واو میخوانند و بعد از واو
الف می نویسند و در بعضی کتب رسم الخط بود همزه که هر دو شکل
عین باشند بُرَءَؤُا می نویسند چون حک و اصلاح سبب تفضیح
قرآن میشود هرگاه در دست قرآن خوانی بهر نوع که نوشته باشند
بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند يَرْجُوا اللَّهَ
صیغه مفرد است در بعضی مصاحف بعد از واو الف
نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو
الف می نویسند وَآتُوهُمْ بهمزه ممدوده مکتوب است
و بعد از تاء مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند
آتَيْتُمُوهُنَّ بهمزه ممدوده مکتوب است أَنْ لَا يُشْرِكْنَ در رسم

لخط واکثر مصاحف مقطوع است سورة الصف اربع عشرة
آیه وهی مدنیة بسم الله الرحمن الرحیم لِمَ تقولون در تحت همزه ساکنه
واو می‌نویسند وبغیر واو میخوانند وبعد از ذال واو می‌نویسند
وبواو میخوانند لا یهدی القوم دو موضع بعد از دال یا
مکتوب است من بعدی اسمه بعد از دال یای نویسند
لیطفئوا در رسم الخط و مصاحف در تحت همزه مضمومه واو نوشته
میشود وبواو خوانده میشود ابو جعفر بضم فا و حذف همزه لیطفوا
میخوانند یتلوا صیغه مفرد است در اکثر مصاحف بعد از
واو الف نمی‌نویسند ودر رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از
واو الف می‌نویسند بالهدی بعد از دال یای نویسند
وبالف میخوانند کونوا انصار الله بعد از راء مفتوحه
یا نوشته میشود من انصاری الی الله بعد از راء

مکسوره

الصف والجمعة

مکسوره یای نویسند طائفة دو موضع همزه مکسوره بر مرکز
یا مکتوب است سورة الجمعة احدی عشر آیه وهی مدنیة بسم الله الرحمن الرحیم
یتلوا صیغه مفرد است در بعضی مصاحف بعد از واو الف
نمی‌نویسند ودر رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو الف می
نویسند ذو الفضل در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از
واو الف نمی‌نویسند لا یهدی القوم بعد از دال یای نویسند
اولیاء بهمزه مضمومه بغیر واو نوشته میشود
فینبئکم در بعضی مصاحف همزه مضمومه بر مرکز متصل
بضمیر نوشته میشود ودر رسم الخط و بعضی مصاحف
همزه مضمومه بغیر مرکز متصل بضمیر فینبئکم می‌نویسند
وذروا البیع بعد از واو الف مکتوب است واذا رأوا
بعد از واو الف می‌نویسند او لهوا نون ملفوظی تنوین

در حال وصل بکسر خوانده میشود سورة المنافقون احدی عشر آیه
وهی مدنیة بسم الله الرحمن الرحیم انّی بعد از نون یای نویسند وبالف
میخوانند یؤفکون در تحت همزه ساکنه واو نوشته میشود و
بغیر واو خوانده میشود تعالوا لووا درین دو لفظ بعد از
واو الف می‌نویسند رءوسهم در تحت همزه مضمومه واو نوشته
میشود وبواو خوانده میشود لا یهدی القوم بعد از دال یای نویسند
من ما منفصل و مما متصل در رسم الخط و مصاحف هر دو می
نویسند سورة التغابن ثمانی عشرة آیه وهی مدنیة بسم الله الرحمن الرحیم
نبؤا الذین در اکثر مصاحف در تحت همزه مضمومه واو می
نویسند وبغیر واو میخوانند وبعد از واو الف نمی‌نویسند ودر رسم
الخط و بعضی مصاحف بعد از واو الف می‌نویسند وتولوا
بعد از واو جمع الف می‌نویسند واستغنی الله بعد از نون

یای نویسند

یای نویسند ان لن یبعثوا در رسم الخط واکثر مصاحف مقطوع است
لتنبؤن در تحت همزه مضمومه واو می‌نویسند وبغیر واو میخوانند
ودر بعضی مصاحف که بخط قدیم نوشته شده نظر رسیده همزه
مضمومه بر مرکز متصل بنون لتنبؤن نوشته شده بود
یهد قلبه بعد از دال یای نویسند فانما انما این دو
لفظ در رسم الخط واکثر مصاحف موصول است ودر بعضی مصاحف
سورة الطلاق اثنتا مقطوع است عشرة آیه وهی مدنیة
بسم الله الرحمن الرحیم لا تدری بعد از را یای نویسند وبیاء
ساکنه میخوانند ذوی بفتح ذال وفتح واو وسکون یا مکتوب است
ومن یتق الله بعد از قاف یای نویسند من نسائکم
همزه مکسوره بر مرکز یا متصل بضمیر مکتوب است واولات
الاحمال اولات حمل درین دو لفظ بعد از همزه مضمومه واو

می نویسند و بغیر واو میخوانند وَجُدِکُمْ بضم واو و سکون
جیم و کسر دال مکتوب است فَانْفِقُوا بفتح همزه قطع نوشته
میشود اُخْرَی بعد از را یا می نویسند و بالف میخوانند
اَشَدُّ اللهِ اَشْهَا در این دو لفظ بهمزه ممدوده مکتوب است
و بعد از تا مرکن یا متصل بضمیر نوشته میشود و بالف
خوانده میشود یَا اُولِی الْاَلْبَابِ بعد از همزه مضمومه
واو می نویسند و بغیر واو میخوانند نَتْلُو صیغه مفرد است
در بعضی مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی
مصاحف بعد از واو الف می نویسند سورة التحریم اثنتا عشرة
آیة و هی مدنیة بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ لَا یُخْزِی اللهُ بعد از زا یا
می نویسند عَبْدَیْنِ صَالِحَیْنِ در این دو لفظ بسکون
یا و فتح ما قبل یا و کسر نون می نویسند اُدْخُلَا بعد از لام

الف

الف مکتوب است که صیغه تثنیه باشد اِمْرَأَتَ نُوحٍ
وَامْرَأَتَ لُوطٍ وَامْرَأَتَ فِرْعَوْنَ در این سه لفظ
در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء طولانی نوشته میشود
وَمَرْیَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ بتاء طولانی مکتوب است سورة
الملک ثلثون آیة و هی مکیة بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مَا تَرٰی
هَلْ تَرٰی در این دو لفظ و هر جا واقع شود بعد از را یا
می نویسند و بالف میخوانند یَنْقَلِبُ بالجزم است وَ
اَعْتَدْنَا بفتح همزه قطع مکتوب است کُلَّمَا منفصل و کلما
متصل در رسم الخط و مصاحف هر دو می نویسند این لفظ احتیاج
بحث و اصلاح نوارد سَاَلَهُمْ در رسم الخط و اکثر مصاحف
بهمزه منفصل مکتوب است اَنْ لَوْ یَرَوْا بعد از واو جمع الف
می نویسند اِلَی الطَّیْرِ بالف لام مکتوب است اَمَّنْ هٰذَا

الَّذِیْ اَمَّنْ یَمْشِیْ در این دو لفظ بعد از میم مشدد نوشته میشود
سِیْئَتْ بهمزه متصله مکتوب است مَا فِی کُمْ در رسم الخط
و اکثر مصاحف در تحت همزه مضمومه واو می نویسند و بغیر واو
میخوانند سورة القلم اثنان و خمسون آیة و هی مکیة بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
بِنِعْمَةِ در رسم الخط و اکثر مصاحف بتاء مدوره مکتوب است
بِاَیِّکُمْ در اکثر مصاحف بین مرکز یاء مشدد نوشته میشود
و در رسم الخط بدون مرکز بِاَیِّکُمْ کتابت میشود و اولی آنست
که این لفظ بین مرکز یا نوشته شود عُتُلٍّ بتشدید لام
مکتوب است نَائِمُوْنَ همزه مکسوره بر مرکز یا می نویسند
اَنْ لَا یَدْخُلَنَّهَا در رسم الخط و اکثر مصاحف مقطوع است
شُرَکَاءُ دو موضع در رسم الخط و اکثر مصاحف بهمزه مضمومه
بغیر واو می نویسند بِشُرَکَائِهِمْ همزه مکسوره بر مرکز یا

نوشته

نوشته میشود اِذْ نَادٰی بعد از دال یا می نویسند و بالف
میخوانند مَکْظُوْمٌ بظا مکتوب است تَدَارَکَهُ در
مصاحف بعد از دال الف می نویسند و در رسم الخط تَدَارَکَهُ
در مصاحف بعد از دال الف نمی نویسند و در رسم الخط تدارکه
بغیر الف می نویسند فَاجْتَبٰهُ در رسم الخط و اکثر مصاحف
بعد از با مرکز یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند
سورة الحاقة اثنتان و خمسون آیة و هی مکیة بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
وَمَا اَدْرٰیکَ هر جا واقع شود مرکز یا متصل بضمیر
می نویسند و بالف میخوانند صَرْعٰی بصاد مکتوب است
و بعد از عین یا می نویسند و بالف میخوانند وَالْمُؤْتَفِکَاتُ
در تحت همزه ساکنه واو نوشته میشود و بغیر واو خوانده
میشود طَغَی الْمَاءُ در بعضی مصاحف بیای می نویسند

و در رسم الخط و بعضی مصاحف طَغَا الْمَاءُ بالف می نویسند
اولی آنست که این لفظ را بهر نوع که نوشته باشند
بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند و در رسم
الخط در صورت کتابتی ان خلاف کردند بیا و بالف
هردو نقل کرده و بالف نوشتن را اولی دانسته اند ک
عَلَىٰ أَرْجَائِهَا همزه مکسوره بی مرکز یا مکتوب است ک
أُوتِيَ دو موضع بعد از همزه مضمومه واوی می نویسند
و بواو میخوانند ک هَاؤُمُ در رسم الخط و اکثر مصاحف
در تحت همزه مضمومه واوی می نویسند و بغیر واو میخوانند
ک اقْرَءُوا در تحت همزه مضمومه واوی می نویسند و بواو
میخوانند و بعد از واو الف می نویسند ک كِتَابِيَهْ چون
هاء سکت است بسکون نوشته میشود و در حال وقف

ووصل

و وصل بسکون خوانده میشود ک إِنِّي ظَنَنتُ بکسر همزه
مکتوب است ک أَنِّي مُلَاقٍ بفتح همزه نوشته میشود
ک حِسَابِيَهْ هاء سکت است در حال وقف و وصل بسکون
خوانده میشود ک لَمْ أُوتَ بعد از همزه مضمومه واوی می نویسند
و بواو میخوانند و بفتح تا بغیر یا مکتوب است ک كِتَابِيَهْ
ک حِسَابِيَهْ ک مَالِيَهْ ک سُلْطَانِيَهْ در آخر این چهار
لفظ هاء سکت نوشته میشود و در حال وقف و وصل
بسکون ها خوانده میشود ک إِلَّا الْخَاطِئُونَ در تحت همزه
مضمومه واوی می نویسند و بواو میخوانند و ابو جعفر بضم
طا و حذف همزه الْخَاطُونَ میخواند و ابو جعفر از قراء
عشره است سورة المعارج اربع و اربعون آیة مکیة بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ک سَأَلَ در رسم الخط و اکثر مصاحف بهمزه

مفتوحه منفصله مکتوب است ک سَائِلٌ همزه مکسوره بی
مرکز یا نوشته میشود ک ذِي الْمَعَارِجِ بعد از ذال یا می نویسند
ک وَتُؤْوِيهِ مرکز یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند
ک وَلَا يَسْأَلُ در رسم الخط و اکثر مصاحف بفتح یا و فتح همزه متصله
مکتوب است و ابو جعفر بضم یا و فتح همزه یسئل میخواند ک
لَوْ يَفْتَدِي بکسر دال و سکون یا مکتوب است ک يَوْمَئِذٍ
بنا بر قراءت عاصم و جمعی که با او متفق اند بکسر میم نوشته میشود
و بنا بر قراءت نافع و کسائی بفتح میم يَوْمَئِذٍ کتابت میشود
و این اختلاف در این لفظ در دو موضع است یکی در این
سوره و دیگری در سوره هود که مذکور شد ک تُؤْوِيهِ
در بعضی مصاحف در تحت همزه ساکنه واوی می نویسند و واو
ثانی که مکسور است نیز نوشته میشود و در رسم الخط و بعضی

مصاحف

مصاحف بیک واو تُؤْوِيهِ می نویسند و هر گاه درست توان خواند
احتیاج بحک و اصلاح ندارد ک كَلَّا إِنَّهَا لَظَىٰ بعد از ظا یا نوشته
میشود و بالف خوانده میشود ک تَدْعُوا صیغه مفرد است
در بعضی مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند و در رسم الخط
و بعضی مصاحف بعد از واو الف می نویسند ک فَأَوْعَىٰ
بعد از عین یا نوشته میشود و بالف خوانده میشود ک الَّذِينَ
هُمْ پنج موضع در رسم الخط و اکثر مصاحف منفصل می نویسند
و در بعضی مصاحف الَّذِينَهُمْ متصل می نویسند حک و اصلاح
این الفاظ ضرور نیست ک ابْتَغَىٰ بعد از غین یا می نویسند و
بالف میخوانند ک قِبَلَكَ بکسر قاف و فتح با مکتوب است ک كُلُّ
امْرِئٍ در رسم الخط و اکثر مصاحف در تحت همزه مکسوره
منونه یا می نویسند و بغیر یا میخوانند ک يُلَاقُوا در اکثر مصاحف

باثبات الف مکتوب است ودر رسم الخط بحذف الف یُلٰقُوا نوشته
میشود سورة نوح علیه السلام ثمان وعشرون آیه وهی مکیة بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِیم
کم وَاَطِیعُونِ بکسر نون بغیر یا مکتوب است کم یُؤَخِّرکُم
لَا یُؤَخَّرُ درین دو لفظ دو لفظ در رسم الخط واکثر مصاحف
در تحت همزه مفتوحه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند کم
دُعَائِی در بعضی مصاحف همزه مکسوره بر مرکز متصل بیای ساکنه
نوشته میشود ودر رسم الخط و بعضی مصاحف همزه مکسوره بر با
لای یاء ساکنه بغیر مرکز دُعَائِی مکتوب است کم اَلَمْ تَرَوا
بعد از واو الف می نویسند کم آلِهَتَکُم بهمزه ممدوده وکسر لام
مکتوب است کم وَدًّا بفتح واو نوشته میشود کم خَطِیئَا
تِهِم در اکثر مصاحف بهمزه ممدوده منفصله مکتوب است
ودر رسم الخط بهمزه متصله بغیر مرکز خَطِیئَتِهِم نوشته

میشود و در کتب رسم الخط منکور است که خَطِیئَتِهِم بمرکز و غیر
مرکز نوشتن سورة الجن ثمان وعشرون آیه وهی مکیة هر دو جایز است
بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِیم کم اَن لَن تَقُولَ کم اَن لَن یَبعَثَ الله
کم اَن لَن نُعجِزَ الله این سه لفظ در رسم الخط و اکثر مصاحف
مصاحف مقطوع است کم مُلِئَت در اکثر مصاحف متصل
نوشته میشود کم الآنَ در رسم الخط و مصاحف منفصل
می نویسند و در کتب رسم الخط مسطور است که درین
موضع منفصل است و بس کم تَحَرَّوا کم فَلَا تَدعُوا هی
دو صیغه جمع اند بعد از واو الف می نویسند کم قُل اِنَّمَا در
رسم الخط و اکثر مصاحف موصول است کم اَدعُو صیغه
متکلم است در بعضی مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند
ودر رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو می نویسند کم

وَاحصٰی بعد از صاد یا می نویسند و بالف میخوانند سورة
المزمل عشرون آیه وهی مکیة بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِیم کم نَاشِئَةَ
در اکثر مصاحف همزه مفتوحه بر مرکز یا مکتوب است ودر
نقطه یا گذاشتن ضرور نیست ودر رسم الخط بغیر مرکز
نَاشِئَةَ می نویسند و ابو جعفر بیاء مفتوحه بغیر همزه نَاشِیَةَ
میخوانند کم ذَرنِی بفتح ذال و سکون را و یاء ساکنه بعد از
نون مکتوب است کم اُولِی بعد از همزه مضمومه واو می نویسند
و بغیر واو میخوانند کم النَّعمَةِ بفتح نون مشدده مکتوب است
کم شَیبًا اِنِ السَّمَاءُ نون نی که در تلفظ از تنوین ظاهر
میشود در حال وصل بکسر باید خواند کم اَدنیٰ بعد از نون
یا می نویسند و بالف میخوانند کم اَن لَن در رسم الخط و مصاحف
مقطوع است و موصول هر دو می نویسند و مقطوع اولی

دانسته اند کم فَاقرَءُوا دو موضع بعد از همزه مضمومه
واو می نویسند و بواو میخوانند و بعد از واو الف می نویسند
ودر بعضی مصاحف همزه مضمومه را بصورت الف فَاقرَاُوا
می نویسند سورة المدثر ستة وخمسون آیه وهی مکیة بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِیم
کم تَستَکثِرُ در قراءت سبعه برفع را مکتوب است الا
حسن بصری که او بسکون را میخواند کم نُکِرَ بفتح کاف مشدده
مکتوب است کم یُؤتیٰ در تحت همزه ساکنه واو می نویسند
و بغیر واو میخوانند کم اُوتُوا الکِتَابَ دو موضع بعد از
همزه مضمومه واو نوشته میشود و بواو خوانده میشود
و بعد از واو ثانی الف می نویسند کم وَهُوَ بعد از دال
یا نوشته میشود و بسکون خوانده میشود کم ذِکرِی بعد از
را یا می نویسند و بالف میخوانند کم اِذِ اَدبَرَ بنا بر روایت

حفص و جمعی که با او متفق اند بسکون ذال و همزه مفتوحه و سکون
دال مکتوب است و بنا بر روایت بکر و جمعی که با او متفق اند
بفتح ذال و الف بعد از ذال و فتح دال نوشته میشود کلمه
لَإِحْدَى الْكُبَرِ بفتح لام و کسر همزه و سکون حا و بعد از دال مفتوحه
یا می نویسند و در حال وصل بلفظ در نمی آید کلمه آتَيْنَا همزه
مفتوحه مکتوب است و بعد از تا مرکز یا متصل بنون
می نویسند و بالف میخوانند کلمه امْرِئٍ در تحت همزه مکسوره
منونه یا می نویسند و بغیر یا میخوانند کلمه أَنْ يُؤْتَى در تحت
همزه ساکنه واو نوشته میشود و بغیر واو خوانده میشود
و بعد از تا یا می نویسند و بالف میخوانند کلمه التَّقْوَى بعد از
واو یا نوشته میشود و بالف خوانده میشود سورة القيمة
اربعون آیه و هی مکیة بسم الله الرحمن الرحیم کلمه أَنْ لَنْ

تجمع

نَجْمَعَ در بعضی مصاحف مقطوع است و در رسم الخط و بعضی
مصاحف أَلَّنْ موصول است اولی آنست که این لفظ را بهر
نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح
آن نکنند کلمه فَإِذَا بَرِقَ در قراءت جمیع قرا بکسر را مکتوب است
الا نافع که او بفتح را میخواند کلمه يُنَبَّؤُا الْإِنْسَانُ در اکثر
مصاحف در تحت همزه مضمومه واو می نویسند و بغیر واو
میخوانند و بعد از واو الف نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی
مصاحف بعد از واو الف می نویسند و در بعضی مصاحف
قدیمه مصححه بنظر رسید همزه مضمومه بصورت الف
بغیر واو يُنَبَّأُ مکتوب بود و در رسم الخط ذکر کرده که همزه
مضمومه بغیر واو يُنَبَّأُ نوشتن جایز است اولی آنست که
این لفظ را بهر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند

و حک و اصلاح آن نکنند کلمه يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ بضاد
مکتوب است کلمه إِلَى نَاظِرَةٌ بظا نوشته میشود کلمه سُدًى
بفتح دال منونا بیا نوشته میشود کلمه يُحْيِيَ در مصاحف
بعد از حا بدو یا و در رسم الخط بیک یا نیز می نویسند
سورة الدهر احدی و ثلثون آیه و هی مکیة بسم الله الرحمن الرحیم
کلمه سَلَاسِلَ در بعضی مصاحف بلام مفتوحه بغیر الف
می نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف سَلَاسِلًا بلام
مفتوحه و الف بعد از لام می نویسند کلمه نَضْرَةً بضاد
مکتوب است کلمه جَزَاؤُهُمْ در بعضی مصاحف بعد از زا الف
می نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف مرکز یا متصل
بضمیر جزائهم می نویسند و بالف میخوانند اولی آنست که این
لفظ را بهر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند و حک

واصلاح

و اصلاح آن نکنند کلمه عَلَى الْأَرَائِكِ همزه مکسوره بر مرکز
یا مکتوب است کلمه كَانَتْ قَوَارِيرَا در بعضی مصاحف
بعد از را مفتوحه الف نمی نویسند و در رسم الخط و
بعضی مصاحف قَوَارِيرَا بعد از را الف می نویسند
کلمه قَوَارِيرَ ثانی در رسم الخط و اکثر مصاحف بعد از
را مفتوحه الف نمی نویسند کلمه لُؤْلُؤًا در بعضی مصاحف
بعد از همزه منونه همزه ثانی بصورت الف لُؤْلُؤًا می
نویسند کلمه مَنْثُورًا بثاء مثلثه مکتوب است کلمه ثَمَّ
رَأَيْتَ بفتح ثاء مثلثه نوشته میشود کلمه خُضْرٌ بنا بر قراءت
حفص و جمعی که با او متفق اند برفع را منونا مکتوب است
و بنا بر روایت بکر و جمعی که با او متفق اند بخفض را منونا
نوشته میشود کلمه وَإِسْتَبْرَقٌ بهمزه مکسوره مکتوب است

و این همزه از اصل کلمه است و در همه حال ثابت است و بنا
بر قراءت عاصم و نافع و ابن کثیر برفع قاف منونا نوشته
میشود و بنا بر روایت باقی قرا بخفض قاف منونا کتابت
میشود کلمه وَيَذَرُونَ بذال مفتوحه و بعد از راء مضمومه
واو می نویسند و بواو میخوانند کلمه وَاِذَا شِئْنَا در رسم الخط
و اکثر مصاحف همزه ساکنه بر مرکز یا مکتوبست کلمه
وَمَا تَشَاؤُنَ بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و
بواو میخوانند و در بعضی مصاحف همزه مضمومه را بصورت
الف تَشَاأُونَ می نویسند سورة المرسلات خمسون آیه وهی مکیه
بسم الله الرحمن الرحیم کلمه فَاِذَا هرجا واقع شود بعد از ذال
الف می نویسند کلمه وَمَا اَدْرٰيكَ هرجا واقع شود بعد از مرکز
یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند کلمه وَاَسْقَيْنَاكُم

بفتح همزه قطعه و سکون سین و قاف مفتوحه و یاء ساکنه مکتوبست
کلمه ذِي ثَلٰثِ بذال مکسوره و یاء ساکنه و لام متصل و حذف
تا بغیر تنوین نوشته میشود کلمه وَلَا يُؤْذَنُ در تحت همزه
ساکنه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند کلمه فَكِيدُونِ
بکسر نون بغیر یا مکتوب است کلمه نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ بعد از
زا یا نوشته میشود سورة النبأ اربعون آیه وهی مکیه
بسم الله الرحمن الرحیم کلمه الَّذِي هُمْ در رسم الخط و اکثر
مصاحف مقطوع است کلمه لَابِثِينَ در اکثر مصاحف باثبات
الف مکتوب است و در رسم الخط بحذف الف و لام متصل
لَبِثِينَ می نویسند و بنا بر قراءت حمزه بفتح لام و حذف
الف لَبِثِينَ نوشته میشود کلمه حَدَائِقَ همزه مکسوره
بر مرکز یا مکتوب است کلمه رَبِّ السَّمٰوٰتِ بنا بر روایت قراءت

عاصم و ابن عامر و کسائی بخفض مکتوب است و بنا بر روایت
باقی قرا برفع با نوشته میشود کلمه الرَّحْمٰنِ بنا بر قراءت
عاصم و ابن عامر بخفض نون مکتوب است و بنا بر روایت
باقی قرا برفع نون نوشته میشود کلمه يَدَاهُ در مصاحف
بالف مکتوب است و در رسم الخط بحذف الف يَدٰهُ می
نویسند سورة النازعات ستة و اربعون آیه وهی مکیه بسم الله الرحمن الرحیم
کلمه اَئِنَّا کلمه اَئِذَا دو موضع در بعضی مصاحف همزه
مکسوره بر مرکز یا می نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف
همزه اول بشکل سر عین و ثانی بصورت الف ءَاِنَّا ءَاِذَا می
نویسند این مواضع احتیاج بحک و اصلاح ندارد کلمه هَلْ
اَتٰيكَ کلمه اِذْ نَادٰيهُ درین دو لفظ مرکز یا متصل بضمیر
می نویسند و بالف میخوانند کلمه بِالْوَادِ در رسم الخط و اکثر
مصاحف

مصاحف بکسر دال بغیر یا مکتوب است و در بعضی بالوادی بیا می
نویسند کلمه طُوًى بفتح واو منونا بیا مکتوب است و در حال وصل بر
ملفوظی تنوین مکسور میگردد کلمه فَاَرٰيهُ مرکز یا متصل بضمیر
می نویسند و بالف میخوانند کلمه وَالْاُولٰى بعد از همزه مضمومه واو
نوشته میشود و بی واو خوانده میشود کلمه بَنٰيهَا تا آخر سوره که
اَوْ ضُحٰيهَا است در جمیع این الفاظ مرکز یا متصل بضمیر می نویسند
و بالف میخوانند و در بعضی مصاحف لفظ بنیها را بالف می نویسند
و باقی الفاظ همه بیا متصل بضمیر نوشته میشود و نقطه یا
در تحت این الفاظ گذاشتن ضرور نیست و اگر گذاشته باشند
حک نکنند سورة عبس اثنتان و اربعون آیه وهی مکیه بسم الله الرحمن الرحیم
کلمه عَبَسَ وَتَوَلّٰى تا کلمه عَنْهُ تَلَهّٰى در آخر این الفاظ یا می نویسند
و بالف میخوانند کلمه وَعِنَبًا بکسر عین و فتح نون مکتوب است کلمه وَ

حَتّیٰ اَتیٰ همزه مکسوره بر مرکز یا نوشته میشود و بعضی یا خوانند میشود
ک لِکُلِّ امْرِیٍٔ در رسم الخط و اکثر مصاحف در تحت همزه مکسوره منونه
یا نمی نویسند و بعضی یا میخوانند سوره التکویر تسع و عشرون آیه وهی مکیه
بسم الله الرحمن الرحیم ک اِذَا الشَّمْسُ تا کلمه اِذَا تَنَفَّسَ درین الفاظ
بعد از ذال الف مکتوب است ک المَوْءُدَةُ در تحت همزه مضمومه
واو نمی نویسند و بواو میخوانند و این کلمه در اکثر مصاحف بدو
واو مکتوب است و در رسم الخط بیک واو متصل بمیم و همزه مضمومه ال
بشکل رعین نزدیک بآن واو المَوْءُدَةُ می نویسند و بهتر آنست
که این لفظ بدو واو نوشته شود و اگر درست توان خواند
حک و اصلاح آن ضرور نیست ک ذِیْ قُوَّةٍ ک ذِی العَرْشِ ک
درین دو لفظ بعد از ذال یا نوشته میشود ک مُطَاعٍ بضم میم
مکتوب است ک ثَمَّ اَمِیْنٍ بفتح ثا مثلثه می نویسند ک

بضنین

بِضَنِیْنٍ در رسم الخط و اکثر مصاحف بضاد نوشته میشود زیرا
که عاصم و نافع و ابن عامر و حمزه بضاد خوانده اند و در بعضی
مصاحف بنا بر روایت ابن کثیر و ابو عمرو و کسائی ظَنِیْنٍ
بظا می نویسند و اولی آنست چون درین زمان قرآن بسیاری
بقراءت عاصم نوشته میشود این کلمه بضاد نوشته شود
ک وَمَا تَشَاءُوْنَ بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بواو
میخوانند و در بعضی مصاحف همزه بصورت الف وَمَا تَشَاءُوْنَ
می نویسند سوره الانفطار تسع عشرة آیه وهی مکیه بسم الله الرحمن الرحیم
ک اِذَا چهار موضع بعد از ذال الف می نویسند ک فَسَوّٰىكَ مرکز یا
متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند ک بِغَائِبِیْنَ همزه مکسوره
بر مرکز یا نوشته میشود و بعضی یا خوانند میشود ک وَمَا اَدْرٰىكَ
دو موضع مرکز یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند سوره

المطففین ستة و ثلثون آیه وهی مکیه بسم الله الرحمن الرحیم
ک اِذَا دو موضع بعد از ذال الف می نویسند ک اَوْ وَّزَنُوْهُمْ
در رسم الخط و اکثر مصاحف بدو واو مکتوب است و در بعضی مصاحف
بیک واو مشهوره اَوْ وَزَنُوْهُمْ نوشته میشود ک وَمَا اَدْرٰىكَ
دو موضع حکمش گذشت ک لَصَالُوا الجَحِیْمِ بعد از لام واو می
نویسند و بعد از واو الف می نویسند ک عِلِّیِّیْنَ در رسم الخط
بدو مرکز کتابت میشود و در کتب رسم الخط مذکور است
که لفظ عِلِّیِّیْنَ درین موضع بدو مرکز نوشته میشود ک
عَلَی الْاَرَائِكِ دو موضع همزه مکسوره بر مرکز یا مکتوب است
سوره الانشقاق خمس و عشرون آیه وهی مکیه بسم الله الرحمن الرحیم
ک اِذَا چهار موضع بعد از ذال الف می نویسند ک اُوْتِیَ
دو موضع بعد از همزه مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند

ک

ک یَرْجِعَ صیغه مفرد است در بعضی مصاحف بعد از واو الف
نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو الف می نویسند
ک اَنْ لَّنْ در رسم الخط و اکثر مصاحف مقطوع است ک بَلٰىٓ
بعد از لام یا می نویسند و بالف میخوانند ک اِتَّسَقَ همزه وصل
بغیر الف لام مکتوب است ک قُرِئَ در تحت همزه مفتوحه
یا می نویسند و بعضی یا میخوانند ک یُوْعُوْنَ بعد از یا مضمومه
و عین مضمومه واو می نویسند و بهر دو واو میخوانند سوره
البروج اثنتان و عشرون آیه وهی مکیه بسم الله الرحمن الرحیم ک یُبْدِئُ
در تحت همزه مضمومه یا می نویسند و بعضی یا میخوانند ک اَلْوَدُوْدُ
بعد دال واو مکتوب است ک ذُو العَرْشِ در رسم الخط و اکثر مصاحف
بعد از واو الف می نویسند ک المَجِیْدُ بنا بر قراءت عاصم و جمع
که با او متفق اند برفع دال نوشته میشود و بنا بر قراءت

حمزه وکسائی بخفض دال کتابت میشود هَلْ اَتٰيكَ بعد از تا مرکز یا
متصل بضمیر محذوف و بالف میخوانند مِنْ وَرَائِهِمْ همزه مکسوره
بر مرکز یا مکتوب است مَحْفُوظٍ همه قرا بخفض ظا میخوانند الا
نافع که او برفع ظا میخواند سورة الطارق سبع عشرة
آیة وهی مکیة بسم الله الرحمن الرحیم وَمَا اَدْرٰيكَ بعد از را مرکز یا
متصل بضمیر محذوف و بالف میخوانند مِنْ مَاءٍ در رسم الخط
و اکثر مصاحف مقطوع است وَالتَّرَائِبِ همزه مکسوره بر مرکز یا
مکتوب است تُبْلَى بعد از لام یا محذوف السَّرَائِرُ همزه
مکسوره بر مرکز یا نوشته میشود ذَاتِ دو موضع در رسم
الخط و مصاحف بتا دطولانی مکتوب است سورة الاعلی تسع
عشرة آیة وهی مکیة بسم الله الرحمن الرحیم الْاَعْلٰى بعد از
لام یا محذوف و بالف میخوانند فَسَوّٰى بعد از واو مشدده

یا نوشته

یا نوشته میشود و بالف خوانده میشود سَنُقْرِئُكَ همزه مضمومه
بر مرکز یا مکتوب است اِنْ نَفَعَتِ در رسم الخط و اکثر مصاحف
بی نون نوشته میشود يَصْلَى النَّارَ بعد از لام یا مکتوب است
يُؤْثِرُونَ در تحت همزه ساکنه واو محذوف و بغیر واو
میخوانند لَفِي بعد از فا یا نوشته میشود و در حال وصل
بتلفظ در نمی آید الْاُولٰى بعد از همزه مضمومه واو محذوف
و بواو میخوانند سورة الغاشیة ستة و عشرون آیة وهی مکیة
بسم الله الرحمن الرحیم هَلْ اَتٰيكَ در رسم الخط و مصاحف
بعد از تا مرکز یا متصل بضمیر محذوف و بالف میخوانند
تَصْلٰى تُسْقٰى در آخر این دو لفظ یا محذوف و بالف میخوانند
مِنْ ضَرِيعٍ بضاد مکتوب است وَزَرَابِيُّ بیا نوشته
میشود بِمُصَيْطِرٍ بنا بر قراءت جمیع قرا بصاد مکتوب است

الا هشام که او بسین میخواند و اگر چه بمصیطر بصاد و سین
بخلاف عنه از برای حفص ذکر کرده اند اما آن خلاف را
اعتباری نکرده اند واضح صاد است و حکم آن در سورة
والطور مذکور شد تَوَلّٰى بعد از لام مشدده یا محذوف
و بالف میخوانند اِيَابَهُمْ بنا بر قراءت سبعه بتخفیف یا
محذوف الا ابو جعفر که او بتشدید یا میخواند سورة
الفجر ثلثون آیة وهی مکیة بسم الله الرحمن الرحیم الْوَتْرِ بنا بر قراءت
عاصم و جمعی که با او متفق اند بفتح واو محذوف و بنا بر قراءت
حمزه و کسائی بکسر واو نوشته میشود اِذَا يَسْرِ بنا بر قراءت
اکثری از قرا بکسر را بغیر یا مکتوب است الا نافع و ابو عمرو
که ایشان در حال وصل بعد از راء مکسوره باثبات یاء ساکنه
میخوانند لِذِي بکسر لام و کسر ذال و یاء ساکنه مکتوب است

اِرَمَ بکسر همزه و فتح را نوشته میشود جَابُوا بعد از واو الف
محذوف بِالْوَادِ در رسم الخط و مصاحف بکسر دال بغیر یا نوشته
میشود ذِي الْاَوْتَادِ بعد از ذال مکسوره یا محذوف
فَاَكْثَرُوا بفتح همزه قطع نوشته میشود و بعد از واو الف
محذوف مَا ابْتَلٰيهُ دو موضع بعد از لام مرکز یا متصل
بضمیر محذوف و بالف میخوانند فَقَدَرَ بنا بر قراءت جمیع قرا
بتخفیف دال نوشته میشود الا ابن عامر که او بتشدید
دال میخواند اَكْرَمَنِ اَهَانَنِ این دو لفظ بکسر نون
بغیر یا نوشته میشوند الا نافع و ابو عمرو که ایشان در
حال وصل در هر دو موضع باثبات یا میخوانند وَجِايْءَ
بکسر جیم و یاء ساکنه متصل بجیم و همزه مفتوحه نوشته
میشود و در رسم الخط بکسر جیم و الف زاید بعد از جیم و یاء

ساکنه منفصله بعد از الف و همزه مفتوحه بعد از یا و جاءی
کتابت میشود اولی آنست که بصورت اول نوشته شود
و هر گاه درست توان خواند حک و اصلاح آن ضرور نیست کـ
اتی بعد از نون مشدده یا می نویسند و بالف میخوانند کـ
لحیاتی در رسم الخط و بعضی مصاحف بالف مکتوب است
و در بعضی لحیوتی بواو نوشته میشود اولی آنست که این لفظ را
بهر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح
آن نکنند کـ و لا یوثق بعد او یاء مضمومه واو می نویسند
و بواو میخوانند کـ الی ربک بکسر کاف نوشته میشود سوره
الفجر عشرون آیه و هی مکیه بسم الله الرحمن الرحیم کـ بهذا دو موضع
بعد از ذال الف می نویسند کـ ایحسب دو موضع بنا بر
قراءت عاصم و ابن عامر و حمزه بفتح سین مکتوب است و بنا

برروایت

بر روایت نافع و ابن کثیر و ابو عمرو و کسائی بکسر سین نوشته
میشود کـ ان لن کـ ان لم در رسم الخط و اکثر مصاحف این
دو لفظ مقطوع اند کـ فلا اقتحم بعد از لفظ فلا همزه و
صل لفظ اقتحم نوشته میشود کـ و ما ادراک بعد از را
مرکز یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند کـ المشأمه
در بعضی مصاحف بهمزه منفصل مکتوب است و در رسم الخط
بهمزه متصل بغیر مرکز المشئمة می نویسند و در بعضی
مصاحف متصل می نویسند و همزه را بر مرکز المشئمة می نویسند
کـ مؤصدة در تحت همزه ساکنه واو می نویسند و حفص
بهمزه ساکنه بغیر واو میخوانند و بکر بواو ساکنه بغیر همزه قرائت
میکنند سورة الشمس خمس عشرة آیت و هی مکیه بسم الله الرحمن الرحیم
کـ و ضحیها کـ اذا تلیها تا انتهاء این سوره در آخر آیات

مرکز یا متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند کـ و سقیها در
بعضی مصاحف بدون مرکز مکتوب است و در رسم الخط و بعضی مصاحف
بیت مرکز و سقیها نوشته میشود و در بعضی مصاحف
و سقیاها بالف می نویسند اولی آنست که این الفاظ را بهر نوع
که نوشته باشند بحال خود بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند
سورة اللیل احدی و عشرون آیه و هی مکیه بسم الله الرحمن الرحیم
کـ اذا یغشی بعد از شین یا می نویسند و بالف میخوانند کـ
اذا تجلی تا انتهاء این سوره آخر آیات بیا مکتوب اند و بالف
خوانده میشوند کـ و الاولی بعد از همزه مضمومه واو می نویسند
و بواو میخوانند کـ یؤتی در تحت همزه ساکنه واو نوشته
میشود و بغیر واو خوانده میشود سورة الضحی احدی عشر
آیه و هی مکیه بسم الله الرحمن الرحیم کـ و الضحی کـ اذا سجی

تا کلمه

تا کلمه فاغنی آخر آیات را بیا می نویسند و بالف میخوانند کـ
الاولی بعد از همزه مضمومه واو نوشته میشود و بواو خوانده
میشود کـ عائلا همزه مکسوره بر مرکز یا مکتوب است کـ فلا
تقهر کـ فلا تنهر هر دو موضع بسکون را نوشته میشود کـ
السائل همزه مکسوره بر مرکز یا مکتوب است کـ فحدث بسکون
ثاء مثلثه نوشته میشود سورة الانشراح ثمان آیات و هی مکیه
بسم الله الرحمن الرحیم کـ فانصب کـ فارغب در هر دو موضع
بسکون با می نویسند سورة التین ثمان آیات و هی مکیه بسم الله الرحمن الرحیم
کـ سنا فلین بغیر الف لام تعریف نوشته میشود سورة العلق
تسع عشرة آیه و هی مکیه بسم الله الرحمن الرحیم کـ ما لم یعلم بسبب
حرف جازم مجزوم است کـ لیطغی تا کلمه یرى آخر آیات بیا
مکتوب اند و بالف خوانده میشوند کـ راه در رسم الخط و اکثر

مصاحف بهمزهٔ ممدوده متصل بغیر یا نوشته میشود خاطئة
همزهٔ مفتوحه بر مرکز یا مکتوب است واسجد واقترب
هر دو صیغهٔ امر واقع شده اند در حال وصل و وقف ساکن اند
سورة القدر خمس آيات وهي مدنية بسم الله الرحمن الرحيم مطلع
الفجر بنا بر قراءت جمیع قرا بفتح لام و کسر عین نوشته میشود
الا کسائی که او بکسر لام و کسر عین مطلع میخوانند سورة البينة
ثمان آيات وهي مدنية بسم الله الرحمن الرحيم يتلو صیغه
مفرد است در بعضی مصاحف بعد از واو الف نمی نویسند و در
رسم الخط و بعضی مصاحف بعد از واو الف می نویسند اوتوا
الكتاب بعد از همزهٔ مضمومه واو می نویسند و بواو میخوانند و
بعد از واو ثانی الف می نویسند ويؤتوا در تحت همزه
ساکنه واو نوشته میشود بغیر واو خوانده میشود و بعد از

واو

واو ثانی الف می نویسند جزاؤهم در بعضی مصاحف در تحت
همزهٔ مضمومه واو نمی نویسند و در رسم الخط و بعضی مصاحف
جزاؤهم در تحت همزهٔ مضمومه واو می نویسند و بغیر واو میخوانند
سورة الزلزلة ثمان آيات وهي مدنية بسم الله الرحمن الرحيم اوحى
لها در رسم الخط و اکثر مصاحف منفصل نوشته میشود و بعد از
حا یا می نویسند و بالف میخوانند ليروا بعد از واو الف مکتوب است
سورة العاديات احدى عشر آية وهي مكية بسم الله الرحمن الرحيم فاثرن
به فوسطن به در این دو کلمه نون منفصل از به نوشته
میشود که دو کلمه باشند سورة القارعة احدى عشر آية
بسم الله الرحمن الرحيم وما ادريك دو موضع مرکز یا متصل
بضمیر می نویسند و بالف میخوانند كالفراش كالعهن
حرف در این دو کلمه کاف مثل واقع شده متصل بالف لام می نویسند

ما هيه هاء ثانی هاء سکت است در حال وصل و وقف ساکن
خوانده میشود سورة التكاثر ثمان آيات وهي مكية بسم الله الرحمن
الرحيم لتسئلن در رسم الخط و بعضی مصاحف بهمزه متصل
نوشته میشود و در بعضی مصاحف بهمزه منفصل می نویسند
اولی آنست که این کلمه را بهر نوع که نوشته باشند بحال خود
بگذارند و حک و اصلاح آن نکنند سورة العصر ثلث آيات وهي مكية
بسم الله الرحمن الرحيم وتواصوا دو موضع بعد از واو جمع الف نمی نویسند
سورة الهمزة تسع آيات وهي مكية بسم الله الرحمن الرحيم لمزة الذي
در حال وصل نون ملفوظی تنوین مکسور میگردد يحسب بنا
بر قراءت عاصم و ابن عامر و حمزه بفتح سین مکتوب است و بنا
بر قراءت باقی قرا بکسر سین نوشته میشود انها در رسم
الخط و اکثر مصاحف مقطوع است وما ادريك مرکز یا

متصل

متصل بضمیر می نویسند و بالف میخوانند مؤصدة در تحت همزه ساکنه
واو می نویسند و بنا بر قراءت حفص بهمزه ساکنه بغیر واو خوانده میشود
و بنا بر روایت بکر بواو ساکنه بغیر همزه قراءت میشود في عمد
بنا بر قراءت حفص بفتح عین و فتح میم خوانده میشود و بنا بر روایت
بکر بضم عین و ضم میم قراءت میشود سورة الفيل خمس آيات
وهي مكية بسم الله الرحمن الرحيم ارسل همزه قطع مکتوب است
و در هر حال در کلام ثابت است سورة قريش اربع آيات وهي مكية
بسم الله الرحمن الرحيم لايلاف قريش در اکثر مصاحف بکسر لام
و کسر همزه متصل بلام و یاء ساکنه و الف متصل بلام می نویسند
و در رسم الخط بکسر لام و همزه مکسوره بشکل سر عین بغیر مرکز و یاء
متصل بلام و اثبات الف لايلاف و حذف الف ايلافهم هر دو
وجه می نویسند ايلافهم در اکثر مصاحف بکسر همزه و یاء

متصل بلام و اثبات الف مکتوب است و در رسم الخط بکسر همزه و حذف
یا و حذف الف بعد از لام و لام را متصل بفا اُلفِهِم می نویسند
و در حال تلاوت بیا میخوانند و بهتر آنست که بصورت اصل نوشته
شود که در حال تلاوت غلط خوانده نشود والله اعلم سورة الماعون
سبع آیات وهی مکیة بسم الله الرحمن الرحیم کلمه یدُعُّ بضم
دال وضم عین مشدده مکتوب است کلمه عن صلاتهم چون
متصل بضمیر است در رسم الخط و بعضی مصاحف بالف می نویسند
و در بعضی مصاحف بصلوتهم بواو می نویسند اولی آنست که
این کلمه را هر نوع که نوشته باشند بحال خود بگذارند و حک
و اصلاح آن نکنند کلمه یُرآؤن در تحت همزه مضمومه واو
می نویسند و بواو میخوانند سورة الکوثر ثلث آیات وهی مکیة
بسم الله الرحمن الرحیم کلمه اعطیناک چون کاف خطاب است جل

باین نوشت متصل بالف لام تعریف نمی نویسند کلمه و انحر چون صیغه
امر است در حال وصل و وقف آخر او ساکن است کلمه شانئک در رسم
الخط و اکثر مصاحف همزه مفتوحه بر مرکز متصل بضمیر مکتوب است
کلمه هو الابتر بضم را نوشته میشود سورة الکافرون ست آیات
بسم الله الرحمن الرحیم کلمه عابدون دو موضع در اکثر مصاحف با
ثبات الف می نویسند و در رسم الخط بحذف الف عبدون می نویسند
سورة النصر ثلث آیات وهی مدنیة بسم الله الرحمن الرحیم کلمه واستغفره
چون صیغه امر است بسکون را نوشته میشود سورة تبت خمس
آیات وهی مکیة بسم الله الرحمن الرحیم کلمه یدا بالف مکتوب است کلمه ما
اغنی کلمه سیصلی در اصل این کلمه یا می نویسند و بالف میخوانند سورة الاخلاص
اربع آیات وهی مکیة بسم الله الرحمن الرحیم کلمه کفوا بنا بر قراءت حفص
بفتح واو منونا مکتوب است و بنا بر روایت بکر کفوا بفتح همزه

منونا نوشته میشود سورة الفلق خمس آیات وهی مکیة
بسم الله الرحمن الرحیم کلمه النفاثات بنون مشدده و فاء مشدده
نوشته میشود سورة الناس ست آیات وهی مکیة بسم الله الرحمن الرحیم
کلمه الوسواس الخناس این دو لفظ متصل خوانده شود بهتر است
باب پنجم در بیان اسماء سور و خلاف آن و عدد آیات و خلاف
آن و عدد کلمات و حروف هر سوره در آن سوره و جزو و نصف
جزو و حزب با اختلاف و وقف لازم و وقف النبی صلی الله
علیه و آله و وقف معانقه و سکته و سجدات واجب و سنت
با خلاف در هر سوره ذکر آن خواهیم شد و در اول هر سوره
لفظ لوازم و فواصل که مذکور میگردد و مراد از لوازم وقف لازم است
که چند موضع است درین سوره و مقصود از فواصل حرف آخر
آیات است که درین سوره بچه حرف آیات تمام است مذکور

میگردد و از رموز بجا نمی درین کتاب بغیر از وقف لازم
و وقف النبی صلی الله علیه و آله و وقف معانقه و سجدات واجب
و سنت چیزی دیگر مذکور نمیگردد زیرا که از جمله ضروریات در
وقت خواندن قرآن این مواضع است که بنده درین کتاب
ذکر آن کرده و شیخ جزری فرموده بیت لیس فی القرآن من وقف
یجب ولا حرام غیر ما له سبب یعنی در قرآن هیچ موضع
نیست که در وی وقف واجب و وقف حرام باشد مگر او را سببی
باشد و علما رضوان الله علیهم اجمعین نیز فرموده اند که در
قرآن هیچ موضع وقف واجب و حرام نیست مگر تغییری در معنی
قرآن یا در نظم قرآن بهم رسد و تصریح کرده اند که در موضعی که از
برای وقف لازم علامت گذاشته اند در آن موضع وقف لازم است
زیرا که اگر دانسته وصل کنند تغییر در معنی قرآن بهم میرسد

ودران حال کنه کار خواهد بود و فقیر جمیع مواضع وقف لازم را
درین کتاب ذکر کرده و از جمله وقف لازم کلمه اصحاب النار است
که در اول سوره المؤمن است که حم اول نیز گویند و ترتیب آیه
برین نهج است وَكَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا
أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ م پس اگر وصل کند النار را به الَّذِينَ يَحْمِلُونَ
الْعَرْشَ صفت اصحاب النار میشود پس وقف درین مقام لازم
و ضرور باشد که اگر وصل کند تغییر در معنی بهم میرسد که اگر
دانسته وصل کند کنه کار خواهد بود و همچنین میان مضاف
و مضاف الیه و امثال آن وقف کردن نزد علما و قرا ممنوع است
مثل وقف بر رب از رَبِّ الْعَالَمِينَ زیرا که معنی ناتمام است
و معنی کلام وقتی تمام است که مضاف و مضاف الیه با یکدیگر مذکور
شوند و باقی مواضع وقف لازم و وقف میان مضاف و مضاف الیه

و امثال

و امثال آنرا برین قیاس کنند و هر در هر دو موضع که وقف لازم است
علامت میم میگذارند و میم که از برای وقف لازم است باید که
برابر استه مصور بکشتن مثل هذا أَصْحَابُ النَّارِ م میم که از برای
علامت قلب است دامن او را سپس از نون مثل مِن وَرَاءِ م بعد تا فرق
باشد میانه میم که از برای وقف لازم نویسند و میانه میم که
از برای قلب کذارند سورة فاتحة الکتاب بعضی سورة الحمد
و ام الکتاب و ام القرآن و سبع المثانی کفته اند و مکی است
و بعضی مدنی میدانند و در نقل وارد شده که یکبار در مکه
و یکبار در مدینه فرود آمد ازین جهت سبع المثانی
کفته اند و باتفاق همه هفت آیت است اما در تعیین آن
خلاف است مکی و کوفی بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ را یک آیه میشمرند
وَصِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

وقف لازم
م
علامت قلب
م

این مجموع را یک آیه دانسته اند و مدنی و بصری و شامی
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ این مجموع را
یک آیه شمرده اند و صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ را یک آیه
کفته اند و بیست و نه کلمه است با بسمله و صد و بیست و چهار
حرف است با بسمله و فواصل نم سورة البقرة و بعضی سورة ا
لفسطاط کفته اند و مدنی است و بعضی برآنند که مکی است
و دویست و هشتاد و شش آیت است بقول کوفی و بقول
بصری هفت و بقول حجازی پنج و بقول شامی چهار و در ده
آیه اختلاف است میان علما عدد یعنی بعضی آیه میدانند
و بعضی آیه نمیدانند اول الم دوم عَذَابٌ أَلِيمٌ سیم
نَحْنُ مُصْلِحُونَ چهارم يَا أُولِي الْأَلْبَابِ پنجم مِنْ خَلَاقٍ
ششم مَاذَا يُنْفِقُونَ هفتم تَتَفَكَّرُونَ هشتم قَوْلًا مَعْرُوفًا

نهم

نهم الْقَيُّومُ دهم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ و شش هزار و صد و بیست
و چهار کلمه است و بیست و پنج هزار و پانصد حرف است و لوازم
هشت موضع است و فواصل نمس لدبق و آنچه لازمه این
این سوره است از جزو و نصف جزو و حزب و وقف لازم و
وقف معانقه و غیر آن مذکور میکردد وقف معانقه در کلمه لَا رَيْبَ
ج و کلمه فِيهِ ج مکتوب است و در بعضی مصاحف در وقف
معانقه اکتفا بیک وقف نموده اند چنانکه در کلمه لَا رَيْبَ
و کلمه فیه وقف معانقه است اکتفا بکلمه فیه نموده اند و ج
که علامت وقف جایز است در فیه میگذارند و در کلمه لَا رَيْبَ
چیزی نمینویسند زیرا که اولی آنست که وقف در کلمه فِيهِ کنند
وقف لازم در آیه وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ م نوشته میشود
وقف لازم در کلمه مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلًا م مکتوب است

حزب درآیه وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ نوشته میشود بعضی
حزب را درآیه وَارْکَعُوا مَعَ الرَّاکِعِینَ و جمعی درآیه وَإِیَّایَ
فَاتَّقُونِ و قلیلی درآیه إِلَیٰ حِینٍ میدانند نصف الجزو
درآیه وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ بعضی نصف الجزو را
درآیه وَهُمْ یَعْلَمُونَ و جمعی درآیه وَوَیْلٌ لَهُمْ مِمَّا یَکْسِبُونَ
گفته اند وقف معانقه در کلمه عَلَیٰ حَیَاةٍ ج و کلمه مِنَ الَّذِینَ
أَشْرَکُوا ج نوشته میشود حزب درآیه الْعَظِیمِ بعضی حزب را در
آیه عَذَابٌ أَلِیمٌ و جمعی درآیه قَرِیبٌ و قلیلی درآیه وَلَا
نَصِیرٍ میدانند جزو الثالث درآیه عَمَّا کَانُوا یَعْمَلُونَ مکتوبست
وقف لازم درآیه إِنَّکَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِینَ م وقف النبی صلی الله
علیه و آله در کلمه الْخَیْرَاتِ ط نوشته میشود وقف معانقه درآیه
تَهْتَدُونَ لا و آیه تَعْلَمُونَ ط مکتوب است حزب

درآیه لَفِی شِقَاقٍ بَعِیدٍ نوشته میشود بعضی حزب را درآیه
فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَی النَّارِ گفته اند وقف معانقه در کلمه التَّهْلُکَةِ
ج صلے و کلمه أَحْسِنُوا ج مذکور است وقف النبی صلی الله علیه و آله
در کلمه یَعْلَمْهُ اللَّهُ ط مکتوب است نصف الجزو درآیه وَاللَّهُ
سَرِیعُ الْحِسَابِ نوشته میشود بعضی نصف الجزو را درآیه
وَمَا لَهُ فِی الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ و جمعی درآیه وَاللَّهُ لَا یُحِبُّ
الْفَسَادَ و قلیلی درآیه یَا أُولِی الْأَلْبَابِ میدانند وقف
لازم در کلمه وَالَّذِینَ آمَنُوا م که درآیه وَاللَّهُ یَرْزُقُ
مَنْ یَشَاءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ مکتوب است حزب درآیه فَأُولَٰئِکَ
هُمُ الظَّالِمُونَ نوشته میشود بعضی حزب را درآیه
لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ و جمعی درآیه وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ گفته اند که
بعد از کلمه وَالْوَالِدَاتُ مکتوب است وقف لازم در کلمه مِنْ

بَعْدِ مُوسَیٰ م مذکور است الجزو الثالث درآیه وَإِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ
مکتوب است وقف لازم در کلمه فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَیٰ بَعْضٍ م
نوشته میشود وقف لازم در کلمه أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْکَ مکتوبست
وقف لازم در کلمه إِنَّمَا الْبَیْعُ مِثْلُ الرِّبَا م مذکور است حزب درآیه
هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ نوشته میشود بعضی حزب را درآیه وَلَا
هُمْ یَحْزَنُونَ و جمعی درآیه فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِیمٌ و قلیلی درآیه
کُلُّ نَفْسٍ مَا کَسَبَتْ وَهُمْ لَا یُظْلَمُونَ میدانند سورة آل عمران
مدنی است و دویست آیت است بقول کوفی و بقول شامی
صد و نود و نه آیه است و در هفت آیه درین سوره
خلاف واقع شده که بعضی آیه میدانند و بعضی آیه نمیدانند
اول الم دوم وَالْإِنْجِیلَ سیم وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ چهارم الْإِنْجِیلَ
پنجم إِلَیٰ بَنِی إِسْرَائِیلَ ششم مِمَّا تُحِبُّونَ هفتم إِبْرَاهِیمَ

و سه هزار و چهارصد کلمه است و چهارده هزار و پانصد و بیست
و پنج حرف است و لوازم سه موضع است و فواصل مِنْ لَدُنْکَ
و آنچه لازم این سوره است نوشته میشود وقف لازم در کلمه وَمَا
یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ م مکتوب است بعضی درین وقف لازم
خلاف کرده اند و آنچه از عبارت بعضی تفاسیر مفهوم میگردد
آنست که وقف لازم در کلمه وَالرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ م مکتوبست
و از استاد بفقیر نیز چنین رسیده و در اکثر کتب مکتوبست
که وقف لازم درین سوره سه موضع است اول که مذکور
شد وقف لازم دوم درآیه وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ م وقف لازم سیم
در کلمه وَنَحْنُ أَغْنِیَاءُ م نوشته میشود وقف النبی صلی الله علیه
و آله در کلمه وَمَا یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ مکتوب است نصف الجزو
درآیه وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ نوشته میشود بعضی نصف

الجزو را در آیه بَصِیرٌ بِالْعِبَادِ و جمعی در آیه الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ گفته اند
وقف معانقه در کلمه مُحْضَرًا ج و کلمه مِنْ سُوءٍ ج مکتوب است حزب
در آیه وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ نوشته میشود بعضی حزب را
در آیه هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِیمٌ و جمعی در آیه وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِینَ
میدانند الجزو الثانی در آیه لَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِینَ
مکتوب است بعضی جزو را در آیه فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ
و جمعی در آیه وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِینَ گفته اند حزب در آیه فَأُولَٰئِكَ هُمُ
الظَّالِمُونَ نوشته میشود و بعضی حزب را در آیه لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ
میدانند نصف الجزو در آیه وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ مکتوب است
بعضی نصف الجزو را در آیه وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ و جمعی در آیه
فَلْیَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ و قلیلی در آیه وَاللَّهُ بَصِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ
گفته اند وقف معانقه در آیه أَجْرَ الْمُؤْمِنِینَ ج و کلمه الْقَرْحُ ط با خلاف
مذکور کرد

مکتوب است حزب در آیه وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَیْرٌ لِلْأَبْرَارِ بعضی حزب را
در آخر سوره و جمعی در آیه وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِیبًا در سوره النساء میدانند
سورة النساء مدنی است صد و هفتاد و شش آیه است بقول کوفی
و پنج آیه بقول حجازیین و بصریین و هفت آیه بقول شامیین
و علمای عدد درین سوره در دو آیه خلاف کرده اند بعضی آیه میدانند
و بعضی آیه غیر اند اول أَنْ تَضِلُّوا السَّبِیلَ دوم فَیُعَذِّبُهُمْ
عَذَابًا أَلِیمًا سه هزار و هفتصد و پنجاه و دو کلمه است و شانزده
هزار و سی حرف است و لوازم دو موضع است و فواصل أمن
وانچه لازمه این سوره است نوشته میشود الجزو الخامس
در آیه إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِیمًا مکتوب است حزب در آیه
فَإِذًا لَا یُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِیرًا بعضی حزب را در آیه ظِلًّا
ظَلِیلًا و جمعی در آیه فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِیرًا و قلیلی در آیه مِنَ

الَّذِینَ آمَنُوا سَبِیلًا گفته اند نصف الجزو در آیه إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ
كُلِّ شَیْءٍ حَسِیبًا نوشته میشود بعضی نصف الجزو را در
آیه وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَیْءٍ مُقِیتًا و جمعی در آیه لَوَجَدُوا
فِیهِ اخْتِلَافًا كَثِیرًا میدانند حزب در آیه وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ
عَلَیْكَ عَظِیمًا مکتوب است وقف لازم در کلمه لَعَنَهُ اللَّهُ م در آیه
مَفْرُوضًا نوشته میشود الجزو السادس در آیه وَكَانَ اللَّهُ
شَاكِرًا عَلِیمًا مکتوب است وقف لازم در کلمه سُبْحَانَهُ
أَنْ یَكُونَ لَهُ وَلَدٌ م مذکور است حزب در آیه وَاللَّهُ بِكُلِّ شَیْءٍ
عَلِیمٌ در آخر سوره مکتوب است بعضی حزب را در آیه إِنَّ اللَّهَ
یَحْكُمُ مَا یُرِیدُ در اول سوره مائده و جمعی در آیه شَدِیدُ الْعِقَابِ
و قلیلی در آیه تَشْكُرُونَ میدانند سورة المائدة بعضی سورة العقود
گفته اند و مدنی است و صد و بیست آیه است بقول کوفی
و بیست

و بیست و دو بقول حجازی و بیست و سه بقول بصری و در سه آیه
خلاف است اول أَوْفُوا بِالْعُقُودِ دوم وَیَعْفُوا عَنْ كَثِیرٍ سیم
فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ و دو هزار و هشتصد و چهار کلمه است و یازده
هزار و هفتصد و سی و سه حرف است و لوازم شش موضع و فواصل
لم نرتبه و انچه لازمه این سوره است نوشته میشود
وقف لازم در کلمه أَنْ تَعْتَدُوا م در آیه شَدِیدُ الْعِقَابِ مکتوب است
نصف الجزو در آیه فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِینَ نوشته میشود
بعضی نصف الجزو را در آیه فَإِنْ یَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ
و جمعی در آیه إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ و قلیلی در آیه مِنَ الْمُتَّقِینَ
میدانند وقف لازم در کلمه آدَمَ بِالْحَقِّ م در آیه مِنَ الْمُتَّقِینَ
مکتوب است وقف النبی صلی الله علیه و آله در آیه مِنَ النَّادِمِینَ
نوشته میشود وقف معانقه در آیه مِنَ النَّادِمِینَ ج و کلمه مِنْ

اجل ذلک ج مکتوب است وقف معانقه در کلمه کثیرا منهم بعد
ج در کلمه هادوا ج باخلاف است وقف النبی صلی الله علیه وآله در کلمه
فاستبقوا الخیرات ط نوشته میشود حزب در آیه یوقنون بعضی
حزب را در آیه الظالمین کفته اند وقف لازم در کلمه والنصاری اولیاء
م در آیه الظالمین مکتوب است وقف غفران ایضا در کلمه والنصاری
اولیاء مذکور است وقف لازم در کلمه ولعنوا بما قالوا در آیه
المفسدین مکتوب است وقف لازم در کلمه ثالث ثلثة م در آیه
عذاب الیم مذکور است الجزو السابع در آیه وانهم لا یستکبرون
مکتوب است بعضی جزو را در آیه ولکن کثیرا منهم فاسقون
وجمعی در آیه مع الشاهدین وقلیلی در آیه البلاغ المبین
میدانند وقف لازم در کلمه اذکر نعمتی علیک وعلی والدتک م
مذکور است حزب در آیه وتکون علیها من الشاهدین

بعض

بعضی حزب را در آیه الا سحر مبین وجمعی در آیه الفاسقین
کفته اند وقف النبی صلی الله علیه وآله در کلمه ما لیس لی بحق م مکتوب
بعضی این وقف النبی را در کلمه فقد علمته ط در آیه الغیوب
میدانند سورة الانعام مکی است صد وشصت وپنج آیه است بقول
کوفی هفت بقول حجازی شش بقول بصری وشامی ودر چهار
آیه خلاف است اول النور دوم علیکم بوکیل سیم فیکون
چهارم مستقیم سه هزار وپنجاه ودو کلمه است ودوازده هزار و
چهارصد وبیست ودو حرف است ولازم دو موضع است
وفواصل لم نظر وآنچه لازمه این سوره است نوشته میشود
وقف معانقه در کلمه وهو الله ق وکلمه فی الارض ظ مکتوب است
باخلاف وقف لازم در آیه وانی بریء مما تشرکون م نوشته
میشود وقف لازم در کلمه کما یعرفون ابناءهم م مذکور است

نصف الجزو در آیه فلا تکونن من الجاهلین مکتوب است
بعضی نصف الجزو را در آیه بآیات الله یجحدون کفته اند
وقف غفران در کلمه الذین یسمعون ط نوشته میشود حزب در آیه
لرب العالمین مکتوب است بعضی حزب را در آیه الجنین
وجمعی در آیه تعلمون میدانند الجزو الثامن در آیه فی طغیانهم
یعمهون مکتوب است حزب در آیه مهتدون بعضی حزب را در
آیه انه حکیم علیم وجمعی در آیه انه لا یحب المسرفین وقلیلی
در آیه عدو مبین کفته اند نصف الجزو در آیه وانه لغفور
رحیم در آخر سوره مکتوب است بعضی نصف الجزو را در آیه
من الساجدین وجمعی در آیه قائلون در اول سورة الاعراف
میدانند ودر بعضی نسخ بجا ونوی مکتوب است که در سوره
انعام وقف لازم سه موضع است دو موضع که مذکور شد

وم

وموضع سیم ان کنتم تعلمون م است سورة الاعراف مکی است دویست
وشش آیه است بقول کوفی وحجازی وپنج بقول بصری وشامی
ودر پنج آیه خلاف است اول المص دوم مخلصین له الدین سیم
کما بدأکم تعودون چهارم ضعفا من النار پنجم ربک الحسنی
علی بنی اسرائیل سه هزار وسیصد وبیست وپنج کلمه است وچهارده
هزار وسیصد وده حرف است ولازم سه موضع است وفواصل
من دل وآنچه لازمه این سوره است نوشته میشود سکته در کلمه
قالا ربنا ظلمنا انفسنا سکته مکتوب است حزب در آیه بما کنتم
تعملون نوشته میشود بعضی حزب را در آیه وهم یطمعون
وجمعی در آیه یجحدون کفته اند وقف لازم در کلمه والی ثمود اخاهم
صالحا م مذکور است الجزو التاسع در آیه وهو خیر الحاکمین
نوشته میشود وبعضی جزو را در آیه وانت خیر الفاتحین

میسر است وقف مطلق در آیه اِذَا الْخَاسِرُونَ ه و آیه جَاثِمِینَ ج
مکتوب است حزب در آیه وَ مَا کَانُوا یَعْرِشُونَ مکتوب است
بعضی حزب را در آیه مِنْ رَبِّکُمْ عَظِیمٌ و جمعی در آیه عَلَی الْعَالَمِینَ
گفته وقف لازم در کلمه وَ لَا یَهْدِیهِمْ سَبِیلًا م مذکور است وقف بیان دو
کلمه کَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ م در آیه یَفْسُقُونَ مکتوب است وقف مطلق
در کلمه لَا تَأْتِیهِمْ ج و کلمه کَذَلِکَ ج نوشته میشود نصف الجزو
در آیه اِنَّا لَا نُضِیعُ اَجْرَ الْمُصْلِحِینَ بعضی نصف الجزو را در آیه
یَتَّقُونَ و قلیلی در آیه یَفْسُقُونَ میسر است وقف مطلق در کلمه
قَالُوا بَلَی ج و کلمه شَهِدْنَا ج در آیه غَافِلِینَ نوشته میشود
سکته در کلمه یَتَفَکَّرُوا سکته در آیه نَذِیرٌ مُبِینٌ مذکور است
وقف جائز در کلمه مِنَ الْخَیْرِ ج و کلمه السُّوءُ ج در آیه یُؤْمِنُونَ
مکتوب است سجده مشروع در آیه وَ لَهُ یَسْجُدُونَ در آخر سوره
مذکور

مذکور است حزب نیز در آیه وَ لَهُ یَسْجُدُونَ مکتوب است
بعضی حزب را در آیه مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ کَرِیمٌ در اول سوره
الانفال گفته اند سورة الانفال مدنی است هفتاد و پنج آیه است
بقول کوفی و شش بقول حجازی و بصری و هفت بقول شامی
و در سه آیه خلاف است اول ثُمَّ یُغْلَبُونَ دوم اَمْرًا کَانَ
مَفْعُولًا سیم بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِینَ و هزار و دویست و سی و یک
کلمه است و پنج هزار و دویست و نود و چهار حرف است و فواصل
نوم قطرب و آنچه لازمه این سوره است نوشته میشود
الجزو العاشر در آیه نِعْمَ الْمَوْلَی وَ نِعْمَ النَّصِیرُ مکتوب است
حزب در آیه اِنَّ اللّٰهَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ آخر سوره نوشته میشود
سورة التوبه بعضی سوره براءة گفته اند و جمعی برآنند که تتمه سوره
الانفال است که هر دو یک سوره باشند از آن است که بسم الله

نوشته نمیشود اما اکثر برآنند که انفال و براءة هر کدام سوره علیحده اند
که دو سوره باشند و در اکثر کتب قراءات مکتوب است که چون
در اول سوره براءة آیه عذاب واقع شده و بسم الله آیه رحمت است
از آن است که در اول سوره براءة بسم الله ننوشته اند که آیه
رحمت با عذاب جمع نشود و مدنی است صد و بیست و نه آیه است
بقول کوفی و سی بقول علماء عدد و در چهار آیه خلاف است اول
بَرِیءٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ دوم ذَلِکَ دِینُ الْقَیِّمَةِ سیم یُعَذِّبْهُمْ عَذَابًا
اَلِیمًا چهارم وَ عَادٌ وَ ثَمُودُ و دو هزار و چهارصد و نود و هفت
کلمه است و ده هزار و هشتصد و هشتاد و هفت حرف است
و لوازم دو موضع است بقول اصح و یک موضع دیگر خلاف است
که سه موضع باشد و فواصل لم نرت ب و آنچه لازمه این
سوره است نوشته میشود وقف لازم در آیه وَ اللّٰهُ لَا یَهْدِی
القوم

الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ م مکتوب است نصف الجزو در آیه وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ
نوشته میشود بعضی نصف الجزو را در آیه وَ لَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ
و جمعی در آیه اَنَّی یُؤْفَکُونَ و قلیلی در آیه عَمَّا یُشْرِکُونَ گفته اند
حزب در آیه اِذَا هُمْ یَسْخَطُونَ مکتوب است بعضی حزب را
در آیه اِنَّا اِلَی اللّٰهِ رَاغِبُونَ و جمعی در آیه عَلِیمٌ حَکِیمٌ و فرقه
در آیه مُؤْمِنِینَ و قلیلی در آیه عَذَابٌ اَلِیمٌ میسر است وقف لازم
در کلمه وَ الْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ م مکتوب است وقف
لازم در کلمه وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ اَوْلِیَاءُ بَعْضٍ م نوشته میشود
الجزو الحادی عشر در آیه فَهُمْ لَا یَعْلَمُونَ مکتوب است بعضی
جزو را در آیه مَا یُنْفِقُونَ میسر است اما درین زمان اکثر
در آیه لَا یَعْلَمُونَ می نویسند حزب در آیه مَا کَانُوا یَعْمَلُونَ
مکتوب است بعضی حزب را در آیه مَعَ الْمُتَّقِینَ و جمعی در آیه

یحذرون گفته اند سورهٔ یونس علیه السلم مکی است صد و
نه آیه است بقول کوفی و صد و ده آیه است بقول شامی
در سه آیه خلاف است اول مخلصین له الدین دوم
لنکونن من الشاکرین سیم فی الصدور و هزار و هشتصد
و سی و دو کلمه است هفت هزار و پانصد و شصت و هفت
حرف است و لوازم دو موضع است و فواصل و لمن و انچه
لازمه این سوره است نوشته میشود وقف النبی صلی الله
علیه و آله در کلمه عند ربهم ط مذکور است نصف الجزء در آیه
الی صراط مستقیم مکتوب است بعضی نصف الجزو را در آیه
لقوم یتفکرون و جمعی در آیه یفترون و فرقه در آیه
بالمفسدین میدانند وقف النبی صلی الله علیه و آله در کلمه هو
ط و بعضی در کلمه قل ای و ربی ط و جمعی در کلمه انه لحق ط

گفته اند

گفته اند و این کلمات در آیه و ما انتم بمعجزین مکتوب اند وقف
معانقه در آیه یحزنون ج و آیه یتقون ط نوشته میشود وقف
لازم در کلمه و لا یحزنک قولهم م در آیه العلیم مذکور است حزب
در آیه یسمعون مکتوب است بعضی حزب را در آیه یکفرون
میدانند وقف لازم در کلمه و اتل علیهم نبأ نوح م ضبط شده
سورهٔ هود مکی است صد و بیست و سه آیه است بقول کوفی و بیست
و دو بقول مدنی الاول و بیست و یک بقول مکی و بصری و مدنی
الاخیر و در هفت آیه اختلاف است اول بریء من المشرکین
دوم فی قوم لوط سیم من سجیل چهارم منضود پنجم ان کنتم
مؤمنین ششم مختلفین هفتم انا عاملون هزار و ششصد و
پانزده کلمه است و هفت هزار و پانصد و شصت و هفت
حرف است و لوازم ده موضع است و فواصل ذق ظلم بطن

رصدن و انچه لازمه این سوره است نوشته میشود
الجزء الثانی عشر در آیه انه علیم بذات الصدور مکتوب است
بعضی در آیه لفرح فخور و جمعی در آخر سوره میدانند وقف لازم
در کلمه من اولیاء م در آیه یبصرون مکتوب است حزب
در آیه و ما آمن معه الا قلیل نوشته میشود بعضی حزب را
در آیه للقوم الظالمین و جمعی در آیه احکم الحاکمین گفته اند
وقف لازم در کلمه هذا ط و کلمه فاصبر ط در آیه للمتقین مذکورند
وقف لازم در کلمه اخاهم صالحا م در آیه قریب مجیب مکتوب است
نصف الجزء در آیه و ما هی من الظالمین ببعید نوشته میشود
بعضی نصف الجزء را در آیه الا شیخا و جمعی در آیه من سجیل
منضود و قلیلی در آیه علیه توکلت و الیه انیب گفته اند
سورهٔ یوسف علیه السلم مکی است و صد و یازده آیه است باتفاق

همه اهل عدد و هزار و هفتصد و هفتاد و شش کلمه است
و هفت هزار و صد و شصت و شش حرف است و فواصل
لمر نل و انچه لازمه این سوره است نوشته میشود حزب
در آیه انا اذا لخاسرون مکتوب است بعضی حزب را
در آیه علیم حکیم و جمعی در آیه و انتم عنه غافلون و قلیلی
در آیه و الله المستعان علی ما تصفون گفته اند سکته
در کلمه عن هذا سکته در آیه فی ضلال مبین مکتوب است
الجزء الثالث عشر در آیه کید الخائنین مکتوب است سکته در کلمه
قال سکته و الله در ما بین قال و تتمه آیه علی ما نقول وکیل
مذکور است و سکته بعنوان لفظ قال از برای آنست تا معلوم
شود که فاعل الله یعقوب است حزب در آیه العلیم الحکیم
بعضی حزب را در آیه معرضون و قلیلی در آیه و استوفی

بِاَهْلِكُمْ اَجْمَعِينَ گفته اند وقف النبی صلی الله علیه وآله در کلمه
اِلَى اللّٰهِ در آیه مِنَ الْمُشْرِكِينَ مكتوب است با خلاف سورة الرعد
مکی است بعضی بر آنند که مدنی است چهل و سه آیه است
بقول کوفی و چهار بقول حجازی و پنج بقول بصری و هفت
بقول شامی و در شش آیه خلاف است اول اِنَّا لَفِي خَلْقٍ
جَدِيدٍ دوم الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ سیم مِنْ كُلِّ بَابٍ چهارم الْاَعْمَى
وَالْبَصِيرُ پنجم سُوءُ الْحِسَابِ ششم وَالْبَاطِلَ و هشتصد و پنجاه
و پنج کلمه است و سه هزار و پانصد و شش حرف است و فواصل
نَقُشْ دُعْبَلْ و انچه لازمه این سوره است نوشته میشود
سجده مسنونه در آیه بِالْغُدُوِّ وَالْاٰصَالِ مكتوب است وقف النبی
صلی الله علیه وآله در آیه كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ
بعضی وقف النبی صلی الله علیه را در کلمه لِرَبِّهِمُ الْحُسْنٰى میدانند

نصف الجزو

نصف الجزو در آیه وَمَاْوٰهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ مكتوب است
سورة ابراهیم علیه السلام بعضی سورة الخلیل گفته اند و مکی است
و پنجاه و دو آیه است بقول کوفی و پنجاه و یک بقول بصری و چهار
بقول حجازی و پنج بقول شامی و در شش آیه خلاف است اول
مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ دوم وَعَادٍ وَثَمُودَ سیم بِخَلْقٍ جَدِيدٍ
چهارم وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ پنجم اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ششم الظَّالِمُونَ
و هشتصد و پنجاه و پنج کلمه است و سه هزار و چهارصد و سی و
چهار حرف است و فواصل اَدِمْ نَظَرَ صَبَّ زُلَّ و انچه لازمه
این سوره است نوشته میشود وقف النبی صلی الله علیه وآله
در آیه وَعَادٍ وَثَمُودَ مذکور است با خلاف و ثمود را بعضی
آیه میدانند و بعضی آیه نمیدانند حزب در آیه فَاْتُونَا بِسُلْطَانٍ
مُبِينٍ مكتوب است بعضی حزب را در آیه لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ و جمعی

در آیه صَبَّارٍ شَكُورٍ و فرقه در آیه الْمُتَوَكِّلُونَ و تکیلی در آیه
الْبَعِيدُ میدانند الجزو الرابع عشر در آیه اُولُوا الْاَلْبَابِ در آخر
سوره مكتوب است سورة الحجر مکی است نود و نه آیه است
بی خلاف و ششصد و پنجاه و چهار کلمه است و دو هزار و هفتصد
و هفتاد و یک حرف است و لازم دو موضع است و فواصل
مِلْنَ و انچه لازمه این سوره است نوشته میشود وقف لازم
در کلمه وَنَبِّئْهُمْ عَنْ ضَيْفِ اِبْرَاهِيمَ م مكتوب است وقف لازم
در کلمه فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ م در آیه مُبِينٍ مذکور است حزب در آیه
عِضِينَ بعضی حزب را در آیه يَعْمَلُونَ و جمعی در آیه عَلَى الْ
الْمُقْتَسِمِينَ و قلیلی در آیه الْيَقِينُ در آخر سوره میدانند
سورة النحل مکی است صد و بیست و هشت آیه است بی خلاف و دو هزار
و هشتصد و چهل و یک کلمه است و هفت هزار و هفتصد و هفت

حرفست

حرف است و لازم یک موضع و فواصل نمن و انچه لازمه این سوره است
نوشته میشود وقف النبی صلی الله علیه وآله در کلمه خَلَقَهَا در
آیه تَاْكُلُونَ مكتوب است وقف لازم در کلمه وَلَاَجْرُ الْاٰخِرَةِ اَكْبَرُ
م در آیه يَعْلَمُونَ مذکور است سجده مسنونه در آیه مَا يُؤْمَرُونَ
مكتوب است و این قول اصح اقوال است و بعضی سجده مسنونه
را در آیه وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ گفته اند نصف الجزو در آیه
وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ مكتوب است بعضی نصف الجزو را
در آیه اَفَغَيْرَ اللّٰهِ تَتَّقُونَ و جمعی در آیه وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ
و فرقه در آیه لَهُ كُنْ فَيَكُونُ و قلیلی در آیه يَتَوَكَّلُونَ میدانند
حزب در آیه اِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ مذکور است بعضی حزب را
در آیه يَفْتَرُونَ و جمعی در آیه تَذَكَّرُونَ گفته اند الجزو
الخامس عشر در اول سوره بنی اسرائیل مکتوب است سورة بنی اسرائیل

بعضی سوره اسری و سوره سبحان گفته و مکی است و صد و یازده
آیه است بقول کوفی و بقول باقی علما عدد ده است و در یک
آیه خلاف است وَیَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ سُجَّدًا لب و هزار
و پانصد و سی و سه کلمه است و شش هزار و چهارصد و شصت
حرف است و لوازم دو موضع است و فواصل را آنچه لازمه
این سوره است نوشته میشود وقف لازم در کلمه وَإِنْ عُدْتُمْ
عُدْنَا م در آیه حَصِیرًا مذکور است حزب در آیه خَلْقًا جَدِیدًا
مکتوب است بعضی حزب را در آیه حِجَارَةً أَوْ حَدِیدًا
نصف الجزء در آیه خَلْقًا جَدِیدًا مذکور است و این آیه در
سوره مکی واقع شده و بعضی نصف الجزء را در آیه
و جمعی در آیه بِرَبِّكَ وَکِیلًا میدانند وقف لازم در آیه مُبَشِّرًا
وَنَذِیرًا م مذکور است سجده منزله در آیه خُشُوعًا مکتوب است

واین قول اصح اقوال است و بعضی سجده منزله را در آیه لِلأَذْقَانِ
سُجَّدًا و جمعی در آیه لَمَفْعُولًا میدانند سورة الکهف مکی است
صد و ده آیه است بقول کوفی و بنزد بقول حجازی و شش بقول شامی
و در یازده آیه خلاف است اول وَزِدْنَاهُمْ هُدًى دوم
إِلَّا قَلِیلًا سیم ذَلِكَ غَدًا چهارم بَیْنَهُمَا زَرْعًا پنجم هَذِهِ
أَبَدًا ششم مِنْ كُلِّ شَیْءٍ سَبَبًا هفتم فَأَتْبَعَ سَبَبًا هشتم وَ
جَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا نهم ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا دهم ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا
ثانی یازدهم بِالأَخْسَرِینَ أَعْمَالًا هزار و پانصد و هفتاد و
هفت کلمه است و شش هزار و سیصد و شصت حرف الف است
و فواصل و آنچه لازمه این سوره است نوشته میشود سکته
در کلمه عِوَجًا سکته از برای حفص مذکور است نصف القرآن در کلمه
وَلْیَتَلَطَّفْ مکتوب است استادان گفته اند بعدد حروف

نصف قرآن در تاء و مثنات فوقانی که در ین کلمه بعد از یاست
تمام است حزب در آیه فرطاً مکتوب است بعضی حزب را در آیه
مکیاً و جمعی در آیه احسن عملا و فرقه در آیه و حسنت
مرتفقا میدانند کلمه لکنا در جمیع مصاحف رسم الخط
او بالف است و جمیع قرا در حال وصل بغیر الف و در حال
وقف با الف خوانده اند الا ابن عامر و ابو جعفر که ایشان
در حال وقف و وصل بالف میخوانند و اصل این کلمه لکن
انا است حرکت همزه را بنون نقل کردند و همزه را حذف
کردند و نون را در نون ادغام کردند لکنا شد چون انا را
جمیع قرا در حال وصل بحذف الف میخوانند و در حال وقف
بالف وقف می نمایند کلمه لکنا را نیز نظر باصل کرده جمیع
قرا در حال وصل بحذف الف میخوانند و در حال وقف بالف

وقف

وقف می نمایند الا ابن عامر و ابو جعفر که ایشان در حال وقف و وصل
بالف میخوانند الجزو السادس عشر در آیه لقد جئت شیئا نکرا مکتوب است
سوره مریم مکی است نود و هشت آیه است بقول کوفی و شامی و
مدنی الاول و نود و نه آیه است بقول مکی و مدنی الاخیر و در سه
آیه خلاف است اول کهیعص دوم و اذکر فی الکتاب ابراهیم
سیم له الرحمن مدا و هفتصد و شصت و دو کلمه است سه
هزار و هشتصد و دو حرف است و لوازم سه موضع و فواصل
نادم و انچه لازمه این سوره است نوشته میشود وقف لازم
در کلمه فی الکتاب مریم در آیه شرقیا مکتوب است حزب
در آیه مقضیا نوشته میشود و بعضی حزب را در آیه حتیا
و بعضی در آیه عتیا سریا و قلیلی در آیه رطبا جنیا گفته اند وقف
معانقه در کلمه عن آلهتی و کلمه یا ابراهیم در آیه ملیا مکتوب است

و اولی آنست که وقف بر کلمه یا ابراهیم کنند سجده مسنونه در آیه خروا
سجدا و بکیا مکتوب است وقف لازم در آیه الی جهنم وردا
مکتوب است وقف لازم در آیه عند الرحمن عهدا امر مکتوب است
نصف الجزو در آیه او تسمع لهم رکزا در آخر سوره مذکور است
بعضی نصف الجزو را در آیه فردا و جمعی در آیه انما نعد لهم عدا
و فرقه در آیه ان یتخذ ولدا و قلیلی در آیه یوم القیمة فردا
گفته اند سوره طه مکی است صد و سی و پنج آیه است بقول کوفی
و سی و دو بقول بصری سی و چهار بقول حجازی صد و چهل بقول
شامی سی و هشت بقول حمصی و در بیست و یک آیه خلاف است اول
نسبحک کثیرا دوم و نذکرک کثیرا سیم فی الیم چهارم محبة
منی پنجم عینها و لا تحزن ششم و فتناک فتونا هفتم
فی اهل مدین هشتم و اصطنعتک لنفسی نهم بنی اسرائیل

دهم

دهم الی موسی یازدهم ما غشیهم دوازدهم غضبان اسفا
سیزدهم وعدا حسنا چهاردهم السامری پانزدهم و اله موسی
شانزدهم فنسی هفدهم قولا هیجدهم رایتهم ضلوا نوزدهم
دهم صفصفا بیستم منی هدی بیست و یکم الحیوة الدنیا
هزار و سیصد و چهل و یک کلمه است پنج هزار و دویست و چهل
و دو حرف است و لوازم دو موضع و فواصل یوما و انچه لازمه
این سوره است نوشته میشود وقف لازم در آیه و هل اتیک
حدیث موسی وقف لازم در آیه و لتصنع علی عینی حزب
در آیه العلی مکتوب است بعضی حزب را در آیه و ابی و جمعی
در آیه ثم اهتدی و قلیلی در آیه جزاء من تزکی گفته اند
الجزو السابع عشر در آیه و من اهتدی در آخر سوره مکتوب است
سوره الانبیاء علیهم السلام مکی است صد و دوازده آیه است بقول کوفی

و یازده آیه است بقول باقی علماء عدد و در یک آیه خلاف است
و لا یضرّکم کید و هزار و صد و هشت کلمه است و چهار هزار و
هشتصد و نود حرف است و فواصل نم و آنچه لازمه این
سوره است نوشته میشود ضرب در آیه أفأنتم له منکرون
مکتوب است بعضی حزب را در آیه بعد آن ثمّ تولّوا من بعده
گفته اند نصف الجزو در آیه علی ما تصفون در آخر سوره
مکتوب است بعضی نصف الجزو را در آیه الی عذاب
السّعیر در اوایل سورة الحج میدانند سورة الحج مکّی است و
پیش بعضی مدنی است هفتاد و هشت آیه است بقول
کوفی و چهار بقول شامی و پنج بقول بصری و شش بقول مدنی
و هفت بقول مکّی و در پنج آیه خلاف است اول رؤس
الحمیم دوم و الجلود سیم و عاد و ثمود چهارم و قوم لوط

بهم المسلمین و هزار و دویست و نود و یک کلمه است و پنج هزار و
صد و هفتاد و پنج آیه است و فواصل انظم زبرجن قط و آنچه
لازمه این سوره است نوشته میشود وقف معانقه در آیه البعید
ه و کلمه یدعوا ج واقع است سجده منقوبه در آیه ما یشاء مکتوب است
و این قول اصح اقوال است و بعضی سجده منقوبه را در کلمه من
النّاس ط و بعضی در کلمه العذاب ط گفته اند حزب در آیه و بشّر
المحسنین مکتوب است بعضی حزب را در آیه علی نصرهم
لقدیر گفته اند سجده مسنونه در آیه و افعلوا الخیر لعلّکم
٦٠ تفلحون مذکور است الجزو الثامن عشر در آیه و نعم النّصیر
در آخر سوره مکتوب است سورة المؤمنون بعضی سورة قد
افلح و سورة الفلاح گفته اند مکّی است صد و هیجده آیه است
بقول کوفی و نوزده بقول باقی و در یک آیه خلاف است

و اخاه هرون و هزار و هشتصد و چهل کلمه است و چهار هزار و
هشتصد و دو حرف است و لوازم دو موضع است و فواصل
نم و آنچه لازمه این سوره است نوشته میشود وقف
لازم در آیه و علی صلوتهم یحافظون م مکتوب است وقف لازم
در کلمه جنّات من نخیل و اعناب م مذکور است حزب در آیه
یجرون مکتوب است بعضی حزب را در آیه الّذین هم
در آیه لناکبون و قلیلی در آیه للحقّ کارهون گفته اند سورة
النّور مدنی است شصت و چهار آیه است بقول کوفی و بصری
و شامی و شصت بقول حجازی و در دو آیه خلاف است اوّل
بالغدوّ و الآصال دوم بالابصار هزار و سیصد و شانزده
کلمه است و پنج هزار و ششصد و هشتاد حرف است و فواصل
لدنر تب و آنچه لازمه این سوره است نوشته میشود

نصف الجزو در آیه و انّ الله رؤف رحیم مکتوب است بعضی
نصف الجزو را در آیه توّاب حکیم و بعضی در آیه علیم گفته اند
حزب در آیه هم الظّالمون نوشته میشود بعضی حزب را در
آیه هم الفائزون و بعضی در آیه بما تعملون میدانند سورة الفرقان
مکّی است هفتاد و هفت آیه است بی خلاف هشتصد و نود و
دو کلمه است سه هزار و هفتصد و هشتاد و سه حرف است
و فواصل الا و آنچه لازمه این سوره است نوشته میشود
وقف معانقه در کلمه آخرون ج و آیه و نذیرا ج مذکور است الجزو التاسع
عشر در آیه و کان ربّک بصیرا مکتوب است بعضی جزو را
یک آیه مقدم و بعضی جزو را یک آیه مؤخر بر آیه مذکوره میدانند
و قلیلی در آخر سوره دانسته اند و این بسیار بعید است وقف معانقه
در کلمه جملة واحدة ج و کلمه کذلک ج و این هر دو کلمه در آیه و قال

وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً مکتوب است وقف معانقه در آیه عِبَادِهِ خَبِيرًا ج
و در کلمه عَلَى الْعَرْشِ ج مذکور است سجده مشروعه در آیه اَنَسْجُدُ لِمَا تَأ
مُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ضبط شده ضرب در آیه فَسَوْفَ يَكُونُ
لِزَامًا در آخر سوره مکتوب است و بعضی حزب را در آیه مَا كَانُوا
بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ در اول سوره شعرا گفته اند سورة الشعرا بعضی
سورة الظلة گفته اند و مکی است و دویست و بیست و هفت
آیه است بقول کوفی و شامی و مدنی الاول و شش بقول بصری
و مکی و مدنی الاخیر و در چهار آیه خلاف است اول طسم
دوم تَعْمَلُونَ سیم تَعْبُدُونَ چهارم الشَّيَاطِين و هزار و
دویست و نود و هفت کلمه است و پنج هزار و پانصد و چهل و
دو حرف است و لوازم یک موضع است و فواصل ملن
وانچه لازمه این سوره است نوشته میشود نصف الجزو

در آیه فَاتَّقُوا اللهَ وَاَطِيعُونِ نوشته میشود بعضی نصف الجزو را
در آیه كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ و جمعی در آیه مِنَ الْمُؤْمِنِينَ و قلیل
در آیه در آیه الاَرْذَلُونَ گفته اند وقف معانقه در آیه مُنْذِرُونَ
ذى و کلمه ذِكْرَى قف مذکور است سورة النمل مکی است نود و سه آیه ست
بقول کوفی و چهار بقول بصری و شامی و پنج بقول حجازی و در
دو آیه خلاف است اول اُولُوا بَاْسٍ شَدِيدٍ دوم مِنْ قَوَارِيرَ
و هزار و صد و چهل و نه کلمه است و چهار هزار و ششصد و نود
و نه حرف است و فواصل من و انچه لازمه این سوره است
نوشته میشود حزب در آیه وَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ هُمُ الْاَخْسَرُونَ
مکتوب است بعضی حزب را در آخر سورة الشعرا و جمعی در آیه
الْمُفْسِدِينَ که درین سوره مکتوب است اما انچه بنظر
فقیر رسیده در اکثر مصاحف در آخر سورة الشعرا مذکور است

و در بعضی نسخ سجاوندی در آیه هُوَ هُمُ الْاَخْسَرُونَ من قوم است
سجده مشروعه در آیه رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مکتوب است و بعضی سجده
سنون به را در آیه مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ میدانند الجزو
العشرون در آیه قَوْمٌ تَجْهَلُونَ مکتوب است و بعضی الجزو العشرون
را در آیه اَللهُ خَيْرٌ اَمَّا يُشْرِكُونَ میدانند اگرچه در اکثر مصاحف
و بعضی نسخ سجاوندی جزو در آیه اول مذکور است و قید
بالاتفاق نیز شده اما در بعضی از نسخ سجاوندی جزو
در آیه ثانی مکتوب است چون داعی بر خود لازم کرده که بیان
اختلاف کند لهذا ذکر آیه ثانی کرد سورة القصص مکی است هشتاد
و هشت آیه است باتفاق اکثر و در سه آیه خلاف شده
اول طسم دوم يسقون سیم علی الطين هزار و چهار صد و
چهل و یک کلمه است و پنج هزار و هشتصد حرف است و لوازم

یک موضع است و فواصل لم نر و انچه لازمه این سوره است
نوشته میشود حزب در آیه وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ثانی مکتوب است
بعضی حزب را در آیه نَاصِحُونَ و جمعی در آیه لَا يَعْلَمُونَ گفته اند
سکته در کلمه الرِّعَاءُ سکته در آیه وَاَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ضبط
شده وقف معانقه در کلمه تَمْشِي ز و کلمه اسْتِحْيَاءٍ ز در آیه الظَّالِمِينَ
مذکور است وقف معانقه در کلمه اِلَيْكُمَا ج و کلمه بِاٰيَاتِنَا ج در آیه
الْغَالِبُونَ مکتوب است نصف الجزو در آیه الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
مذکور است و جمعی در آیه نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ و فرقه
در آیه وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ و گروهی در آیه بِالْمُهْتَدِينَ
و قلیلی در آیه اَفَلَا تَعْقِلُونَ گفته اند وقف معانقه در کلمه الْعَذَابَ
ج و کلمه لَهُمْ ج در آیه يَهْتَدُونَ مکتوب است وقف لازم در کلمه اُخْرَى
م در آیه تُرْجَعُونَ در آخر سوره نوشته میشود حزب

در آیه تُرْجَعُونَ در آخر سوره مذکور است بعضی حزب را
در آیه عَنِ الْعَالَمِینَ و قلیلی در اول سوره عنکبوت میدانند
سورة العنکبوت مکی است شصت و نه آیه است نزد کوفی و غیر
کوفی الا حمصیان که ایشان هفتاد آیه میدانند و در چهار آیه
خلاف است و از آن جمله یک آیه مخصوص حمصیان است اول
الم دوم تَقْطَعُونَ السَّبِیلَ سیم مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ چهارم که
مخصوص حمصیان است أَفَبِالْبَاطِلِ یُؤْمِنُونَ و هفتصد و
هشتاد کلمه است و چهار هزار و نود و پنج حرف است و لوازم
سه موضع است و فواصل نمس و آنچه لازمه این سوره است
نوشته میشود وقف لازم در کلمه فَآمَنَ لَهُ لُوطٌ ص در آیه الْحَکِیمُ
مکتوب است وقف لازم در کلمه وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُیُوتِ لَبَیْتُ الْعَنْکَبُوتِ
مر الجزء الحادی والعشرون در آیه مَا تَصْنَعُونَ گفته اند و بعضی

الجزو

الجزء الحادی والعشرین را در آیه لِلْمُؤْمِنِینَ میدانند اما در اکثر
مصاحف و اکثر نسخ سجاوندی در آیه مَا تَصْنَعُونَ مکتوب است
و ذکر بالاتفاق شده وقف لازم در کلمه لَهِیَ الْحَیَوَانُ ص در آیه یَعْلَمُونَ
مذکور است سورة الروم مکی است و شصت آیه است بقول
کوفی و بصری و شامی و مدنی الاول و پنجاه و نه بقول مکی
و مدنی الاخیر و در چهار آیه خلاف است اول الم دوم غُلِبَتِ
الرُّومُ سیم فِی بِضْعِ سِنِینَ چهارم الْمُجْرِمُونَ و هشتصد و نوزده
کلمه است و سه هزار و پانصد و سی و چهار حرف است و فواصل
نمس و آنچه لازمه این سوره است نوشته میشود وقف معانقه
در کلمه دَعْوَةً وصل و کلمه مِنَ الْأَرْضِ ق در آیه تَخْرُجُونَ مکتوب است
حزب در آیه کُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ مذکور است و بعضی حزب را
در آیه لَا یَعْلَمُونَ و جمعی در آیه لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ گفته اند وقف معانقه

در کلمه أَجْرَمُوا ط و کلمه حَقًّا ط در آیه الْمُؤْمِنِینَ مذکور است
سورة لقمان مکی است سی و چهار آیه است بقول کوفی و بصری و شامی
و سی و سه بقول حجازی و در دو آیه خلاف است اول الم دوم
لَهُ الدِّینَ و پانصد و چهل و هشت کلمه است و دو هزار و صد و
ده حرف است و فواصل ظن مرد و آنچه لازمه این سوره است
نوشته میشود وقف النبی صلی الله علیه و آله در کلمه یَا بُنَیَّ لَا تُشْرِکْ
بِاللَّهِ ط در آیه عَظِیمٌ مکتوب است و در وقف النبی وقف کردن
اجر عظیم است وقف معانقه در کلمه لَا تُشْرِکْ ط و کلمه بِاللَّهِ ط در آیه مذ
کوره مکتوب است و در اکثر نسخ سجاوندی مذکور است که اولی
آنست که در کلمه بِاللَّهِ وقف کنی نصف الجزء در آیه إِلَى عَذَابِ
السَّعِیرِ نوشته میشود بعضی نصف الجزء را در آیه فِی ضَلَالٍ
مُبِینٍ میدانند سورة السجدة و بعضی سوره الم سجده و بعضی سوره

مضاجع

مضاجع گفته اند و مکی است و سی آیه است بقول کوفی و شامی و حجازی
و بیست و نه بقول بصری و در دو آیه خلاف است اول الم دوم فِی
خَلْقٍ جَدِیدٍ و سیصد و هشتاد کلمه است و هزار و پانصد و هجده
حرف است و فواصل ملن و آنچه لازمه این سوره است نوشته
میشود سجده واجب در آیه وَهُمْ لَا یَسْتَکْبِرُونَ مکتوب است وقف
غفران در یک آیه در دو موضع مکتوب است اول در کلمه فَاسِقًا
دوم در لَا یَسْتَوُونَ که آخر آیه است حزب در آیه إِنْ کُنْتُمْ صَادِقِینَ
مکتوب است بعضی حزب را در آیه بِهِ تُکَذِّبُونَ و جمعی در آخر
سوره میدانند سورة الاحزاب مدنی است هفتاد و سه آیه است
بی خلاف و هزار و دویست و هشتاد و هشت کلمه است و پنج
هزار و هفتصد و نود و شش حرف است و فواصل الف و لام اسمعیل
فقط و آنچه لازمه این سوره است نوشته میشود وقف معانقه

در کلمه اِنَّ بُیُوتَنا عَوْرَةٌ ج و در کلمه وَما هِیَ بِعَوْرَةٍ ط الجزو الثانی
والعشرون در آیه عَلَی اللهِ یَسِیرًا مکتوب است و بعضی الجزو الثانی
والعشرون را در آیه ذِکْرًا کَثِیرًا نوشته اند و جمعی در اواخر سوره گفته اند
و این بسیار بعید است حزب در آیه وَکانَ اللهُ غَفُورًا رَحِیمًا
مذکور است بعضی حزب را در آیه اِنَّ اللهَ کانَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ
شَهِیدًا و جمعی در آیه وَسَلِّمُوا تَسْلِیمًا و فرقه در آیه تَبْدِیلًا
میدانند وقف معانقه در آیه اِلّا قَلِیلًا ج و کلمه مَلْعُونِینَ ج مکتوب است
سورة السبا مکی است و پنجاه و چهار آیه است بقول کوفی و بصری و حجازی
و پنج بقول شامی و در یک آیه خلاف است عَنْ یَمِینٍ وَشِمالٍ
و هشتصد و هشتاد و سه کلمه است و سه هزار و پانصد
و دوازده حرف است و فواصل ظَنَّ لِمَ بَرٍ و آنچه لازمه
این سوره است نوشته میشود نصف الجزو در آیه العَلِیُّ الکَبِیرُ

نوشته میشود بعضی نصف الجزو را در آیه وَلا یُسْئَلُونَ و جمعی
در آیه العَزِیزُ الحَکِیمُ و فرقه در آیه اِلّا ما کانُوا یَعْمَلُونَ و قلیلی
در آیه لَکُنّا مُؤْمِنِینَ میدانند سکته در کلمه ثُمَّ تَتَفَکَّرُوا سکته
با خلاف ضبط شده سورة الملائکه و بعضی سوره فاطر گفته اند مکی است
چهل و پنج آیه است بقول کوفی و بصری و مکی و مدنی الاول و شش
بقول شامی و مدنی الاخیر و چهار بقول حمصی و در هشت آیه
خلاف است اول عذاب شدید دوم بخلق جدید سیم
والبصیر چهارم ولا النور پنجم من فی القبور ششم ان
تزولا هفتم تَبْدِیلًا هفتصد و هفتاد و هفت کلمه است
و سه هزار و صد و سی حرف است و فواصل زادَ مِنْ بَرٍ و آنچه
لازمه این سوره است نوشته میشود حزب در آیه مِثْلُ
خَبِیرٍ مکتوب است و بعضی در آیه المَصِیرُ گفته اند سوره یس

بعضی سوره حبیب النجار میدانند مکی است هشتاد و سه آیه است
بقول کوفی و هشتاد و دو آیه است بقول علماء عدد و در یک
آیه خلاف است که آن لفظ یس است و هفتصد و بیست
و هفت کلمه است و سه هزار حرف است و لوازم سه موضع
و فواصل نم و آنچه لازمه این سوره است نوشته میشود
وقف غفران در کلمه وَآثارَهُمْ مذکور است وقف لازم در کلمه اَصْحابَ
القَرْیَةِ م مکتوب است الجزو الثالث والعشرون در آیه وَجَعَلَنِی
مِنَ المُکْرَمِینَ مذکور است بعضی الجزو الثالث والعشرون را
در آیه یا لَیْتَ قَوْمِی یَعْلَمُونَ میدانند وقف غفران در کلمه یا حَسْرَةً
عَلَی العِبادِ نوشته میشود وقف لازم در کلمه مِنْ مَرْقَدِنا
م مکتوب است وقف غفران نیز در کلمه مِنْ مَرْقَدِنا مذکور است
سکته نیز در کلمه مِنْ مَرْقَدِنا سکته نوشته شده وقف معانقه

در آیه تَدَّعُونَ ج و کلمه سَلامٌ ج با خلاف ضبط شده وقف غفران در کلمه
وَاَنِ اعْبُدُونِی ط مکتوب است وقف لازم در کلمه فَلا یَحْزُنْکَ قَوْ
لُهُمْ م مذکور است وقف غفران در کلمه اَنْ یَخْلُقَ مِثْلَهُمْ ط مکتوب است
بعضی وقف غفران در کلمه بَلی ط گفته اند و این قول را اصح
میدانند وقف معانقه نیز در کلمه مِثْلَهُمْ ط و کلمه بَلی ط ذکر کرده اند
با خلاف سورة الصافات بعضی سورة الصف گفته اند مکی است
صد و هشتاد و دو آیه است بقول کوفی و حجازی و صد و
هشتاد و یک آیه است بقول بصری و در سه آیه خلاف است
اول تعبدون دوم لیقولون الاخر سیم و حورا احم هشتصد و
شصت و شش کلمه است و سه هزار و هشتصد و پنجاه و
شش حرف است و لوازم یک موضع و فواصل قدم رِبنا
و آنچه لازمه این سوره است نوشته میشود حزب در آیه

وَأَنتُمْ دَاخِرُونَ مکتوب است بعضی حزب را در آیه ثَاقِبٌ
وجمعی در آیه کُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ وفرقه در آیه إِنَّهُم مَّسْئُو
لُونَ و قلیلی در آخر سوره یس گفته اند وقف لازم در آیه وَإِنَّ
مِن شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ مذکور است نصف الجزو در آیه إِلَىٰ
يَوْمِ يُبْعَثُونَ مکتوب است بعضی نصف الجزو را در آیه عَلَى
الْبَنِينَ و قلیلی در آیه الْمُخْلَصِينَ میدانند سوره ص مکی است
هشتاد و هشت آیه است بقول کوفی و شش بقول حجازی
و شامی و پنج بقول باقی علماء عدد و در سه آیه خلاف است
اول ذِي الذِّكْرِ دوم وَغَوَّاصٍ سیم وَالْحَقَّ أَقُولُ و هفتصد
و سی و دو کلمه است و سه هزار و شصت و نه حرف است
و لوازم دو موضع و فواصل صَدٍّ قَطْرُبٌ مِن لَجٍ و آنچه لازمه
این سوره است نوشته میشود وقف لازم در کلمه نَبَأُ الْخَصْمِ م

در آیه الْمِحْرَابِ مکتوب است سجده مسنونه در آیه وَخَرَّ رَاكِعًا وَ
أَنَابَ مذکور است وقف لازم در کلمه عَبْدَنَا أَيُّوبَ م در آیه
وَعَذَابٍ مکتوب است وقف معانقه در آیه مَا لَهُ مِن نَّفَادٍ ج و کلمه هَذَا
ط مذکور است با خلاف حزب در آیه فَبِئْسَ الْقَرَارُ مکتوب است بعضی
حزب را در آیه بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ و فرقه در آیه الْغَفَّارُ
و قلیلی در آیه إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ میدانند سوره الزمر مکی است هفتاد
و پنج آیه است بقول کوفی و سه بقول شامی و دو بقول حجازی و بصری
و در هفت آیه خلاف است اول يَخْتَلِفُونَ دوم لَهُ الدِّينَ
سیم لَهُ دِينِي چهارم فَبَشِّرْ عِبَادِ پنجم مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ششم
مِنْ هَادٍ ثانی هفتم تَعْلَمُونَ هزار و صد و هفتاد و دو کلمه است
و چهار هزار و هفتصد و هشت حرف است و لوازم دو موضع
و فواصل دمن لی بدر و آنچه لازمه این سوره است

نوشته میشود وقف لازم در کلمه مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ م در آیه
يَخْتَلِفُونَ مکتوب است وقف معانقه در کلمه عِبَادَهُ ط و کلمه يَا عِبَادِ
ج مذکور است با خلاف وقف لازم در کلمه وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ
أَكْبَرُ م در آیه يَعْلَمُونَ مکتوب است الجزو الرابع والعشرون در آیه تَخْتَصِمُونَ
نوشته میشود حزب در آیه فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ مکتوب است
بعضی حزب را در آیه وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ و جمعی در آیه
أَجْرُ الْعَامِلِينَ و فرقه در آیه الْعَالَمِينَ در آخر سوره میدانند
سوره المؤمن بعضی سورة الغافر و جمعی سورة الطول و فرقه
سوره حم الاول گفته اند مکی است هشتاد و پنج آیه است
بقول کوفی و شش بقول شامی و چهار بقول حجازی و دو بقول
بصری و در نه آیه خلاف است اول حم لب دوم يَوْمَ
التَّلَاقِ سیم يَوْمَ هُم بَارِزُونَ چهارم كَاظِمِينَ پنجم

اسرائیل الکتاب ششم الاعمی والبصیر هفتم يُسْجَرُونَ هشتم فِي الْحَمِيمِ
نهم كُنتُمْ تُشْرِكُونَ و هزار و صد و نود و نه کلمه است و چهار هزار
و هفتصد و شصت حرف است و لوازم دو موضع و فواصل مَن
عَلَقٍ دَبَّ و آنچه لازمه این سوره است نوشته میشود وقف لازم
در آیه أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ م ضبط شده وقف النبی صلی الله علیه
و آله در آیه أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ مکتوب است نصف الجزو در آیه
بِغَيْرِ حِسَابٍ نوشته میشود بعضی نصف الجزو را در آیه إِلَّا
فِي تَبَابٍ میدانند وقف لازم در کلمه خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ م در آیه
يَجْحَدُونَ مکتوب است وقف معانقه در آیه أَنَّىٰ يُصْرَفُونَ ج و کلمه
بِهِ رُسُلَنَا قف نوشته میشود حزب در آیه الْكَافِرُونَ
آخر سوره مکتوب است و بعضی حزب را در آیه لَهُمْ أَجْرٌ
غَيْرُ مَمْنُونٍ اول سورة السجده گفته اند سوره السجده بعضی

سوره حم السجده و سوره فصلت و سورة الاقوات و سورة المصابیح
نامیده اند و مکی است و پنجاه و چهار آیه است بقول کوفی و سه
بقول حجازی و دو بقول بصری و شامی و در دو آیه خلاف است
اول حم لب دوم صاعقة عاد و ثمود هفتصد و نود و شش
کلمه است و سه هزار و سیصد و پنجاه حرف است و فواصل
ظن صرم ضص رو انچه لازمه این سوره است نوشته میشود
سجده واجبه در آیه ان کنتم ایاه تعبدون مکتوب است و بعضی
سجده واجبه را در آیه وهم لا یسأمون گفته اند و انچه
داعی حقیقی مؤلف این کتاب از اعظم علماء امامیه و اکرم
فقهاء دینیه قدوه عالمیان مجتهد الزمان المؤید من
عند الله الملک الربانی اخوی مولانا باقر خراسانی ادام
الله ظله و افادته علی کافة المؤمنین بحق محمد و آله المعصومین

تحقیق

تحقیق نموده فرموده اند که سجده در آیه اول بنیت واجب بجای باید
آورد و یک سجده دیگر بجهت احتیاط در آیه ثانی بقصد قربت
بجای آرند تا از عهده خلاف بیرون آمده باشند و انچه غفران
پناه جنت آرامگاه ملا احمد اردبیلی رحمه الله در آیات احکام
ذکر کرده دال بر آن است که دو سجده باید کرد و کلام آن
بزرگ انیست السجدة عند تعبدون و یحتمل عند لا یسأمون
و لعل الاخیر اولی و الاحوط السجدة فیهما انتهی الجزو الخامس والعشرون
در آیه بظلام للعبید مکتوب است بعضی الجزو الخامس والعشرون را
در آیه التی کنتم توعدون و بعضی در آیه الا انهم لفی شک منه
مریب میدانند سورة الشوری بعضی سوره حم عسق و سوره عسق
گفته اند و مکی است و پنجاه و سه آیه است بقول کوفی و پنجاه است
بقول باقی علماء عدد و در سه آیه خلاف است اول حم لب

دوم عسق لب سیم کالاعلام لب و هشتصد و شصت و شش کلمه است
و سه هزار و پانصد و هشتاد و هشت حرف است و فواصل
نزن لصب قدیم و انچه لازمه این سوره است نوشته میشود
حزب در آیه من دون الله من ولی و لا نصیر مکتوب است
بعضی حزب را در آیه من محیص و بعضی در آیه اذا یشاء
قدیر میدانند سورة الزخرف مکی است هشتاد و نه آیه است
بقول کوفی و بصری و حجازی و هشت بقول شامی و در دو آیه
خلاف است اول حم لب دوم مهین و هشتصد و سی و سه کلمه است
و سه هزار و چهارصد حرف است و لوازم یک موضع و فواصل ملن
و انچه لازمه این سوره است نوشته میشود وقف معانقه
در لفظ حم ة و آیه المبین ة لا باختلاف مذکور است نصف الجزو در
آیه کیف کان عاقبة المکذبین مکتوب است بعضی نصف الجزو را

در آیه

در آیه هم به مستمسکون و بعضی در آیه مقتدرون و گروهی
در آیه علیها یظهرون و قلیلی در آیه عند ربک للمتقین
گفته اند وقف لازم در آیه ان هؤلاء قوم لا یؤمنون م مکتوب است
سورة الدخان مکی است پنجاه و نه آیه است بقول کوفی و هفت بقول
بصری و شش بقول حجازی و شامی و در چهار آیه خلاف است
اول حم دوم لیقولون سیم الزقوم چهارم و عیون سیصد
و چهل و شش کلمه است هزار و چهارصد و سی و یک حرف است
و لوازم سه موضع و فواصل من و انچه لازمه این سوره است
نوشته میشود وقف لازم در کلمه و ما بینهما م در آیه موقنین
مکتوب است وقف لازم در آیه و قالوا معلم او مجنون م مذ
کور است وقف لازم در آیه قلیلا انکم عائدون م نوشته
میشود حزب در آیه انهم جند مغرقون بعضی حزب را

در آیه مُنتَظِرُونَ و بعضی در آیه مِنَ المُسرِفِینَ و فرقه در آیه قَومٌ مُجرِمُونَ
و گروهی در آیه بِسُلطَانٍ مُبِینٍ و قلیلی در آیه رَسُولٌ اَمِینٌ گفته اند
وقف معانقه در آیه الاَثِیمِ ق ج و کلمه کَالمُهلِ ج مکتوب است وقف معانقه در
آیه مُتَقَابِلِینَ ه ج و کلمه کَذلِکَ قف با خلاف مذکور است
وقف لازم در آیه بِحُورٍ عِینٍ م با خلاف ذکر شده و در بعضی
نسخ سجاوندی وقف مطلق ضبط شده سورة الجاثیه بعضی
سورة الشریعه گفته اند و مکی است سی و هفت آیه است
بقول کوفی و سی و شش بقول باقی علماء عدد و در یک آیه
خلاف است حم لب و چهارصد و هشتاد و هشت کلمه است
و دو هزار و صد و نود و یک حرف است و فواصل من و انچه
لازمه این سوره است نوشته میشود الجزو السادس و العشرون
در آیه بِمُستَیقِنِینَ مکتوب است و بعضی الجزو السادس

والعشرون

والعشرون را در آیه الحَکِیمُ آخر سوره گفته اند سورة الاحقاف مکی است سی و
پنج آیه است بقول کوفی و سی و چهار آیه است بقول باقی علماء
عدد و در یک آیه خلاف است حم لب و ششصد و چهل و چهار کلمه است
و دو هزار و ششصد حرف است و فواصل نمن و انچه لازمه این
سوره است نوشته میشود وقف لازم در کلمه وَاذکُر اَخَا عَادٍ م در آیه
عَظِیمٍ مکتوب است بعضی در این وقف لازم خلاف کرده اند و اکثر بر آنند
که وقف مطلق است و بجای اَخَا عَادٍ ط نوشته میشود حزب در آیه
اِلَّا القَومُ الفَاسِقُونَ آخر سوره مکتوب است بعضی حزب را
در آیه اُولئِکَ فِی ضَلَالٍ مُبِینٍ و قلیلی در آیه فَاَحبَطَ اَعمَالَهُم
در سوره محمد صلی الله علیه و آله میدانند سورة محمد صلی الله علیه و آله
بعضی سورة القتال گفته اند مدنی است و سی و هشت آیه است
بقول کوفی و سی و نه بقول حجازی و شامی و چهل بقول بصری

و در سه آیه خلاف است اول اَوزَارَهَا دوم لِلشَّارِبِینَ
سیم لَانتَصَرَ مِنهُم حم و این آیه مخصوص بصریان است و پانصد
و سی و نه کلمه است و دو هزار و سیصد و چهل و نه حرف است
و فواصل الیم یعنی بعد کاف او هاء مضمومتین مثل کُم و هُم نحو
اَقدَامَکُم وَ اَعمَالَهُم الا امثالها و اقفالها یعنی فواصلها الیم
الکثیر و انچه لازمه این سوره است نوشته میشود وقف معانقه
در کلمه اَوزَارَهَا ق و کلمه ذلک ط در آیه اعمالهم با خلاف مذ
کور است سورة الفتح مدنی است و بیست و نه آیه است باتفاق
و پانصد و شصت کلمه است و دو هزار و چهارصد و سی و هشت
حرف است و فواصل الالف و انچه لازمه این سوره است نوشته
میشود و در بعضی تفاسیر این سوره را مکی نوشته اند زیرا
که در سال ششم از هجرت رسول صلی الله علیه و آله که

ازمدینه

از مدینه مشرفه بیرون آمده متوجه مکه معظمه بود
در حدیبیه این سوره نازل شد نصف الجزو در آیه یُعَذِّبهُ
عَذَابًا اَلِیمًا مکتوب است بعضی نصف الجزو را در آخر سوره محمد صلی
الله علیه و آله و بعضی در آیه اَعمَالَهُم در سوره محمد ص و فرقه
در آیه بُکرَةً وَ اَصِیلًا و گروهی در آیه فَسَیُؤتِیهِ اَجرًا عَظِیمًا
و قلیلی در آیه مُستَقِیمًا میدانند وقف معانقه در کلمه فِی التَّورٰیةِ
ج و کلمه فِی الاِنجِیلِ قف ضبط شده سورة الحجرات مدنی است و هجده
آیه است باتفاق و سیصد و چهل و سه کلمه است و هزار و چهار
صد و هفتاد و شش حرف است فواصل نمن و انچه لازمه
این سوره است نوشته میشود حزب در آیه فَاُولئِکَ هُمُ
الظَّالِمُونَ مکتوب است بعضی حزب را در آیه خَبِیرٌ و بعضی در آیه
تُرحَمُونَ و قلیلی در آخر سوره گفته اند سورة ق مکی است و چهل

و پنج آیه است باتفاق و سیصد و هفتاد و نه کلمه است و هزار
و چهارصد و هفتاد و چهار حرف است و فواصل طب جنظ صرد
سوره والذاریات مکی است و شصت آیه است باتفاق و سیصد و
شصت کلمه است و هزار و دویست و هشتاد و هفت حرف است
و لوازم یک موضع و فواصل نعان مقن و آنچه لازمه
این سوره است نوشته میشود وقف لازم در آیه ابراهیم
المکرمین م مکتوب است الجزو السابع والعشرون در آیه الحکیم العلیم نوشته
میشود سوره الطور مکی است و چهل و نه آیه است بقول کوفی و شامی
و هشت بقول بصری و هفت بقول حجازی و در دو آیه خلاف است
اول والطور دوم الی نار جهنم دعا و سیصد و دوازده کلمه است
و هزار و پانصد حرف است و لوازم یک موضع و فواصل من تعا
و آنچه لازمه این سوره است نوشته میشود وقف لازم در آیه
الذینهم

الذین هم فی خوض یلعبون م مکتوب است و در بعضی نسخ بجای وقف
وقف لازم در کلمه ام اله غیر الله باختلاف نوشته شده که وقف
لازم درین سوره دو موضع باشد اما اصح آنست که در کلمه غیر الله
که علامت وقف مطلق است باید نوشت پس بنابرین درین سوره
وقف لازم یک موضع باشد که در آیه یلعبون مکتوب است
سوره والنجم مکی است و شصت و دو آیه است بقول کوفی و شصت و یک
بقول باقی علما و در عدد در سه آیه خلاف است اول من الحق
شیا دوم عن من تولی سیم انما الحیوة الدنیا و سیصد و شصت
کلمه است و هزار و چهارصد و پنج حرف است و فواصل ها ازن و آنچه
لازمه این سوره است نوشته میشود حزب در آیه من ربهم
الهدی مکتوب است بعضی حزب را در آیه و هو اعلم بمن اتقی
و جمعی در آیه و هو اعلم الاولی و قلیلی در اول سوره والنجم

گفته اند سجده واجبه در آیه فاسجدوا لله واعبدوا آخر سوره مکتوب است
سوره القمر بعضی سوره الساعة نامیده اند و مکی است و پنجاه و پنج
آیه است باتفاق و سیصد و چهل و دو کلمه است و هزار و چهار
صد و بیست و سه حرف است و لوازم دو موضع و فواصل الرا عنه
لازمه این سوره است نوشته میشود وقف لازم در کلمه فتول عنهم
در آیه الی شیء نکر مکتوب است وقف لازم در آیه ان المجرمین فی ضلال
و سعر م نوشته میشود نصف الجزو در آیه عند ملیک مقتدر آخر
سوره مکتوب است بعضی نصف الجزو را در آیه یخرج منهما
اللؤلؤ والمرجان و جمعی در آیه الاکمام و قلیلی در آیه فبای
آلاء ربکما تکذبان اول گفته اند و این سه آیه در سوره الرحمن
مذکور شد سوره الرحمن مکی است بعضی مدنی میدانند و هفتاد و هشت
آیه است بقول کوفی و شامی و هفت بقول حجازی و شش بقول بصری
ودر پنج

و در پنج آیه خلاف است اول الرحمن دوم خلق الانسان الاول سیم
الانام چهارم من نار پنجم المجرمون و سیصد و پنجاه و یک کلمه است
و هزار و ششصد و سی و شش حرف است و لوازم یک موضع و فواصل
نمن و آنچه لازمه این سوره است نوشته میشود وقف لازم در آیه
هذه جهنم التی یکذب بها المجرمون م مکتوب است و چون در نزول
این سوره خلاف واقع شده بیان آن میکنم و جمعی که مکی میدانند
میگویند جمیع این سوره در مکه نازل شده الا یک آیه که در مدینه
نازل شده و این آیه است یسئله من فی السموات والارض
کل یوم هو فی شان و بعضی که مدنی میدانند میگویند جمیع
این سوره در مدینه نازل شده الا یک آیه و آن اینست
یسئله تا آخر آیه مذکوره خلاف در یک آیه است سوره الواقعه
مکی است و نود و شش آیه است بقول کوفی و هفت بقول

بصری ونه بقول باقی علماء عدد و در چهارده آیه خلاف است اول
فاصحاب المیمنة دوم واصحاب المشئمة سیم علی سرر مصفوفة چهارم
واباریق پنجم وحور عین ششم ولا تأثیما هفتم واصحاب الیمین
هشتم ان شاء نهم واصحاب الشمال دهم والاخرین یازدهم
لمجموعون دوازدهم وکانوا یقولون سیزدهم فی سموم وحمیم چهار
دهم وریحان وسیصد وهفتاد وهشت کلمه است وهزار و
هفتصد وسه حرف است ولوازم یک موضع وفواصل لا ابق
منه و انچه لازم این سوره است نوشته میشود وقف لازم
در آیه لیس لوقعتها کاذبة م مکتوب است حزب در آیه ام نحن
المنشئون نوشته میشود بعضی حزب را در آیه فسبح باسم ربک
العظیم موجود در آیه لو تعلمون عظیم وتعلیق در آخر سوره گفته اند
سورة الحدید مدنی است و بیست ونه آیه است بقول کوفی و بصری و هشت

بقول

بقول کوفی و بصری و هشت بقول شامی وحجازی و در دو آیه خلاف است
اول قبله العذاب دوم واتیناه الانجیل و پانصد و چهل و چهار
کلمه است و دو هزار و چهارصد و هشتاد و شش حرف است و فواصل
منبر ردل وانچه لازمه این سوره است نوشته میشود وقف معانقه
در کلمه الصدیقون ق و الشهداء عند ربهم ط باختلاف مذکور است
الحزب الخامس والعشرون در آیه العظیم آخر سوره مکتوب است سوره
المجادله مدنی است و بیست و دو آیه است بقول کوفی و بصری و مدنی
الاول و بیست و یک بقول مکی و مدنی الاخیر و در یک آیه خلاف است
[illegible] و آن یک آیه اینست فی الاذلین و چهارصد و هفتاد و سه کلمه است
وهزار و هفتصد و نود و دو حرف است و فواصل من زرد سوره
الحشر مدنی است و بعضی بر آنند که مکی است بیست و چهار آیه است
باتفاق و چهارصد و چهل و پنج کلمه است و هزار و نهصد و سیزده

حرف است ولوازم یک موضع و فواصل من بن و انچه لازمه این
سوره است نوشته میشود وقف لازم در آیه ان الله شدید
العقاب م مکتوب است حزب در آیه فاولئک هم المفلحون منه
کور است بعضی حزب را در آیه انک رؤف رحیم گفته اند سوره
الممتحنه بعضی سورة الامتحان نامیده اند و مدنی است و پیش بعضی
مکی است و سیزده آیه است باتفاق و سیصد و چهل و هشت کلمه است
وهزار و پانصد و ده حرف است و فواصل لم نرد و انچه لازمه
این سوره است نوشته میشود وقف معانقه در کلمه ولا اولادکم
ج و کلمه یوم القیمة ج مکتوب است و این هر دو کلمه در آیه یفصل
بینکم سورة الصف بعضی سورة الحواریین نامیده اند و مدنی است
و پیش بعضی مکی است و چهارده آیه است باتفاق و دویست
و بیست یک کلمه است و هفتصد و بیست و شش حرف است و فواصل

صحن و انچه لازمه این سوره است نوشته میشود نصف الحزب در آیه
فاصبحوا ظاهرین آخر سوره مکتوب است بعضی نصف الحزب را در آیه
ان تقولوا ما لا تفعلون موجود در آیه والله لا یهدی القوم
الفاسقین گفته اند سورة الجمعه مدنی است و بعضی بر آنند که مکی است
و یازده آیه است باتفاق و صد و هشتاد کلمه است و هفتصد و
چهل و هشت حرف است و فواصل نم سورة المنافقون بعضی سورة
النفاق نامیده اند مدنی است بعضی بر آنند که مکی است
و یازده آیه است باتفاق و صد و هشتاد کلمه است و هفتصد
و هشتاد و شش حرف است و لوازم یک موضع و فواصل ن
و انچه لازمه این سوره است نوشته میشود وقف لازم
در کلمه لرسول الله م در آیه اول سوره مکتوب است سوره
التغابن مدنی است و بعضی مکی گفته اند و هجده آیه است باتفاق

و دویست و چهل و یک کلمه است و هزار و هفتاد حرف است و فواصل
مَنْ رَدَّ و آنچه لازمه این سوره است نوشته میشود حزب در آیه
فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ مکتوب است بعضی حزب را در آیه فَيُحْسِنَ الْمُحْسِنُ
و جمعی در آیه وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ و قلیلی در آیه ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ
و فرقه در آخر سوره میدانند سورة الطلاق مدنی است و پیش بعضی
مکی است و دوازده آیه است بقول کوفی و مدنی و شامی و یازده
بقول بصری و مکی و در چهار آیه خلاف است اول و الیوم الآخر
دوم مخرجا سیم یا اولی الالباب چهارم علی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ حم یعنی
حمصیان در این آیه خلاف کرده اند و دویست و چهل و نه کلمه است
و هزار و شصت حرف است و فواصل آ و آنچه لازمه این
سوره است نوشته میشود وقف مطلق در آیه الالباب ج و کلمه
امنوا قف با خلاف مذکور است سورة التحریم بعضی سورة المحرم
کفته اند

کفته اند و مدنی است و پیش بعضی مکی است و دوازده آیه است
باتفاق الا حمصیان که ایشان سیزده آیه میدانند و پیش ایشان
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حم آیه است و حم رمز حمصیان است و
دویست و چهل و نه کلمه است و هزار و صد و شصت حرف است و لوازم
یک موضع و فواصل رمّان و آنچه لازمه این سوره است نوشته
میشود وقف لازم در کلمه فِرْعَوْنَ م در آیه الظَّالِمِينَ مکتوب است
الجزء التاسع العشرون در آیه مِنَ الْقَانِتِينَ آخر سوره مکتوب است
سورة الملک و پیش بعضی سوره تبارک است و مکی است و سی آیه است
بقول کوفی و بصری و شامی و مدنی الاول و سی و یک بقول مکی و مدنی
الاخیر و در یک آیه خلاف است جَاءَنَا نَذِيرٌ سیصد و سی و
پنج کلمه است و هزار و سیصد و سیزده حرف است و فواصل نمش
و آنچه لازمه این سوره است نوشته میشود وقف غفران در کلمه

نَوْعَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مکتوب است سورة القلم پیش بعضی سوره
ن و پیش جمعی سوره ن والقلم است و مکی است و پنجاه و دو آیه است
باتفاق همه اهل عدد و سیصد کلمه است و هزار و دویست و پنجاه
و شش حرف است و لوازم سه موضع و فواصل نم و آنچه لازمه
این سوره است نوشته میشود وقف لازم در کلمه وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ
اكْبَرُ م در آیه يَعْلَمُونَ مکتوب است وقف معانقه در کلمه بِذٰلِكَ زَعِيمٌ
ج و کلمه شُرَكَاءَ ج مذکور است وقف لازم در کلمه كَصَاحِبِ الْحُوتِ م در
آیه مَكْظُومٌ مکتوب است وقف لازم در آیه وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ
م نوشته میشود حزب در آیه إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ آخر سوره مکتوب است
بعضی حزب را در آیه مِنْ بَاقِيَةٍ و جمعی در آیه نَخْلٍ خَاوِيَةٍ
و قلیلی در آیه نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ کفته اند که در اول سوره الحاقه
مکتوب اند سورة الحاقه مکی است و پنجاه و دو آیه است بقول کوفی
دیکی در

و حجازی و پنجاه و یک آیه است بقول بصری و شامی و در سه آیه
خلاف است اول الحاقه دوم ایام حُسُومًا حم حمصیان در این
آیه خلاف کرده اند سیم بشماله دویست و پنجاه و شش کلمه است
و هزار و هشتاد و چهار حرف است و فواصل هلمن سورة المعارج
بعضی سوره سال سائل و سورة السائل و سورة الواقع کفته اند
و مکی است و چهل و چهار آیه است بقول کوفی و بصری و حجازی و
چهل و سه آیه است بقول شامی و در یک آیه خلاف است و آیه
خلافی اینست خمسین الف سنة و دویست و شانزده کلمه است
و هشتصد و شصت و یک حرف است و فواصل جعلناهم سورة
نوح علیه السلم مکی است بیست و هشت آیه است بقول کوفی و بیست
و نه بقول بصری و شامی و سی بقول حجازی و در چهار آیه خلاف است
اول وَلَا سُوَاعًا دوم وَنَسْرًا سیم أَضَلُّوا كَثِيرًا چهارم فَأُدْخِلُوا

تا آنگاه دویست و بیست و چهار کلمه است و هشتصد و بیست و نه حرف است
و لوازم هیچ در این موضع و فواصل مِثْلًا و آنچه لازمه این سوره است
نوشته میشود وقف لازم در کلمه اِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ م در آیه تَعْلَمُونَ
مکتوب است نصف الجزو وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا آخر سوره
مکتوب است سورة الجن مکی است بیست و هشت آیه است باتفاق
الکل و اما آن ده مکی بیست و هفت آیه است و در یک آیه خلاف است
مِنَ اللهِ أَحَدٌ و دویست و هشتاد و پنج کلمه است و هفتصد و
پنجاه و نه حرف است و فواصل ا سورة المزمل مکی است بیست آیه است
بقول کوفی و مدنی الاول و مکی و شامی و نوزده بقول بصری و هیجده
بقول مدنی الاخیر و در سه آیه خلاف است اول يَا أَيُّهَا
الْمُزَّمِّلُ دوم الیکم رسولا سیم شِيبًا و صد و نود و نه کلمه است
و هشتصد و هشتاد و هشت حرف است و فواصل لا سوره

المدثر

سورة المدثر مکی است پنجاه و شش آیه است بقول کوفی و بصری و مدنی
الاول و پنج بقول شامی و مدنی الاخیر و در دو آیه خلاف است
اول يَتَسَاءَلُونَ دوم عَنِ الْمُجْرِمِينَ و دویست و پنجاه و پنج کلمه است
و هزار و ده حرف است و فواصل ر و نها و آنچه لازمه این سوره است
نوشته میشود وقف جائز در آیه أَنْ أَزِيدَ ۚ و کلمه كَلَّا ط باختلاف
مذکور است وقف جائز در آیه إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْبَشَرِ ۚ و کلمه كَلَّا ط ضبط
شده وقف جائز در آیه أَصْحَابَ الْيَمِينِ ط و کلمه فِي جَنَّاتٍ ط مکتوب است
حزب در آیه وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ آخر سوره نوشته شده و بعضی حزب را
در آیه فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ و جمعی در آیه بَلِ الْإِ
نْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ که در سوره القیمة مذکور است
میدانند سورة القیمة مکی است چهل آیه است بقول کوفی و سی و
نه بقول حجازی و بصری و شامی و در یک آیه خلاف است

و آیه خلاف انیست لِتَعْجَلَ بِهِ و صد و نود و نه کلمه است و
ششصد و پنجاه و دو حرف است و فواصل یا هر ق سورة الدهر
پیش بعضی سورة الانسان و جمعی سوره هل اتی مدنی است
و پیش بعضی مکی است و سی و یک آیه است بخلاف و دویست
و چهل و سه کلمه است و هزار و پنجاه و سه حرف است و فواصل
ا سورة والمرسلات مکی است پنجاه آیه است باتفاق و صد و هشتاد
و یک کلمه است و هشتصد و شانزده حرف است و فواصل
عنب و تم لنا و آنچه لازمه این سوره است نوشته میشود
الجزو الثلثون در آیه فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ آخر
سوره مکتوب است و بعضی الجزو الثلاثون را در آیه يَا لَيْتَنِي
كُنْتُ تُرَابًا آخر سوره عم گفته اند سورة النبا بعضی سوره
عم گفته اند و بعضی سورة المعصرات نامیده اند و مکی است

و چهل ایه

و چهل آیه است بقول کوفی و شامی و مدنی و چهل و یک بقول مکی
و بصری و در یک آیه خلاف است عَذَابًا قَرِيبًا و صد و
هفتاد و سه کلمه است و هفتصد و هفتاد حرف است
و فواصل نها سورة النازعات بعضی سورة الراجفه نامند
و مکی است و چهل و شش آیه است بقول کوفی و باقی علماء عدد
در دو آیه خلاف است اول ولانعامکم دوم فاما من طغی و صد
و هفتاد و نه کلمه است و هفتصد و پنجاه و سه حرف است
و لوازم چهار موضع و فواصل ها و آنچه لازمه این سوره است
نوشته میشود وقف لازم در آیه فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا م مکتوب است
وقف لازم در آیه أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ م ضبط شده وقف لازم در آیه
إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ م نوشته میشود وقف لازم در آیه هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ
مُوسَىٰ م مذکور است وقف النبی صلی الله علیه و آله در کلمه فحشر

در آیه فَنَادَی مکتوب است سورة عبس وبعضی سورة الاعمی نامند
ومهل ودو آیه است بقول کوفی وحجازی وچهل ویک بقول بصری
وچهل بقول شامی ودر سه آیه خلاف است اول وعرها
الناس دوم کلهم ولانعامکم سیم الصاخة وصد وسی وسه کلمه است
وپانصد وسی وسه حرف است ولوازم یک موضع وفواصل هادا نجه
لازمه این سوره است نوشته میشود وقف لازم در آیه فَمَن شَاءَ
ذَکَرَهُ ص مکتوب است سورة التکویر وبعضی سوره کورت می نامند
ومکی است وبیست ونه آیه است باتفاق وصد وچهار کلمه است
وپانصد وسی وسه حرف است وفواصل تسّم وانچه لازمه
این سوره است نوشته میشود حزب در آیه وَاِذَا العِشَارُ
عُطِّلَتْ مکتوب است وبعضی حزب را در اخر این سوره وجمعی
در اخر سورة الانفطار وفرقه در آیه عَلَی النَّاسِ یَسْتَوفُونَ

میداشت

میدانند وقلیلی در آیه مُعْتَدٍ اَثِیمٍ ودر اول سوره وَیْلٌ لِّلْمُطَفِّفِینَ
گفته اند وقول اول متفق علیه است وسه قول اخر مختلف
فیه است وجمعی از استادان برانند که قول اخر صحت ندارد درین
کتاب اشتباه شده اما درین زمان در اکثر مصاحف در اخر
سورة الانفطار می نویسند سورة الانفطار وبعضی سورة انفطرت
می نامند ومکی است ونوزده آیه است باتفاق وهشتاد کلمه است
وسیصد وبیست وهفت حرف است وفواصل تمکّنه سورة
المطففین وبعضی سورة التطفیف گفته اند ومکی است وسی و
شش آیه است باتفاق وصد وشصت ونه کلمه است وهفتصد و
سی حرف است وفواصل نم سورة الانشقاق وبعضی سورة انشقت
می نامند ومکی است وبیست وپنج آیه است بقول کوفی وحجازی
وسه بقول بصری وشامی در سه آیه خلاف است اول

کَدْحًا دوم بِیَمِینِهِ سیم وَرَاءَ ظَهْرِهِ وصد ونه کلمه است وچهار
صد وسی حرف است وفواصل قهرنجان وانچه لازمه این سوره است
نوشته میشود وقف مطلق در آیه اَن لَّن یَحُورَ ط وکلمه بَلَی ج
مکتوب است سجدهٔ مستحبه در آیه عَلَیْهِمُ القُرْاٰنُ لَا یَسْجُدُونَ
مذکور است سورة البروج مکی است وبیست ودو آیه است باتفاق
همه الا حمصیان که ایشان بیست وسه میدانند ویک آیه مخصوص
ایشان است وآن آیه این است مِن تَحْتِهَا الاَنْهَارُ ختم وصد و
نه کلمه است وچهارصد وسی حرف است وفواصل قطرظب جد
سورة الطارق مکی است وهفده آیه است بقول کوفی وباقی علما عدد
الاموی الاول که نزد ایشان شانزده آیه است ودر یک آیه
خلاف است وآیه خلاف اینست یَکِیدُونَ کَیْدًا وشصت ویک
کلمه است ودویست وسی ونه حرف است وفواصل ظلّ بق

عاد

فواصلها اللام جبهری

عَلَی الاَفْئِدَةِ لا مُؤْصَدَةٌ ط مُمَدَّدَةٍ ۝ سورة الفیل خمس آیات مکیة وحروفها ستة وتسعون وکلماتها ثلث
وعشرون الفِیلِ ط تَضْلِیلٍ لا اَبَابِیلَ لا مِن سِجِّیلٍ ص مَاکُولٍ ۝ سورة لایلاف وقیل سورة قریش
اربع آیات مکیة وحروفها ثلث وسبعون وکلماتها سبعة عشر قُرَیْشٍ لا وَالصَّیْفِ لا البَیْتِ لا مِن
جُوعٍ لا مِنْ خَوْفٍ ۝ سورة الماعون وقیل سورة الدین سبع آیات مکیة وقیل مدنیة وحروفها مائة
وخمسة عشر وکلماتها خمس وعشرون بِالدِّینِ ط الیَتِیمَ لا المِسْکِینِ ط لِلْمُصَلِّینَ لا سَاهُونَ لا یُرَاءُونَ لا
المَاعُونَ ۝ سورة الکوثر ثلث آیات مکیة وقال قتادة والعقیل مدنیة حروفها اثنان واربعون وکلماتها
عشر الکَوْثَرَ ط وَانْحَرْ ط هُوَ الاَبْتَرُ ۝ سورة الکافرون ست آیات مکیة وقیل مدنیة حروفها اربع و
تسعون وکلماتها ست وعشرون الکَافِرُونَ لا مَا تَعْبُدُونَ لا مَا اَعْبُدُ ج مَا عَبَدْتُّمْ لا مَا اَعْبُدُ ط
وَلِیَ دِینِ ۝ سورة النصر ثلث آیات مکیة وقیل مدنیة وحروفها تسع وسبعون وکلماتها تسعة عشر
وَالفَتْحُ لا اَفْوَاجًا لا وَاسْتَغْفِرْهُ ط تَوَّابًا ۝ سورة ابی لهب وقیل تبت وقیل سورة المسد
خمس آیات مکیة وحروفها ثمانون وکلماتها ثلث وعشرون وَتَبَّ ط کَسَبَ ط لَهَبٍ ج ...
... حَمَّالَةَ الحَطَبِ ... بالرفع علی تقدیر ... حمالة بالنصب ...
ومن قرء بالنصب فلا ان یقل ذَاتَ لَهَبٍ ... مَسَدٍ ۝ سورة الاخلاص اربع آیات مکیة
وقیل مدنیة وحروفها سبع واربعون وکلماتها خمسة عشر اَحَدٌ ج الصَّمَدُ ج لَمْ یُولَدْ لا ... وَلَمْ یُولَدْ لا

احكه ابو حاتم وابو بكر والاخفش لا يعقلون الى آخر السورة   سورة الفلق

خمس آيات مكية ويقال مدنية حروفها ثلث وسبعون وكلامها ثلث وعشرون الفلق ۝

ما خلق ۝ وقب ۝ في العقد ۝ حسد ۝ سورة الناس ست آيات ويقال مدنية

حروفها تسع وسبعون وكلامها عشرون الناس ۝ ملك الناس ۝ اله الناس ۝

من شر الوسواس ۝ مكرر الخناس ۝ من الناس ۝

والناس ۝

تمت الرسالة في يوم الاحد سادس عشر

من شهر جمادي الثاني من

شهور سنه ١١١٢